

## \*614 - مقابله با تلاش برای افزایش ساعات کار پرستاران کرمانشاه :

از اول خرداد ماه یک روز کاری به ساعت کاری پرستاران دارای بیش از ۱۸ سال سابقه کار اضافه شده است. از ۹ سال پیش تاکنون بخاطر سختی و فشار کار پرستاران یک روز کاری در هفته بعنوان تعطیل برای پرستاران دارای بیش از ۱۸ سال سابقه اعلام و اجرا شده است.

اما در آغاز سال جدید و بدنبال یورش هرچه بیشتر حکومت اسلامی به سطح دستمزدها و زندگی و معیشت کارگران و زحمتکشانش، پرستاران زحمتکش نیز از مواهب الهی حکومت سرمایه بی نصیب نمانده اند؟! در ابتدای سال جدید برای مدت چند روز ناهار و سرویس ایاب و ذهاب پرستاران بیمارستانهای کرمانشاه از جمله بیمارستان امام رضا را قطع کردند. این اقدام با اعتراض شدید پرستاران روبرو شد و حکومت در یک عقب نشینی آشکار در وحشت از اعتراضات پرستاران بلافاصله ناهار و سرویس پرستاران را برقرار کرد. اما تعرض دیگری را به زندگی پرستاران آغاز کرد. با توجه به لغو طرح تقلیل کاری پرستاران در سطح ایران و با توجه به سختی کار پرستاران و شیفتهای شبانه روزی و فرساینده، پرسنل بخش درمان، اکثر پرستاران در طول کار خود، به انواع بیماریها از جمله دیسک کمر و آرتروز و بیماریهای عصبی و در مواقعی بدلیل آلودگی محیط کار به بیماریهای خطرناک مسری و خونی مبتلا می شوند! این در شرایطی است که پزشکان و مدیران ارشد که سهامداران بسیاری از بیمارستانهای خصوصی نیز هستند هر ماه مبالغ میلیونی و هنگفتی تحت عنوان انواع پاداش و کارانه به جیب میزنند! پرستاران زحمتکش بیمارستانهای کرمانشاه در اعتراض به دستمزدهای ناچیز و کار سنگین و طاقت فرسا و همچنین افزایش ساعت کاری و لغو طرح تقلیل کاریشان از جانب حکومت طوماری تهیه کرده و دست به دست در بیمارستانهای خمینی، طالقانی و امام رضا به امضای پرسنل رسیده و خواهان رسیدگی به خواسته هایشان شده اند. این طومار برای ایزدی رئیس دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه و روشنی رییس بیمارستان امام رضا که بیش از ۲۰۰۰ پرسنل دارد ارسال شده اما تاکنون پرستاران جز جوابهای سر بالا و وعده های دروغ چیزی نشنیده اند.

### 615- حمایت جمعی از کارگران کارخانه ایران تایر از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه :

به گزارش "انجمن همبستگی با کارگران" در تاریخ 14 خرداد 87, "جمعی از کارگران کارخانه ایران تایر: فراخوان به حمایت از تحصن کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه

ساحل افتاده گفت گر چه بسی زیستم  
هیچ نه معلوم گشت آه که من کیستم  
موج ز خود رسته ای پیش خرامید و گفت  
هستم اگر میروم گر نروم نیستم

هم وطنان دلیر :

تحصن برحق کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه وارد بیست و هفتمین روز خود شده است . ایستادگیتان را میستاییم. غیرت و شرفتان را که به این همه بی عدالتی و نابرابری و ظلم وستم حکومتی ها تن نمیدهید می ستاییم.  
همیشه گفته ایم زنان و مردانی که برای اثبات حقانیت خود تلاش میکنند، مقدسند ، و باید از ایشان آموخت.  
کارگران و یاران قهرمان هفت تپه، ما نیز در کنار شما هستیم و همراه شما فریاد میزنیم: حقوق ماهیانه حق مسلم ماست/  
کارگر می میرد ذلت نمی پذیرد/ معیشت و زندگی حق مسلم ماست/ فرماندار بی لیاقت استعفا استعفا/ تا حقان را نگیریم از پا نمی نشینیم / ای آمران سرکوب از ظلمتان به خشمیم، ما زن و مرد جنگیم بجنگ تا بجنگیم  
جالب اینجاست که "احمدی نژاد" در ابتدای سال روی کار آمدن خود وعده آوردن نفت بر روی سفره ها را داده بود!!! اگر منظور از نفت بر روی سفره ها، عدم پرداخت 3 ماه حقوق کارگر و نداشتن حتی يك لقمه نان و ... است، وای بحال اینکه همین وعده رو هم نمی داد؟؟؟

در اینجا لازم است به تاریخ اندیشان هشدار دهیم که اگر تصور میکنند با بی عدالتی و سرکوب و خفقان و ایجاد موانع میتوانند به عمر کارگر خاتمه دهند سخت در اشتباهند و این گمان باطل و خام است چرا که این نه تنها ضعفشان را نمایان میکند بلکه موجب استواری و انسجام هر چه بیشتر این جنبش و نزدیکی همه جنبش های حق طلب و آزادی خواه، اعم از جنبش دانشجویی، معلمان و زنان و... می گردد.

سوال این است که چرا بر اجرای طرح های شکست خورده خود، اصرار می ورزید؟ و چرا از اشتباهات گذشته خود درس عبرت نمی گیرید؟ باید خیال سر به زیر نشستن و دست به سینه بودن در برابر نیزه های اختناق تان را از سر بیرون کنید. از کلیه تشکل ها و انجمن های کارگری سراسر کشور می خواهیم از این حرکت حمایت کرده و به هر شکل و ابتکاری اعم از اعتراضات عمومی یا پوشش های خبری و تبلیغی حمایت خود را از حرکت شجاعانه کارگران زحمت کش کارخانه نیشکر هفت تپه اعلام دارند.

دروید بر کارگران با غیرت هفت تپه که از مقاومت و ایستادگی برای حق مسلم خود دست برداشته اند. حضور و حمایت تک تک ما، مشت محکمی بر چپاول گران دولت است که میخواهند عدالت را به یغما ببرند. به ما ببینید.

## (\*616- قند و شکر در تبریز کمیاب شد:

روزنامه اعتماد در تاریخ 13 خرداد 87 نوشت: به رغم تکذیب افزایش قیمت قند و شکر از سوی مسوولان محلی، این محصولات در بازارهای آذربایجان شرقی به ویژه تبریز نایاب شد. شنیده‌ها حاکی است، در پی شایعه افزایش قیمت قند و شکر، این محصولات به یکباره از دیروز از سطح تبریز جمع شده و فروشندگان از فروش قند و شکر به مشتریان خودداری می‌کنند.

## 617" در باره مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه"

وضعیت اقتصادی در جامعه هر روز بیشتر به ضرر ما کارگران تغییر می‌نماید. طی همه ی سالهای گذشته تورم بدون وقفه سیر صعودی داشته است. در صورتی که دستمزد ما کارگران متناسب با تورم افزایش نیافته و در نتیجه سفره کوچک ما هر روز بیشتر از قبل کوچکتر و محقرتر گردیده است. از سوی دیگر خیل عظیم بیکاران در جستجوی کار با نازل ترین دستمزدها باعث شده، تا همواره خطر بیکاری و جایگزینی کارگران بیکار بر بالای سر ما سنگینی نماید. هزاران و شاید میلیونها کارگر بیکار و هزاران یا میلیونها کارگر در معرض بیکاری عرصه را بیشتر بر ما تنگ نموده است. هر روز در مقابل چشم مان و یا از طریق روزنامه ها در جریان فجایعی که به خاطر بیکاری و فشارهای اقتصادی گریبان خانواده های کارگری را می‌گیرد، قرار می‌گیریم. ما کارگران در پرخطرترین و سختترین شرایط در محیطهای کار، همه نعمات جامعه را می‌آفرینیم اما هر روز بیشتر و بیشتر ما را از بهرمنند شدن از آنها محروم می‌کنند. نیروی جسمی و فکری ما ذره ذره به کالاهایی منتقل می‌شود که در بسیاری موارد داشتن آن ها برای ما یک حسرت دانمی است. خودروهای گران قیمت، خانه های لوکس و با امکانات رفاهی فراوان، بهترین غذا ها در رستوران های بالای شهر، سفرهای پُر هزینه به کشورهای دیگر و ... برای ما خواب و رویایی شده اند. کودکاتی که در خیابانها ساعتهای مدیدی گدایی و یا دست فروشی می‌کنند یا فرزندان کارگران از کار افتاده و بیکارند و یا فرزندان کارگران و تُهی دستان معتادی هستند که قربانیان شرایط وخیم اقتصادی سرمایه دارند. در جامعه ای که کمتر از ۱۷ درصد زنان شاغل هستند و فرصتهای شغلی بسیار کمی برایشان وجود دارد، چگونه می‌توانند از یک موقعیت انسانی وآسوده بر خوردار باشند؟ جامعه ما و همه دنیا در دهه های گذشته صنعتی تر و مدرن تر شده است، اما از اینهمه امکانات و تکنولوژی نصیب ما جز فقر بیشتر و تنگدستی چه بوده و هست؟ دنیا با سرعت سرسام آوری در زمینه های مختلف اقتصادی پیشرفت می‌نماید اما کمر ما زیربار کار، ناامنی شغلی، ساعات زیاد کار و یا بیکاری، تورم، آسیب های اجتماعی و ... خم شده است. آیا واقعا سهم ما از دنیای کنونی همین است؟ آیا همه به اندازه کاری که می‌کنند سهم می‌برند؟ آیا معنی عدالت همین است؟ آیا اقتصاد و جامعه ما بطورکلی فقیر است؟ آیا همه اینها تقدیر و مشیت است؟

با یک نگاه گذرا به قطب دیگر جامعه درمی‌یابیم که واقعیت همه آن چیزی نیست که به ما تحمیل شده است. ثروتهای نجومی " آقا ها و آقازاده ها"، امکانات گسترده ، هزینه های دهها و صدها میلیارد دلاری خرید تسلیحات نظامی، مازاد بودجه صدها میلیارد دلاری ناشی از قیمت بالای نفت، تاجرانی که کشتی های تجاری را بروی دریا معامله می‌کنند، صاحبان صنایع و کارخانه های متعدد، میلیاردها دلار هزینه برای بازسازی ویا کمک در خارج کشور- که فقط یک مورد آن که در روزنامه اعتماد به تاریخ ۲۹/۲/۸۷ درج گردیده هشتصد میلیارد تومان هزینه بازسازی یکی از مکانهای مذهبی در عراق است - میلیاردها دلار سرمایه گذاری داخلی و خارجی در صنایع نفت و گاز، منابع غنی زیر زمینی که ایران را در ردیف یالاترین کشورهای دارای منابع غنی معدنی قرار داده است. ایران دومین صادر کننده کارتل نفتی اپک است. ایران پس از روسیه دومین منابع گازی جهان را دارد. ایران یکی از بزرگترین صادر کنندگان سنگهای تزئینی و ساختمانی است. ششمین صادر کننده گوگرد جهانییم. بازار کشورهای حوضه خلیج فارس مملو از میوه های ایرانی است. ایران یکی از صادر کنندگان بزرگ مس در دنیا است. در این رابطه ساعت ها می‌توانیم آمار بیاوریم ، اما از اینهمه امکانات و ثروتهای اقتصادی ما را چه سود؟ در مقابل اینهمه ثروتی که هر روز بیشتر و بیشتر انباشت می‌شود چرا سهم ما کمتر و کمتر می‌گردد؟ چرا باید برای داشتن حد اقل امکانات انسانی و حتی کاری شرافتمندانه دغدغه و اضطراب داشته باشیم؟

در چنین وضعیتی کارگران نیشکر هفت تپه که تا چند سال پیش حدود هفت هزار نفر بودند و حالا به ۳۵۰۰ نفر رسیده اند، بیش از چهار ماه است که دستمزد دریافت نکرده اند. دستمزد کارگران نیشکر هفت تپه بارها و بارها عقب افتاده و آنها در تنگنایی مضاعف قرار گرفته اند. چرا کارگران نیشکر هفت تپه شعار "کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه" سرداده اند؟ کارگران نیشکر هفت تپه همچون همه کارگران از یکسو تحت فشار تورم لجام گسیخته قرار دارند و از سوی دیگر امنیت شغلیشان در خطر است. با وجود آنکه کارخانه نیشکر هفت تپه زمینهای زیر کشت نیشکر بسیاری

دارد و در واقع تولید شکر در جامعه ما خود کفاست، اما با واردات بی رویه و گسترده شکر، شکر تولید شده ی این کارخانه در انبارها ذخیره شده اند. هزاران کارگر نیشکر هفت تپه دستمزد نمی گیرند تا " آقایان و آقازاده ها" میلیاردها دلار از بابت واردات شکر سود ببرند. مجموع مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه کمتر از ده میلیارد تومان است، اما برداشت از صندوق ذخیره ارضی ۳۵۰۰ میلیارد تومان بوده که عمدتاً به بخش خصوصی داده شده و یا صرف دیگر مخارج دولتی شده است. کارگران نیشکر هفت تپه با اعتصاب، راه بندان، و تجمع، صدای اعتراضشان را بگوش همه رسانده اند. آنها حدود یک ماه است که با تمام توانشان در مقابل سرمایه داران اعتراض می کنند. اما پاسخ مسولین یا بی توجهی یا بازداشت و برخورد با کارگران بوده است. نیروهای انتظامی و امنیتی شهر شوش را محاصره نموده اند تا " در صورت لزوم وارد عمل شوند". اما مگر این کارگران چه می خواهند و چه می کنند؟ کارگران جز دستمزد ناچیزی که همه می دانند کفاف زندگی حد اقلی را نمی دهد، مگر چیز دیگری می خواهند؟ کارگران و خانوادهایشان بیش از ۴ ماه است که شدیداً تحت فشارند و آب باریکه زندگیشان قطع شده است. نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه یا به دادگاه و بازجویی فرا خوانده شده اند و یا در بازداشت پسر می برند. نیروهای نظامی در مقابل آن ها آرایش نظامی گرفته اند تا آن ها را مرعوب نمایند. رسانه های رسمی و قانونی سانسور خبری ایجاد نموده اند تا مبادا صدای کارگران گرسنه هفت تپه بجایی برسد. اما مثلاً در باره سفر آقای رئیس جمهور به سریلانکا و پرداخت دو میلیارد دلار وام بلا عوض به دولت سریلانکا مدت زیادی در اخبار گزارش ارائه می کنند. آیا بهتر نیست که به جای وام بلا عوض به دولت سریلانکا و امثال آن دستمزد عقب افتاده کارگران پرداخت گردد؟ اما ظاهراً مسولین و دیگر سرمایه داران دائماً به ما ثابت می کنند که حق گرفتنی است و نه دادنی.

اما کارگران نیشکر هفت تپه در راه گرفتن حقشان تنها هستند. صدای اعتراض آنها نه تنها برای بیان دردهای میلیونها کارگر در ایران کافی نیست، بلکه حتی برای حق خودشان هم کفاف نمی دهد. در دنیای سرمایه داری امروز با هزاران امکانات انحصاری، کارگران نمی توانند جدا از هم و پراکنده حق شان را بستانند. کارگران نیشکر هفت تپه که حدود یک ماه است ایستادگی و مقاومت نموده اند نیاز به یاری و کمک دیگر هم طبقه ای هایشان دارند. هر چند ما کارگران نیز همچون کارگران نیشکر هفت تپه فاقد سازماندهی و تشکل لازم هستیم، و جدا از هم و پراکنده ایم، هر چند ما کارگران نیز به چنان سطحی از مبارزه و اتحاد نرسیده ایم که بتوانیم به تمامی و وسیعاً به کمک کارگران نیشکر هفت تپه بشتابیم، و همه این ها ضعف های بزرگ طبقاتی ما هستند، اما می توانیم با بیان خبر اعتراضی کارگران نیشکر هفت تپه در محیط های کارمان، با کمک مالی به آنها، با برپایی مراسم هایی هر چند کوچک در اعتراض به وضعیت آنها، با دادن بیانیه حمایتی از طرف کارگران محل کارمان، به کارگران نیشکر هفت تپه کمک نماییم. نباید همه اینها را دست کم گرفت. هر کدام از این فعالیت های حمایتی از کارگران نیشکر هفت تپه در حد خود موثر است و می تواند به آنها روحیه و اعتماد بنفس بدهد.

اما کارگران نیشکر هفت تپه نیز می توانند با متشکل نمودن خود و و تثبیت سندیکایی که موجودیت آن را اعلام نموده اند، سپر دفاعی در مقابل سرمایه داران برای خود ایجاد نمایند. با متشکل شدن کارگران راه برای تداوم مبارزه و اتحاد با دیگر کارگران بیش از پیش باز می گردد. چاره ما کارگران در مقابل دستگاه عریض و طویل سرمایه داران فقط متشکل شدن و اتحاد است.

ما کارگران متشکل در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" در حد توان مان از مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه حمایت می کنیم و هر گونه برخورد سرکوبگرانه و مرعوب کننده را بشدت محکوم می نماییم. ما خواهان پرداخت بدون قید شرط دستمزد کارگران نیشکر هفت تپه باضافه خسارت ناشی از تاخیر پرداخت در این مدت هستیم. ما کارگران متشکل در "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" خواهان توقف محاکمه ی فعالین کارگری هفت تپه و آزادی فعالیت این کارگران برای پیگیری مطالبات همکاران شان هستیم، و هر گونه فشار پلیسی به کارگران هم چون بازجویی، احضار به دادگاه و تهدید را شدیداً محکوم می نماییم. ما از همه مجامع کارگری بین المللی تقاضا داریم در حمایت از هم طبقه ای هایشان دست به اقدام زده و در این راه تلاش نمایند.

" کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری "

۸۷/ ۳ / ۱۴

Komite.hamahangi@yahoo.com

## 618- مرگ دو کارگر در آسانسور:

به گزارش سایت سلامت دمکرات در تاریخ 14 خرداد 87: بار دیگر حوادث حین کار جان کارگران را گرفت. دوکارگر به نامهای سعید-ح 30 ساله و وهاب-ن 30 ساله در شهر کرج که در حال قرار دادن بار بر روی بام کابین آسانسور بودند، با به حرکت در آمدن ناگهانی آسانسور، در طبقات فوقانی در بین کابین و دیواره آسانسور گیر کردند و بر اثر فشار وارده دچار خفگی شده و در نهایت جان خود را از دست دادند.

## 619- گلایه‌های یک راننده از مردم و دولت :

کمال حسینی  
در حالی که چانه‌زنی ما بر سر کرایه تاکسی به اوج خود رسیده بود، یک مرتبه راننده گفت: "شما مردم فقط زورتان به مای ضعیف می‌رسد، همه قیمت‌ها یک شبه بالا می‌روند شما حرفی نمی‌زنید، ما که حق خودمان را می‌خواهیم بر سرمان داد می‌زنید."  
راننده این را که گفت، تصمیم گرفتم که بیشتر از این باهاش بحث نکنم و سوار شوم. از ابتدای مسیر تا رسیدن به مقصد که دانشگاه بود و ربع ساعتی طول کشید، این راننده از دلخوری‌هایش برای من سخن گفت. من هم که البته زیاد مخالف با او نبودم (مگر در مواردی که حرفش را به چاشنی عصبانیت و احساس آمیخته می‌کرد) به غیر از گوش دادن کاری نکردم.  
راننده تاکسی که معلوم می‌شد تا حدودی پیگیر اوضاع و احوال روز هم می‌باشد، با لحنی گلایه منداانه خطاب به مردم می‌گفت: "هر چقدر مردم از مشارکت‌های پس از انتخاب فاصله بگیرند جامعه به جای پیشروی دچار پسروی می‌شود. مقدار زیادی از مشکلاتی که امروز دامنگیر همه ما شده است ناشی از بی‌تفاوتی مردم نسبت به سرنوشت خودشان است. چرا نباید در چنین مواقعی که گرانی زندگی همه ما را فلج کرده است، ما حرف بزنیم! کجای این کار جرم است که مردم اینگونه از عواقب آن باید بترسند! اینکه ما بگوییم چرا قیمت تاید یک شبه دو برابر شده است، سیاسی است؟! جرم است؟! یا تخم مرغ؟! اگر مردم اعتراض کنند به اینکه چرا قند و شکر در این شهر بزرگ (تبریز) نایاب شده است، خطاست؟! کجای این جرم است که ما بگوییم چرا برنج با سه برابر قیمت هم پیدا نمی‌شود!؟"  
اینها را گفت من جا خوردم چون در واقع انگشت روی درد بزرگی گذاشت که چندی است دامنگیر جامعه ما شده است. در این لحظه خواستم کمی او را آرام کنم ولی او دوباره سخنان خود را با همان لحن و اینبار خطاب به دولت‌مردان از سر گرفت: "ما نمایندگان و رئیس جمهور را انتخاب می‌کنیم که جلوی این آشفتگی‌ها را بگیرند، امنیت معیشت را برایشان فراهم کنند نه اینکه شب بخوابیم و فردایش ببینیم خاک بر سرمان شده است. اینها را انتخاب نکرده‌ایم که رئیس‌مان باشند، بلکه این مأموریت را به آنها داده‌ایم که پاسدارمان باشند و به فکر رفاه و امنیت ما شهروندان باشند."  
برای شروع کلاس من فقط پنج دقیقه وقت باقی بود و این در حالی بود که راننده عزیز چنان روی سخنان اعتراضی خود متمرکز شده بود که پایش روی پدال گاز کم کم برداشته می‌شد و هر چه بر عصبانیتش افزوده می‌شد کیلومتر شمار ماشین سرعت کمتری را نشان می‌داد. تا خواستم این نکته را به او گوشزد کنم که من دیرم شده و به همین خاطر در بست گرفته‌ام، گفت: "تا زمانی که خانواده‌ها فرزندان‌شان را از سیاست بترسانند و به آنها کناره‌گیری از مسائل سیاسی را یاد بدهند و به جای اینکه فرزندان‌شان را به مشارکت تشویق کنند از آنها بخواهند سرشان در لاک خودشان باشد، نباید انتظار داشته باشیم وضع‌مان از این بهتر شود. تا زمانی که باور نداشته باشیم به اینکه تلاش ما در راستای منافع جمعی برایمان رفاه به ارمغان می‌آورد نه تلاش برای رسیدن به منافع شخصی، انتظار کشیدن برای اصلاح امور و بهبود وضعیت بی‌فایده است."  
با خودم گفتم؛ همین فردی طلبی‌هاست که پسروی جامعه ما را سرعت بخشیده است. اما برای اعلام موافقت با سخنان این راننده تاکسی راهی جز سکوت و سر تکان دادن به نشانه تأیید نداشتم. از یک طرف خوشحال بودم به وسعت بینش و آگاهی او، و از طرفی مایوس و متأسف برای اینکه شهروندان ما اینگونه با مشقت و نگرانی هزینه و مخارج روزانه خود را به دست می‌آورند. در حالی که به دانشگاه نزدیک می‌شدیم، راننده تاکسی که احساس می‌کرد سخنانش ناتمام مانده است، گفت: "ما باید بدانیم آنچنان که انتخاب این مسولان وظیفه ماست، پیگیری و نظارت بر عملکردشان و اعتراض و انتقاد از آنان نیز از وظایف ماست. آنچنان که آنها به هنگام انتخابات از ما انتظار دارند که مشارکت کنیم و دوست دارند انتخابشان کنیم باید همانطور هم بپذیرند که آنها فقط در برابر ما مسولند و باید پاسخگوی ما باشند. اینان برای ما می‌روند و هر کاری می‌کنند باید ما را از یاد نبرند."  
هنگامی که پیاده می‌شدم این راننده به من گفت: "اینها را به هم‌کلاسی‌هایت هم بگو که بدانند."

## 620- احتساب سابقه کار در پرداخت حقوق کتابداران قراردادی :

معاون امور اداری و مالی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور گفت: امسال در پرداخت حقوق و مزایا، به سوابق نیروهای قراردادی توجه می‌شود.  
به گزارش خبرگزاری کتاب ایران، مهدی اویار حسین در جلسه شورای اداری اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان خوزستان اظهار داشت: تشکیلات نهاد کتابخانه‌های عمومی در عمر سه ساله خود بسیاری از مشکلات را برطرف کرده است.  
وی ادامه داد: امسال قصد داریم حقوق و مزایای کارمندان نهاد کتابخانه‌ها را به صورت متمرکز پرداخت کنیم.

## اخبار مبارزات کارگران ایران ،

هفته سوم خرداد ۱۳۸۷ (یونی ۲۰۰۸)

### 621- تداوم اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه و احتمال پیوستن کارگران کوره های آجر پزی شبستر و میاندوآب به اعتصاب :

بنا به گزارش اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتصاب هزاران کارگر کارخانه های آجر پزی ارومیه وارد یازدهمین روز خود شد و احتمال پیوستن کارگران کوره های آجر پزی شبستر و میاندوآب نیز به این اعتصاب وجود دارد. کارگران کوره های آجر پزی ارومیه خواهان افزایش نرخ هر یک هزار آجر از 9500 تومان به 15000 تومان هستند و بر ادامه اعتصاب خود تا رسیدن به خواسته هایشان تاکید دارند.

لازم به ذکر است که کارفرمایان در طول این مدت برای در هم شکستن اعتصاب کارگران بویژه در کوره های آجر پزی منطقه جاده انهر به شیوه های غیر انسانی مانند " قطع گاه و بیگانه آب و برق، خاموش کردن حمامها، جلوگیری از آمدن فروشندگان ارزاق عمومی به محل زیست کارگران، تلاش برای ایجاد دو دستگی در میان آنان و گسیل گاه و بیگانه مامورین نیروی انتظامی به کوره پزخانه ها و بازداشت کارگران و انتشار شایعه دخالت بیشتر نیروهای انتظامی" تلاش کرده اند با ایجاد فشار و اختلال در زندگی روزمره این کارگران به اعتصاب پایان داده و کارگران را وادار به عقب نشینی کنند.

این در حالی است که بنا بر خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه های آجر پزی شبستر و میاندوآب نیز مصمم هستند هفته آینده دست به اعتصاب زده و به همکاران اعتصابی خود در ارومیه ملحق شوند. همچنین بنا بر خبرهای تائید نشده که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است کارگران کارخانه های آجر پزی تاکستان نیز دست به اعتصاب زده و در پی اقدام کارفرمایان در استفاده از اعتصاب شکنان و ایجاد درگیری سه نفر از کارگران زخمی شده اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران 1387/3/16

سایت: [www.ettehade.net](http://www.ettehade.net)

ایمیل: [k.ekhraji@gmail.com](mailto:k.ekhraji@gmail.com)

فاکس: 02144514795

### 622- پایان اعتصاب 30 روزه کارگران کوره های آجرپزی :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 16 خرداد 87؛ با شکسته شدن اعتصاب 30 روزه کارگران کوره پزخانه های قرچک بر سر توافق قیمت منصفانه خشت خام، کوره های آجرپزی روز گذشته برای بار دیگر روشن شد. به گزارش خبرنگار دسترنج، روز گذشته با توافق 3 نماینده کارگری و 38 مالک کارخانه، قیمت هزار خشت خام از 12500 تومان به 14 هزار تومان رسیده و مورد تایید طرفین قرار گرفت. بنا بر این گزارش بیش از 3 هزار کارگر معترض، با این توافق و با پایان اعتصاب 30 روزه بر سر کار خود بازگشتند. گفتنی است کارگران شاغل در کوره پزخانه ها روزانه بیش از 17 ساعت کار کرده و در نهایت طی این مدت 14 هزار تومان دستمزد می گیرند.

### 623- کارگران کوره پزخانه های شبستر و میاندوآب دست به اعتصاب زدند:

رئیس اداره کار ارومیه به نمایندگان کارگران آجر پزیها: بروید سرکارتان، وگرنه میدهم نیروی انتظامی همه تان را بیرون بیاندازد

امروز حدود سی نفر از نمایندگان کارگران کارخانه های مختلف آجرپزی ارومیه جهت پیگیری خواست خود مبنی بر افزایش دستمزدها به اداره کار این شهر مراجعه کردند اما با برخورد تحقیر آمیز قربانی زاده رئیس روابط کار این اداره مواجه شدند. وی با تحقیر کارگران و داد و فریاد به آنان اعلام کرد باید سرکارتان برگردید و اگر کار را شروع نکنید می‌دهم نیروی انتظامی همه شما را از سر کارهایتان بیرون بریزد.

پس از این برخورد رئیس روابط کار اداره کار ارومیه با کارگران، آنان نیز کوتاه نیامده و ضمن اعتراض به وی خواهان انجام وظایف قانونی اش شدند و نهایتاً قربانی زاده به کارگران اعلام کرد بروید با کارفرماهایتان مشکل را خودتان حل کنید. بدنبال این وضعیت کارگران از اداره کار خارج شده و متحدتر از همیشه بر تداوم اعتصاب خود تاکید کردند. این نمایندگان از کارخانه ها و کوره های مختلفی به اداره کار ارومیه مراجعه کرده بودند.

اعتصاب کارگران کارخانه ها و کوره های آجرپزی ارومیه در حالی ادامه دارد که بنا بر اخبار دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، از دیروز کارگران کوره های آجرپزی شبستر و میاندوآب نیز اعتصاب خود را با خواست افزایش دستمزدها شروع کرده اند و هم اکنون در اعتصاب بسر می برند.

در همین حال کارگران کوره پزخانه های قرچک نیز پس از سی روز اعتصاب موفق شدند کارفرماها را به عقب رانده و خواست خود را بر آنان تحمیل کنند. این کارگران پس از توافق با کارفرماها بر روی دستمزد 14 هزارتومانی به ازای هر هزار عدد آجر، اعتصاب خود را پایان داده و شروع بکار کرده اند.

اتحادیه آزاد کارگران ایران 16/3/1387

سایت: [www.ettahade.net](http://www.ettahade.net)

ایمیل: [k.ekhraji@gmail.com](mailto:k.ekhraji@gmail.com)

فکس: 02144514795

## (\*624- بحران برنج در ایران :

به گزارش سایت سلام دمکرات در 16 خرداد 87؛ رئیس جمهور احمدی نژاد معتقد است دستان مرموز " مافیای بازار" در کار است تا دستاوردهای دولت او را از چشم ها دور بدارد. رضا که صاحب یک سوپر مارکت است دیگر نمی داند که چگونه در مورد قیمت بالای برنج به مشتریانش توضیح بدهد.

از اول سال جدید در ایران در 21 مارس، قیمت برنج، این مهم ترین ماده غذایی ایرانی ها سه برابر شده است. رضا که یک فروشنده خرده پا در تهران است می گوید: "در این شرایط مردم معمولی به هیچ وجه استطاعت تهیه برنج را ندارند. آن ها من و سایر فروشندگان را مقصر می دانند." قیمت های بالا برای رئیس جمهور احمدی نژاد هم مشکل ایجاد کرده اند. برای بیشتر ایرانی ها برنج از سیاست های فوق العاده محافظه کارانه احمدی نژاد و یا درگیری های دائمی اش با غرب در مورد سیاست های اتمی مهم تر است. در ایران تقریباً تمام غذاها با برنج خورده می شوند و در شرایط حاضر این امر باعث بالا رفتن هزینه ها شده است. در اوایل ماه مارس یک کیلو برنج معادل یک و نیم یورو قیمت داشت اما الان بهای یک کیلو برنج تا پنج یورو هم بالا رفته و قیمت ها هم چنان رو به افزایش است.

## 625- اقدام غیرقانونی شرکت سما در کاهش حقوق کارگران :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 16 خرداد 87؛ بیش از 100 کارگر شاغل در مجتمع تولیدی صنعتی سما کردستان نسبت به عملکرد مدیریت واحد خود در کسر نیمی از حقوق شغلی اردیبهشت ماه معترضند. اقبال رضایی، فعال کارگری در کردستان با بیان این مطلب به دسترنج گفت: مدیریت این مجتمع در اقدامی غیرقانونی نیمی از حقوق دریافتی کارگران خود را به دلیل 13 روز تعطیلی اول سال کسر کرده است. او گفت: پیش از این نیز بیش از 100 کارگر شاغل در این واحد بنا به دستور مدیریت از کار برکنار شده بودند. رضایی گفت: اقدامات غیرقانونی از سوی مدیریت این واحد تولیدی کارگران را به شدت معترض کرده است.

## 626- کار با ماهی 80 هزار تومان؟! :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 16 خرداد 87؛ کارگران کارخانه توت فرنگی قزل اوزل کردستان يك سال است که حقوقی دریافت نکرده اند.

اقبال رضایی، فعال کارگری در کردستان با بیان این مطلب به دسترنج گفت: این کارگران ماهانه معادل 80 هزار تومان دریافت می کردند.



او با اشاره به اینکه کارگران پاداش و عیدی دریافت نکرده اند، گفت: روز گذشته این افراد در اعتراض به عملکرد مدیریت به تشکیلات کارگری کردستان مراجعه کردند.

#### 627 - در تخریب سرپناه نمازگزاران در ارایش سلسله نعمت الهی گنابادی در همدان، دو کارگر دچار حادثه شدند:

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 16 خرداد 87؛ نیروهای پلیس ساختمان شهرداری همدان در اقدامی بی سابقه سرپناه نمازگزاران در ارایش سلسله نعمت الهی گنابادی در همدان را تخریب کردند. این سرپناه که در حیاط منزل شیخ این سلسله در همدان واقع بود در روز 12 خرداد ماه سالجاری توسط نیروهای پلیس ساختمان شهرداری و بدون در نظر گرفتن ضوابط قانونی و حریم امن خانه این شیخ ویران شد. گفتنی است پیشتر استاندار همدان در دیدار با نماینده شیخ این سلسله وعده داده بود که با پایان ایام ارتحال امام(ره) خود شخصا این مساله را سروسامان دهد. گفته می شود که در هنگام تخریب این سرپناه که با استناد به رای کمیسیون ماده 100 شهرداری صورت گرفته است، دو تن از ماموران شهرداری دچار حادثه شدند که فراهانپور، شیخ این سلسله در همدان با قربانی کردن یک گوسفند برای رفع بلا از ایشان، این کارگران را یاری داد.

#### 628- بخشنامه حراست شرکت انرژی پارس: در صورت عدم ازدواج از کار اخراج خواهید شد:

امیرکبیر

سازمان منطقه ویژه اقتصادی انرژی پارس، طی بخشنامه ای به تمامی کارکنان مجرد این شرکت دستور داده است هر چه سریعتر ازدواج نمایند، و در غیر اینصورت از شرکت اخراج خواهند شد.

#### 629- دستگیری یک معلم در دهگلان :

به گزارش سایت تریبون جوان در تاریخ 17 خرداد 87؛ طی روزهای اخیر "حسین سعیدی" معلم، فعال مدنی و سرپرست گروه کوهنوردی دهگلان از سوی نیروهای امنیتی در محل کارش دستگیر و به مکان نامعلومی منتقل شده است. علیرغم سعی و تلاش خانواده، همکاران و دوستان هیچ اطلاعی از سرنوشت وی در دست نیست.

#### 630- گزارش منفی نیشن از وضعیت اجتماعی ایران :

به گزارش رادیو صدای آلمان در تاریخ 17 خرداد 87؛ یک خبرنگار آمریکایی که به تازگی از ایران بازگشته، پس از گفتگو با تعداد زیادی از ایرانیان، نگرش آنها را در قبال حکومت خود همچون طیفی توصیف می کند که «از بردباری اندوهناک تا خصومت عمیق» را در برمی گیرد.

به گزارش دویچه وله، یکی از ویراستاران هفته نامه «نیشن (Nation)» در آمریکا که به همراه هیأتی وابسته به یک سازمان صلح طلب مذهبی به ایران سفر کرده، این هفته درباره دیدارهای خود با مقامات ایرانی گزارشی منتشر کرده است (نیشن، تاریخ روی جلد ۹ مه). میزبان این گروه صلح طلب در تهران، سازمان دولتی «مرکز گفتگوی ادیان» بوده است. در این گزارش از روحیه منفعل مردم صحبت به میان می آید و گفته می شود بسیاری از کسانی که در انتخابات مجلس اسلامی شرکت کردند از روی ناچاری و به خاطر آنکه بعداً دچار مشکل شغلی نشوند به پای صندوق رأی رفتند. مهربی که به هنگام رأی بر کارتهای شناسایی زده می شود نشانگر شرکت شهروندان است.

خبرنگار هفته نامه نیشن می نویسد اگر بخواهیم بدانیم قدرت واقعی و بودجه در ایران در دست چه نهادهایی قرار دارد، کافی است که به مرکز تحقیقاتی دارالحدیث در شهر قم سری بزنیم. این تشکیلات عریض و طویل، به یمن جنب و جوش تعداد زیادی روحانی و پژوهشگر دینی فعال است - پژوهشگرانی که با عشق و علاقه در محیطی مدرن به کمک دستگاههای کامپیوتر و یک کتابخانه عظیم به جمع آوری آراء عالمان قرون وسطا مشغولند تا آنها را به شکل مجموعه هایی به زبانهای فارسی، اردو، و عربی منتشر کنند.

سرپرست دارالحدیث آیت الله محمد محمدی ری شهری است که با عینک بی قاب و لنزهای قطور و عمامه سیبی، در اتاق بزرگ کنفرانس، مراجعان را می پذیرد. این روحانی دانشمند و لاغر اندام همان کسی است که گفته می شود در نخستین سالهای پس از انقلاب، در مقام وزیر اطلاعات بر سرکوبها و اعدامهای فوری نظارت می کرد. امروز او یکی از اعضای مجلس خبرگان و رئیس یک بنیاد مذهبی بزرگ در تهران است. آقای ری شهری که در میان شش روحانی و تنی چند از کارمندان اش نشسته، بی هیچ تردیدی اعلام می کند، «اسلام دین منطق، اخلاق، و عدالت است.»

آیت الله ری شهری بر امور زائران مکه، کربلا، و نجف نیز نظارت دارد. او می گوید، «شما باید توجه داشته باشید که دولت عراق دولتی است که حمایت آنرا ما به عهده داریم.» بنا به گزارش نیشن، با توجه به تجارب آیت الله ری شهری، محتمل

است که در میان هزاران زائر نجف و کربلا، زائرانی هم باشند که علاوه بر امر ثواب زیارت به خدمات رسمی دیگری نیز گمارده شده باشند.

در ملاقات با حجت‌الاسلام محمد مهدوی یکی از مشاوران ارشد آیت‌الله ری‌شهری، گزارشگر نیشن خواهان آن است که بدانند چگونه آقای ری‌شهری از عدالت سخن می‌گوید در حالیکه دانشجویان معترض از خوابگاه به بیرون پرتاب می‌گردند و سیاستمداران لیبرالی چون داریوش فروهر و همسرش با کارد سلاخی می‌شوند. حجت‌الاسلام مهدوی، ضمن صرف ناهار (چلوکباب با ماست) با متانت توضیح می‌دهد، «توطئه‌هایی در جریان است، جاسوسانی به فعالیت مشغولند؛ و البته ما بعضی اوقات چاره‌ای نداریم جز اینکه علیه معترضان به اقدامات شدید متوسل شویم.» آقای مهدوی توضیح می‌دهد که ایالات متحده می‌خواهد با حمایت از جدایی‌طلبان بلوچستان، کردستان، و خوزستان، ایران را تجزیه کند.

محمدحسین صفار هرندی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با گزارشگر نیشن آرام و با لبخند توضیح می‌دهد، «راه حل مشکلات جهان در نزدیکی بیشتر به دین است.» آقای صفار هرندی معتقد است رسانه‌ها در ایران آزادند به شرطی که به شیرازه‌ی جامعه لطمه نزده و به عقاید دینی و رهبران سیاسی توهین نکنند. علی‌اکبر رضایی و دکتر سیدکاظم سجادیپور، دو تن از پژوهشگران ستاد فکری «انستیتیوی مطالعات سیاسی و بین‌المللی» در وزارت امور خارجه، از نزدیک حرکات دولت آمریکا و جریان انتخابات ریاست جمهوری در این کشور را مطالعه می‌کنند. آنها نگرانی خود را از احتمال ایجاد تنش از سوی کاخ سفید به قصد یاری به نامزد حزب جمهوری خواه جان مک کین ابراز می‌دارند. در «مرکز بین‌المللی گفتگوی تمدن‌ها»، در اتاقی با سقف بلند، خبرنگار هفته‌نامه‌ی نیشن پای صحبت محمد خاتمی بنیانگذار این مرکز می‌نشیند که در عبا و عمامه‌ی سیاه و کفش راحتی، در کنار مشاورش صادق خرازی پا روی پا انداخته و از تجربه اصلاحات سخن می‌گوید. آقای خاتمی به بهبود روابط با ایالات متحده امید دارد اما کارشکنی‌های دولت جورج بوش را مانع اصلی تحقق این هدف می‌پندارد. آقای خاتمی در مورد آینده‌ی اصلاحات می‌گوید، «راهی که ما انتخاب کرده‌ایم راه درست است. من بدبین نیستم.»

گزارشگر هفته‌نامه نیشن که از جمله در شهرهای تهران، اصفهان، قم، شیراز، و کاشان با ده‌ها تن از مردم عادی بحث و گفتگو کرده از بدبینی بالاتفاق آنان یاد می‌کند و از روحیاتی که میان «بردباری اندوهناک تا خصومت عمیق» در نوسان است.

### 631- اعضای سندیکای کارگری تومتیز ترکیه پس از برگزاری دادگاه در تاریخ 17/3/1387 تبرئه و از زندان آزاد شدند:

تمامی اعضای دستگیر شده سندیکای کارگری تومتیز در ترکیه که در جریان برگزاری مراسم اول ماه مه دستگیر و به زندانی در شهر آنکارا منتقل شده بودند بعد از برگزاری اولین جلسه دادگاه علنی و با حضور وکلای مدافع و نماینده دادستان در شهر آنکارا تبرئه و آزاد شدند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه برگزاری مراسم روز جهانی کارگران را حق مسلم همه کارگران می‌داند و این حکم عادلانه را به تمامی کارگران ایران و جهان تبریک می‌گوید و امیدواریم هر چه زودتر شاهد آزادی آقای منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران که به خاطر دفاع از حقوق کارگران که همان حقوق بشر است دستگیر و به 5 سال زندان محکوم شده است باشیم.

با امید به گسترش صلح و عدالت در جهان

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

17/3/1387

### (\* 632- نامه دانشجویان متحصن به مردم ایران:

به گزارش سایت خبری دسترنج د رتاریخ 17 خرداد 87؛ دانشجویان متحصن تربیت معلم تهران با انتشار درنامه‌ای خواستار همراهی مردم و دانشجویان با اعتصاب کنندگان شدند.

در نامه سرگشاده دانشجویان متحصن تربیت معلم تهران خطاب به مردم فهیم ایران آمده است؛

چو عضوی به درد آورد روزگار  
دگر عضوها را نماند قرار

اکنون که این نامه را می‌خوانید، بیش از 75 ساعت از اعتصاب غذای 72 دانشجوی دختر و پسر دانشگاه تربیت معلم تهران پردیس کرج می‌گذرد اما واقعیت این است که از دو روز قبل از اعتصاب غذای رسمی، دانشجویان تربیت معلم غذای



گرم نخورده اند و نخواهند خورد.

با اینکه در تعطیلات به سر می بریم، تعطیلاتی که پیش از امتحانات بر دانشگاه خیمه زده است، با این حال هرگاه که تریبون آزادی برگزار می شود بیش از 1500 دانشجو برای گفت و شنود در این جلسات حضور پیدا می کنند. در این حال مسئولین دانشگاه لحظه به لحظه به فشار خود بر دانشجویان متحصن می افزایند گویا در خیال خام خویش اینگونه می پندارند که با این اعمال فشار می توانند عزم ما را سست کنند.

بی شک فشارهایی همچون تهدید و ارعاب خانواده ی دانشجویان متحصن، قطع آب، ایجاد اختلال در تلفن همراه، قطع اینترنت دانشگاه، زندانی کردن دانشجویان در محل تحصن، افزودن نیروهای ناشناس در لباس حراست، ممانعت از بردن دانشجویانی که از لحاظ جسمانی بسیار تضعیف شده اند به بیمارستان و تزریق داروی دیازپام به دانشجویان ضعیف شده برای سست کردن و خواب آلودگی دانشجویان و غیره و غیره، که عکس و فیلم همه ی این موارد بعنوان موجود است -ولی به دلیل محدودیت های موجود ما امکان انتشار آنها را هنوز پیدا نکرده ایم- بدور از شرافت انسانی است و کسانی هم که در برابر این حوادث سکوت اختیار می کنند در پیشگاه خدا باید سکوت بشکنند و جواب پس دهند. در ذهن تک تک این دانشجویان سوالی بزرگ وجود دارد که سنگینی آن از سنگینی اعتصاب غذا و فشارهای وارده بیشتر است. در سرزمینی که مردمان آن داعیه دار هم دردی، همراهی و نوع دوستی هستند چگونه اینگونه نسبت به 72 نفر از فرزندان این مرز و بوم که برای استیفای حقوق پایمال شده ی شان دچار ضعف جسمی هستند بی تفاوت هستند؟ قطعا سعدی شاعر بزرگ ایرانیان اگر چنین روزی را می دید هیچگاه چنین شعری را که نماد فرهنگ والای ایرانیان بوده است را نمی سرود.

ما دانشجویان متحصن تربیت معلم تهران به صراحت اعلام می کنیم که قوت روحی مان از ضعف جسمی مان پیشی جسته است و جان می دهیم، حق می گیریم و در این راه جز به خدا و اراده ی دانشجویان به کسی امید نداریم. اما از شما مردم عزیز و پاکدل و نمایندگان باوجدان مجلس شورای اسلامی و دانشجویان متعهد و قشر همدرد تقاضا داریم که مانع فاجعه فرهنگی به اسم بی مسئولیتی و بی تفاوتی نسبت به انسان ها در این مرز و بوم شوید که همانا درد واقعی که ما دانشجویان متحصن را آزار می دهد همین درد نوظهور فرهنگی است.

دانشجویان متحصن دانشگاه تربیت معلم تهران

## (\* 653- نخستین نماینده از جنبش مستقل کارگری در سازمان جهانی کار:

رادبو آلمان

برای نخستین بار طی سی سال گذشته نماینده ای از جنبش مستقل کارگری ایران به دعوت آی.تی.یو.سی (کنفدراسیون بین المللی سندیکاهای کارگری) در اجلاس سالانه آی.ال.او (سازمان بین المللی کار) حضور یافت.

این اجلاس از روز ۲۸ مه در ژنو آغاز شده و تا روز ۱۳ ژوئن ادامه دارد. در اجلاس سالانه آی.ال.او نمایندگان دولتهای عضو سازمان ملل متحد شرکت می کنند.

علیرضا ثقفی، سردبیر روزنامه لغو مجوز شده ی "راه آینده" از سوی جنبش مستقل کارگری ایران در این اجلاس شرکت کرد، اما برای طرح میرم ترین خواست آنان با مانع روبرو شد.

### مصاحبه ای با علیرضا ثقفی

**دوچپه وله:** آقای ثقفی، شما امسال برای ابراز درخواست های کارگران ایران در اجلاس آی.ال.او شرکت کردید. شما روزنامه نگار هستید، روزنامه ی مستقل کارگری، راه آینده، را بیرون می دادید. چرا از شما برای این کار دعوت شده بود؟

**علیرضا ثقفی:** باید بگویم، با توجه به این که تشکل های مستقل کارگری در ایران نمی توانند نمایندگان عمومی خودشان را انتخاب بکنند، نهادهای بین المللی در دعوت از نمایندگان مستقل جنبش کارگری با این مشکل مواجه هستند که چه کسی را به عنوان نماینده دعوت بکنند. هرچند که اتحادیه های مستقلی در ایران وجود دارد، اما این اتحادیه ها نماینده ی همه ی جنبش کارگری مستقل ایران نیستند. به همین دلیل گویا مسئولین آی.تی.یو.سی به این نتیجه رسیدند که فردی را دعوت کنند که روزنامه نگار باشد یا نویسنده باشد و به مسایل کارگری ایران آشنا تا بتواند مسائل جنبش مستقل کارگری را در اینجا بیان بکند. به همین دلیل از من به عنوان یک ژورنالیست دعوت کردند. در همان ابتدا هم بحث عمومی بر این بود که من در اینجا بتوانم در جلسه ای که مربوط به مسایل ایران است، مسائل جنبش مستقل کارگری و خواست هایش را بیان بکنم.

**دوچپه وله:** به جز شما از ایران دیگر چه کسانی آنجا بودند؟

**علیرضا ثقفی:** هیات دولت ایران بود، یعنی هیات نمایندگی که به اصطلاح مخصوص ایران بود. از وزارت کار، وزیر کار و چند نفر از معاونین اش بودند، همچنین شورای عالی کارفرمایی که اخیرا به وسیله ی وزارت کار تشکیل شده است. شورای عالی کارفرمایی قبلی را منحل کرده اند. همچنین آقای درویش از شوراهای اسلامی بود و از طرف خانه ی کارگر که جدا از دولت آمده بود، آقای حمزه ای بود.

**دوچهارم:** یعنی در مجموع چند نفر بودند؟

**علیرضا ثقفی:** در مجموع ۹ نفر از ایران حضور داشتند.

**دوچهارم:** شما توانستید مسایل کارگران را مطرح بکنید؟

**علیرضا ثقفی:** متن سخنرانی‌ای که از قبل من آمده کرده بودم، به زبان انگلیسی بود و این متن به کسانی که مربوط به مسئله‌ی ایران بودند داده شد و مطالبش با هیات‌هایی که در مورد مسئله‌ی ایران می‌خواستند صحبت کنند، مثل هیات کانادایی، هیات هلندی و دو نفر دیگر از مسئولین آی.ال.او، در میان گذاشته شد. ما مطالب را، باز در صحبت‌هایی که داشتیم، در جلسات به اینها گفتیم، و آنها هم مسایل را مطرح کردند. منتها مسئله‌ای که بود، این بود که ما در مطالب‌مان بر انتخابات اتحادیه‌های مستقل کارگری بیشتر تاکید داشتیم که در شرایط فعلی بتوانند انجام بدهند و همچنین وظایف آی.ال.او در مورد مقاله‌نامه‌های ۹۸، ۸۷، ۱۱۱ و ۹۵ که این مقاله‌نامه‌ها همچنان معلق مانده است. اما دولت ایران در توافقی که با آی.ال.او کرده بود، فقط در مورد مقاله‌نامه‌ی ۱۱۱ می‌خواست صحبت بکند که مربوط به تبعیض‌های قومیتی و جنسیتی است. زیرا در آخرین بازدیدی که نماینده‌ی آی.ال.او از ایران داشت، در باره این دو مسئله صحبت شده بود. به همین دلیل مسئله‌ی مورد بحث در اجلاس محدود شده بود به همین مسئله‌ی تبعیض قومیتی و جنسیتی.

در این زمینه آمارهای مشخصی داشتیم و مدارک مشخصی در دست ما بود که این تبعیض‌های قومیتی و جنسیتی در ایران نه تنها کاهش نیافته، بلکه حتی در دولت فعلی هم پیدا کرده است، مسئله‌ی سهمیه‌بندی جنسیتی دانشجویان در دانشگاهها، بیکاری‌ها که بیشترین فشارش بر روی زنان است، بالارفتن خط فقر، که این هم بیشترین فشارش بر روی زنان است و... این که حقوق دریافتی زنان، در بسیاری از مکانهای شغلی، نصف حقوقیست که مردان دریافت می‌کنند. اینها مسایلی بود که تا آنجایی که ما می‌توانستیم مطرح کردیم. اما از طرح مسئله‌ی مبرم تشکل‌های مستقل کارگری، بدون دخالت دولت جلوگیری کردند. در این زمینه اجازه ندادند صحبتی بشود. هرچند بعضی از سخنرانان مطرح کردند، اما نمایندگان دولت به‌خاطر آن توافقی که کرده بودند که باید فقط در مورد تبعیض‌های جنسیتی و قومیتی و اقلیت‌ها صحبت بشود، به این مسایل اصلاً پاسخی ندادند. هیات نمایندگی ایران به این مسایل پرداخت، اما جو عمومی اجلاس با توضیحات نمایندگان دولت ایران قانع نشد و در انتها خواهان نوشته شدن یک پاراگراف خاص در مورد ایران شدند و همچنین فرستادن یک نماینده‌ی ویژه به ایران، برای بررسی وضعیت همین تبعیض‌های قومیتی و جنسیتی.

**دوچهارم:** به چه علت مانع صحبت راجع به تشکل‌های مستقل کارگری شدند؟

**علیرضا ثقفی:** به علت توافقی که آی.ال.او با این هیات دولتی ایران کرده بود. معمولاً قبل از اجلاس، آی.ال.او با کشورها توافق‌هایی می‌کند که در مورد خاصی صحبت بشود که در آن مورد هر دو طرف دلایل‌شان را ارائه بدهند. مثلاً در مورد کلمبیا توافق شده بود که در مورد ترور فعالین کارگری صحبت بشود، زیرا در سال گذشته بیش از ۱۶ نفر از فعالین کارگری در کلمبیا ترور شدند. یا در مورد کشورهای دیگر مثل بنگلادش توافق شده بود که در مورد مقاله‌نامه‌های ۹۸ و ۸۷ صحبت بشود.

بهرحال آنچه مسلم است و ما هم معتقدیم که آی.ال.او نماینده‌ی دولتهاست، نماینده‌ی کارگری که نیست. آنها مسایل خاص خودشان را مطرح می‌کنند. آنها به فکر این هستند که مثلاً گردش سرمایه در ایران راحت باشد، به فکر این هستند که کارگرها به‌رحال بهتر کار کنند، سود اضافی بیشتری برای سرمایه‌ها تولید کنند. هرچند هستند افرادی در آی.ال.او که مسایل حقوق بشر و مسایل انسانی هم برایشان مطرح است، ولیکن جو عمومی حاکم بر آی.ال.او کلاً برای دولتهاست و ما هم انتظاری بیش از این نداریم. منتها ما به این دلیل در آی.ال.او شرکت کردیم که بگوییم استانداردهای کار که در همین جوامع سرمایه‌داری در کشورهای دیگر رعایت می‌شود، در ایران رعایت نمی‌شود. یعنی همان استانداردهایی که خود سرمایه‌داری برای کارگران گذاشته، در ایران همان استانداردها هم رعایت نمی‌شود.

**دوچهارم:** شما می‌گویید که طرف صحبت‌شان دولتها هستند. پس نمایندگان مستقل کارگری آنجا چه وظیفه‌ای دارند، قرار است چه کار بکنند؟

**علیرضا ثقفی:** ببینید، آنچه که در آی.ال.او مطرح است، دقیقاً همان مسئله‌ی استانداردهای کار، استانداردهای پذیرفته‌شده‌ی بین‌المللی است. نمایندگان کارگران هم خارج از استانداردهای پذیرفته‌شده‌ی بین‌المللی و آن مقاله‌نامه‌ها نمی‌توانند صحبت کنند. اما همین مقاله‌نامه‌هایی که دولتها پذیرفته‌اند، مثل مقاله‌نامه‌ی ۹۸ و ۸۷، که تاکید دارد بر این که کارگران باید بدون فشارهای دولتی در هر تشکلی که می‌خواهند شرکت بکنند و هیچ کس حق ندارد آنها را مجبور بکند که در تشکلی شرکت بکنند یا این که از تشکل آنها جلوگیری بکند، همین‌ها هم در ایران اجرا نمی‌شود. ما در ایران بحث‌مان بر سر حقوق اولیه‌ایست که در همه‌جا پذیرفته شده است.

**دوچهارم:** در مجموع شما فکر می‌کنید که این اجلاس چه دستاوردی برای کارگران ما در حال حاضر داشته است؟

**علیرضا ثقفی:** من فکر می‌کنم در مجموع جامعه‌ی بین‌المللی و آی.ال.او، آی.تی.یو.سی، به اصطلاح نهادهای بین‌المللی کارگری مربوط به نیروی کار که الان هستند، این مسئله را فهمیدند که ایران استانداردها را رعایت نمی‌کند. جو عمومی بر این است که تا آنجایی که این اهرم‌های بین‌المللی اجازه می‌دهد، دولت ایران را وادار کنند، بپذیرد تا نماینده‌ی مخصوص به ایران بیاید. ILO

می‌دانید که الان مدتهاست از ورود نماینده‌ی مخصوص آی.ال.او به ایران جلوگیری می‌شود. ابتدا خود ایشان به علتی سفرشان را به تعویق انداختند و الان هم چندین ماه است که وزارت کار اجازه‌ی ورود به ایشان نمی‌دهد. اگر این مذاکرات و این فشارها باعث بشود که بتوانند نمایندگان بین‌المللی بیشتر به ایران بیایند، مفید است. هرچند که ما معتقدیم مسئله‌ی اصلی مبارزات خود کارگران است و اگر امروز هم نهادهای بین‌المللی کم و بیش پذیرفته‌اند که جنبش مستقل کارگری ایران وجود دارد و نهادهای مستقل کارگری می‌توانند نماینده بفرستند، به خاطر مبارزاتی‌ست که کارگران در این مدت داشته‌اند، بخاطر اعتراضات و اعتصابات و تلاش برای ایجاد تشکلهای مستقل کارگری‌ست. کارگرها در این مدت زندان رفتند، کتک خوردند، شلاق خوردند و محروم شدند، اخراج شدند و مجموعاً توانسته‌اند به نهادهای بین‌المللی بفهمانند که جنبش مستقل کارگری در ایران وجود دارد و خواهان نمایندگان مستقل کارگری هستند. من فکر می‌کنم این اجلاس هم در جهت همین مسئله، یعنی به رسمیت شناختن جنبش مستقل کارگری بود. این که بهر حال بعد از سی سال، از روزنامه‌نگاری مثل من که مستقل است و مجموعاً از جنبش مستقل کارگری دفاع می‌کند، دعوت شده تا اینجا بتواند مطالب را مطرح بکند، من این را مثبت و نتیجه‌ی مبارزات کارگران در داخل کشور می‌دانم.

به نقل از سایت: " کانون مدافعان حقوق کارگران "

<http://kanoonmodafean.blogfa.com/post-8.aspx>

#### 654 - روش جدید در عقد قراردادهای موقت :

طی ماه‌های گذشته روش جدیدی در عقد قرارداد با کارگران و کارمندان توسط برخی کارفرمایان و شرکت‌ها ابداع شده که معنای آن بی‌حقوقی مطلق زحمتکشان است. این روش جدید با حمایت و تشویق وزارت کار و امور اجتماعی دولت احمدی نژاد همراه است.

روزنامه سرمایه و دنیای اقتصاد در گزارش‌های خود به تاریخ نیمه دوم خرداد 87؛ پیرامون این موضوع می‌نویسند، یکی از آخرین نمونه‌ها، دادن آگهی استخدام در روزنامه‌ها و سپس انتخاب به ظاهر 1 یا 2 نفر از افراد مراجعه‌کننده و استفاده از آنها برای حداقل 3 هفته است که پس از آن با فرد یا افراد کاملاً قطع رابطه کاری شده و اصلاً هیچ حقوقی به آنان تعلق نگرفته و با حمایت وزارت کار به صندوق بیمه بیکاری معرفی می‌شوند. در این مورد اصولاً هیچ قراردادی به امضا نمی‌رسد و فرد یا افراد صرفاً به صورت شفاهی بدون ذکر مدت زمان، بکارگرفته می‌شوند.

همین افراد سپس از طریق صندوق بیمه بیکاری به دیگر کارفرمایان و شرکت‌ها برای انجام کار موقت بین شش ماه تا یکسال معرفی می‌شوند و به این ترتیب، با توجه به برنامه وزارت کار در طی مدت فعالیت کارفرمایان فقط 30 درصد دستمزد را به آنها پرداخت می‌کنند و بقیه یعنی 70 درصد به مرور از سوی صندوق بیمه بیکاری و یا سازمان تامین اجتماعی پرداخت می‌گردد. این روش جدید که از ابتکارات وزارت کار دولت ضد مردمی احمدی نژاد است، نیروی کار ارزان و مطیع را برای کارفرمایان فراهم ساخته و در عین حال تمرینی است برای ایجاد نیروی کار بسیار ارزان در خدمات انحصارات فراملی که قرار است پس از مقررات زدایی و تامین امنیت سرمایه در ایران سرمایه‌گذاری کرده و فعالیت کنند!

به علاوه در سال‌های اخیر روش دیگری در شرکت‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی رواج یافته که به سیاست دو لیستی مشهور است، به عبارت دقیق‌تر شرکت‌ها و شرکت‌های پیمانکاری برای دستمزد و مزایای کارکنان خود اعم از کارگرو کارمند دارای 2 لیست هستند که در یکی ارقام واقعی حقوق پرسنل درج شده و در دیگری ارقام ساختگی و دروغین گنجانده شده که لیست دوم یعنی ساختگی به سازمان تامین اجتماعی و دیگر دوایر ذی ربط ارسال می‌شود و مبنای حقوق، مالیات و بازنشستگی پرسنل قرار می‌گیرد. کارکنان این گونه شرکت‌ها و مراکز تولیدی و خدماتی به دلیل وضعیت نامناسب بازار کار، صف طویل بیکاران، نبود سندیگاه‌های مستقل حامی منافع مزدگیران، تفرقه و پراکندگی در صفوف نیروی کار، در هراس از بیکار شدن، هیچگونه اعتراضی به این رفتار یعنی ارایه لیست ساختگی و دروغ نمی‌کنند و در نتیجه هم حق خودشان و هم اعتبار سازمان تامین اجتماعی پایمال و مخدوش می‌گردد. از نکات بسیار مهم این سیاست (دو لیستی بودن حقوق و مزایای کارکنان) این است که برخلاف قانون کار فعلی کارفرمایان با گستاخی و در سایه حمایت دولت حق بیمه پرسنل را از حقوق ماهیانه آنها کسر می‌کنند و به این ترتیب سهم بیمه کارفرما هم توسط کارکنان پرداخت می‌گردد. وزارت کار و امور اجتماعی

و شخص محمد جهرمی با صراحت تمام از این روش ها حمایت کرده و به تقویت همه جانبه چنین شرکت ها و کارفرمایان می پردازند.

#### **655- بر خلاف ادعای خبرگزاری های حکومتی اعتصاب کوره پزخانه ها با احتمال پیوستن کارگران کوره های آجر پزی شبستر و میاندوآب ادامه دارد:**

اتحادیه آزاد کارگران ایران به نقل از وبلاگ انجمن اجتماعی - کارگری ، فریاد کارگردر تاریخ 18 خرداد 87؛ اعتصاب حدود چهار هزار نفر از کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه وارد یازدهمین روز خود شد. این اعتصاب که با خواست افزایش دستمزد تولید هر هزار عدد آجر از 9500 تومان به 15000 تومان شروع شده است علیرغم برخی اقدامات کارفرمایان برای شکستن اعتصاب همچنان ادامه دارد. کارفرمایان در طول این مدت برای در هم شکستن اعتصاب کارگران بویژه در کوره های آجر پزی منطقه جاده انهر به شیوه های غیر انسانی متوسل شده و تلاش کرده اند با ایجاد فشار و اختلال در زندگی روزمره این کارگران به اعتصاب پایان داده و کارگران را وادار به عقب نشینی کنند. از جمله این اقدامات ضد انسانی میتوان به قطع گاه و بیگاه آب و برق، خاموش کردن حمامها، جلوگیری از آمدن فروشندگان ارزاق عمومی به محل زیست کارگران، تلاش برای ایجاد دو دستگی در میان آنان و گسیل گاه و بیگاه مامورین نیروی انتظامی به کوره پزخانه ها و بازداشت کارگران و انتشار شایعه دخالت بیشتر نیروهای انتظامی میتوان اشاره کرد. با اینحال کارگران این کارخانه ها مصمم هستند تا رسیدن به خواسته های خود به اعتصاب ادامه دهند. این در حالی است که بنا بر خبرهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه های آجر پزی شبستر و میاندوآب نیز مصمم هستند هفته آینده دست به اعتصاب زده و به همکاران اعتصابی خود در ارومیه ملحق شوند. همچنین بنا بر خبرهای تانید نشده که به اتحادیه آزاد کارگران ایران رسیده است کارگران کارخانه های آجر پزی تاکستان نیز دست به اعتصاب زده و در پی اقدام کارفرمایان در استفاده از اعتصاب شکنان و ایجاد درگیری سه نفر از کارگران زخمی شده اند. اعتصاب کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه در شرایطی ادامه دارد که نزدیک به یک ماه است کارگران کارخانه های آجر پزی قرچک و ورامین نیز دست به اعتصاب زده و همچون کارگران ارومیه خواهان افزایش دستمزد هایش تا سقف 15 هزار تومان برای هر هزار عدد آجر هستند.

#### **656- اعتصاب کارگران کوره های آجرپزی در ارومیه :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 19 خرداد 87 ، به گفته فعالان کارگری؛ کارگران بیشتر کوره پزخانه های ارومیه به منظور افزایش دستمزدهای خود از مدتی پیش دست به اعتصاب زده اند. به گزارش دسترنج، اتحادیه آزاد کارگران ایران و خانه کارگر ارومیه بصورت جداگانه اعلام کردند: حدود 4 هزار کارگر کوره پزخانه های ارومیه 13 تا 20 روز پیش را در اعتصاب بسر برده اند. این کارگران که در نزدیک به 90 کوره آجرپزی شاغل هستند و هم اکنون روزانه 9 هزار و 500 تومان دستمزد می گیرند، خواهان افزایش دریافتی خود تا سقف حداقل 15 هزار تومان هستند. همچنین اتحادیه آزاد کارگران ایران احتمال داد که کارگران کوره پزخانه های میاندوآب نیز به منظور افزایش دستمزدهای خود در این اعتصاب شرکت کنند. اعتصاب کارگران کوره های آجرپزی ارومیه درحالی است که پیش از این کارگران کوره پزخانه های قرچک نیز به منظور افزایش دستمزد های خود دست به اعتصاب یک ماهه زده بودند. این اعتصاب سرانجام در هفته گذشته با افزایش دستمزد های کارگران پایان یافت.

#### **657- پایان بلاتکلیفی 2 ساله کارگران فولاد گزین :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 19 خرداد 87 ، صبح امروز با بازگشایی کارخانه فولاد گزین، کارگران این واحد تولیدی پس از دو سال سرگردانی و بیکاری، به کار خود بازگشتند. به گزارش دسترنج، محمد جعفری، نماینده کارگران فولاد گزین اعلام کرد: از صبح امروز با روشن شدن کوره های کارخانه، دوران سرگردانی و بلاتکلیفی کارگران این کارخانه پایان یافت. به گفته جعفری، در حال حاضر براساس سفارش های گرفته شده، مواد خام توسط کارفرما تهیه شده است و کارگران مشغول کار هستند.

وی گفت: در صورتی که مسوولان اداری استان به وعده های خود مبنی بر کمک برای تامین نقدینگی عمل کنند، کارفرما نسبت به جذب کارگران جدید اقدام خواهد کرد. نزدیک به یک ماه پیش هیاتی به نمایندگی از استانداری یزد برای بررسی مشکلات واحدهای بحران زده تعیین شده بود.

اعضای این هیات چندی پیش به منظور حل مشکلات کارخانه از این کارخانه بازدید کرده بودند. تا پیش از سال ۸۵ در کارخانه فولاد گزین که یکی از کارخانه های سازنده قطعات خودرو در استان یزد است نزدیک به ۱۰۰ نفر کار می کردند که به دنبال تعطیلی این کارخانه و اخراج تمامی کارگران قراردادی، تعداد کارگران این کارخانه به ۲۰ نفر کاهش یافت.

#### 658- توصیه به بازخریدی و بیمه بیکاری :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 19 خرداد 87 ، یکی از کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران گفت: به نظر می رسد که کارفرما و مسوولان اداره کار درصدد راه اندازی دوباره این کارخانه نیستند. وی یاد آور شد؛ پیش از تعطیلات اخیر مدیرعامل به کارگرانی که خواهان دریافت ۴ ماه حقوق و مزایا و بازگشت به کار خود بودند گفته بود که ریالی برای نگهداری این کارخانه و کارگران آن وجود ندارد. به گفته این کارگر، مسوولان اداره کار فارس نیز مانند کارفرما با تکیه بر به صرفه نبودن تولید، کارگران را به بازخریدی و استفاده از بیمه بیکاری تشویق می کنند. به عقیده این کارگر در شرایط فعلی معرفی کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران به بیمه بیکاری به تنهایی جوابگو نیست، زیرا در صورت بازخریدی برای این کارگران که نزدیک به دو دهه سابقه دارند، هیچ فرصت شغلی جدیدی وجود ندارد.

#### 659- بیکاری بیش از 50 کارگر قزوینی :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 19 خرداد 87 ، بیش از 50 کارگر شاغل در دو واحد تولیدی صنعتی استان قزوین طی هفته گذشته با اتمام قرارداد کاری از سوی مدیریت از کار برکنار شدند. عید علی کریمی، فعال کارگری در قزوین با بیان این خبر به دسترنج گفت: 50 کارگر شاغل در کارخانه بلورک و 6 کارگر کارخانه پادسانج در حالی از سوی مدیریت مجبور به ترک محل کار خود شدند که هنوز 3 ماه از قرارداد کاری آنان باقی بود. او با اشاره به عملکرد مدیران در اتمام قرارداد کاری و بیکاری کارگران در سال جاری گفت: سوءمدیریت و سودجویی مدیران و صاحبان کارخانه ها از مهمترین عوامل اخراج و بیکاری کارگران گزارش شده است.

#### 660- تجمع صدها کارگر شرکت فرنخ و مه نخ :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 19 خرداد 87 ، عید علی کریمی، فعال کارگری در قزوین در این باره به دسترنج گفت: صدها کارگر شاغل در این واحد تولیدی هر کدام به میزان 700 تا 800 هزار تومان حقوق حقه خود را از مدیریت طلب کار بوده و در راستای استیفای حقوق خود بارها دست به تجمع اعتراضی زده اند. او با اشاره به پیگیری مسوولان در رفع معضلات حقوقی و شغلی کارگران گفت: مشکلات در این واحد ریشه مدیریتی داشته و اینگونه بنظر می رسد که تحرکات کارگری این واحد برای اخذ وام از سوی نهاد ذی ربط باشد.

#### 661- کوتاهی در تشکیل نهادهای کارگری :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 19 خرداد 87 ، فعالان کارگری خراسان رضوی با این ادعا که حداقل ۴۰۰ کارخانه در این استان قابلیت داشتن شوراهای را دارند، مسوولان اداره کار این استان را به کوتاهی در حفظ شوراهای موجود متهم می کنند. به گزارش دسترنج، براساس این ادعا به دلیل کوتاهی مسوولان اداره کار در چند سال اخیر تعداد شوراهای اسلامی کار از ۱۰۰ واحد تولیدی به کمتر از ۸۰ شورای اسلامی کار کاهش یافته است. فعالان کارگر بر این باور هستند که با وجود درخواست کارگران کارخانه ها مبنی تشکیل شورای اسلامی، تعلل مسوولان اداره کار همچنان ادامه دارد. به گفته فعالان کارگری این تعلل در حالی است که در زمان تصدی مسوولان سابق این اداره، تعداد شوراهای اسلامی کار استان خراسان رضوی تا ۱۶۰ واحد نیز افزایش پیدا کرده بود.

(\*662- درخواست از پلیس اینترپل برای بازداشت "رفسنجانی" و "محسن رضایی" :  
به گزارش سایت تریبون جوان در تاریخ 19 خرداد 87 ؛ مرکز "سیمون ویزنتال" از پلیس بین الملل "اینترپل" خواست که "هاشمی رفسنجانی" و "محسن رضایی" که هم اکنون در عربستان سعودی هستند، بازداشت کند.



مجمع عمومی پلیس اینترپل در نشست ماه نوامبر سال گذشته خود در مراکش، حکم جلب سه مقام و دو دیپلمات سابق جمهوری اسلامی را به دلیل دست داشتن در انفجار سال 1994 پایتخت آرژانتین صادر کرده بود. مرکز "سیمون ویزنتال" که مسئول شناسایی جنایتکاران نازی می باشد.

## 663- جنبش فرهنگیان از سال های 1315 تاکنون :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ 20 خرداد 87 ؛ نرگس جودکی: علی ایار، کارشناس ارشد علوم اجتماعی، معلم پژوهشگر با سابقه

12 سال تدریس است که در آخرین تحقیق خود جنبش فرهنگیان را از سال های 1315 تاکنون بررسی کرده است. او معتقد است فضای باز سیاسی باعث به سطح آمدن مطالبات واقعی معلمان می شود در حالی که با نادیده گرفتن جنبش معلمان و مهار این جنبش به پیامدهای اعتراض خاموش و احتمال انباشت مطالبات دامن زده و بهبود اوضاع را به تاخیر می اندازد.

گفت وگو با این پژوهشگر در پی می آید:

+ چه ویژگی هایی در فعالیت های جمعی و بیان مطالبات فرهنگیان وجود دارد که از آن به عنوان يك جنبش یاد می کنید؟

شاید ویژگی های این جنبش دقیقاً با تعاریف مفهومی و ساخته شده از جنبش ها تطابق نداشته باشد. به اعتقاد ویلیامز جنبش های اجتماعی همگون نیستند و از يك فرم سازمانی و قالبی پیروی نمی کنند و جنبش های اجتماعی شکل متحد ویژه ای ندارند. حرکت اعتراضی فرهنگیان در سال های اخیر حرکتی جمعی بوده و به منظور تحقق هدف بهبود معیشت معلمان و عدالت اداری و رفع تبعیض درون و برون سازمانی بود و به مثابه سایر جنبش های مدعی و در صدد قبولاندن ایده های خود به جامعه، دولت و همچنین جذب اعضا است. جنبش فرهنگیان حول يك شکاف شکل گرفته و دارای گفتمان و سیستم ارتباط بین اعضا و رهبری و نمودهای اعتراضی است، با این که برخی معتقدند با وجه مؤلفه های مختلف جنبش نیست.

+ ویژگی های اساسی این جنبش چیست؟

این جنبش حول شکاف نابرابری و تبعیض (فقیر و غنی) و گفتمان برابری خواهی و عدالت حول تشکل های صنفی معلمان شکل گرفته و نمود عینی آن را می توان در اعتراضات خیابانی، تحصن در مدارس و... مشاهده کرد. من فعالیت این جنبش را در ابعاد مختلف در دو زمان قبل و بعد از انقلاب بررسی کرده ام و براساس آن شکاف اجتماعی فقیر و غنی را در هر دو دوره یکسان یافته ام و از نظر تشکل ها به این نتیجه رسیدم که پیش از انقلاب تشکل ها حزبی، محلی و توده ای بوده اند و بعد از انقلاب صنفی و محلی. قلمرو تاثیر و حضور جنبش قبل از انقلاب روشنفکران و طبقه متوسط بودند و بعد از انقلاب طبقه متوسط. نوع جنبش پیش از انقلاب پویا جمعی، انقلابی و چریکی بود و بعد از انقلاب به صورت جنبش فردی، اجتماعی و اصلاحی درآمد.

در مقایسه حرکت های اعتراضی معلمان در قبل و بعد از انقلاب

+ چه تفاوت هایی می بینید؟

هرچند در شکاف و گفتمان (برابری خواهی) تشابه دارند، اما در تاکتیک های اعتراضی قلمرو و تاثیر تفاوت هایی دیده می شود. بعد از انقلاب و در دوره اصلاحات جنبش فرهنگیان مطالبه های دموکراتیکی مثل انتخابات مدیران توسط معلمان را طرح و تصویب می کنند. زنان معلم در حرکت های اعتراضی قبل از انقلاب حضور کم تری دارند.

+ آیا جنبش معلمان به اندازه جنبش های دیگر مثل جنبش کارگری موفق به تحقق مطالبات خود بوده است؟

جنبش ها به دو دسته کلاسیک و متاخر تقسیم می شوند که جنبش کلاسیک گفتمان فراگیر دارد و شکاف ملت- دولت را پر می کند و از سویی جنبش جدید برخلاف جنبش کلاسیک که تاکتیک های اعتراضی دارد به رای دادن و بیان آرام مطالبات معتقد است. جنبش معلمان هر دو ویژگی را دارد، چرا که هم گفتمان برابری را مطرح می کند و هم از نظر نمود اعتراضی به تاکتیک مدنی و روش های نرم نزدیک می شود.

اما بسیاری معلمان را در زمره قشر محافظه کاری می خوانند که به سختی نسبت به نقض حقوق خود اعتراض می کنند.

نظریات مختلفی در این باره مطرح است اما براساس نظر گریشمن که خروج از اعتراض را بیان می کند وقتی در يك سازمان افت اعضا به وجود می آید اعتراض اتفاق می افتد و اگر فرصت سیاسی فراهم شود جنبش به سطح می آید و نمود پیدا می کند اما اگر فضای باز وجود نداشته باشد جنبش به زیر می خزد و اعتراض خاموش اتفاق می افتد. این اعتراض خاموش را می توان در بی علافگی به تدریس و کم کاری مشاهده کرد.

+ در هیچ دوره ای در کشور ما این فرصت مهیا نشده است؟

در برخی دوره ها فراهم شد مثلاً در دوره اصلاحات.

+ و نقطه اوج هم همان دوره بود؟ و آیا همواره مسائل معیشتی مطرح شده است؟



بله نقطه اوج هم همان دوره اصلاحات است. در سال 1315، 300 نفر از دانشجویان تربیت معلم به وضعیت حقوقی شان اعتراض کردند. در سال 1326 هم آموزگاران اعتراض کردند تا این که در سال 1340 معلمان مستقیماً وارد عمل شدند و مطالبات صنفی خود را به رهبری محمد درخشش اعلام کردند و قرار شد که نمایندگان مجلس به آنان پاسخ بدهند. در همین زمان در روز 12 اردیبهشت با ماموران شهرستانی مواجه می شوند که منجر به شهادت ابوالحسن خاتمی معلم دبیرستان جامی می شود. قبل از انقلاب فضا باز نبود و اتحادیه و انجمن های صنفی تحت فشار بودند. در زمان جنگ هم جنبش چندان فعال نبود و مردم تحت تاثیر آرمان فقط تمامیت ارضی بودند و پس از آن هم بحث سازندگی مطرح شد. در دوره بعد بازدارندگی و برازندگی ارزش می شود و معلمان مطالبات را مطرح می کنند.

در زمان خاتمی شعار حاکمیت قانون و آزادی تشکل ها مطرح شد که هر چند با رشد و تاسیس تشکل ها مواجه بودیم ولی برخورد مناسبی حتی در این دوران با فرهنگیان صورت نگرفت البته در دوره دوم اصلاحات وضع معلمان به لحاظ معیشتی بهبود یافت ولی تحصن سال 83 منجر به ضرب و شتم معلمان شد که این شیوه برخورد، انتقاد و اعتراض بیشتر معلمان را برانگیخت.

در همین دوران پستی به نام مشاور وزیر در امور تشکل ها شکل گرفت و لایحه نظام هماهنگ پرداخت مطرح شد. بله آن لایحه پذیرفته شد و می رفت که امور فرهنگیان سامان پیدا کند، خاتمی در آن زمان قول تشکیل کمیته عالی برای پیگیری مطالبات معلمان را هم داد. گریشمن می گوید حاملان جنبش بعد از اعتراض باید فرصت بازاندیشی به سیستم دولتی بدهند. معلمان باید در آن روزها این فرصت را می دادند.

+ و در دولت نهم چه اتفاقی افتاد؟

با وجود این که شعار دولت اقتصادی و آوردن نفت سر سفره مردم بود، در دوران احمدی نژاد مطالبات و نگاه به معلمان بیش تر نگاه ایدئولوژیک است. با این که داده های موجود در تحقیقات آکادمیک نشان می دهند 65 درصد معلمان دیندار، دین باور و صادق هستند ولی وزیر اول آقای احمدی نژاد (فرشیدی) از تصفیه در آموزش و پرورش صحبت کرد؛ تصفیه ای که در گفتمان عوام به پاکسازی یا انقلاب فرهنگی مشهور است.

+ این در حالی است که معلمان کشور از فیلترهای زیادی گذشته و به سختی گزینش می شوند؟

همین طور است. بعد از انقلاب صحبت از انقلاب در محتوای کتاب ها و حتی معماری بوده ولی حالا دوباره این بحث به شدت مطرح است.

+ روند طرح لایحه خدمات کشوری را هم در تحقیق خود بررسی کرده اید؟

بیش تر به پیامدهای رفت و آمد مکرر لایحه پرداختیم که منجر به وقوع اعتراض شد. لایحه در سال 83 مطرح و قرار شد در بودجه آن سال لحاظ شود. در سال 85 این لایحه در یک رفت و آمد زیگزاکی به عنوان یک عامل تکان دهنده موجب اعتراض چند هزار نفری شد.

+ وقتی این لایحه در نهایت قانون می شود، چطور می شود درخواست تصویب و اجرای آن را غیرقانونی خواند؟ این خواسته غیرقانونی نبوده و یک آرمان انسانی است البته وقتی قانون اجرا نمی شود بیش تر بر تبعیض دامن می زند. برخی مسوولان وزارت نفت این وزارتخانه را استراتژیک می دانند.

در حالی که در جامعه امروز به تعبیر تافلر دانش محور خواهد بود. تافلر می گوید: پرتترین کیف های پول روزی خالی می شود ولی آنچه از درون کاسه های سر تراوش می کند هرگز پایان نمی پذیرد. این نگاه باید عوض شود. به اعتقاد تافلر منازعه قدرت بر سر نهاد آموزش خواهد بود.

+ آیا در دوره ای که وضعیت معیشتی بهبود داشته، سطح مطالبات تغییر کرده است؟

وضعیت معلمان هنوز آن قدر خوب نشده که سطح مطالباتشان از معیشت فراتر رود. با توجه به هرم نیازهای مازلو هنوز درگیر خوراک، پوشاک و مسکن هستیم.

+ وضعیت کنونی جنبش معلمان را چگونه ارزیابی می کنید؟

در حال حاضر فضای سیاسی مهیا نیست و آن ها مجال مانور ندارند و به زیر رفته اند. همین باعث فعالیت فردی شده است. در این وضعیت بخشی با آرمان ها تسویه حساب می کنند یعنی یا می مانند یا خروج پیدا می کنند. آن دسته از فرهنگیان که به خیابان می آیند برخلاف تصور وزارتخانه افراد وفادارند و نمی توانند با وجدان خود کنار بیایند و درس ندهند اما بخشی دیگر بر اثر فشار به کار دوم یا کم کاری روی می آورند. معلمان در این صورت بیش تر حضور فیزیکی دارند تا معنوی.

+ راهکار پیشنهادی شما چیست؟

فراهم شدن فضای سیاسی تاجنیش به سطح بیاید و مطالبات واقعی شناسایی شود.

علی احمدی وزیر جدید آموزش و پرورش در نخستین مصاحبه مطبوعاتی خود از شکل گیری سازمان نظام معلمی سخن گفت، آیا این سازمان جایگزین فعالیت تشکل ها می شود؟

نه نمی تواند بشود. چنین جنبشی در مقابل روندهای رسمی وجهه اعتراضی دارد.

+ در حال حاضر در یکی از تشکل های صنفی فرهنگیان به خاطر حضور برخی اعضا در فعالیت های انتخاباتی اختلاف به وجود آمده این اختلاف را چگونه می بینید؟  
این شکاف ها در تشکل ها سابقه داشته است اما به نظر من کسانی که تمایل به فعالیت سیاسی دارند باید از چتر تشکل صنفی جدا شوند و به فعالیت سیاسی خود بپردازند.

## 664- مشکلات کارگران کارخانه گچ سمنان :

به گزارش انجمن دفاع از کارگران و بیکاران در تاریخ 20 خرداد 87 ؛ وضعیت کارخانه های شهر سمنان نیز مثل سایر شهرهای دیگر بحرانی است. یک فعال کارگری در خصوص مشکلات موجود در کارخانه گچ سمنان به فریاد کارگر گفت: " الان بیشترین مشکلی که جامعه کارگری دارد مساله دستمزدها است. یعنی با این تورمی که در جامعه ما وجود دارد با این دستمزدهای 219 تومانی کارگر نمیتواند جواب گوی زندگی خانواده اش باشد. کارخانه ما در طی 24 ساعت 3 شیفت کار میکند و هرچند شاید حقوقها به موقع پرداخت شود ولی متاسفانه حقوق خیلی پائین است. من نمیدانم این مشکل به دولت بر میگردد یا به وزارت کار که روی چه حسابی این میزان دستمزد برای کارگر در نظر گرفته میشود واقعا من نمیدانم؟! الان هستند کسانی که اینجا کار میکنند چیزی حدود 230 هزار تومان حقوق میگیرند چیزی حدود 170 هزار تومان اجاره خانه میدهد، بچه مدرسه ای دارد، و خرجهای جانبی هم دارد و شرایطش به شدت بحرانی و سخت است و به خاطر همین مجبور است که اضافه کاری کند. یعنی کارگر را مجبور میکنند که چند شیفت و چیزی حدود 13 ساعت در روز کار کند که حداقل بتواند تا حدی میزان حقوقش را بالا ببرد تا خرج زندگیش را در بیاورد. از طرفی نداشتن شوراهای کارگری از دیگر مشکلاتی است که در بیشتر کارخانجات ما وجود دارد. هیچ کدام از کارخانجاتی که در شغل خاص خود ما یعنی 27 کارخانه گچی که من سراغ دارم شورای کارگری ندارند. موضوع بعدی موضوع رسیدگی جسمی و پزشکی و درمانی به کارگران است که اصلا رسیدگی نمیشود. کارخانه گچ کارخانه ای است که باید در آن به کارگران روزانه شیر داده شود به دلیل وجود گردهای ناشی از گچ و دودهای بسیار بدی که در اینجا تولید میشود ولی انجام نمیشود علیرغم پیگیری های زیاد و مستمر ولی متاسفانه اصلا رعایت نمیشود و ترتیب اثری داده نشده است. نمونه داشتیم که چند کارگر ما به خاطر همین موضوع دچار بیماری سل شدند و از اینجا رفتند. اکثر کارخانجات شهرک صنعتی سمنان به خاطر نداشتن مواد اولیه یا به خاطر اینکه کارفرما سود خود را بالا ببرد یا شرایط به گونه ای است که مجبور میشود بسیاری از کارگران را بیکار کند خصوصا در امسال و اواخر سال گذشته، خیلی از کارگران بودند که کار میکردند ولی متاسفانه اغلب آنها از کار بیکار شدند و یا کارخانه را نیمه تعطیل کردند و یا شیفتهای تولید کارخانه به یک شیفت تقلیل پیدا کرده است. مشکل اصلی تر جامعه کارگری اما سرکوب از جانب کارفرما و دولت است. به چه شکل؟! به این شکل که با توجه به تمام این مشکلاتی که اشاره کردم ولی کارگر حتی به خاطر همین حداقل حقوق خودش هم میترسد حرفی بزند و این بزرگترین ظلمی است که به ما شده است. اگر کارفرما متوجه بشود که کارگری دارد حقایقی را بیان میکند و به ضرر او تمام میشود مسلما خود ش را راحت میکند و میگوید اگر ناراضی هستی برو خوش آمدی! بیکاری هم که مثل نقل و نبات در ایران ریخته است. لذا کارگر از ترس بیکاری و از ترس اینکه مبادا کارفرما متوجه شود و او را اخراج کند، مهر سکوت بر لب میزند و حقایق را نمیگوید و میسازد. و این بزرگترین ظلمی است که به جامعه کارگری ما شده است. من تا جایی که از وضعیت کارگری کشورهای خارجی اطلاع دارم، اتحادیه دارند، صنف دارند، شورا دارند و با کوچکترین مساله و ظلمی که در حقشان بشود اعتراض میکنند و به حق خود میرسند ولی ما متاسفانه به خاطر اینکه بیکار نشویم حقایقی را که در کارخانمان میگذرد کتمان میکنیم."

## 665- می خواهند از معلمان زهر چشم بگیرند:

به گزارش ویلاگ صدای اعتراض معلم در تاریخ 20 خرداد 87 ؛ معلمان ایرانی طی دو سال گذشته بارها دست به اعتراض زده اند؛ گاه به شکل صدور بیانیه و نامه های اعتراض آمیز، و گاه به صورت تجمع و تحصن. اما پاسخ همه این اعتراضات، سرکوب شدید بوده است: بازداشت های گروهی، احضار، محاکمه، تعلیق و تبعید... آخرین برخورد از این دست هم حکم اعدام برای فرزند کمانگر، معلم اهل کامیاران بوده است. در باره این موارد بابهنم فاتی، مدافع حقوق معلمان و مدیر ویلاگ "صدای اعتراض معلم" گفتگو کرده ایم.

آقای فاتی آیا اعتراضات معلمان صنفی است یا انگیزه های سیاسی و اجتماعی نیز در آن دخیل هستند؟  
خواسته هایی که معلمان در ایران به خاطرش دست به اعتراض می زنند جزء بدیهی ترین خواسته ها و حقوق اکثریت شاغل هر جامعه ای است که اگر در آلمان یا انگلیس و با یک درجه تخفیف حتی در ترکیه طرح شوند، خواسته هایی کاملا صنفی، با تعریف رایجی که از خواسته ها و اعتراضات صنفی وجود دارد، محسوب می شود. اما در این مملکت شرایط فرق می کند. نگاهی به اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و غیره که آنها هم خواسته هایی مشابه ما دارند این را به خوبی نشان داده

که حرکت برای ابتدایی ترین خواسته ها هم در اینجا جنبه سیاسی پیدا می کند، اعتراضات معلمان هم به همین ترتیب. کارگری که به پرداخت نشدن حقوقش معترض است از طرف نیروهای امنیتی احضار و تهدید و توسط دادگاه انقلاب به محاکمه کشیده می شود. معلمی که در اعتراض به شرایط مشقت بار زندگیش دست به اعتصاب و تجمع می زند به جرم اقدام علیه امنیت محاکمه و محکوم می شود. بنابر این جدا از هر تعریفی که من و شما از اعتراضات صنفی و سیاسی داشته باشیم خود حکومت با نوع برخورد با اعتراضات، عملاً اعلام می کند اعتراض به ظلم و بی حقوقی، اعتراضی سیاسی است. فوری ترین خواسته معلمان بهبود وضعیت معیشتی آنان است که شامل پرداخت حقوقها و پاداشهای معوقه، افزایش حقوقها، حل مشکل مسکن، برخورداری از خدمات درمانی مناسب و غیره است اما در عین حال خواسته هایی که ناظر بر منزلت معلم هستند، مانند اصلاح ساختار اداری آموزش و پرورش، دخالت مستقیم معلمان در ساختار مدیریتی، افزایش امکانات و تجهیزات آموزشی، بالا بردن سطح علمی آموزش و زدودن خرافات از کتابهای درسی نیز برای معلمان مطرح است که در مقایسه با مطالبات قبلی، من اینها را خواسته های سیاسی اجتماعی معلمان میدانم چرا که حل این بخش از خواسته ها در گرو درجه ای از تغییرات سیاسی و اجتماعی است.

نکته آخر اینکه در مملکتی که مدل موی آدم ها و نوع لباس پوشیدنشان به امنیت ملی گره خورده است، نمی توان اعتراضات بیش از یک میلیون معلم به شرایط ناعادلانه ای را که نزدیک به سه دهه بر آنها حاکم شده، صرفاً اعتراضاتی صنفی تحلیل کرد.

بنابر این هر جهت که نگاه کنید جنبه سیاسی موضوع را می توان دید؛ لذا به نظر من اینکه اعتراضات معلمان، مانند سایر اعتراضات اجتماعی، دارای جنبه های سیاسی اجتماعی هم هست برای کسی که نخواهد خود را بفریبد، اظهر من الشمس است.

هر چند برخی از فعالین بنا بر مصلحت اندیشی و برخی به دلایل سیاسی تلاش میکنند اعتراضات معلمان را، حتی آنجا که با قاضی و دادستان و بازجو سروکار ندارند، کاملاً صنفی و فقط در حد افزایش درصدی به حقوقها نشان دهند که به نظر من در هر دو حالت به ضرر حرکت معلمان است.

در واقع به نظرم این گرایش با هدف ترساندن معلمان و محدود کردن اعتراضات آنان برجسته شده است. توجیه این گرایش این است که اگر ما خواسته هایمان را صنفی اعلام کنیم اولاً فشار سرکوب کمتری شود، دوماً امکان تحقق خواسته ها با مذاکره و چانه زدن با مقامات بیشتر می شود.

متأسفانه بخشی از فعالین هم این را پذیرفته اند، بدون اینکه دقت کنند، این شیوه نه تنها جلو سرکوب را نمی گیرد، چیزی که عملاً شاهدیم، بلکه محدودیت های زیادی را هم به اعتراضات معلمان تحمیل می کند.

چه محدودیت هایی را تحمیل می کند؟

اولین و بزرگترین محدودیت این است که اعتراضات معلمان را از اعتراضات سایر بخشهای جامعه جدا می کند. یعنی عملاً تصویر محدودی از خواسته های معلمان، هم نزد جامعه و هم در میان خود معلمان بوجود می آورد، حال آنکه می دانیم مشکلات معلمان، مشکل اکثریت جامعه است. جالب است بدانید شعار "معیشت منزلت حق مسلم ماست" که اولین بار توسط معلمان در تهران در تجمعات سال ۸۵ داده شد، شعار اعتراضات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه در شهر شوش نیز بوده است.

به همین دلیل من فکر می کنم معلمان نباید وارد این بازی شوند. با توجه به هزینه های بالایی که اعتراض سیاسی در "آزادترین کشور دنیا" دارد، این "اتهام" نیست، این تهدیدی است که با هدف، فرور بردن اعتراضات معلمان به لاک محدود و صنفی عده ای که بر اساس حکم کارگزینی فلان اداره معلم محسوب می شوند و صرفاً خواهان اجرای یک لایحه هستند. برای رد این "اتهام"، اعلام و تاکید بر اینکه اعتراضات معلمان صنفی است، به معنی محدود کردن خواسته ها و ایجاد مرز صنفی بین اعتراضات معلمان و سایر بخشهای جامعه به دست خودمان خواهد بود، که این خود بهترین زمینه را برای سرکوب اعتراضات فراهم می کند. سال پیش گزارشی می خواندم از اعتراضات کارگران نساجی کردستان یا کارخانه شاهو. وقتی مقامات به کارگران گفته بودند اعتراض شما سیاسی است، کارگران جواب داده بودند ما فقط حقمان را می خواهیم اگر این سیاسی است بله ما سیاسی هستیم. من هم در رد "اتهام" سیاسی بودن اعتراضات معلمان جواب این کارگران را به طراحان آن می دهم.

دو موضوع "مطالبات معوق" و "لایحه خدمات کشوری" از مسائلی است که در مورد اولی دولت مدام وعده پرداختنش را می دهد و دومی هم از خواسته های معلمان است که با وجود تصویب در مجلس، دولت همچنان از اجرایش خودداری کرده است. شاید افکار عمومی خیلی با ارتباط این دو موضوع به فرهنگیان آشنا نباشد، ممکن است این ارتباط را تشریح کنید؟ سال هاست که دولت وعده افزایش حقوق کارمندان آموزش و پرورش را می دهد اما هر بار به بهانه ای این اتفاق نیفتاده. منظور از مطالبات معوق در سنوآل شما فکر می کنم همین افزایش وعده داده شده است چون در حال حاضر بسیاری از معلمان از جمله معلمان حق التدریس و بازنشسته بجز مطالبات معوق که توضیح دادم، ماه هاست حقوق و مزایای معمول خود را هم دریافت نکرده اند.

در زمان آقای خاتمی دولت لایحه خدمات کشوری یا نظام هماهنگ پرداخت را برای هماهنگ سازی حقوقهای کارمندان مختلف بخش دولتی پیشنهاد داد. از زمان پیشنهاد این لایحه نیز افزایش حقوق معلمان را منوط به تصویب این لایحه کردند،

اماپس از تصویب، همانطور که شما هم اشاره کردید اجرا نشد. این ها که گفتیم وجه اداری موضوع مطالبات معوق و لایحه خدمات کشوری بود. اما بطور واقعی مسئله شکل دیگری دارد. لایحه خدمات کشوری از همان ابتدا برای سردواندن معلمان و سایر کارمندانی که نسبت به پایین بودن حقوق ها معترض بودند پیشنهاد شد.

چون از همان ابتدا معلوم بود این طرح بامشکلات و پیچیدگی های اجرایی زیادی روبرو خواهد شد و یکی از دلایل طولانی شدن تصویب این طرح هم همین موضوع بوده است. حتی اجرای این طرح هم نمی تواند مشکلات معیشتی امروز معلمان را حل کند. چرا که بر فرض اجرا شدن، سال ها طول خواهد کشید تا بازده مشخصی عاید معلمان شود. بخشی از تشکل های صنفی معلمان نیز هدف خود را تصویب این لایحه قرار دادند و عملا در سر دواندن معلمان در تمام این سال ها با حکومت شریک شدند. حالا هم این بخش قصد دارد معلمان را چند سال دیگر با خواست اجرای لایحه خدمات کشوری از مبارزه برای تحقق خواسته هایشان دلسرد کند.

اخبار و گزارش ها حاکی است که صدها معلم طی دو سال اخیر بازداشت، احضار یا محاکمه شده اند. فکر می کنید برخورد های امنیتی- قضائی بر اعتراضات صنفی معلمان چه اثری داشته یا خواهد داشت؟

بله بخصوص پس از فروکش کردن اعتراضات در اردیبهشت ۸۶ که معلمان از صحنه اعتراض فعال خارج شدند، حکومت قلع و قمع فعالین را شروع کرد که هنوز هم ادامه دارد. متأسفانه آمار دقیقی در این باره وجود ندارد. آخرین آمار که من شنیده ام چیزی بین ۲۰۰ تا ۳۰۰ معلم بوده که با این احکام روبرو شده اند. در این برخورد با معلمانی که فقط حقشان را طلب کرده اند، از تمام ظرفیت ها و امکانات سرکوب استفاده شد. از وزارت اطلاعات تا استانداریها، از نیروی انتظامی تا هیأت های تخلفات اداری، از احضار و تهدید تا کسر حقوق و اخراج، از تبعید و زندان تا وحشیانه ترین مجازات یعنی حکم اعدام که برای همکاران فرزند کمانگر صادر شده است. حال آنکه خود این نیروی عظیمی که علیه معلمان بسیج شده نشان دهنده قدرت اعتراضات معلمان است که اگر درست رهبری شود می تواند خواسته های آنان را متحقق کند. برخوردهایی که با اعتراضات شده ظاهراً معلمان را به تمکین و اداری کرده و مانع ادامه و گسترش اعتراضات آنان شده است. اما واقعیت این است که چون خواسته های معلمان همچنان بدون پاسخ مانده، سرکوب شاید بتواند بروز علنی نارضایتی را برای دوره کوتاهی محدود کند، اما تا زمانی که ریشه نارضایتی وجود دارد و مطالبات معلمان محقق نشده، اعتراض هم وجود دارد به همین دلیل به نظرم دیر یا زود شاهد از سرگیری اعتراضات گسترده معلمان با قدرت بیشتری خواهیم بود. در همین مقطع اعتراضات معلمان بازنشسته به عدم پرداخت پاداش و مزایای پایان خدمتشان، در بسیاری از شهرها در جریان است.

جنبه دیگری که باید به آن اشاره کرد، تغییرات کیفی است که ظرف دو سال گذشته و همزمان با بگیر و ببندها، در سطح حرکت معلمان اتفاق افتاده و آن ایزوله شدن گرایش راست و محافظه کار در میان تشکل های معلمان است. برخورد های امنیتی- قضائی از یک سو و محقق نشدن خواسته های معلمان از سوی دیگر، بخش وسیعی از معلمان را به این نتیجه رسانده که این گرایش، که تا مقطع اعتراضات ۸۶ در تشکل ها گرایش غالب و سنگ بزرگی به پای حرکت آن ها بود، نه قادر است و نه می خواهد در جهت رسیدن آنان به حقوقشان اقدام موثری انجام دهد.

روند اعتراضات طی دو سال گذشته ضرورت به میدان آمدن فعالین که اعتراضات معلمان را جهت نیل به اهدافشان رهبری کنند بیش از گذشته برجسته کرد. هرچند این گرایش همچنان ابزارهایی برای اعمال نظر در برخی تشکل ها و شورای هماهنگی در اختیار دارد، اما روند اعتراضات در ماههای اخیر و جدایی چهره های شناخته شده این گرایش از کانون تهران، که یکی از بانفوذترین کانونها در شورای هماهنگی بوده است، جهت کلی این تغییر را نشان میدهد.

در این میان سخنگوی قوه قضائیه هفته گذشته ضمن تائید صدور حکم اعدام برای فرزند کمانگر، اتهام این معلم و عضو کانون صنفی معلمان کردستان را امنیتی توصیف کرد، و حتی مدعی شد که او قصد بمب گذاری در یک دانشگاه را داشته است. اصلاً ماجرای بازداشت این معلم و اتهاماتی که به وی وارد کرده اند چیست؟

جریان حکم اعدام آقای فرزند کمانگر ادامه سرکوب معلمان و ایجاد جو ارعاب در میان آنان است. احضار و تبعید و زندان نتوانست صدای اعتراض معلمان را خاموش کند، حالا می خواهند فشار سرکوب را بزرگتر کنند. فرزند کمانگر را سال ۸۵ همراه ۲ نفر دیگر در تهران دستگیر می کنند. چون مدرکی علیه آن ها وجود نداشته آنها را به کرمانشاه می فرستند. در کرمانشاه نیز نمی توانند مدرکی دال بر مجرم بودن آنها ارائه دهند، و مجدداً به تهران باز گردانده می شوند و بار دیگر از تهران به سنندج فرستاده می شوند. حالا هم با گذشت دو سال که از دستگیری فرزند کمانگر می گذرد، علی رغم شکنجه های وحشیانه (در رنج نامه ای که فرزند نوشت و از زندان به بیرون فرستاد این شکنجه ها را افشا کرد)، به گفته خلیل بهرامیان، وکیل فرزند، هیچ مدرکی در پرونده او وجود ندارد که اتهامات را ثابت کند. اخیراً در جریان احضار یکی از معلمان، وقتی ایشان از نماینده دادستان می پرسد: “شما که این اتهامات را به ما زده اید، چه مدرکی برای اثبات آن دارید، نماینده دادستان گفته است ما می توانیم ده تا اتهام دیگر هم به شما بزنیم.” فرزند کمانگر را هم به همین روش متهم و سپس محکوم کرده اند.

در اتهاماتی که به فرزند زده شده سر سوزنی از حقیقت وجود ندارد. آقایان می خواهند معلمان را به مرگ بگیرند که به تب رضایت بدهند. می خواهند از معلمان زهر چشم بگیرند تا دیگر هیچ معلمی جرأت اعتراض نداشته باشد.

موضع نهادهای صنفی معلمان در این مورد چیست؟ و آیا تشکل های صنفی معلمان برنامه ای برای حمایت از این معلم محکوم به اعدام دارند؟

تشکل های صنفی هنوز در این مورد موضع مشترکی ندارند. برخی آن را مثل یک خبر معمولی انعکاس داده و موضع

مشخصی نگرفته اند. اما خوشبختانه برخی تشکل ها و فعالین معلمان به اهمیت این موضوع واقفند و خواهان رفع اتهام از فرزاد کمانگر و آزادی فوری او هستند.

تلاش هایی هم در این زمینه در جریان است. انجمن صنفی معلمان کردستان و کانون صنفی تهران طی اطلاعیه های جداگانه ای این حکم را غیر عادلانه اعلام کرده و از معلمان سراسر کشور خواسته اند برای لغو این حکم اعتراضات متحدانه ای را آغاز کنند. معلمان و مردم کامیاران، شهری که فرزاد کمانگر در آن تدریس می کرد، نیز بارها خواستار لغو حکم اعدام فرزاد شده اند.

نهادهای صنفی معلمان در سطح بین المللی هم به این حکم اعتراض کرده اند، واکنش معلمان در این مورد چه بوده و اساسا فکر می کنید انتشار این بیانیه ها در سطح کشوری و بین المللی می تواند در نجات آقای کمانگر نقش داشته باشد؟

همانطور که اطلاع دارید سازمان آموزش بین الملل و اخیرا هم سازمان عفو بین الملل به این حکم اعتراض کرده اند. این اقدامات بین المللی کمک بزرگی است به معلمان و فعالینی که برای لغو این حکم در ایران تلاش میکنند. اقدامات گسترده اعتراضی به این حکم در داخل و خارج از ایران قطعاً می تواند در نجات فرزاد از خطر اعدام موثر باشد. قبلاً هم نمونه هایی بوده که با اعتراضات گسترده جلوی اعدام و سنگسار و قصاص گرفته شده. در این مورد هم می توانیم و باید جلوی این اتفاق را بگیریم. با توجه به حساسیت موضوع، بسنده کردن به انعکاس اخبار مربوط به فرزاد کمانگر، هرچند ضروری است اما کافی نیست. تشکلهای معلمان و سایر فعالین باید اقدامات عملی را در سراسر کشور تدارک ببینند. باتوجه به امکانات در هر جایی، این اقدامات می تواند از طرح و برجسته کردن مسئله در افکار عمومی تا طومار و نامه اعتراضی نوشتن به نهادهای داخلی و بین المللی، و برگزاری شب شعر، سخنرانی و تجمعات و یا ابتکارات دیگر در حمایت از فرزاد کمانگر، را شامل شود. ما می توانیم با اعتراضات متحدانه خود جان یک همکار، یک معلم دلسوز و شریف، یک انسان بی گناه را که به جرم عدالتخواهی به مرگ محکوم شده را نجات دهیم.

وبلاگ صدای اعتراض معلم:

<http://eteraze-moalem.blogfa.Com>

**666- تعداد کارگران کشته شده شازند به 34 تن رسید :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ فرماندار شهرستان شازند در آخرین گزارش خود تعداد کارگران فوت شده در حادثه شازند اراک را 34 تن اعلام کرد.

"علیرضا مرادی" فعال کارگری در اراک با بیان این مطلب گفت: با درگذشت 9 کارگر مجروح در بیمارستانهای اراک و اصفهان، تعداد کارگران فوت شده حادثه در دو واحد تولیدی مواد شیمیایی شازند اراک به 34 نفر رسید.

وی افزود: هنوز بیش از 30 کارگر حادثه دیده در بیمارستانهای قم، اراک، اصفهان، تهران و اراک نگهداری می شوند. "مرادی" در پایان گفت: رئیس هیات مدیره شرکت کیمیا گستر شازند با تکذیب کار یک گروه کارگر جوشکار در داخل کارخانه علت حادثه را تا این لحظه نفوذ گاز از سیستم مخازن کارخانه اعلام داشته است.

**667- درگیری اهالی منطقه کمر سپیدان با مأموران پلیس :**

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 20 خرداد 87؛ فرمانده انتظامی فارس علت ناآرامی و درگیری اهالی با مأموران پلیس گفت: در راستای دستور مرجع قضایی و درخواست اداره منابع طبیعی به منظور آزادسازی بخشی از اراضی منطقه کمر، مأموران پلیس به منطقه عازم شدند که برخی شهروندان با اجرای حکم مخالفت می کنند.

وی گفت: مخالفان، پرسنل نیروی انتظامی را مورد ضرب و شتم قرار داده و به خودروی پلیس و پاسگاه انتظامی منطقه خسارت هایی را وارد کردند

**668 - اعتراض معدنچیان طبس بالا گرفت :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ اعتراض هزار معدنچی ذغال سنگ طبس به نحوه پرداخت حقوق و تاخیر یک ماه در آن در آخرین ماه فصل بهار شدت بیشتری به خود گرفته است.

"غلامرضا محمدی" فعال کارگری در طبس با بیان این مطلب به دسترنج گفت: از ابتدای سال 87 تاکنون حقوق کارگران ذغال سنگ با تاخیر دراز مدت پرداخت شده که این امر کارگران را نسبت به عملکرد مدیریت شرکت تهیه و تولید بشدت معترض کرده است.

او گفت: مسوولان شرکت تهیه و تولید مقصر اصلی کوتاهی در پرداخت حقوق این هزار کارگر بوده که بجای حمایت از کارگران، آنان را نگران و معترض کرده اند.

#### 669- احتمال ورشکستگی سایپا دیزل :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ بدهی های سنگین شرکت سایپا دیزل به مجموعه بانکی موجب شده تا بانک ها از ارائه تسهیلات و خدمات به این شرکت سرباز زنند. به گزارش دسترنج؛ بدهی چند صد میلیارد تومانی سایپا دیزل به بانکهای پارسیان، ملت، تجارت، صادرات، و... کار را بجای رسانده که هیچ یک از بانک های داخلی به علت ترس از عدم بازگشت سرمایه خود حاضر به گشایش اعتبارات اسنادی و همچنین ارائه سایر خدمات بانکی به این شرکت نیستند. براساس این گزارش؛ ضعف در فروش محصولات، بازاریابی و عدم عمل به تعهدات در زمان تعیین شده شرایط بغرنجی را برای سایپا دیزل رقم زده است، به نحوی که اگر کمک علنی سایپا به این مجموعه قطع شود، شاهد ورشکسته شدن این مجموعه خواهیم بود.

#### 670- بازنشستگان کرمانشاه باز هم تجمع کردند :

امروز دوشنبه ۲۰ خرداد ۱۳۸۷ مثل هفته های پیش فرهنگیان بازنشسته کرمانشاهی در اعتراض به پرداخت نشدن پاداش پایان خدمت و نابرابری میان افزایش ۶ درصدی حقوق و افزایش ۲۶ درصدی نرخ تورم در جلوی سازمان آموزش و پرورش کرمانشاه دست به تجمعی اعتراض آمیز زدند. این تجمع در حالی صورت گرفت که از روز قبل برخی از بازنشستگان که در روزهای قبل در تجمعات حضور یافته بودند، به حراست آموزش و پرورش احضار شدند. معلمان کرمانشاهی قرار است تا دست یافتن به خواسته های خود به همین شیوه اعتراضات خود را ادامه دهند. به همین خاطر تجمع بعدی آنان روز دوشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۸۷ مقابل سازمان آموزش و پرورش کرمانشاه خواهد بود.

بازنشستگان کرمانشاه

#### 671 - کارگران "راه سر" لارستان 6 ماه بدون حقوق :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ تعداد 150 تن از کارگران شاغل در شرکت حفاری "راه سر" لارستان 6 ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. محمد حسن قوامی "فعال کارگری در لارستان با بیان این مطلب به دسترنج گفت: 40 تن از کارگران این شرکت به نمایندگی از کلیه کارگران با حضور در اداره کار این شهرستان و طرح شکایت، خواستار دریافت کلیه مطالبات خود شدند. او گفت: مشکلات حقوقی این تعداد از کارگران که در خنج مشغول بکار هستند از سوی اداره کار لارستان در دست پیگیری و بررسی قرار دارد.

#### \*627- اکونومیست: نرخ تورم در ایران امسال به 25 درصد می رسد :

به گزارش سایت دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ واحد اطلاعات اکونومیست با افزایش بسیار زیاد پیش بینی قبلی خود، اعلام کرد که امسال نرخ تورم در ایران به 25 درصد خواهد رسید. اکونومیست در گزارش ماه می خود نرخ تورم ایران در سال گذشته را 17.1 درصد برآورد و اعلام کرد که این شاخص در سال جاری به 25 درصد می رسد که بالاترین میزان طی دهه کنونی بوده و خواهد بود. اکونومیست در گزارش پیشین خود نرخ تورم ایران را برای سال جاری 19 درصد پیش بینی کرده بود. گزارش های مختلف نشان می دهد که قیمت اقلام و خدمات ضروری در ایران افزایش زیادی یافته و هزینه های وارداتی هم در حال رشد است. با توجه به اینکه احتمال دارد سیاست مالی دولت همچنان توسعه ای باقی بماند، انتظار می رود فشارهای تورمی طی سال های آینده افزایش یابد و قیمت کالاها به صعود خود ادامه دهد. بنابراین اکونومیست پیش بینی می کند که نرخ تورم در سال جاری به 25 درصد افزایش یافته و این شاخص با اندکی کاهش در سال آینده به 22.8 درصد برسد. تداوم روند نزولی نرخ تورم ایران در سال 89 را به 21 درصد خواهد رساند که این شاخص طی سال های 1390 و 91 معادل 19.5 درصد خواهد بود. این در حالی است که روز گذشته میزان تورم در 12 منتهی به اردیبهشت ماه سال 1387 نسبت به 12 ماه منتهی به اردیبهشت ماه سال 1386 معادل 19.8 درصد اعلام شد.



بر اساس اعلام بانک مرکزی خلاصه نتایج به دست آمده از شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران بر اساس سال پایه 1383 (359 = 100 قلم کالا و خدمت) در اردیبهشت ماه 1387 به شرح ذیل است: شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در مناطق شهری ایران در اردیبهشت ماه سال 1387 نسبت به ماه قبل 1.7 درصد و نسبت به ماه مشابه سال قبل 25.3 درصد افزایش یافت.

### (\* 673- افزایش قیمت‌ها؛ از شیر مرغ تا ...

به گزارش ایسنا رد تاریخ 20 خرداد 87؛ اگرچه تنقلات جزو مواد اصلی و مایحتاج ضروری و روزانه مردم به حساب نمی‌آیند اما همواره در سبد خرید خانوارها جای دارند و به همین دلیل افزایش قیمت آن‌ها بر سطح عمومی قیمت‌ها تاثیر می‌گذارد و قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد.

#### چیپس و پفک

قیمت چیپس که در یکی دو سال گذشته ۳۰۰ تومان بود، در هفته‌های اول امسال و در اقدام هماهنگ کارخانه‌های تولیدی به ۴۵۰ تا ۵۰۰ تومان افزایش یافت و برخی از برندها هم که قیمت خود را افزایش ندادند و چیپس را با همان قیمت‌های ۳۰۰ تا ۳۵۰ تومان عرضه کردند، تغییرات فاحشی در نحوه بسته‌بندی کالای خود انجام دادند و وزن و محتوای مواد موجود به نصف تقلیل یافت. با توجه به بحرانی نبودن قیمت سیبزمینی این افزایش قیمت تا حدودی تعجب‌آور است. انواع پفک‌هایی هم که تا پیش از این با قیمت‌های ۲۰۰ تومانی به فروش می‌رفتند به یک باره به ۳۰۰ تومان افزایش پیدا کردند.

#### سیگار

قیمت سیگار در انواع آن با افزایش حداقل ۲۰ درصدی مواجه بوده و سیگارهای ۱۰۰۰ تومانی از اواخر سال گذشته به قیمت‌های ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است. ارزان‌ترین نوع سیگار پاکتی ۲۵۰ تومان و گران‌ترین نوع آن با ۲۶۰۰ تا ۲۷۰۰ تومان به فروش می‌رسد، اما تمامی آن‌ها حداقل ۲۰ تا ۴۰ درصد افزایش قیمت داشته‌اند. با وجود تمام تاکید‌هایی که بر مضرات استفاده از سیگار می‌شود اما این کالا از بازار مخصوص به خود و مشتریان ویژه‌اش برخوردار است و افزایش قیمت آن بر قدرت خرید طبقات پایین تاثیرگذار است.

#### آدامس

قیمت آدامس‌های داخلی از ۵۰ و ۷۵ تومان به ۱۰۰ تومان و قیمت آدامس‌های بسته‌ای خارجی از ۳۵۰ تا ۴۰۰ تومان به ۵۰۰ تومان افزایش یافته است. عمده آدامس‌های خارجی از مسیر قاچاق به کشور وارد می‌شوند و افزایش قیمت آن‌ها به تبع گران شدن آدامس‌های تولید داخل بوده است، در واقع واردکنندگان قانونی و قاچاقچیان قیمت‌های خود را بر اساس تولیدات داخلی تعیین می‌کنند.

#### دوغ و نوشابه

بنا به مصوبه‌ای که در اواخر سال ۸۵ به تصویب نمایندگان مجلس رسید ۶۰ درصد درآمد حاصله از افزایش قیمت نوشابه‌های گازدار به منظور پیشگیری، آموزش، تغییر زندگی و غربالگری بیماران دیابتی و کمک به هزینه‌های درمانی این بیماران و انجمن‌های غیردولتی مرتبط با دیابت در اختیار وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی قرار گیرد که این موضوع افزایش قیمت نوشابه را در پی داشت. روند صعودی قیمت نوشابه که از ابتدای سال گذشته آغاز شده بود ادامه دارد و در حال حاضر انواع نوشابه‌های خانواده با قیمت ۷۵۰ تا ۸۰۰ تومان به فروش می‌رسد. قیمت مائه‌الشعیرهای شیشه‌ای هم که سال گذشته ۱۵۰ تومان بود امسال به ۲۰۰ تومان افزایش پیدا کرده است. قیمت دوغ ۱/۵ لیتری از اواخر سال گذشته با افزایش زیادی مواجه بود و از قیمت‌های ۴۵۰ تا ۵۵۰ تومان به ۷۵۰ تومان افزایش یافته است؛ این گرانی در ادامه افزایش قیمت لبنیات پس از خارج شدن این محصولات از شمول قیمت‌گذاری‌های دولتی است که نمونه آن را در قیمت خامه، پنیر و خامه شکلاتی هم شاهد بوده‌ایم؛ مثلاً قیمت خامه شکلاتی از ۶۰۰ به ۱۰۰۰ تومن یعنی افزایش یافته است.

#### بیسکونیت

قیمت بیسکونیت‌های ویفر با افزایش ۵۰ درصدی از ۱۰۰ تومان به ۱۵۰ تومان افزایش یافته است. انواع دیگر بیسکونیت هم به خاطر افزایش نسبی قیمت آرد با رشد ۲۰ تا ۵۰ درصدی قیمت روبرو بوده‌اند. قیمت تی‌تاپ‌های ۵۰ و ۷۵ تومانی هم امسال یکدست شده و انواع تی‌تاپ با قیمت ۱۰۰ تومان به بالا عرضه می‌شود.

مریا و ترشیجات  
قیمت انواع مرباهای ۱۶۰ سی‌سی از ۳۰۰ تومان در سال گذشته به ۴۰۰ تومان افزایش یافته و ترشی‌های ۷۵۰ سی‌سی هم از قیمت ۸۵۰ تا ۹۰۰ تومان به ۱۰۰۰ تومان رسیده‌اند.

#### بستنی

قیمت انواع بستنی‌های عروسی که در تابستان سال گذشته ۲۵۰ تومان بود امسال به ۴۰۰ تومان افزایش یافته و قیمت بستنی‌های کاکائویی موسوم به "مگنوم" هم که سال گذشته ۳۵۰ تومان بود به ۵۰۰ تا ۵۵۰ تومان رسیده است.  
قیمت انواع بستنی‌های دستی در بستنی‌فروشی‌ها هم با افزایش قیمت روبرو بوده است و با این که نرخ مصوب اتحادیه برای بستنی ممتاز کیلویی ۳۵۰۰ تومان، بستنی درجه یک سه هزار تومان و بستنی درجه دو ۲۵۰۰ تومان اعلام شده است ولی بستنی فروش‌ها کار خود را می‌کنند و قیمت‌های خود را تعیین می‌کنند، به طور مثال قیمت بسیاری از بستنی‌هایی که سال گذشته در بستنی‌فروشی‌های جلوی پارک‌ها ۵۰۰ تومان بود امسال به ۷۵۰ تا ۸۰۰ تومان افزایش یافته است و اگر واحد صنفی هم نرخ‌های مصوب اتحادیه را رعایت کند بستنی باکیفیت و خوشمزه‌ای در اختیار مردم نمی‌گذارد.  
علاوه بر این بحث غیر بهداشتی بودن این بستنی‌ها که در واحدهای صنفی زنجیره‌ای به فروش می‌رسد هم مطرح است و به گفته یکی از بازرسان اتحادیه وضعیت بهداشت برخی از این واحدها اسفبار است و با توجه به این که رعایت موارد بهداشتی برای تولید بستنی با توجه به مصرف شیر در آن بسیار مهم است غفلت از این موارد می‌تواند منجر به صدمات جبران‌ناپذیر برای مشتریان شود.  
بستنی‌هایی هم که این روزها به عنوان بستنی خارجی به فروش می‌رسند دارای مشکلات مشابهی هستند چون امکان این که بستنی خارجی وارداتی با قیمت هر کیلو ۱۲ هزار تومان به فروش برسد وجود ندارد چون قیمت آن بسیار بالاتر از این‌هاست؛ بنا به گفته مسئولان اتحادیه این بستنی‌ها در داخل و با رنگ‌های شیمیایی تولید و به اسم بستنی خارجی به فروش می‌رسد!

#### رب گوجه‌فرنگی

با وجود کاهش قیمت صیفی گوجه‌فرنگی و فرارسیدن فصل برداشت محصول، قیمت رب گوجه‌فرنگی در بازار عمده‌فروشی با افزایش شدید روبرو شده و در بسیاری از واحدهای صنفی خرده‌فروشی رب کمیاب است.  
قیمت عمده‌فروشی رب گوجه‌فرنگی در یک ماهه اخیر ۹۵۰ تا ۱۰۰۰ تومان به ۱۵۰۰ تا ۱۶۰۰ تومان افزایش یافته است. خرده‌فروش‌هایی که به تازگی در بازار خرید کرده‌اند آن را با قیمت ۱۸۰۰ تا دو هزار تومان به فروش می‌رسانند و این در حالی است که قیمت رب یک کیلویی پس از عید ۱۲۰۰ تا ۱۳۰۰ تومان بوده است و سال گذشته در همین ایام قیمت رب گوجه‌فرنگی یک کیلویی ۹۰۰ تا ۱۰۰۰ تومان بود.

#### تن ماهی

قیمت تن ماهی نسبت به یک سال گذشته با جهش خیره‌کننده‌ای روبه‌رو بوده است به گونه‌ای که قیمت برخی از برندهای آن از ۷۵۰ تومان در سال گذشته به دو هزار تومان در اوایل امسال رسید که این موضوع باعث واکنش سازمان تعزیرات حکومتی شد و مدیرعامل یک شرکت تولید تن ماهی در تهران به اتهام گران‌فروشی و اجحاف در حق مصرف‌کنندگان به پرداخت جزای نقدی یک میلیارد و ۲۵۰ میلیون ریال محکوم شد.  
بنا به اعلام سازمان تعزیرات حکومتی ارقام محاسبه شده این شرکت بالاتر از حداکثر سود مجاز عوامل عمده و خرده‌فروشی اعلامی در بخشنامه سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان است و قیمت مندرج در فاکتورهای صادر شده توسط شرکت که مستقیماً در اختیار خرده‌فروش قرار می‌گیرد نشانگر حاشیه سود بالا برای خرده‌فروشان بوده است.

#### 674 - اخراج 50 کارگر کارخانه "شیرین طعم"

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ تعداد 50 تن از کارگران شاغل در کارخانه "شیرین طعم" لارستان روز گذشته بدلیل مشکلات مالی کارخانه از کار برکنار و برای دریافت بیمه بیکاری به اداره کار لارستان معرفی شدند. محمدحسن قوامی "فعال کارگری در لارستان در این باره به دسترنج گفت: مشکلات مالی در تهیه مواد اولیه و ناتوانی در پرداخت حقوق کارگر، دلیل اخراج کارگران گزارش شده است.  
او گفت: مدیریت با اخراج کارگران پیشنهاد کار ساعتی در کارخانه را به آنان داده است.

#### 675- موفقیت اولیه کارگران کوره پزخانه های ارومیه:

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ فعالان کارگری در استان آذربایجان غربی از آمادگی کارفرمایان و صاحبان کوره های آجرپزی برای مذاکره و گفتگو با کارگران اعتصاب کننده خبر می دهند.

کارگران کوره پزخانه های ارومیه که تعداد آنان بالغ بر ۶۰۰ نفر است، در هفته های اخیر به منظور افزایش دستمزدهای خود بطور هماهنگ اعتصاب کرده اند.

اعتصاب این کارگران که تعداد آنها بیش از ۴ هزار نفر برآورد می شود، پس از آن کارفرمایان را به مذاکره واداشت که کارگران کوره پزخانه های ورامین تهران در اعتصابی مشابه توانستند پس از یک ماه دستمزدهای خود را تا سقف ۱۵ هزار تومان افزایش دهند.

یکی از فعالان کارگری در خانه کارگر ارومیه اعلام کرد: روز گذشته از طریق گفتگو با کارفرما قرار شد که اعتصاب کنندگان برای مذاکره با کارفرما از میان خود ۳ تا ۵ نماینده را انتخاب کنند.

وی در خصوص شیوه انتخاب این تعداد نماینده از میان جمعیت ۴ هزار نفری کارگران کوره پزخانه ها گفت: این کارگران تا روز پنجشنبه وقت دارند تا با جمع آوری امضا نمایندگان خود را انتخاب و معرفی کنند.

به گفته این مقام آگاه، صاحبان کوره پزخانه های ارومیه که تعداد آنها در حدود ۹۰ واحد است، آماده مذاکره با اعتصاب کنندگان و افزایش دستمزدها تا سطح دستمزدهای کارگران ورامینی هستند.

با این حال برخی دیگر از فعالان کارگری از برخورد نامناسب و دور از ادب مسوولان اداره کار ارومیه با کارگران اعتصاب کننده خبر می دهند. یکی از اعضای اتحادیه آزاد کارگران ایران گفت: روز گذشته مسوول تنظیم روابط کار اداره کار ارومیه در پاسخ به کارگرانی که به امید کمک گرفتن به این اداره مراجعه کرده بودند گفته است "یا به سر کار خود بازمی گردید و یا اینکه به نیروی انتظامی می گویم با شما برخورد کند".

به گفته این مقام آگاه این برخورد پیش از مراجعه اعتصاب کنندگان به خانه کارگر و پیش آمدن موضوع تعیین نماینده برای مذاکره با کارفرما صورت گرفته است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران همچنین از اعتصاب کارگری مشابهی در کوره پزخانه های میاندوآب و شبستر خبر داد. براساس این گزارش کارگران این کوره پزخانه ها که وضعیتی مشابه هم صنفاً خود در ارومیه و ورامین دارند، در حمایت از اعتصاب ورامین دست به اعتصاب زده اند.

## \*676- توافقات پنهانی مسوولان با کارفرمایان :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 20 خرداد 87؛ در حالی که کمتر از یک ماه به پایان اعتبار قرارداد 400 کارگر اخراج شده ایران صدرای بوشهر باقیمانده است، فعالان کارگری از احتمال تعدیل گسترده نیروی انسانی در این کارخانه خبر می دهند.

به گزارش دسترنج، عیسی محمد کمالی از فعالان کارگری استان بوشهر اعلام کرد که کارفرمای ایران صدرای بوشهر قصد دارد به منظور اجرای طرح تغییر ساختار این کارخانه هزار نفر از کارگران خود را از یک تا دو سال به بیمه بیکاری معرفی کند.

وی ماه گذشته هشدار داده بود که کارفرما با تایید و اطلاع مسوولان اداری استان و مقامات مسوول در وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن تصمیم به انجام این کار گرفته است و کارگران از این تصمیم بی خبر هستند.

کارفرمای ایران صدرا در حالی با هماهنگی مسوولان اداری و کشوری تصمیم به تعدیل کارگران خود گرفته است، که تنها چند ماه از اعتصاب گسترده ۴۰۰ کارگر اخراجی ایران صدرا می گذرد.

در ابتدای سال جاری ۴۰۰ کارگر قراردادی ایران صدرا که به دلیل اتمام قرارداد خود اخراج شده بودند با اعتصاب های گسترده خود کارفرما واداشتند تا با مدت سه ماه دیگر قرارداد آنها را تمدید کند.

در آن زمان مسوولان اداری استان بوشهر متعهد شدند در ازای بازگشت به کار این کارگران، شرکت ایران صدرا را از نظر تامین پروژه حمایت کنند تا بهانه ای برای اخراج دوباره این کارگران وجود نداشته باشد.

در چند سال اخیر شرکت ایران صدرا که از واحدهای تولیدی کشتی و سکوهای دریایی محسوب می شود به دلیل کمبود پروژه با بحران های کارگری روبرو بوده است.

به عقیده کمالی صرف نظر از اینکه کارگران در جریان تصمیم گیری های اخیر قرار نداشته اند "هیچ تضمینی برای بازگشت به کار این هزار کارگر که بیشتر آنها کارگران قراردادی هستند وجود ندارد".

## 677- گزارشی از وضعیت کارخانه تهران پتو در قم :

به گزارش سایت فریاد کارگران از قول : انجمن دفاع از کارگران و بیکاران در تاریخ 20 خرداد 87 گزارش داد؛ معضلات کارخانه های شهرستان قم نیز مانند سایر شهرهای دیگر در سطح کشور تاسف بار است . يك فعال کارگري در این شهر در ارتباط با این معضلات به فریاد کارگر گفت: " شرکت ما الان بعد از 20 سال تبدیل به شرکت پارچه شده است و دیگر پتو تولید نمیکنند. مشکل اصلی ما عدم نقدینگی است علاوه بر اینکه تعداد 2500 کارگر در این کارخانه مشغول به کار بود که الان تبدیل به 500 نفر شده است. متاسفانه با توجه به این مشکل کارگران دچار مشکلات معیشتی شده اند به لحاظ روحی دچار مشکل شده اند. در خانواده ها تنش وارد شده است. بازار کساد است. تولیدات از چین وارد میشود و این سیاست روی

تولیدات ما تاثیر منفی گذاشته است. این واردات زیر نظر دولت به صورت آزاد انجام میشود و این یکی از اصلی ترین مشکلات ماست. ما 500 نفر کارگر داریم که 300 نفر رسمی و 200 نفر قراردادی هستند. هیچ اقدامی از جانب دولت یا مدیریت برای اینکه این تعداد کارگر رسمی شوند انجام نگرفته است. چون قراردادی بودن کارگران به نفع کارفرما است به دلیل اینکه این طوری میتواند بیشتر از کارگر کار بکشد و کمتر مزد بدهد و از آن طرف هر موقع که دلش خواست کارگر را اخراج کند. در عین حال در کارخانه های شهر قم تبعیض جنسیتی نیز یکی دیگر از مشکلات ما است. به این ترتیب که آقایان را اخراج میکنند و کارگران خانم را جایگزین آنان میکنند تا بتوانند به آنها حقوق کمتری بدهند، مزایا به خانمهای کارگر تعلق نمیگیرد، حقوقشان نصف مردان است ولی بیشتر از مردان از آنان کار میکشند. در وهله اول چند برگه سفید جلوی کارگر میگذارند و از او امضا میگیرند بابت چند ماه، به محض اینکه کارگر از کارش ناراضی باشد برگه تصفیه را روی میز میگذارد در حالی که کارفرما از 10 ساعت کار فقط حقوق 8 ساعت را به کارگر داده است، وقتی هم به هیئت تشخیص شکایتی از طرف کارگر برده میشود، میگویند از لحاظ قانونی پول به شما پرداخت شده است، در حالی که از لحاظ شرعی پول کامل پرداخت نشده است. عرضه و تقاضا همین است. زمانی که ما 30 میلیون بیکار در کشور داریم، وقتی یکی اخراج میشود به ازای آن یک نفر 10 نفر پشت در کارخانه صف کشیده اند برای کار. ما موارد اخراج کارگران را هم داشته ایم. مثلا چند ماه پیش کارگران اعتصاب کردند و گفتند حقوق میخواهیم در عوض اخراج شدند. اینها همه قراردادی بودند. کارگر قراردادی چه کار باید بکند. با این حقوق باید هزار بدبختی زندگیش را پاسخ بدهد، باید اجاره خانه بدهد، باید پوشاک تهیه کند، باید خوراک تهیه کند، اما کسی توجهی ندارد. مشکلات قراردادی ها خیلی بیشتر از رسمی ها است. ما تورم 50% در کشور داریم اما شما مقایسه کنید حجم تورم را با میزان سبب هزینه کارگر! در حال حاضر ما در کل 6 ماه حقوق معوقه داریم. به این شکل که مثلا حقوق من که 300 هزار تومان است یک جا سر وقت به من داده نمیشود بلکه هر دو هفته 100 تومان به من میدهند که به هیچ جای زندگی من نمیرسد. سر برج هم یک میزانی میدهند بعد همیشه برچی 70 تومان عقب می افتد. مثلا من خودم هنوز عیدی سال گذشته را دریافت نکرده ام. در حال حاضر 450 هزار تومان از کارخانه طلب دارم. کارفرما ها سو استفاده میکنند. کارخانه ما بیش از 100 میلیون وام گرفت. اما نمیتواند کارخانه را بچرخاند. میگوید صرف ندارد زمانی که اینجا 2500 کارگر داشت صرف میکرد ولی الان نمیکند. یک زمانی کارفرما میرفت 30 تریلی الیاف مثلا از اکراین یا کره می آورد، الان بانکهای خارجی به خاطر تحریمها اعتبار نمیدهند، کارفرما هم صلاحیت ندارد سیاست درست را پیاده کند لذا کارخانه نابود میشود و اشتغال پانین می آید. ما در کل کشور 20% کارگر رسمی داریم و 80% در کل کشور قراردادی هستند و این واقعا فاجعه است. شرکتهای دولتی از دولت پول میگیرند ولی شرکتهای کوچک روز به روز منحل میشوند. تعداد زیادی کارخانه در قم به همین دلایل یا دلایل مشابه منحل شده و کارگرانش بیکار شده اند."

#### 678- توافقات پنهانی مسوولان رژیم با کارفرمایان برای اخراج کارگران ایران صدرای بوشهر :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87؛ در حالی که کمتر از یک ماه به پایان اعتبار قرارداد 400 کارگر اخراج شده ایران صدرای بوشهر باقیمانده است، فعالان کارگری از احتمال تعدیل گسترده نیروی انسانی در این کارخانه خبر می دهند.

به گزارش دسترنج، عیسی محمد کمالی از فعالان کارگری استان بوشهر اعلام کرد که کارفرمای ایران صدرای بوشهر قصد دارد به منظور اجرای طرح تغییر ساختار این کارخانه هزار نفر از کارگران خود را از یک تا دو سال به بیمه بیکاری معرفی کند.

وی ماه گذشته هشدار داده بود که کارفرما با تایید و اطلاع مسوولان اداری استان و مقامات مسوول در وزارتخانه های کار و امور اجتماعی و صنایع و معادن تصمیم به انجام این کار گرفته است و کارگران از این تصمیم بی خبر هستند.

کارفرمای ایران صدرای در حالی با هماهنگی مسوولان اداری و کشوری تصمیم به تعدیل کارگران خود گرفته است، که تنها چند ماه از اعتصاب گسترده ۴۰۰ کارگر اخراجی ایران صدرای می گذرد.

در ابتدای سال جاری ۴۰۰ کارگر قراردادی ایران صدرای که به دلیل اتمام قرارداد خود اخراج شده بودند با اعتصاب های گسترده خود کارفرما و داشتند تا با مدت سه ماه دیگر قرارداد آنها را تمدید کند.

در آن زمان مسوولان اداری استان بوشهر متعهد شدند در ازای بازگشت به کار این کارگران، شرکت ایران صدرای را از نظر تامین پروژه حمایت کنند تا بهانه ای برای اخراج دوباره این کارگران وجود نداشته باشد.

در چند سال اخیر شرکت ایران صدرای که از واحدهای تولیدی کشتی و سکوها دریایی محسوب می شود به دلیل کمبود پروژه با بحران های کارگری روبرو بوده است.

به عقیده کمالی صرف نظر از اینکه کارگران در جریان تصمیم گیری های اخیر قرار نداشته اند "هیچ تضمینی برای بازگشت به کار این هزار کارگر که بیشتر آنها کارگران قراردادی هستند وجود ندارد."

#### 679- 'حمله به خودروهای پلیس' طی درگیری در زاهدان :

به گزارش بی بی سی به نقل از منابع خبری ایران در تاریخ 21 خرداد 87؛ اختلاف بر سر نحوه درگذشت دختر پیامبر اسلام، حضرت فاطمه، به زد و خورد اهل سنت با پلیس در "بازار مشترک" شهر زاهدان منجر شده است. اوضاع این ناحیه اکنون آرام گزارش می شود.

به گزارش ویسایت خبری "تابناک" در شب درگذشت حضرت فاطمه گروهی "با شعار نویسی تحریک آمیز" باعث واکنش خشم آلود ساکنان یک محله سنی نشین شدند.

پس از آنکه امام جمعه موقت مسجد مکی زاهدان که متعلق به اهل سنت است روز جمعه به "وفات" - و نه شهادت - حضرت فاطمه اشاره کرد، اتومبیل هایی حامل پلاکاردهایی با این شعار که حضرت فاطمه به شهادت رسیده است از این محله سنی نشین گذشتند.

این اقدام واکنش خشم آلود بلوچ های اهل سنت در حوالی میدان کوثر و انتهای خیابان سعدی را به دنبال داشت.

به گزارش سایت "تابناک" افراد محلی، سه خودرو را که ظاهراً متعلق به پلیس بوده است به علاوه تعدادی لاستیک به آتش کشیدند. معترضان همچنین اقدام به پرتاب سنگ کردند.

بنابراین گزارش از روز یکشنبه با ورود نیروهای ضدشورش و ماموران انتظامی، اوضاع این محله آرام است.

"تابناک" که واکنش معترضان را "افراطی" توصیف کرد، یکی از سایتهای خبری اصولگرا منسوب به محسن رضانی است که فعالیت آن پس از مسدود شدن سایت بازتاب آغاز شد.

در مورد نحوه درگذشت دختر پیامبر اسلام میان اهل سنت و برخی شیعیان اختلاف نظر وجود دارد. سنی ها می گویند دختر پیامبر به مرگ طبیعی درگذشته اما برخی شیعیان مرگ او را به ضربه شمشیر نسبت می دهند و "شهادت" می دانند. زاهدان مرکز استان سیستان و بلوچستان است که بخش بزرگی از جمعیت آن را بلوچ های سنی مذهب تشکیل می دهند. این شهر در سال های اخیر شاهد یک رشته نا آرامی ها بوده است.

#### 680- کارگران معترض ریسندگی خاور رشت جاده فومن به رشت را بستند:

به گزارش شمال نیوز در 21 خرداد 87؛ اعتراض صنفی کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت به بستن جاده کشید. به گزارش شمال نیوز در پی عدم دریافت حقوق یکساله کارگران این کارخانه، تعدادی از این کارگران از 2 روز پیش دست به تحصن و حرکات اعتراض آمیز زده اند.

این گزارش حاکیست در پی این اعتراض برخی از تجمع کنندگان با بستن جاده فومن به رشت اقدام به آتش زدن لاستیک در این مسیر نمودند.

آنها میگویند: بارها به مسوولین استان درخواست پیگیری مشکلاتشان مراجعه کرده اند ولی هربار با وعده ای از سوی ایشان موضوع ادامه پیدا کرده است.

آنان میگویند: یکسال است از هرگونه حقوق، مزایا و امکانات کاری خود محروم مانده ایم و تاکنون هیچ اقدام مثبتی در جهت رفع مشکل شاهد نبودیم.

کارگران این شرکت در حالی این سخنان را میگویند که برخی دیگر از کارگران کارخانه که خود را کارگران قراردادی شرکت مذکور معرفی میکنند از تعویق افتادن حقوق 17 ماهه خود خبر میدهند.

#### 681(\*)- تعداد 1100 زندانی زن در زندانهای استان تهران :

به گزارش خبرگزاری فارس در 21 خرداد 87؛ مدیر کل زندانهای استان تهران با اشاره به فعالیت های واحدهای مددکاری و مشاوره زندان در حل و آزادی زندانیان زن گفت: یک هزار و صد زندانی زن هم اکنون در زندان های استان تهران نگهداری می شوند.

سهراب سلیمانی گفت: عمده جرائم زندانیان زن استان تهران مربوط به مواد مخدر است و بعد از آن سرقت و مسائل مالی بیشترین آمار زندانیان زن را به خود اختصاص می دهد.

وی در پاسخ به پرسشی مبنی بر اقدامات زندان در مراقبت و پیگیری آزادی این زندانیان گفت: در زندان های نسوان واحدهای مددکاری و مشاوره روانشناسی دایر است و بنابراین واحدهای مددکاری سازمان اقدامات لازم را جهت حل مشکلات زندانیان زن انجام می دهند.

وی گفت: واحد مددکاری اقداماتی مانند رفع اطلاع دادرسی از پرونده زندانیان زن از طریق پیگیری پرونده در حوزه قضایی انجام می دهد و یا چنانچه زندانی دارای شاکی خصوصی باشد جلساتی را با خانواده شکات برگزار کرده و پیگیر اخذ رضایت و آزادی زندانیان می شود.

#### 682- ضرب و شتم کارگران نیشکر هفت تپه و شروع مجدد اعتصاب کارگران لاستیک البرز :

به گزارش فعالان حقوق بشر در ایران به تاریخ 21 خرداد 87؛ یورش وحشیانه نیروی انتظامی به کارگران گرسنه هفت تپه صبح امروز سه شنبه 21 خرداد ماه 87 کارگران شرکت کشت و نیشکر هفت تپه در ادامه ی اعتراضات و اعتصابات این دور خود بار دیگر به خیابان های شوش آمده و نسبت به عدم توجه مسولین در خصوص پرداخت مطالباتشان اعتراض کردند که با یورش مامورین نیروی انتظامی خیابانهای شهرستان شوش به درگیری کشیده شد و مامورین با باتون و ابزار امنیتی شدیداً با کارگرانی که در حال راهپیمایی در خیابانها بودند برخورد کرد. تعداد زیادی از کارگران مجروح و بسیاری دیگر نیز بازداشت شدند. هنوز از تعداد مجروحین و یا بازداشت شده ها آمارى در دست نیست.

کارگران شرکت نیشکر هفت تپه از تاریخ 16 اردیبهشت 87 در اعتراض به عدم تحقق خواسته های خود دست از کار کشیدند و روبروی دفتر مدیر عامل تجمع کردند که به دلیل عدم پاسخگویی برای رساندن پیام خویش به درون شهرستان شوش رفتند که به دلیل برخورد نیروی های انتظامی با کارگران و اعلام شرایط ویژه در تاریخ 2 خردادبار دیگر برای جلوگیری از اتفاقات احتمالی به داخل شرکت برگشتند و اعتراضات خود را در آنجا پیگیری کردند.

پس از گزاراندن 20 روز از این دور اعتصابات در محیط داخلی شرکت ساعت هشت صبح امروز کارگران با در دست داشتن پلاکاردهایی که بر روی آنها نوشته شده بود گرسنه ایم گرسنه و سر دادن شعارهای (( ما کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه )) و (( معیشت زندگی حق مسلم ماست )) وارد شهر شوش شدند و از روبروی تربیت بدنی و بیمارستان نظام مافی شروع به راهپیمایی کردند که پس از گذشت حدود یک ساعت نیروهای انتظامی و یگان ویژه با باتون و اسپری های مخصوص ضد شورش کارگران را در خیابان و میدان چهار دستگاه مورد ضرب و شتم قرار دادند.

ابوالفضل عابدینی  
فعالان حقوق بشر در ایران

#### 683 - اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک البرز که از دیروز شروع شده بود، امروز پایان گرفت:

کارگران کارخانه لاستیک البرز که از دیروز در اعتراض به عدم پرداخت دست به اعتصاب زده بودند. امروز به اتصاب خود پایان دادند.

بنا بر گزارشهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران، کارگران کارخانه لاستیک البرز دیروز صبح در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد فروردین و اردیبهشت ماه خود دست به اعتصاب زدند. این اعتصاب امروز با برگزاری جلسه ای از سوی کارفرما با نمایندگان شورای اسلامی و سرپرستان قسمتها و طی توافقی پایان گرفت. بر اساس این توافق که بصورت کتبی بوده است کارفرما متعهد شده است پس از یکماه ادامه کار توسط کارگران، دستمزد فروردین و اردیبهشت ماه آنان را پرداخت کند.

لازم به یادآوری است کارگران کارخانه لاستیک البرز عملکرد شورای اسلامی این کارخانه را قبول ندارند و قبلاً طی نامه ای به اداره کار اسلامشهر این مسئله را مطرح کرده و خواهان انتخاب شورای جدیدی شده اند اما اداره کار اسلامشهر به ..کارگران اعلام کرده است تا دو سال آینده شما نمیتوانید خواهان انحلال شورا و تشکیل شورای جدیدی باشید

اتحادیه آزاد کارگران ایران 1387/3/21

سایت: [www.ettehade.net](http://www.ettehade.net)

ایمیل: [k.ekhraji@gmail.com](mailto:k.ekhraji@gmail.com)

فکس: 02144514795

#### 684- شروع مجدد اعتصاب در لاستیک البرز :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87؛ کارگران لاستیک البرز بار دیگر در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوقه خود دست به اعتصاب زدند.

به گزارش دسترنج، در تازه ترین اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک البرز که از روز گذشته شروع و تا به امروز نیر ادامه دارد، کارگران در محل کار حضور دارند اما از کارکردن خودداری می کنند.

یکی از کارگران کارخانه لاستیک البرز در خصوص علت این اعتصاب آرام خود و همکارانش گفت: با وجود از سرگرفته شدن تولید، برخلاف وعده های داده شده هنوز 4 ماه حقوق و مزایای معوقه طلبکار هستیم.

به گفته این کارگر آخرین پرداختی کارگران به پرداخت دستمزد اسفندماه در 40 روز پیش مربوط می شود و از آن زمان تاکنون هنوز هیچ اقدامی در خصوص پرداخت عیدی سال 86 و دستمزد ماه های فروردین و اردیبهشت صورت نگرفته است.



کارگران کارخانه لاستیک البرز که بیش از هزار نفر هستند، از زمستان سال گذشته تاکنون در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود با تجمع در کارخانه و روشن کردن آتش دست اعتصاب زده اند. این اعتصاب ها که برای مدتی بصورت شبانه روزی نیز ادامه یافت، چند بار با پادر میانی مسوولان اداری اسلامشهر پایان یافت اما پس از مدتی به دلیل بر آورده نشدن خواسته های و به تعویق افتادن پرداخت معوقه دوباره از سر گرفته شد. این کارگران که علاوه بر پرداخت مطالبات معوقه خود خواهان متعهد شدن کارفرمای خصوصی کارخانه به تهیه مواد خام برای استمرار و توسعه تولید بودند در آخرین روزهای فروردین ماه سال جاری از سوی عوامل انتظامی مورد برخورد قرار گرفتند. اعتصاب کنندگان با اشاره به بحرانی شدن وضعیت کارخانه لاستیک البرز بر این باور بوده و هستند که اگر مدیران کارخانه به فکر تامین مواد خام برای تولید باشند دیگر هیچ اعتراضی وجود نخواهد داشت.

#### **685- تجمع کارگران کارخانه ریسندگی خاور رشت :**

با تاخیر ۱۲ تا ۱۷ ماهه در پرداخت حقوق و مزایای معوقه، این کارگران از دو روز پیش دست به تحصن زده و جاده فومن-رشت را مسدود و اقدام به آتش زدن لاستیک نمودند. اعتراض صنفی کارگران شرکت ریسندگی خاور رشت به بستن جاده کشید. به گزارش البرز در پی عدم دریافت حقوق یکساله کارگران این کارخانه، تعدادی از این کارگران از ۲ روز پیش دست به تحصن و حرکات اعتراض آمیز زده اند. این گزارش حاکیست در پی این اعتراض برخی از تجمع کنندگان با بستن جاده فومن به رشت اقدام به آتش زدن لاستیک در این مسیر نمودند. آنها می گویند: بارها به مسوولین استان در خصوص پیگیری مشکلاتشان مراجعه کرده اند ولی هربار با وعده ای از سوی ایشان موضوع ادامه پیدا کرده است. آنان می گویند: یکسال است از هرگونه حقوق، مزایا و امکانات کاری خود محروم مانده ایم و تاکنون هیچ اقدام مثبتی در جهت رفع مشکل شاهد نبودیم. کارگران این شرکت درحالی این سخنان را می گویند که برخی دیگر از کارگران کارخانه که خود را کارگران قراردادی شرکت مذکور معرفی می کنند از تعویق افتادن حقوق ۱۷ ماهه خود خبر می دهند.

#### **686- روند شتابان اخراج کارگران بروجردی :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87 ؛ بیش از 500 کارگر بروجردی از ابتدای سال جاری تاکنون به جمع بیکاران پیوسته اند. "محمد گودرزی" فعال کارگری در بروجرد با بیان این مطلب به دسترنج گفت: روزانه بطور متوسط 5 کارگر در کارخانه ها و واحدهای تولیدی و صنعتی بروجرد از کار برکنار می شوند که در این میان اداره کار بروجرد هیچگونه نظارتی ندارد. او با اشاره به اینکه مدیران کارخانه ها در اقدامی غیرقانونی هر ساله برای ممانعت از پرداخت سنوات و دیگر مزایای شغلی کارگران، آنان را اخراج می کنند، اظهار داشت: کارگران بروجرد دیر زمانی است که بدلیل عدم رسیدگی نهاد ذیربط و گریز از فقر و گرسنگی ناشی از بیکاری، به قراردادهای کوتاه مدت 2 ماه تن داده اند.

#### **687- کارگران "سامان کاشی"؛ 3 ماه بدون حقوق :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87 ؛ بیش از یک سال است که حقوق کارگران شاغل در این واحد تولیدی کاشی با تاخیر چندین ماهه پرداخت شده که این امر اعتراض کارگران را به همراه داشته است. تعداد 500 تن از کارگر شاغل در کارخانه سامان کاشی بروجرد 3 ماه است که حقوقی دریافت نکرده اند. "محمد گودرزی" فعال کارگری با بیان این مطلب به دسترنج گفت: بیش از یک سال است که حقوق کارگران شاغل در این واحد تولیدی کاشی با تاخیر چندین ماهه پرداخت شده که این امر اعتراض کارگران را به همراه داشته است. او گفت: تولید و فروش محصولات کارخانه در وضعیت مطلوب و ایده ال قرار دارد اما حقوق کارگران با تاخیر پرداخت می شود.

#### **688- تضییع حقوق کارگران شهرداری سمنان :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87 ؛ شرکت های پیمانکار طرف قرارداد با شهرداریهای استان سمنان ماهیانه 150 هزار تومان به کارگران خود حقوق می دهند. "حسین طاهرزاده" فعال کارگری در سمنان با بیان این مطلب به دسترنج گفت: این کارگران در شبانه روز بیش از 12

ساعت کار کرده اما کارفرمایان این شرکتها به آنها 150 هزار تومان حقوق می دهند. او گفت: بیش از 500 کارگر قراردادی در سراسر استان در شرایط مشابه ای مشغول بکار هستند که حقوق پایین و غیرقانونی دریافت می نمایند.

"طاهرزاده" با اشاره به اینکه شهرداری سمنان بر عملکرد این شرکت ها نظارتی ندارد، گفت: بن کارگری، حق مسکن و خواربار کارگران تاکنون پرداخت نشده است.

#### 689- هراس از اعتصاب و افزایش نیروهای انتظامی :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87؛ یکی از کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه گفت: در پی برآورده نشدن خواسته های قانونی کارگران نیشکر هفت تپه، کارگران این کارخانه قصد داشتند به نشانه اعتراض در مقابل فرمانداری شوش تجمع کنند. گفته می شود به منظور پیشگیری از تجمع کارگران نیشکر هفت تپه در مقابل فرمانداری شوش، حضور عوامل انتظامی در نقاط مختلف شهر شوش بیشتر شده است.

این کارگر گفت: به همین دلیل از صبح امروز عوامل انتظامی بیشتر از روزهای گذشته در نقاط مختلف مستقر شدند تا از تجمع احتمالی و سایر حرکت های اعتراضی کارگران جلوگیری شود.

کارگران کارخانه نیشکر هفت تپه که تعداد آنها از 3 تا 4 هزار نفر گزارش شده است، پیش از این نیز در اعتراض به پرداخت نشدن 3 ماه حقوق و مزایا دست از کار کشیده بودند و به مدت چندین روز همراه اعضای خانواده های خود در مقابل فرمانداری شوش تجمع کرده بودند.

این تجمع که تا ابتدای خردادماه ادامه داشت سرانجام با وعده تشکیل نهاد صنفی کارگری در این کارخانه و وعده های یکی از مقامات انتظامی مبنی بر تحقق خواسته های کارگران به پایان رسید.

به گفته یکی از کارگران، این مقام انتظامی با حضور در جمع تجمع کنندگان از کارگران خواسته بود از مقابل فرمانداری به محل کار خود بازگردند تا ظرف یک هفته به مشکلات آنها رسیدگی شود.

این کارگر گفت: با وجود گذشت نزدیک به یک هفته از این مسئله هنوز هیچ اقدامی در خصوص پرداخت مطالبات معوقه کارگران نیشکر هفت تپه و تشکیل نهاد مستقل صنفی برای این کارگران صورت نگرفته است.

کارخانه نیشکر هفت تپه که یکی از بزرگترین کارخانه های صنعت نیشکر در ایران است به دلیل واردات بیش از اندازه شکر با بحران جدی کارگری روبرو شده است.

چندی پیش نیز در جریان اعتراض های صنفی کارگران این کارخانه، تعدادی از کارگران توسط عوامل انتظامی بازداشت شدند که نخستین جلسه دادگاه این کارگران چند هفته پیش برگزار شد.

#### 690- وضع را بهبود بده، حقوق پیشکش؟! :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87؛ کارگران کوره پزخانه های آذربایجان غربی در برابر برآورده شدن سایر مطالبات خود به دریافت دستمزدی کمتر از دستمزد کارگران کوره پزخانه های ورامین نیز راضی هستند.

به گزارش دسترنج، فعالان کارگری در استان آذربایجان غربی اعلام کردند که به دلیل مشکلات بیش از حد، کارگران کوره پزخانه های این استان حاضر هستند تا در برابر بهبود وضعیت موجود، دستمزد آنها کمتر از دستمزد کارگران ورامینی در تهران افزایش یابد.

در حال حاضر که 4 هزار کارگر کوره پزخانه های ورامین پس از یک اعتصاب یک ماهه توانستند دستمزد خود را تاسقف 14 هزار تومان افزایش دهنده، هم صنفان آنها در آذربایجان غربی اعلام کرده اند که حاضر هستند به شرط بهبود وضع موجود با دریافت دستمزدهای 11 هزار تومانی به کار خود بازگردند.

این کارگران که از نظر تعداد بطور تقریبی با کارگران کوره پزخانه های ورامین برابر هستند، در دو هفته گذشته به منظور افزایش دستمزدهای خود و دریافت دستمزدی برابر با کارگران تهرانی دست به اعتصاب زده بودند.

به گفته یکی از فعالان کارگری استان آذربایجان غربی در تشکیلات خانه کارگر، پایین بودن دستمزد تنها مشکل کارگران کوره پزخانه های این استان نیست بلکه این کارگران از نظر امکانات اولیه بهداشتی و رفاهی در محیط کار و محل زندگی خود با مشکلات جدی روبرو هستند.

این مقام آگاه گفت: بیشتر کارگران کوره پزخانه ها به همراه سایر اعضای خانواده خود در محل کوره پزخانه ها که در نقاط دور از شهر واقع شده است زندگی می کنند و در اکثر این مناطق حتی نانوائی برای تامین نان مورد نیاز این کارگران وجود ندارد.

وی افزود: صرف نظر از مشکل نان که کارگران در بیشتر مواقع مجبورند به بهای آزاد آن را خریداری کنند، در محل اقامت این کارگران وضع استحمام، سرویس های بهداشتی و جمع آوری زباله بسیار نامساعد است.

این فعال صنفی افزود: به همین دلیل کارگران حاضر هستند در برابر بهبود وضع موجود دستمزدهای کمتری دریافت کنند، زیرا بعید است کارفرمایان حاضر باشند تا علاوه بر افزایش دستمزد کارگران نسبت به بهبود وضع موجود نیز اقدام کنند.

براساس این گزارش در حال حاضر برخی از خواسته ها با کارفرمایان در میان گذاشته شده است و گفتگوهایی نیز بر سر

افزایش دستمزدها به میزان ۲۰ درصد دستمزدهای سال ۸۶ انجام شده است. گفته می شود کارفرمایان نیز با این درخواست ها موافقت کرده اند و به همین منظور بر افزایش بهای آجر تاکید دارند.

#### 691- کارخانه تولید الیاف مصنوعی در آتش سوخت :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87 ؛ انبار 3000 متری يك شرکت تولید الیاف مصنوعی بامداد امروز کاملاً طعمه حریق شد. محمد بیات، معاون عملیات سازمان آتش نشانی گفت: در پی اطلاع از خبر حریق انبار این شرکت، شش ایستگاه آتش نشانی از تهران، گرمدره و کرج به محل حادثه واقع در اتوبان تهران - کرج اعزام شدند. وی افزود: در این کارخانه 30 هزار متری مربعی چند سوله حاوی مواد اولیه تولید موکت و ضایعات پوششی کف و سقف خودرو وجود داشت که بدلیل سریع الاشتعال بودن این مواد، یک سوله 3000 متری کاملاً در آتش سوخت. بیات با اشاره به تجهیز نبودن این انبار به وسایل ایمنی گفت: این عملیات 4 ساعت بطول انجامید و آتش نشانان با اطفای کانون حریق از سرایت آتش به سوله های مجاور جلوگیری کردند.

#### 692- بدهی 400 میلیارد تومانی وزارت بهداشت به پرسنل :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87 ؛ وزیر بهداشت گفت: وزارت بهداشت 400 میلیارد تومان بابت حقوق و مزایای در سال 86 به پرسنل خود بدهکار است که این بدهی به امسال منتقل شده است با این حال در انجام وظایف ذاتی خود برای خدمت به مردم کوتاهی نمی کنیم. کامران باقری لنکرانی در سمینار سراسری اقتصاد سلامت، عوامل اجتماعی موثر بر سلامت و ارزیابی فن آوری های سلامت در دانشگاه علوم پزشکی تهران، افزود: وزارت بهداشت با کوهی از مشکل مواجه است که برای اینکه آدم دلش خالی شود کافی است ولی ما برای خودمان کار نمی کنیم بلکه می خواهیم به رعیت حضرت صاحب زمان (عج) خدمت کنیم، فرصت خدمت کوتاه است و باید هر چه در توان داریم انجام دهیم.

#### 693- تجمع ثبت نام کنندگان خودروهای سنگین مقابل سایپادیزل :

روز گذشته تعداد زیادی از ثبت نام کنندگان متقاضی خرید خودروهای سنگین - حدود 120 نفر - مقابل شرکت سایپادیزل تجمع و نسبت به وضعیت قراردادشان اعتراض کردند. در همین زمینه یکی از ثبت نام کنندگان ناراضی به ایسنا گفت: عمده قراردادها مربوط به سال های 1385 و 1386 بوده و متقاضیان عمدتاً قصد خرید خودروی نیسان T375 را داشتند. به گفته وی قرار بود پس از انعقاد قرارداد، خودرو ظرف سه ماه تحویل داده شود که تاکنون چنین نشده است. این فرد با اشاره به اختلافات به وجود آمده بین شرکت سایپادیزل و شرکت لیزینگ کالای سپهر عنوان کرد: تغییرات مدیریتی در سایپا دیزل و بروز مشکلات مالی میان دو شرکت فوق، کار متقاضیان دریافت خودرو را با اختلال ایجاد کرده است. وی مدعی شد که شرکت سایپادیزل به شرکت لیزینگ کالای سپهر دستور داده تا به متقاضیان وام داده نشود. او افزود: تعداد ثبت نام کنندگان به حدود 1500 نفر می رسد که در سراسر کشور پراکنده هستند. وی تصریح کرد: اگر لیزینگ کالای سپهر مشکل داشت چرا سایپا دیزل از ابتدا ما را به آن معرفی کرد؟! در این باره ملک - مدیرعامل شرکت سایپادیزل - درباره علت اعتراض این افراد گفت: در سال های گذشته قراردادی بین شرکت سایپادیزل و لیزینگ کالای سپهر برای فروش خودروهای سنگین به متقاضیان امضا شده بود که شرکت فوق به تعهدات خود در این زمینه عمل نکرد و هم اکنون بدهی بالایی نیز دارد. وی ادامه داد: ما به این شرکت لیزینگ فشار وارد کردیم تا در کنار حل مشکل ثبت نام کنندگان، بدهی خود را نیز هرچه زودتر پرداخت کند. آن ها نیز به ما اعلام کردند که در حال فروش بخشی از املاک خود برای پرداخت بدهی شان هستند. ملک خاطرنشان کرد: هم اکنون در حال مذاکره هستیم تا شرکت لیزینگ صنعت و معدن را جایگزین شرکت فوق کنیم که البته شرکت لیزینگ جدید نیز شرایط سختی را برای متقاضیان خرید خودروهای سنگین تعیین کرده که همین امر موجب اعتراض ثبت نام کنندگان را فراهم کرده است. وی با بیان این که ثبت نام کنندگان دارای دو نوع قرارداد قیمت قطعی و قیمت به روز هستند، عنوان کرد: اگر قرارداد ثبت نام کننده ای به صورت قیمت قطعی باشد، اداره فروش سایپادیزل موظف است خودرو را به همان قیمت موقع ثبت نام تحویل مشتری دهد. اگر قرارداد ثبت نام کننده ای نیز به صورت قیمت به روز باشد، با توجه به این که ثبت نام کننده سود مشارکت نیز دریافت کرده، طبیعی است که قیمت خودرو ثبت نام شده نیز به صورت به روز برای وی محاسبه شود. مدیرعامل سایپادیزل در عین حال اذعان کرد: در هر صورت ثبت نام کنندگان نیز به قیمت های اعلام شده از سوی شرکت

لیزینگ اولی در سال‌های گذشته استناد می‌کنند و در این زمینه حق با آن‌هاست. تجمع روز گذشته این افراد مقابل شرکت سایپادیزل تا پاسی از شب نیز ادامه داشت که در نهایت با دخالت نیروی انتظامی به پایان رسید.

#### 694- کارگران "کاشی جم"؛ 2 ماه بدون حقوق :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87؛ بیش از 400 کارگر شاغل در کارخانه "کاشی جم" سمنان 2 ماه حقوق دریافت نکرده‌اند. "محمد گودرزی" فعال کارگری در بروجرد در این باره به دسترنج گفت: حقوق کارگران شاغل در کارخانه مدتیست که با تاخیر چندین ماهه پرداخت شده که این امر اعتراض گسترده کارگران را به همراه داشته است. او گفت: کاشی جم از بازار فروش خوبی برخوردار است اما حقوق کارگران آن کماکان با تاخیر پرداخت می‌شود.

#### 695- رسیدگی به شکایت اعضای تحریریه روزنامه مردم نو :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87؛ هیات تشخیص اختلاف اداره کار زنجان، یکشنبه آینده به شکایت خبرنگاران اخراجی روزنامه مردم نو رسیدگی می‌کند. به گزارش دسترنج، این خبرنگاران که تعداد آنها حدوداً 8 نفر است، از ابتدای خرداد ماه با دستور مدیر مسوول اخراج شدند. به گفته سخنگوی این گروه، خبرنگاران اخراجی، علاوه بر آنکه برای دادخواهی به هیات تشخیص اداره کار زنجان مراجعه کرده‌اند، از انجمن صنفی روزنامه نگاران نیز درخواست کمک کرده‌اند. اخراج شدگان که اعضای تحریریه تنها نشریه روزانه استان زنجان هستند تنها به دلیل مطرح کردن مطالبات صنفی و قانونی اخراج شدند. به گفته سخنگو؛ این اخراج وقتی صورت گرفت که مذاکرات اعضای هیات تحریریه با مدیر مسوول برسر محاسبه دستمزد بر طبق قانون کار و بهره مند شدن از مزایای بیمه اجباری بی نتیجه ماند و خبرنگاران ناچار به بازرسی اداره کار مراجعه کردند.

#### (\* 696- مصاحبه اختصاصی فریاد کارگر بایکی از برجسته ترین فعالین کارگری در مشهد :

برای رعایت مسائل امنیتی از بردن نام معذوریم

به گزارش انجمن دفاع از کارگران و بیکاران در تاریخ 21 خرداد 87؛ باسلام خدمت شما و ابراز خرسندی و سرفرازی که وقتتان را به ما اختصاص دادید.

دیدگاه شما در ارتباط با قیامهای گسترده کارگران زحمت کش مثل کارگران آجر پزی و یا هفت تپه که در حال حاضر در اعتصاب هستند و در مقابل سرکوب ظالمانه دولت چیست؟

با سلام به شما و خسته نباشید به خاطر فعالیتهای آزادانه و مستقلی که در راستای انعکاس بدون سانسور واقعیتهای جامعه کارگری دارید و اجازه می‌خواهم درود بفرستم بر کارگران دلیر نیشکر هفت تپه که در مقابل حکومت سرکوبگر حاکم پایداری میکنند و علیرغم فشارهایی که این حکومت ظالم بر آنها وارد میکند در صدد احقاق کمترین حقوق خودشان هستند. هم چنین اجازه می‌خواهم تسلیت بگویم به خانواده های شریف دو تن از کارگرانی که در نتیجه فقر و بیماری علی رغم تلاش و کار زیاد ولی نگرفتن حقوق در بردسیر جان خودشان را از دست دادند، همچنین تسلیت بگویم به خانواده های داغدار کارگران شازند اراک که زنده زنده در آتش حقد و کین این دولت سفاک سوختند. اما در ارتباط با سوال شما می‌خواستم در ابتدا بگویم که واقعا همه میدانیم و از دوران کوچکی شنیده ایم که کارگران کوره پزخانه ها در چه وضعیت و شرایط سختی کار میکنند مثلا فرض کنید که همین الان هم این کارگران روزانه هفده ساعت کار طاقت فرسا انجام میدهند این چیز عجیبی است که انسان به لحاظ فیزیکی بتواند دوام بیاورد ولی با وجود این شاهدیم که دولت غارتگر و دزد حقوقشان را نمیدهد و همین سر سوزن پول را هم از آنان دریغ میکند، علاوه بر این در هفت تپه شاهد تقریباً يك ماه اعتراض و اعتصاب و تحصن و مقاومت کارگران دلیر هستیم. اینها پایداری میکنند اما دولت با کمال وقاحت حقوقشان را نمیدهد در حالی که شاید در جریان باشید که کارگرانی که الان شاغل هستند آنقدر وضعیت خرابی دارند که حتی با حقوقی که دریافت میکنند حتی يك سوم معیشت زیر خط فقر خود را هم به زور میتوانند تامین بکنند چه رسد به اینکه این دولت بی وجدان و ضد انسانی همین حقوق را هم به آنها پرداخت نمیکند. از طرفی میبینیم که دولت به جای اینکه بیايد حقوق کارگران را پرداخت کند با مصرف هزینه های بسیار زیاد

ارگانهای سرکوب گر خودش را راه می اندازد تا این کارگران را سرکوب کنند و توطئه های عجیبی هر روز علیه این کارگران میچیند تا بتواند آنان را وادار به سکوت بکند، اما همچنان که همه مردم ایران میبینند این ظلم و ستم حکمرانان بر مسند کشور ما در حق کارگران به حدی رسیده است که کارگران مطلقاً نمیتوانند در مقابل این فقر و این همه اجحافی که در حقشان اعمال میشود سکوت بکنند. دولت سعی میکند برخی از کارگران را تهدید کند، برخی دیگر را تطمیع کند، برخی دیگر را دستگیر کند ولی با وجود این شاهدیم که کارگران آزاده و دلیر مقاومت میکنند چرا؟ به این دلیل که دولت حاضر نیست کمترین حقوقی که قانون خودش به رسمیت شناخته است، در مورد کارگران ما روا بدارد. به خصوص در حال حاضر یکی از بزرگترین دزدان و سرمایه داران همین سپاه است که میبینیم پیمانکاریهایی که در اختیار باندهای وابسته به سپاه هستند کارگران میهن ما را به خصوص در بندرها مثل برده خرید و فروش میکنند. این کارگران شریف هر روز دست به اعتصاب میزنند ولی میبینیم که نیروهای سرکوبگر و نیروهای انتظامی به شدت آنان را سرکوب میکنند.

باتوجه به فراخوانهایی که برای اتحاد بین اقشار گوناگون کشور منتشر شده است چه پیامی برای سایر اقشار در ارتباط با کمک به کارگران دارید؟

در این شرایط سخت که کارگران ما با آن مواجه هستند من از تمام جوانان خصوصاً دانشجویان که قشر بالنده ای هستند درخواست دارم که به کمک این کارگران زحمت کش میهنمان به پا خیزند و اجازه ندهند که کارگران زیر چکمه های ظلم دولتیها نابود شوند من از هر کس که صحبتی من را میشنود و یا میخواند میخواهم که با کارگران همراه شوند. ولو با درمی یا درهمی یا قلمی، با آنان همراهی کنند به نفع کارگران اعتصاب و تظاهرات بکنند تا در احقاق حقوق کارگران شریک باشند. از طرفی پیامی دارم به این دولت سفاک و ضد انسانی: هر کاری بر علیه این کارگران بیچاره بکنی و هر قدر که ستم بکنی و هر قدر که سرکوب بکنی این کارگران ما هستند که همراه با سایر اقشار و طبقات محروم میهن تو را به زباله دان تاریخ خواهند فرستاد.

با سپاس فراوان از نظرات ارزنده شما استفاده کردیم و ممنون از وقتی که در اختیار ما گذاشتید.

#### 697- کشته شدن کارگر هنگام گود برداری :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 21 خرداد 87؛ کارگری امروز هنگام گودبرداری توقفگاه هتل باباطاهر همدان بر اثر ریزش آوار فوت کرد. فرماندهی انتظامی همدان اعلام کرد این کارگر ساختمانی که حدود 25 سال سن دارد هنگام گودبرداری طرح توسعه هتل باباطاهر همدان، داخل گودال بوده است که پس از آواربرداری بیل مکانیکی، آوار بر روی وی ریخته می شود. براساس این اعلام، این کارگر بر اثر شدت جراحات وارده بر سر و اعضای داخلی بدن فوت کرد. جسد متوفی هم اکنون در پزشکی قانونی است و تلاش برای کشف هویت وی ادامه دارد.

#### 698- بیانیهی کانون نویسندگان ایران :

کانون نویسندگان ایران ۲۱ خرداد ۱۳۸۷ بیست و هفت سال از شکنجه و اعدام سعید سلطان پور، عضو برجسته و فعال کانون نویسندگان ایران، و از نخستین قربانیان دهه‌ی شصت می‌گذرد. گرچه کشتار دهه‌ی شصت همچنان نقطه‌ی اوج سرکوب در سه دهه‌ی اخیر است، امواج سرکوب، دستگیری، صدور احکام زندان برای فعالان عرصه‌های مختلف اجتماعی، از نویسندگان و دانش‌جویان تا کارگران، زنان و دیگر فعالان اجتماعی فروکش نکرده است. بیش از یک ماه از اعتصاب کارگران نیشکر هفت‌تپه می‌گذرد. در این مدت، کارگران این کارخانه در معرض انواع ضرب و شتم و دستگیری بوده‌اند. صدها نفر از دانش‌جویان دانشگاه تربیت معلم کرج در اعتراض به انواع فشار و ستم اعتصاب غذا کردند که این اقدام حق طلبانه با حمایت دانش‌جویان دیگر روبه‌رو شد و روز گذشته با تحقق تمام خواسته‌های دانش‌جویان پایان یافت. برای چند تن از فعالان جنبش زنان و نیز فعالان اجتماعی در آذربایجان احکام سنگین زندان صادر شده است.

ما با پابندی به منشور کانون نویسندگان ایران، مبنی بر آزادی بیان، اندیشه و مبارزه با سانسور، ضمن محکوم کردن این سرکوب‌ها، دستگیری‌ها و احکام زندان از مبارزات کارگران، دانش‌جویان، زنان و فعالان اجتماعی دیگر پیگیرانه حمایت می‌کنیم و پیروزی‌های به دست آمده در برخی از این عرصه‌ها را به آنان شادباش می‌گوییم.

#### 699- کاهش شدید قدرت خرید کارگران :



به گزارش روزنامه اعتماد در تاریخ 21 خرداد 87؛ بنا بر گزارش رسمی بانک مرکزی، نرخ تورم در دوازده ماه منتهی به اردیبهشت ماه 87 به مرز 20 درصد رسیده که در سال های گذشته بی سابقه بوده است.

همچنین نگاهی به گزارش خلاصه تحولات اقتصادی کشور در سال 85 که توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران منتشر شده است، نشان می دهد در حالی که حداقل دستمزد اسمی در سال 85 ماهانه 150 هزار تومان بوده است، حداقل دستمزد واقعی کارگران در این سال بر مبنای سال  $76 = 100$  به رقم 42918 تومان رسیده است.

همچنین در سال 1384 نیز حداقل دستمزد واقعی 41182 تومان بوده است در حالی که حداقل دستمزد اسمی در این سال 126 هزار تومان در ماه بوده است.

با نگاهی به آمار مربوط به سال های گذشته شکاف حداقل دستمزد اسمی و حقیقی بیشتر آشکار می شود به طوری که در سال 83 حداقل دستمزد اسمی 106 هزار تومان و حداقل دستمزد واقعی 38 هزار تومان بوده است.

همچنین در سال 82 که حداقل دستمزد اسمی کارگران تقریباً 85 هزار تومان در ماه بوده است قدرت خرید آنها در سطح ماهانه 35 هزار تومان باقی مانده بود. در سال 81 نیز با حداقل دستمزد اسمی 69 هزار تومانی در ماه کارگران دستمزد واقعی 33 هزار تومانی را تجربه کرده بودند. نگاهی به این روند نشان می دهد که در سال 87 با حداقل دستمزد اسمی 210 هزار تومان و با وجود تورم نزدیک به 20 درصدی قدرت خرید کارگران به شدت کاهش پیدا خواهد کرد و رقم دستمزد واقعی افت کاملاً محسوس خواهد داشت.

با نگاهی به این آمار متوجه می شویم افزایش حداقل دستمزد کارگران در سال جاری هیچ تناسبی با نرخ تورم نداشته و عملاً این افزایش دستمزد کمکی به افزایش قدرت خرید کارگران نکرده است، به طوری که افزایش نزدیک به 30 هزار تومانی حداقل دستمزد در سال 85 نسبت به سال 84 تنها 1500 تومان افزایش در دستمزد حقیقی کارگران به وجود آورده است.

با این حال اگر افزایش 36 هزار تومانی حداقل دستمزد اسمی در سال 86 نسبت به سال 85 و افزایش 25 هزار تومانی حداقل دستمزد اسمی در سال 87 نسبت به سال 86 را با نرخ تورم سال های 86 و 87 مقایسه کنیم، متوجه کاهش شدید دستمزد حقیقی کارگران در دو سال اخیر خواهیم شد.

به بیان دیگر در سال 85 که اقتصاد ایران تورم 12 درصدی را تجربه کرده بود افزایش 19 درصدی در حداقل دستمزد اسمی کارگران نسبت به سال 84 در حالی صورت گرفت که رشد دستمزد واقعی کارگران در این سال نسبت به سال 84 تنها 4/3 درصد بوده است.

در این صورت با در نظر گرفتن تورم 18 درصدی در سال 86 و تورم 20 درصدی در دوازده ماه منتهی به اردیبهشت 87 و رشد 24 هزار تومانی حداقل دستمزد اسمی در سال 87 نسبت به سال 86 کاهش شدید قدرت خرید کارگران و افت حداقل دستمزد حقیقی کارگران آشکار خواهد شد.

## (\* 700- گفتگویی با یکی از فرهنگیان در رابطه با مشکلات آنان در سایت صدای اعتراض :

معلمان ایرانی طی دو سال گذشته بارها دست به اعتراض زدند؛ این اعتراضات گاه به شکل صدور بیانیه و نامه های اعتراض آمیز بود، و گاه به شکل تجمع و تحصن اولین سنوالم این است که آیا این اعتراضات صنفی است یا انگیزه های سیاسی و اجتماعی نیز در آن دخیل هستند؟

خواسته هایی که معلمان در ایران بخاطرش دست به اعتراض میزنند جزء بدیهی ترین خواسته ها و حقوق اکثریت شاغل هر جامعه ای هستند که اگر در آلمان یا انگلیس و با یک درجه تخفیف حتی در ترکیه طرح شوند خواسته هایی کاملاً صنفی، با تعریف رایجی که از خواسته ها و اعتراضات صنفی وجود دارد، محسوب میشود. اما در این مملکت همه می دانیم شرایط فرق میکند. نگاهی به اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و غیره که آنها هم خواسته هایی مشابه ما دارند این را به خوبی نشان داده که حرکت برای ابتدایی ترین خواسته ها هم در اینجا جنبه سیاسی اجتماعی پیدا میکند، اعتراضات معلمان هم به همین ترتیب.

کارگری که به پرداخت نشدن حقوقش معترض است از طرف نیروهای امنیتی احضار و تهدید میشود و توسط دادگاه انقلاب به محاکمه کشیده می شود، معلمی که در اعتراض به شرایط مشقت بار زندگیش دست به اعتصاب و تجمع میزند به جرم اقدام علیه امنیت محاکمه و محکوم می شود. بنابر این جدا از هر تعریفی که من و شما از اعتراضات صنفی و سیاسی داشته باشیم خود حکومت بابر خوردی که به اعتراضات میکند عملاً اعلام می کند اعتراض به ظلم و بی حقوقی، اعتراضی سیاسی است. فوری ترین خواسته معلمان بهبود وضعیت معیشتی آنان است که شامل پرداخت حقوقها و پاداشهای معوقه، افزایش حقوقها، حل مشکل مسکن، برخورداری از خدمات درمانی مناسب و غیره است. مادر عین حال خواسته هایی که ناظر بر منزلت معلم هستند، مانند اصلاح ساختار اداری آموزش و پرورش، دخالت مستقیم معلمان در ساختار مدیریتی، افزایش امکانات و تجهیزات آموزشی، بالا بردن سطح علمی آموزش و زدودن خرافات از کتابهای درسی نیز برای معلمان مطرح است که در مقایسه با مطالبات قبلی، من اینها را خواسته های سیاسی اجتماعی معلمان میدانم چرا که حل این بخش از خواسته ها در گرو درجه ای از تغییرات سیاسی و اجتماعی است.



نکته آخر اینکه در مملکتی که مدل موی آدمها و نوع لباس پوشیدنشان به امنیت ملی گره خورده است، نمی توان اعتراضات بیش از یک میلیون معلم به شرایط ناعادلانه ایی که نزدیک به سه دهه است بر آنها اعمال میشود را صرفاً اعتراضاتی صنفی تحلیل کرد.

بنابر از هر جهت که نگاه کنید جنبه سیاسی موضوع رامی توان دید و بنظر من اینکه اعتراضات معلمان، مانند سایر اعتراضات اجتماعی، دارای جنبه های سیاسی اجتماعی هم هست برای کسی که نخواهد خود را بفریبید و یا ریگی به کفش نداشته باشد اظهر من الشمس است.

برخی از فعالین بنا بر مصالحت اندیشی و برخی به دلایل معین سیاسی تلاش میکنند اعتراضات معلمان را، حتی آنجا که با قاضی و دادستان و بازجو سروکار ندارند، کاملاً صنفی و فقط در حد افزایش درصدی به حقوقها نشان دهند که بنظر من در هر دو حالت به ضرر حرکت معلمان است.

دو موضوع «مطالبات معوق» و «لایحه خدمات کشوری» از مسایلی است که در مورد اولی دولت مدام وعده پرداختش را می دهد و دومی هم از خواسته های معلمان است که با وجود تصویب در مجلس، دولت همچنان از اجرایش خودداری کرده است. شاید افکار عمومی خیلی به ارتباط این دو موضوع به فرهنگیان آشنا نباشد، شما می توانید این ارتباط را تشریح کنید؟

سالهاست که دولت وعده افزایش حقوق کارمندان آموزش و پرورش را میدهد اما هربار به بهانه ای این اتفاق نیفتاده. منظور از مطالبات معوق در سنوالات شما فکر می کنم همین افزایش وعده داده شده است چون در حال حاضر بسیاری از معلمان از جمله معلمان حق التدریس و بازنشسته بجز مطالبات معوق که توضیح دادم، ماههاست حقوق و مزایا معمول خود را هم دریافت نکرده اند.

در زمان آقای خاتمی دولت لایحه خدمات کشوری یا نظام هماهنگ پرداخت را برای هماهنگ سازی حقوقهای کارمندان مختلف بخش دولتی پیشنهاد داد. از زمان پیشنهاد این لایحه نیز افزایش حقوق معلمان را منوط به تصویب این لایحه کرده بودند، پس از تصویب، همانطور که شما هم اشاره کردید اجرا نشد.

اینها که گفتم وجه فرمال و اداری موضوع مطالبات معوق و لایحه خدمات کشوری بود. اما بطور واقعی مسئله شکل دیگری دارد. لایحه خدمات کشوری از همان ابتدا برای سردواندن معلمان و سایر کارمندانی که نسبت به پایین بودن حقوقها معترض بودند پیشنهاد شد. چون از همان ابتدا معلوم بود این طرح بامشکلات و پیچیدگیهای اجرایی زیادی روبرو خواهد شد و یکی از دلایل طولانی شدن تصویب این طرح هم همین موضوع بوده است. حتی اجرای این طرح هم نمیتواند مشکلات معیشتی امروز معلمان را حل کند. چرا که بر فرض اجرا شدن سالها طول خواهد کشید تا بازده مشخصی عاید معلمان شود. بخشی از تشکلهای صنفی معلمان نیز هدف خود را تصویب این لایحه قرار دادند و عملاً در سر دواندن معلمان در تمام این سالها با حکومت شریک شدند. حالا هم این بخش قصد دارد معلمان را چند سال دیگر با خواست اجرای لایحه خدمات کشوری از مبارزه برای تحقق خواسته هایشان دلسرد کند.

مقامات دولتی اتهام سیاسی بودن را به اعتراضات معلمان وارد می کنند چه دلایلی برای رد چنین اتهامی دارید؟

فکر میکنم در پاسخ به سوال اول شما تا حدودی نظرم را در باره سیاسی یا صنفی بودن اعتراضات معلمان گفتم. پایین تر نظرم را راجع به اینکه چطور باید با این " اتهام" برخورد کرد را توضیح می دهم. اما اجازه بدهید اینجا به جنبه های دیگری از این بحث هم اشاره کنم.

اگر اعتراضات بخشهای دیگر مثل اعتراضات کارگری، دانشجویی، زنان و غیره را دنبال کرده باشید متوجه می شوید این بحث که اعتراضات صنفی یا سیاسی است در سطح اعضا و فعالین اعتراضات دیگر مطرح نبوده و نیست.

معلمی که 6 ماه است حقوق دریافت نکرده و تورم و گرانی جانش را به لبش رسانده، بازنشسته ای که نه تنها حقوق فعلیش را افزایش نمیدهند بلکه پاداش و مزایای 30 سال کارش را هم پرداخت نمی کنند، معلمی که بخاطر احساس مسئولیت در برابر رشد علمی و فکری دانش آموزانش نسبت به محتوای خرافی و قرون وسطایی دروس معترض است، به این فکر نمی کند که خواسته اش سیاسی است یا صنفی او حقش را میخواهد.

بنظرم در میان معلمان قبل از اینکه این مسئله حکومت باشد، بحثی است که از طرف گرایش معینی در تشکلهای معلمان، با هدف ترساندن معلمان و محدود کردن اعتراضات آنان برجسته شده است. گرایشی که برخی از چهره هایش در انتخابات اخیر مجلس خود را کاندید کردند معلوم شد اتفاقاً اینها سیاسی تر از هرکس مشغول زمینه سازی شرکتشان در انتخابات بوده اند. توجیه این گرایش این است که اگر ما خواسته هایمان را صنفی اعلام کنیم اولاً فشار سرکوب کمتری شود، دوماً امکان تحقق خواسته ها با مذاکره و چانه زدن با مقامات بیشتر میشود. متأسفانه بخشی از فعالین هم این را پذیرفته اند، بدون اینکه دقت کنند، این شیوه نه تنها جلو سرکوب را نمیگیرد، چیزی که عملاً شاهدیم، بلکه محدودیتهای زیادی به اعتراضات معلمان تحمیل میکند. اولین و بزرگترین محدودیت این است که اعتراضات معلمان را از اعتراضات سایر بخشهای جامعه جدا میکند. برای اینکه عملاً تصویر محدود و صنفی از خواسته های معلمان، هم نزد جامعه و هم در میان خود معلمان بوجود می آورد، حال آنکه می دانیم مشکلات معلمان مشکل اکثریت جامعه است. جالب است بدانید شعار "معیشت منزلت

حق مسلم ماست" که اولین بار توسط معلمان در تهران در تجمعات سال 85 داده شد، شعار اعتراضات اخیر کارگران نیشکر هفت تپه در شهر شوش بوده است.

در پاسخ به سوال شما، بنظر من معلمان نباید وارد این بازی شوند. با توجه به هزینه های بالایی که اعتراض سیاسی در "آزادترین کشور دنیا"!! دارد، این "اتهام" نیست، این تهدیدی است که با هدف، فروبردن اعتراضات معلمان به لاک محدود و صنفی عده ای که براساس حکم کارگزینی فلان اداره آپ معلم محسوب می شوند و صرفا خواهان اجرای یک لایحه هستند. برای رد این "اتهام" ، اعلام و تاکید براینکه اعتراضات معلمان صنفی است ، بمعنی محدودکردن خواسته ها و ایجاد مرز صنفی بین اعتراضات معلمان و سایر بخشهای جامعه بدست خودمان خواهد بود، که این خود بهترین زمینه را برای سرکوب اعتراضات فراهم می کند.

سال پیش گزارشی می خواندم از اعتراضات کارگران نساجی کردستان یا کارخانه شاهو. وقتی مقامات به کارگران گفته بودند اعتراض شما سیاسی است، کارگران جواب داده بودند ما فقط حقمان را می خواهیم اگر این سیاسی است بله ما سیاسی هستیم.

من هم در رد " اتهام" سیاسی بودن اعتراضات معلمان جواب این کارگران را به طراحان آن می دهم.

اخبار و گزارش ها حاکی است که صدها معلم طی دو سال اخیر بازداشت، احضار یا محاکمه شده اند. فکر می کنید برخورد های امنیتی - قضائی در اعتراضات صنفی معلمان چه عوارضی داشته یا خواهد داشت؟  
بله بخصوص پس از فروکش کردن اعتراضات در اردیبهشت 86 که معلمان از صحنه اعتراض فعال خارج شده بودند، حکومت قلع و قمع فعالین را شروع کرد و هنوز هم ادامه دارد. متأسفانه آمار دقیقی در این باره وجود ندارد. آخرین آماری که من شنیده ام چیزی بین 200 تا 300 معلم بوده که با این احکام روبرو شده اند. در این جهاد نامقدس علیه معلمانی که فقط حقشان را طلب کرده اند، از تمام ظرفیتهای امکانات سرکوب استفاده شد. از وزارت اطلاعات تا استانداریها ، از نیروی انتظامی تا هیأت های تخلفات اداری، از احضار و تهدید تا کسرها و اخراج، از تبعید و زندان تا وحشیانه ترین مجازات یعنی حکم اعدام که برای همکاران فرزاد کمانگر صادر شده است.  
خود این نیروی عظیمی که علیه معلمان بسیج شده نشان دهنده قدرت اعتراضات معلمان است که اگر درست رهبری شود می تواند خواسته های آنان را متحقق کند.

برخورد هایی که با اعتراضات شده ظاهرا معلمان را به تمکین و اداری کرده و مانع ادامه و گسترش اعتراضات آنان شده است. اما واقعیت این است که نه تنها خواسته های معلمان همچنان بدون پاسخ مانده ، بلکه افزایش تورم و گرانی مشکلات را دو چندان کرده است. سرکوب شاید بتواند بروزات علنی ناراضی را برای دوره کوتاهی محدود کند، اما تا زمانی که ریشه ناراضی وجود دارد و مطالبات معلمان متحقق نشده، اعتراض هم وجود دارد به همین دلیل بنظر من دیر یازودشاهد از سرگیری اعتراضات گسترده معلمان با قدرت بیشتری خواهیم بود. در همین مقطع اعتراضات معلمان بازنشسته به عدم پرداخت پاداش و مزایای پایان خدمتشان، در بسیاری از شهرها در جریان است.  
جنبه دیگری که باید به آن اشاره کرد، تغییرات کیفی است که ظرف دو سال گذشته و همزمان با بگیر و ببند ها ، در سطح حرکت معلمان اتفاق افتاده و آن ایزوله شدن گرایش راست و محافظه کار در میان تشکلهای معلمان است.  
همین برخورد های امنیتی - قضائی از یک سو و متحقق نشدن خواسته های معلمان از سوی دیگر، بخش وسیعی از معلمان را به این نتیجه رساند که این گرایش، که تا مقطع اعتراضات 86 در تشکلهای گرایش غالب و سنگ بزرگی به پای حرکت آنها بود، نه قادر است و نه میخواهد در جهت رسیدن آنان به حقوقشان اقدام موثری انجام دهد. روند اعتراضات طی دو سال گذشته ضرورت به میدان آمدن فعالین و رهبران جسور و با درایتی که اعتراضات معلمان را جهت نیل به اهدافشان رهبری کنند را بیش از گذشته برجسته کرد.

هرچند این گرایش همچنان ابزارهایی برای اعمال نظر در برخی تشکلهای شورای هماهنگی در اختیار دارد، اما روند اعتراضات در ماههای اخیر و جدایی چهره های شناخته شده این گرایش از کانون تهران، که یکی از بانفوذترین کانونها در شورای هماهنگی بوده است، جهت کلی این تغییر را نشان میدهد.

محمود فرشیدی وزیر سابق آموزش و پرورش در ابتدای دوره وزارتش وعده داده بود که جایگاه اجتماعی، وضعیت معیشتی و مشکل مسکن معلمان و همچنین موقعیت درآمد و حقوق معلمان را ارتقا خواهد داد. عدم تحقق همین وعده ها هم یکی از دلایل اوج گرفتن اعتراضات معلمان و فرهنگیان بود، منتها اکثریت اعضای مجلس هفتم حتی در جریان استیضاح مجددا به او رای اعتماد دادند. نقش اکثریت مجلس را در شرایط دشوار فعلی معلمان چه طور ارزیابی می کنید؟ اصلا نمایندگان مجلس هفتم حاضر بودند اعتراضات معلمان را بشنوند؟

فکر میکنم شعار " 28 سال گذشته عدالت کجا رفته" که دهها هزار معلم در تجمعات و اعتراضات سال گذشته دادند، موجزترین پاسخ به این سوال شما باشد.

عدم تحقق وعده ها مختص آقای فرشیدی نبوده. وزرای قبلی و جانشین ایشان هم به همین روش با خواسته ها و مطالبات

معلمان برخورد کرده و میکنند. در مورد نمایندگان مجلس هم همین روش صادق است. نه نمایندگان مجلس هفتم حاضر بودند اعتراضات معلمان را بشنوند و نه نمایندگان مجلس ششم و پنجم و غیره. رای اعتمادی که نمایندگان مجلس به فرسیدی دادند همانطور که همه میدانیم بر بستر رقابت جناحهای درون حکومت با یکدیگر بود. اما این موضوع از نظر معلمانی که 28 سال است ابتدایی ترین خواسته هایشان با سرکوب پاسخ میگیرد، تفاوت ماهوی بین مجلس هفتم و مجالس پیش از آن ایجاد نمی کند.

میدانم که برخی از جمله آقای بهشتی و باغانی و دوستانشان در جریان استیضاح فرسیدی و رای اعتماد مجلس به او، تلاش زیادی کردند که معلمان را به نفع جناح اصلاح طلب و کاندیداتوری خودشان، وارد بازی انتخابات کنند، اما این ربطی به انتظارات توده معلم از مجلس نداشت. بی توجهی معلمان به فراخوان این گرایش برای شرکت در انتخابات همین را نشان داد.

تجربه ما و سایر بخشهای معترض جامعه نشان داده است، حد اکثر نقشی که نمایندگان مجلس یا سایر مقامات حکومتی از هر جناح و دسته دارند، دادن وعده های پوچ و ابراز همدردی دروغین با معلمان برای سر دواندن آنان است، که یا تحت فشار اعتراضات معلمان و یا وقتی نیاز به پشتوانه اجتماعی در رقابتهای جناحی دارند، وادار به این کار می شوند. و بلاخره اینکه آن عامل تعیین کننده ای که میتواند خواسته های معلمان را برآورده کند و شرایط دشوار فعلی را واقعا تغییر دهد، قدرت اعتراضات خود آنان است.

در این میان سخنگوی قوه قضائیه هفته گذشته ضمن تائید صدور حکم اعدام برای فرزند کمانگر، اتهام این معلم و عضو کانون صنفی معلمان کردستان را امنیتی توصیف کرد، و حتی مدعی شد که او قصد بمب گذاری در یک دانشگاه را داشته است. اصلا ماجرای بازداشت این معلم و اتهاماتی که به وی وارد کرده اند چیست؟

جریان حکم اعدام آقای فرزند کمانگر ادامه سرکوب معلمان و ایجاد جواریاب در میان آنان است. احضار و تبعید وزندان نتوانست صدا اعتراض معلمان را خاموش کند، می خواهند فشار سرکوب را بزرگتر کنند. فرزند کمانگر را سال 85 همراه 2 نفر دیگر در تهران دستگیر می کنند. چون مدرکی علیه آنها وجود نداشته آنها را به کرمانشاه می فرستند. در کرمانشاه نیز نمیتوانند مدرکی دال بر مجرم بودن آنها ارائه دهند و مجددا به تهران باز گردانده می شوند و بار دیگر از تهران به سنندج فرستاده می شوند. با گذشت دو سال که از دستگیری فرزند کمانگر می گذرد، علی رغم شکنجه های وحشیانه (در رنج نامه ای که فرزند نوشت و از زندان به بیرون فرستاد این شکنجه ها را افشا کرد)، به گفته خلیل بهرامیان، وکیل فرزند، هیچ مدرکی در پرونده او وجود ندارد که اتهامات را ثابت کند. اخیرا در جریان احضار یکی از معلمان، وقتی ایشان از نماینده دادستان می پرسد "شما که این اتهامات رابه ما زده اید، چه مدرکی برای اثبات آن دارید، نماینده دادستان گفته است ما میتوانیم 10 اتهام دیگر هم به شما بزنیم." فرزند کمانگر را هم به همین روش متهم و سپس محکوم کرده اند. در اتهاماتی که به فرزند زده شده سر سوزنی از حقیقت وجود ندارد. آقایان میخواهند معلمان را به مرگ بگیرند که به تب رضایت بدهند. میخواهند از معلمان زهر چشم بگیرند تا دیگر هیچ معلمی جرأت اعتراض نداشته باشد.

موضع نهادهای صنفی معلمان در این مورد چیست؟ و آیا تشکل های صنفی معلمان برنامه ای برای حمایت از این معلم محکوم به اعدام دارند؟

تشکلهای صنفی هنور در این مورد موضع مشترکی ندارند. برخی آنرا مثل یک خبر معمولی انعکاس داده اند و هیچ موضع مشخصی نگرفته اند. خوشبختانه برخی تشکلهای و فعالین معلمان به اهمیت این موضوع واقفند و خواهان رفع اتهام از فرزند کمانگر و آزادی فوری او هستند. تلاشهایی هم در این زمینه در جریان است. انجمن صنفی معلمان کردستان و کانون صنفی تهران طی اطلاعیه های جداگانه ای این حکم را غیر عادلانه اعلام کرده اند و از معلمان سراسر کشور خواسته اند برای لغو این حکم اعتراضات متحدانه ای را آغاز کنند.

معلمان و مردم کامیاران، شهری که فرزند کمانگر در آن تدریس می کرد، نیز بارها خواستار لغو حکم اعدام فرزند شده اند. نهادهای صنفی معلمان در سطح بین المللی هم به این حکم اعتراض کرده اند، واکنش معلمان در این مورد چه بوده و اساسا فکر می کنید انتشار این بیانیتهای در سطح کشوری و بین المللی می تواند در نجات آقای کمانگر نقش داشته باشد؟

همانطور که اطلاع دارید سازمان آموزش بین الملل و اخیرا هم سازمان عفو بین الملل به این حکم اعتراض کرده اند. این اقدامات بین المللی کمک بزرگی است به معلمان و فعالینی که برای لغو این حکم در ایران تلاش میکنند. اقدامات گسترده اعتراضی به این حکم در داخل و خارج از ایران قطعاً می تواند در نجات فرزند از خطر اعدام موثر باشد. قبلا هم نمونه هایی بوده که با اعتراضات گسترده جلوی اعدام و سنگسار و قصاص گرفته شده. در این مورد هم میتوانیم و باید جلوی این اتفاق را بگیریم.

با توجه به حساسیت موضوع، بسنده کردن به انعکاس اخبار مربوط به فرزند کمانگر، هرچند ضروری است اما کافی نیست. تشکلهای معلمان و سایر فعالین باید اقدامات عملی را در سراسر

کشور تدارک ببینند. باتوجه به امکانات هر جایی، این اقدامات میتواند از طرح و برجسته کردن مسئله در افکار عمومی تا طومار و نامه اعتراضی نوشتن به نهادهای داخلی و بین المللی و برگزاری شب شعر، سخنرانی و تجمعات و یا ابتکارات دیگر در حمایت از فرزند کماتگر، را شامل شود. ما میتوانیم با اعتراضات متحدانه خود جان یک همکار، یک معلم دلسوز و شریف، یک انسان بی گناه را که به جرم عدالتخواهی به مرگ محکوم شده را نجات دهیم.

<http://eteraze-moalem1.blogfa.com/post-66.aspx>

### 701- یورش وحشیانه به کارگران نیشکر هفت تپه و دستگیری تعدادی از آنها :

بنابه گزارشات رسیده از شوش، کارگران نیشکر هفت تپه صبح امروز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه بیش از 3 ماه و سایر خواسته ها در مرکز شهر شوش تجمع نمودند. کارگران که از ساعت 08:00 صبح در چهار دستگاه مرکز شهر تجمع کرده بودند و تعداد آنها بیش از 1000 نفر تخمین زده میشد با یورش وحشیانه نیروهای های وزارت اطلاعات، گارد ویژه و نیروی انتظامی مواجه گردیدند. تعداد زیادی از کارگران در اثر این یورش که ضربات باطوم زخمی شدند. تعداد زیادی از کارگران دستگیر شدند. از جمله دستگیر شدگان آقایان نجات دهلی و ایرج عابدینی می باشند. در حال حاضر تعداد زیادی از نیروهای در سطح شهر حاضر شدند فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران ، یورش به کارگران و ضرب و شتم و دستگیری کارگران را محکوم می کند. فعالین حقوق بشر و دمکراسی در ایران 21 خرداد 1387 برابر با 10 ژون 2008

## اخبار مبارزات کارگران ایران ،

هفته چهارم خرداد ۱۳۸۷ (یونی ۲۰۰۸)

### \*702- اعدام کودکان، معضلی حقوقی :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ 22 خرداد 87 ؛ نسرين ستوده : هزاران دليل منطقی و حقوقی و بين المللی وجود دارد تا در پرتو آنها از اعدام کودکان جلوگیری شود. پیوستن ایران به کنوانسیون های بین المللی از جمله کنوانسیون حقوق کودک و میثاق مدنی سیاسی که صراحتاً اعلام کرده اند دولت هایی که به این دو توافقنامه بین المللی می پیوندند باید از اعدام افرادی که در زمان ارتکاب جرم کمتر از 18 سال دارند، خودداری کنند یکی از آنهاست. دليل دیگر آن است که اساساً در تمام سیستم های حقوقی، مسوولیت کیفری آن هم در حد اعدام به کسانی تحمیل می شود که رشد عقلی و تکامل ذهنی آنها بر قانونگذار مسلم است. از آنجا که طبق قوانین ایران دختران از 9 سالگی و پسران از 15 سالگی دارای مسوولیت کیفری کامل می شوند پس بنابراین صدور حکم اعدام برای دختران 9 ساله و پسران 15 ساله به موجب قوانین ایران، مجاز است اما هیچ کس نمی تواند با هیچ منطقی فرض مسوولیت کیفری دخترکان 9 ساله را بپذیرد که به توصیه روانشناسان باید به بازی روزگار بگذرانند. همین استدلال در مورد پسران 15 ساله نیز قابل توجه است. در دنیایی که بسیاری از کشورها حتی سن 18 سال را برای مسوولیت کیفری کامل افراد محل شك و تردید می دانند و آن را به دوره برای و از برای تعبیر می کنند، سختگیری قانونگذار ایرانی و ادامه اجرای چنین احکام سختی علیه کودکان جای بسی تعجب است. اما از میان تمام دلایلی که تاکنون بیان شده، اجازه دهید به تجربه ای تلخ اشاره شود که در آستانه چهارمین سالگرد آن قرار داریم. چهار سال پیش دخترک 16 ساله نكایی که تصویر بردار شدنش در اندک زمانی روی سایت ها مخابره شده، توانست به سرعت افکار عمومی را به خود جلب کند. از آن پرونده بعدها اشتباهات فاحشی گرفته شد. از جمله اینکه اساساً قاضی به سن متهم توجه نکرده بود و علاوه بر آن تشریفات قانونی مسلمی در مورد عاطفه نادیده گرفته شده بود. هنوز معلوم نیست که آیا عاطفه در اول مدت دادرسی وکیل داشته است یا نه؟ و همچنین بعدها کشف شد که عاطفه سابقه محکومیت قبلی و اجرای حکم شلاق را نداشته است تا برای بار چهارم مستوجب اعدام تلقی شود. هر چند به قانون موجود انتقادات فراوانی وارد

است اما همیشه اشتباه کاری در جریان رسیدگی و همچنین اشتباه قاضی که بسیار هم محتمل است حکم می کند از صدور احکام اعدام همه کودکان جلوگیری به عمل آید. در سه حکم اعدام علیه آقایان بهنود شجاعی، محمد فدایی و سعید جزئی همه دلایل پیش گفته قابل استنادند زیرا هر سه آنها در زمان ارتکاب جرم کمتر از 18 سال داشته اند. در این میان حکایت محمد فدایی که از وکلایی برخوردار بوده است که اساساً وکیل نبوده اند و تظاهر به وکالت می کردند، محل اعتناست. طبق آنچه در اخبار آمده بود، در مراحل پس از قطعی شدن حکم دادگاه و در پایان کار به طور کاملاً اتفاقی تقلبی بودن عنوان وکلا کشف شده است. احتمال عدم کشف چنین حقیقتی بسیار زیادتیر از کشفی بوده است که به عمل آمده است. سوال اینجاست در پرونده چند درصد از کودکانی که در صف اعدام منتظر ایستاده اند، چنین ایراداتی وجود دارد؟

### 703- تجمع اعتراض آمیز کارگران "شرکت پونل" :

بیش از 100 کارگر شرکت تولیدی پونل پاکدشت در اعتراض به عدم دریافت 3 ماه حقوق و مطالبات شغلی در مقابل دفتر مدیریت کارخانه تجمع اعتراض آمیز کردند. "عوض سلطانی" فعال کارگری در پاکدشت با بیان این مطلب به دسترنج گفت: بیش از یک سال است که حقوق کارگران این شرکت با وجود تولید و فروش محصولات شرکت با تاخیر چندین ماهه پرداخت شده که این امر اعتراض گسترده کارگران را به همراه داشته است. او افزود: کارگران پونل هفته گذشته نیز تجمعی را در مقابل اداره کار این شهرستان برپا داشتند که به نتیجه مطلوبی دست نیافتند. سلطانی با اشاره به اینکه این کارخانه برای رهایی از مشکلات به ظاهر مالی وام میلیاردی نیز دریافت داشته، گفت: طرح طبقه بندی کارگران از سال 75 تاکنون انجام نشده است.

### (\* 704 - روز ۲۳ خرداد؛ روز جهانی مبارزه با کار کودک :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 22 خرداد 87؛ سالهاست که همیشه شب‌های اینجا شلوغ‌تر از روزهای آن است، اینجا میدان بهمن تهران یا همان کشتارگاه سابق است که شب‌هایش برای خیلی‌ها محل تفریح و شام‌خوردن است و برای خیلی‌ها دیگر مکان کسب درآمد! پسری شش ساله که برای فروش یک فال 100 تومانی باید دست به دامان هر مرد و زنی شود؛ پسری 10 ساله که آدامس می‌فروشد؛ سراج 12 ساله و یا حفیظ الله 13 ساله که آن‌ها هم فال‌فروش هستند، هر چهار نفر شب‌های میدان بهمن را تنها برای کسب پول دوست دارند؛ یک گروه کاری چهار نفره که از همین سنین کم، کار را شروع کرده‌اند و یا شاید هم تمرین کارگروهی و یا شاید هم خوداشتغالی را!

به گزارش ایسنا، طبق ماده 79 قانون کار؛ "به‌کار گماردن افراد کمتر از 15 سال تمام ممنوع است". وقتی سنین این بچه‌ها را که مرور می‌کنیم کاملاً مشهود است که اصلاً در اینجا قانون کار معنایی ندارد، در ضمن این بچه‌ها انگار به‌کار گمارده نشده‌اند، بلکه خود با پای خود برای کار به میدان بهمن می‌آیند که البته یکی از کارگرهای این جگرکی‌ها آن‌ها را هرشب از محل زندگی آن‌ها (محل پاسگاه) تا میدان بهمن همراهی می‌کند.

باز هم قانون کار را ورق می‌زنیم، دیگر قانونی که بتوان گفت با کار کودک در ارتباط است وجود ندارد، اما در ماده 84 این قانون آمده: "در مشاغل و کارهایی که به‌علت ماهیت آن یا شرایطی که کار در آن انجام می‌شود برای سلامتی یا اخلاق کارآموزان و نوجوانان زیان‌آور است، حداقل سن کار 18 سال خواهد بود." شاید این جملات هم در مورد این کودکان صدق نکند و اصلاً خنده‌دار باشد، اما با وجود این وقتی قانون کار برای کارهایی که سلامتی اخلاق کودکان در آن‌ها در خطر است را برای افراد بالای 18 سال دانسته، پس چگونه کودکی شش ساله می‌تواند بدون هیچ ضابطه و قانونی در این میدان بهمن که نهتنها اخلاق بلکه جان او هم در خطر است، کار کند.

نظارت بر این‌گونه مکان‌ها که این کودکان به‌صورت غیر رسمی کار می‌کنند نیز موضوع قابل توجهی است که به اندازه کاهی به آن توجه نشده است. نظارتی که بتواند حداقل این کارها را بشناسد و در مرحله بعد در ساماندهی آن‌ها اقداماتی انجام دهد.

قانون کار را هم اگر بیشتر بررسی کنیم دیگر هیچ ماده‌ای وجود ندارد که مرتبط با کار کودک باشد، شاید این به آن دلیل است که در سال 69 که قانون کار کشور را تدوین می‌کردند، اصلاً کار کودکی وجود نداشت اما اکنون دیگر شرایط فرق کرده است، اکنون دیگر کودکان شش و 10 ساله برای به‌دست آوردن شنبی دو هزار تومان تا پاسی از شب کار می‌کنند؛ اکنون دیگر کودکانی 12 و 13 ساله به‌دلیل سه سال کار مستمر در یکی از میدان‌های جنوب شهر با بیشتر مغازه‌داران این محل آشنا هستند؛ سه سال کار کردن؛ بدون هیچ امنیتی! اکنون دیگر این کودکان کار علت کار خود را این‌گونه می‌گویند: «ما هم مثل بقیه کسانی که کار می‌کنند این موقع شب اینجا کار می‌کنیم.» و وقتی حرف از نگرانی پدر و مادرشان می‌زنی، جواب می‌دهند که «ما هم بابا و هم مامان داریم ولی نگران ما نیستند، اصلاً چرا باید نگران ما باشند؟ آن‌ها کار می‌کنند و ما هم کار

می‌کنیم، اصلاً خودشان به ما می‌گویند که کار کنید.» شاید افغانی بودنشان عامل خوبی باشد برای شانه‌خالی کردن مسوولان از ساماندهی کردن آن‌ها، اما به هر حال آن‌ها در ایران و کشور ما زندگی می‌کنند و از طرفی دیگر چون یکی از پدر یا مادرشان ایرانی هست، خود را ایرانی می‌دانند و چه بسا خیلی از آن‌ها حتی در ایران به دنیا آمده‌اند. این چهار کودک کار، نمادی از کودکان کار کشور هستند که تعدادشان به خصوص با آمدن تابستان بیشتر می‌شود؛ کودکانی که بدون هیچ امنیتی در مکان‌های مختلف کشور کار می‌کنند؛ یکی با ترازو، یکی با جعبه آدامس، یکی با فال و....

کار کودک در ایران به صورت خانوادگی وجود دارد نه بیگاری اما این موضوع تنها مربوط به ایران نیست و موضوعی جهانی است که حتی در اجلاس سالانه سال گذشته سازمان بین‌المللی کار (ILO) مطرح شده بود، یکی از نماینده‌های کارگران ایران در سازمان ILO در سال گذشته، در این مورد می‌گوید: وقتی این موضوع در سال گذشته در اجلاس سالانه سازمان ILO مطرح شد، اعلام کردند که در کشورهای توسعه‌نیافته مختلفی کار کودک به صورت اجباری وجود دارد و در مورد ایران نیز تصاویری از کار کودکان در شالیزارها و کوره‌پزخانه‌ها وجود داشت که این کارها، کارهای خانوادگی هستند و بیگاری به حساب نمی‌آیند، زیرا که به یقین هرگز خانواده‌ای کودک خود را به بیگاری نمی‌کشد و این کارها به صورت غیررسمی در کشور ما وجود دارند. وی با تأکید بر اینکه کار اجباری قانوناً در ایران منع شده است، می‌افزاید: در قانون کار ایران، آمده است که به‌کارگیری افراد کمتر از 15 سال ممنوع است و در حقیقت به صورت رسمی در ایران کار کودک نداریم. عبدالله طاهری، عضو هیات علمی دانشگاه علامه طباطبائی نیز در این مورد اظهار می‌کند: در مقاله‌نامه‌های بین‌المللی که ایران هم آن‌ها را پذیرفته، اصلاً کار کودک منع شده است. او سن کار کودک را در جهان را زیر 16 سال عنوان کرده و اضافه می‌کند: اگر هم افراد زیر 16 سالی در کارگاهی حضور داشته باشند تنها به عنوان کارآموز خواهند بود.

در ایران بیگاری کشیدن از کودک وجود ندارد؟ از گفته‌های این کارشناسان نیز کاملاً مشخص است که به اعتقاد آن‌ها اصلاً در ایران هیچ کودکی به بیگاری کشیده نمی‌شود، اما آیا این بیگاری تنها مربوط به کارگاه‌هایی است که در آن کارفرما، کودک را به‌زور، به کار می‌گمارد؟ آیا اینکه کودکی شش ساله در محلی از جنوب شهر تهران برای به‌دست آوردن دو هزار تومان پول تا پاسی از شب فال فروشی می‌کند، بیگاری نیست؟

کار کودک یک آسیب اجتماعی است  
رمضان لطفی، رییس فرهنگسرای کار نیز در مورد کار کودک می‌گوید: کار کودک از دیرباز به عنوان معضل اجتماعی مطرح بوده و از زمان راه‌اندازی سازمان ILO نیز این موضوع مورد توجه این سازمان قرار گرفته بود. وی تصریح می‌کند: در کشور ما بعضی از کودکان بدون هیچ‌مزدی کار می‌کنند و تعدادی دیگر برای تحصیل و از سوی دیگر برخی از کارفرمایان به دلیل نبود یک قوانین خاص از کودکان کار می‌کشند و سوء استفاده می‌کنند. این گفته‌های لطفی نشان می‌دهد که اوضاع کار کودک در کشور ما آن قدر هم طبق نظرات کارشناسان دیگر مطلوب نیست و این سوال که بیگاری کشیدن از کودک در ایران وجود ندارد، پررنگ‌تر می‌شود. البته نبود و کمبود قانونی مرتبط برای کار کودک در قانون کار کشورمان نیز با این حرف‌های او بیشتر حس می‌شود. رییس فرهنگسرای کار در ادامه کار کودک را یک آسیب اجتماعی بزرگی می‌داند و می‌گوید: باید همکاری بین دستگاه‌ها صورت گیرد و شرایط برای ارائه آموزش به کودکان کار فراهم شود. وی اذعان می‌کند: در حال حاضر سازمان بهزیستی است که بیشتر به این مساله کار کودک می‌پردازد و این در حالی است که باید دستگاه‌های بیشتری برای این کار همکاری کنند. لطفی یکی از عوامل به‌وجودآورنده کار کودک را فقر عنوان کرده و متذکر می‌شود: بعضی از کودکان برای تأمین معیشت خود به اجبار کار می‌کنند.

وی در مورد آمار این کودکان کار می‌افزاید: به دلیل اینکه این کودکان به صورت غیررسمی کار می‌کنند، بنابراین آمار خاصی در این زمینه وجود ندارد و ضوابط و قوانین آن‌ها نیز به صورت غیر رسمی است. به اعتقاد کارشناسان از آنجایی که کار کودک یک مسئله جهانی است و تنها در کشور ما وجود ندارد و آسیب‌های اجتماعی و اقتصادی و... می‌تواند در کشورها به‌وجود آورد، بنابراین تنها یک ماده از 203 ماده از قانون کار را به آن اختصاص دادن بسیار کم است و از آن بدتر این‌که در همین یک ماده نیز تنها صورت مساله پاک شده و کار را برای افراد زیر 15 سال منع کرده است، این در حالی است که کار کودک به هر ترتیب در کشور ما برخلاف اواخر دهه 60 که قانون کار در آن زمان تدوین شده بود وجود دارد و این را می‌طلبید که موادی جدید برای رفع این مشکل و یا حتی ساماندهی کردن این کودکان به قانون کار اضافه شود تا با این کار، حتی کار کودک از شکل یک آسیب اجتماعی و معضل، چه‌بسا برای این قشر ارزش محسوب شود و کودکانی که واقعا به پولی برای تأمین معیشت خود نیاز دارند در یک قالب و چارچوب تعریف شده برای کارهای خیلی سبک در نظر گرفته شوند. از سویی دیگر آموزش به این کودکان کار نیز به یقین می‌تواند بسیار اثرگذار باشد تا این کودکان انجام هرکاری را به صورت



صحيح آن بيموزند تا با اين كار از نظر امنيتي و ايمني كار نيز تامين شوند و علاوه بر اين نظارت بر كودكان كاري كه طبق قانون ساماندهي مي‌شوند نيز موضوع مهمي است كه نبايد مسوولان آن را فراموش كنند.

## (\*705- قطع برق گسترده در اصفهان و سرگرداني مردم :

به گزارش سايت خبري دسترنج در تاريخ 22 خرداد 87؛ به نوشته صداي عدالت، قطع مداوم برق طي چند روز اخير و در ساعات اداري، كلييه ادارات، نهادها، رسانه‌هاي گروهي و خبرگزارهاي در استان اصفهان را با مشكل مواجه کرده است. قطعي مكرر برق يك ماه قبل از فرا رسيدن فصل تابستان و در ساعات نيم‌روزي، مشكلات عديده‌اي را براي مردم اصفهان به ويژه ادارات و خبرگزارهاي در پي داشته است. بيشتر مناطق اصفهان روزي دو تا سه ساعت از روز را با خاموشي سپري مي‌كنند و خاموشي‌هاي مكرر در كارگاه‌ها و مغازه‌ها مشكلات زيادي را براي مردم دومين استان صنعتي کشور ايجاد کرده است.

## 706- توافق كارگران لاستيك البرز با كارفرما :

به گزارش سايت خبري دسترنج در تاريخ 22 خرداد 87 ؛ فعالان كارگري از توافق كتبي كارفرماي لاستيك البرز با كارگران اعتصاب كننده در روز گذشته خبر مي دهند. به گزارش دسترنج، اين فعالان روز گذشته به نقل از يكي از كارگران لاستيك البرز اعلام كردند كه به دنبال اين توافق اعتصاب كنندگان از امروز به كار خود بازگشته اند. اين اعتصاب كه آخرين اقدام اعتراضی كارگران لاستيك البرز محسوب می شد، از دو روز پيش و به دنبال پرداخت نشدن مطالبات معوقه كارگران اين كارخانه آغاز شد. براساس اين توافق كه ميان كارفرما با نمايندگان كارگران در شوراي اسلامي كار و سرپرست قسمت ها انجام شده است، كارفرما متعهد است تا در مدت يك ماه مطالبات فروردين و ارديبهشت ماه كارگران را پرداخت كند. در صورت پايبندی كارفرما به اين توافق، مطالبات معوقه كارگران لاستيك البرز به عيدي و پاداش سال 86 کاهش می يابد. اين توافق در شرايطي انجام می شود كه به گفته كارگران وضعيت كارخانه لاستيك البرز از فروش محصولات در سطح بسيار مطلوبي قرار دارد.

## (\*707- اكونوميست: افزايش بدهي‌هاي خارجي ايران به 200 ميليون دلار :

واحد اطلاعات اكونوميست در تازه‌ترين گزارش خود با تغيير موضع قبلي خود اعلام كرد كه بدهي‌هاي خارجي ايران در سال جاري 200 ميليون دلار افزايش مي‌يابد. اكونوميست در گزارش ماه مي خود بدهي‌هاي خارجي ايران در سال گذشته را 20 ميليارد و 700 ميليون دلار برآورد و پيش‌بيني كرد كه اين ميزان با 200 ميليون دلار افزايش در سال جاري به 20 ميليارد و 900 ميليون دلار برسد كه 6.3 درصد توليد ناخالص داخلي خواهد بود. انتظار مي‌رود طي سال‌هاي آتي بدهي‌هاي خارجي ايران روند نزولي داشته باشد به طوري كه طي سال 88 بدهي 20 ميليارد و 300 ميليون دلاري و طي سال 89 بدهي 19 ميليارد و 600 ميليون دلاري براي کشور به ثبت خواهد رسيد كه به ترتيب 5.2 و 4.2 درصد توليد ناخالص داخلي خواهند بود. در سال 1390 بدهي‌هاي خارجي ايران با ثبت رقم 19 ميليارد و 200 ميليون دلار به پايين‌ترين ميزان خود از سال 84 مي‌رسند و معادل 3.4 درصد توليد ناخالص داخلي خواهند بود. سال 1391 سالي است كه مجموع بدهي‌هاي خارجي ايران با اندكي افزايش به 19 ميليارد و 400 ميليون دلار مي‌رسد. اين در حالي است كه اكونوميست در گزارش پيشين خود اعلام کرده بود مجموع بدهي‌هاي خارجي ايران در سال جاري 600 ميليون دلار کاهش مي‌يابد. اكونوميست در گزارش ماه آوريل خود بدهي‌هاي خارجي ايران در سال گذشته را 20 ميليارد و 700 ميليون دلار برآورد و اعلام كرد كه اين ميزان در سال جاري به 20 ميليارد و 100 ميليون دلار کاهش مي‌يابد. اين واحد انتظار داشت كه تداوم روند نزولي بدهي‌هاي خارجي ايران را در سال آینده به 19 ميليارد و 100 ميليون دلار و در سال 89 به 18 ميليارد و 400 ميليون دلار برساند. در سال 1390 بدهي‌هاي خارجي ايران معادل 18 ميليارد و 100 ميليون دلار خواهد بود كه پايين‌ترين ميزان از سال 82 خواهد بود. در اين گزارش آمده بود كه سال 1391 سالي است كه رقم 18 ميليارد و 300 ميليون دلار براي بدهي‌هاي خارجي ايران به ثبت خواهد رسيد كه نسبت به سال گذشته دو ميليارد و 400 ميليون دلار کاهش نشان مي‌دهد.

## **(\*)708- کودکان کار حمایت می خواهند:**

یک عضو هیات موسس شبکه یاری از کودکان کار و خیابان در آستانه روز جهانی حمایت از کودکان کار در ایران ضمن تاکید بر آموزش و حمایت از کودکان کار و خیابانی، دولت را مسوول فقرزدانی از خانواده های بی بضاعت و از بین بردن کار غیرقانونی کودکان کار دانست.

"فاطمه قاسم زاده" در حاشیه برگزاری برنامه ویژه کودکان کار در "مجتمع فرهنگی امام علی" در گفت و گو با دسترنج گفت: در داخل کشور بیش از یک میلیون کودک کار و خیابانی برای یافتن راهی برای زندگی و تامین هزینه تحصیل و خانوار خود مشغول بکار هستند که از کمترین توجه طی این سالها برخوردار بوده اند. او اظهارداشت: فقر و تنگدستی عامل تن دادن به کار خیل عظیم کودکان ایرانی بوده و در راستای از بین بردن این معضل مسوولان باید به جد چاره اندیشی کنند.

این روانشناس افزود: برگزاری برنامه های آموزشی و راهبردی طی این سالها برعهده موسسه ها و جمعیت های حمایتی از این کودکان بوده، اما هم اکنون دولت باید حضور پررنگتری داشته باشد تا کودکان کار نیز از حقوق یک کودک بهره مند گردند.

"قاسم زاده" با ابراز خرسندی از افتتاح ساختمانی در پاسگاه نعمت آباد محدوده منطقه 19 شهرداری تهران به عنوان شبکه یاری از کودکان کار و خیابان گفت: برنامه های ویژه این روز امروز و فردا در مجتمع امام علی پاسگاه نعمت آباد و فرهنگسرای ارسباران برپاست که ضمن پرداختن به مسائل آموزشی کودکان، با خانواده های این کودکان نیز به بحث و گفت و گو خواهیم پرداخت.

## **709- بازگشایی کارخانه "شیرین طعم لارستان"**

با آغاز به کار مجدد کارخانه شیرین طعم لارستان، بیش از 50 کارگر اخراجی شرکت، دوباره مشغول به کار شدند. "محمد حسن قوامی" فعال کارگری در لارستان با بیان این مطلب به دسترنج گفت: این کارخانه چندی پیش به دلیل نداشتن مواد اولیه و مشکلات مالی تعطیل شده بود که خوشبختانه با پیگیری مسوولان شهر بازگشایی شد. او گفت: کلیه کارگران روز گذشته کار خود را در این واحد شکلات سازی از سر گرفتند.

## **710- مردم با کارگران هفت تپه همدردی می کنند :**

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 22 خرداد 87؛ فعالان کارگری در استان خوزستان از افزایش حضور عوامل انتظامی در شهر شوش خبر می دهند.

از روز گذشته به دنبال قوت گرفت احتمال از سرگیری تجمع کارگران نیشکر هفت تپه بر میزان کنترل عوامل انتظامی در شهر شوش اضافه شده است.

یکی از فعالان کارگری از دستگیری حداقل ۲۶ کارگر این کارخانه در نقاط مختلف شهر شوش خبر داد و افزود: تمامی بازداشت شدگان پس از چند ساعت آزاد شدند.

حدود ۳ تا ۴ هزار کارگر که در کارخانه نیشکر هفت تپه مشغول به کار هستند، از سه ماه پیش تاکنون حقوق دریافت نکرده اند و به همین دلیل کارگران و خانواده های آنها برای تامین ارزاق عمومی و سایر نیاز اولیه خود به ناوایی ها و سایر کسبه محل اقامت خود بدهکار شده اند.

گفته می شود پرداخت نشدن حقوق این کارگران تاکنون بر رونق اقتصادی منطقه شوش تاثیرات منفی به دنبال داشته است و به همین دلیل اهالی شوش امروز قصد داشتند در حمایت از کارگران در حرکت های اعتراضی آنها شرکت کنند. این کارگران پیشتر نیز در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات خود در مقابل فرمانداری شوش تجمع کرده بودند.

## **711- پس از ۱۶ روز از حادثه سازند، گزارش شورای اسلامی کار استان مرکزی هنوز ارائه نشده است :**

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ 22 خرداد 87؛ خانواده کارگران قربانی حادثه سازند اراک همچنان در انتظار بررسی دقیق موضوع در دادگاه و احقاق حقوق قربانیان خود توسط دولت و کارفرمای مربوطه هستند. اگرچه گفته می شود مبلغ سه میلیون تومان به هر یک از بازماندگان این حادثه پرداخت شده اما این هرگز موضوعی نیست که خانواده قربانیان خواهان آن هستند.

عدم ارائه گزارش مکتوب توسط شورای اسلامی کار استان مرکزی

ولی الله صالحی نماینده کارگران در شورای عالی کار در گفت و گو با سرمایه، در خصوص حادثه سازند اراک و کشته شدن بیش از ۳۳ نفر از کارگران کارخانه پتروشیمی اراک می گوید: نامه ای را به کانون شوراهای اسلامی کار استان مرکزی

فرستاده ایم و خواستار ارائه گزارشی از سوی آنان هستیم. او یادآوری می کند: گزارش شفاهی ارائه شده اما ما همچنان منتظر ارائه گزارش مکتوب هستیم. اگرچه نماینده کارگران در شورای عالی کار ارائه مطالب، موضوعات و علل وقوع این حادثه را به بعد موکول می کند و علت آن را نیز حساس بودن موضوع و حادثه رخ داده می داند اما این موضوع بعد از گذشت ۱۶ روز از این حادثه دلیلی بر عدم پاسخگویی مسوولان مربوطه نیست.

انتخاب وکیل برای قربانیان

از سوی دیگر جعفر عظیم زاده رئیس اتحادیه کارگران آزاد در گفت و گو با سرمایه، خبر از انتخاب وکیل برای بازماندگان کارگران قربانی این حادثه می دهد و اعلام می کند: اتحادیه کارگران آزاد ایران به منظور احقاق حقوق کارگران فوت شده و مجروح در پی انتخاب وکیلی مناسب برای حادثه دیدگان است. او تصریح می کند: مذاکرات اولیه با وکیل اختیاری صورت گرفته و او نیز برای انجام این کار اعلام آمادگی کرده است.

تخلف کارفرما توسط اداره کار تایید می شود

در عین حال محسن تنباکوزاده بازرس اداره کار در این رابطه می گوید: در صورت تایید تخلف کارفرما سازمان کار استان مرکزی اگر رای تخلف را صادر کند سازمان تامین اجتماعی باید حق بیمه مستمری و از کارافتادگی کارگران را از کارفرما بگیرد.

او با بیان اینکه حتی کارگر تبعه بیگانه نیز مشمول بیمه قانون تامین اجتماعی می شود، افزود: در ماده ۱۴۸ قانون کار نیز که موضوع بیمه کارگران در آن مطرح شده در صورت رعایت نشدن بیمه کارگر توسط کارفرما برای کارفرما جریمه در نظر گرفته شده است. تنباکوزاده تصریح کرد: اگر سازمان کار استان مرکزی کارکرد کارگران فوت شده و مجروح را تایید کند سازمان تامین اجتماعی غرامت و مستمری کارگران را بعد از دریافت از کارفرما پرداخت می کند.

او ادامه داد: در صورتی که کارگران فوت شده و مجروح شده بیمه نبوده باشند از نظر قانون کار مشمول مستمری و بازنشستگی نمی شوند و پرداخت دیه آنان باید توسط مرجع قضائی تایید و صادر شود.

طبق قانون کار کارفرما باید غرامت پرداخت کند

حمید حاج اسماعیلی کارشناس حوزه کار و تامین اجتماعی در گفت و گو با سرمایه، می گوید: از نظر قانون کار عدم بیمه کارگران جرم محسوب می شود و طبق ماده ۱۴۸ قانون کار که تصریح کرده است کارگر باید برای خسارت های ناشی از آسیب های کار و از کار افتادگی بیمه باشد کارفرما را متعهد به انجام آن کرده است. او در ادامه به موضوع حفاظت فنی و رعایت بهداشت کار در محیط های کار اشاره می کند و یادآور می شود: طبق قانون کار حفاظت فنی و بهداشت کار در محیط کار باید توسط شورایی کنترل شود و عدم رعایت آن باید توسط نماینده وزارت کار پیگیری و به کارفرما گوشزد شود. حاج اسماعیلی افزود: پرداخت دیه کامل و جبران خسارت های مالی، فیزیکی و روانی بر عهده کارفرماست و اگر کارفرما قصور احتمالی داشته باشد وزارت کار و سازمان تامین اجتماعی موظفند خسارت های آن را گوشزد کنند. این کارشناس حوزه کار و تامین اجتماعی افزود: طبق قانون کار، کارفرما باید غرامت و خسارت ناشی از عدم بیمه کردن کارگر را پرداخت کند.

## (\* 712- شرکت مخابرات بار دیگر در راه بورس ماند:

قرار بود امروز (۲۲ خرداد) بزرگترین طرح خصوصی سازی تاریخ جمهوری اسلامی عملی شود. در پی بحث ها و بررسی هایی که از یک سال پیش صورت گرفته بیست و دوم خرداد به عنوان تاریخ قطعی خصوصی سازی شرکت مخابرات، تعیین شده بود.

به گزارش دویچه وله، این کار به دلایل گوناگون بار دیگر به تعویق افتاد. تقریباً هیچ یک از برنامه های خصوصی سازی که قرار بود از ابتدای امسال با شتاب بیشتری دنبال شود به سرانجام نرسیده. یکی از علت های ناکامی طرح های بزرگ خصوصی سازی، ساختار دولتی این موسسه ها و برنامه های دولت برای چگونگی عرضه سهام آنها عنوان می شود.

شرکت مخابرات را بعد از شرکت نفت پولهاسازترین نهاد دولتی ایران می دانند. از آنجا که شرکت نفت از قانون خصوصی سازی منتثنی است، ورود مخابرات به بورس، بزرگترین اتفاق اقتصادی این بخش خواهد بود و شاید بزرگترین نیز بماند. با این همه عرضه سهام مخابرات در بورس که مسنولان از سال پیش بارها وعده ای انجام آن را داده بودند بار دیگر به تعویق افتاد.

مدیر عامل مخابرات ایران سال پیش ابراز امیدواری می کند اسناد و صورتحساب های سال ۸۵ این شرکت را تا پانزدهم مهرماه به به بورس تحویل دهند تا حدود یک هفته بعد، سهام مخابرات در این بازار عرضه شود. صابر فیضی به ایسنا می گوید شرکت مخابرات ایران ظرف روزهای آینده در جلسه ای با سازمان خصوصی سازی برخی ابهام ها را بررسی می کنند تا راه ورود به بورس هموار شود.

مشکلات خصوصی سازی

مشکلات و آگذاری مخابرات به بخش خصوصی تقریباً تمام مشکلات این کار در بخش های مختلف را یکجا شامل می شود. میزان واقعی دارایی ها و ارزش این شرکت نامشخص است. بخشی از این دارایی ها مانند شبکه های

مسی در واقع سرمایه‌های ملی محسوب می‌شوند و قابل واگذاری نیستند. از سوی دیگر زیرساخت‌های لازم برای فعالیت و رقابت آزاد موجود نیست و بخش خصوصی توان رقابت با مدیریت دولتی و متکی به انحصار و یارانه را ندارد. در حالی که شرکت‌های دولتی با وجود ضرر به کار خود ادامه می‌دهند تولیدکنندگان بخش خصوصی مدام با خطر ورشکستگی روبرو هستند. تصدی‌گری دولت بر مهمترین فعالیت‌های اقتصادی و بهره‌گیری از یارانه‌های نفتی، اصل سوددهی در این فعالیت‌ها را امری فرعی کرده است. اهمیت اشتغالزایی و عدم وجود رقابت از جمله مسائلی است که باعث شده بسیاری از شرکت‌ها و صنایع دولتی حتی با مدیریت ناکارآمد و بازدهی نازل نیز قادر به ادامه‌ی حیات باشند. اینها و دلایل بسیاری دیگر روند خصوصی‌سازی واقعی در ایران را کند کرده است.

نبود اطلاعات کافی درباره ارزش دارایی‌های مخابرات شرکت مخابرات با در نظر گرفتن خطوط ثابت و تلفن‌های همراه حدود پنجاه میلیون مشترک دارد. تصاحب سهام چنین شرکت عظیمی، همچنان که در کشورهای دیگر تجربه شده، قاعدتا باید با استقبال شدید سرمایه‌گذاران روبرو باشد. با این همه هنوز اطلاعی دقیق در مورد ارزش دارایی‌های مخابرات در دست نیست. افزون بر این مطابق اصل ۴۴ قانون اساسی که به خصوصی‌سازی می‌پردازد پست، تلگراف و تلفن جزو مالکیت عمومی و تحت اداره‌ی دولت قرار دارد. در تفسیر این قانون مالکیت دولتی شامل زیرساخت‌های مخابرات تعریف شده است. به این ترتیب این نهاد شرکت‌های تابع خود را برای واگذاری به بورس می‌سپارد. مدیرعامل شرکت مخابرات دو روز پیش، بیستم خرداد، با بیان این که تمام مراحل حسابرسی و شفاف‌سازی توسط این شرکت انجام شده، مخابرات را آماده‌ی ورود به بورس اعلام کرده است. همانروز یکی از کارشناسان مخابرات از جلسه‌ی مشترکی خبر می‌دهد که هدف آن شفاف‌سازی و فراهم کردن زمینه‌ی قیمت‌گذاری سهام عنوان شده است. پس از برگزاری این جلسه رئیس سازمان خصوصی‌سازی اعلام می‌کند موانع برای ورود مخابرات به بورس برطرف و این کار در موعد مقرر، ۲۲ خرداد، انجام می‌شود. غلامرضا حیدری کرد زنگنه روز گذشته به خبرنگاران می‌گوید عرضه‌ی سهام مخابرات در بورس یار دیگر به تعویق افتاد. ظاهرا توافقی‌هایی که روز یکشنبه، ۱۹ خرداد، میان شرکت‌های مربوط به تصویب رسیده محتاج تایید هیات دولت است. این در حالی است که مدیرعامل شرکت بورس دلیل این تعویق را وجود پاره‌ای ابهام‌های حقوقی عنوان کرده. به گفته‌ی علی رحمانی، مخابرات هنوز به عنوان شرکت سهامی عام به ثبت نرسیده و سهام آن در خردادماه عرضه نمی‌شود.

#### نقش تصمیمات دولت

به نظر می‌رسد گذشته از شفاف نبودن وضعیت شرکت‌های زیر مجموعه‌ی مخابرات و میزان دارایی‌ها، برخی از تصمیم‌های دولت نیز در این تاخیرها بی‌تاثیر نباشد. قرار است ۸۰ درصد سهام مخابرات به بخش خصوصی واگذار شود و ۲۰ درصد آن در مالکیت دولت بماند. دولت قصد دارد نیمی از این ۸۰ درصد را به عنوان سهام عدالت به کارمندان و قشرهای کم‌درآمد واگذار کند و به گفته‌ی فیضی با ورود سهامداران کلان به صحنه موافق نیست. روند خصوصی‌سازی از ابتدای سال جاری کند شده و از چند شرکتی که سال پیش وعده‌ی خصوصی‌کردن آنها داده شد تاکنون تنها شرکت کشتیرانی به بورس آمده است. عرضه‌ی سهام دو پالایشگاه تبریز و اصفهان و یک کارخانه‌ی سیمان نیز مانند مخابرات در ماه‌های اخیر به تعویق افتاده است.

### 713- بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر در مورد حضور علیرضا ثقفی در اجلاس جاری ILO :

#### بیانیه کانون مدافعان حقوق کارگر

در پی دعوت و شرکت علیرضا ثقفی، عضو کانون مدافعان حقوق کارگر، روزنامه نگار، نویسنده و فعال کارگری، در اجلاس بین‌المللی سازمان کار، این اجلاس زیر فشار نمایندگان خانه کارگر وابسته به دولت جمهوری اسلامی ایران و سرمایه داری وابسته به آن، از ارائه‌ی سخنرانی ایشان ممانعت به عمل آمده است. در این میان چند تنی نیز از بی‌عملان داخل و خارج به جای حمایت از اصل دفاع از حقوق کارگری به مسایل حاشیه‌ای گرفتار و باز دچار گیج سری شده‌اند. ما در این مقطع که جنبش مستقل کارگری ایران وارد عرصه‌ی عمل اجتماعی تازه‌تر و گسترده‌تری شده است، وظیفه‌ی خود می‌دانیم که از متن سخنرانی منتشر شده‌ی ایشان در آن اجلاس پشتیبانی کرده، هرگونه برخورد غیردموکراتیک افراد و سازمان‌های داخلی و جهانی را محکوم کنیم. علیرضا ثقفی نماینده‌ی گروهی از فعالان اجتماعی، کارگری و آزادیخواه ایران است. آن چه که در آنجا به عنوان نظر ایشان

منتشر شده ، نظر بخش اعظم فعالان آگاه کارگری ایران می دانیم.  
برای ما حضور ایشان برای رساندن صدای کارگران ، روشنفکران و فعالان اجتماعی رهایی خواه ایران اهمیتی وافر دارد.  
خسته نباشند. در انتظار بازگشت ایشان به جمع آزادیخواهان و فعالان کارگری ایران هستیم.

کانون مدافعان حقوق کارگر

22 خرداد 87

## (\*714- به مقدار 6 میلیون تن کسری گندم در کشور:

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 23 خرداد 87 ؛ به نقل از سایت آفتاب نماینده مجلس هشتم با بیان اینکه برداشت از حساب ذخیره ارزی تورمزا نیست، گفت: «بخشی از این حساب صرف واردات از خارج کشور و بخشی هم صرف جبران خسارات خشکسالی و سرمایه‌گذاری خواهد شد».

به گزارش آفتاب، رضا عبداللهی گفت: «خشکسالی امسال در کشور موجبات کمبود اقلامی چون گندم، برنج، روغن و نهاده های دامی شده است که برای واردات این اقلام به کشور با توجه به کسری در خرید نیازمند برداشت از ذخیره ارزی هستیم.»

نماینده مردم ماهنشان در ادامه این مطلب افزود: «به عنوان مثال طبق برآوردهای انجام شده در حدود 12 میلیون تن نیاز به واردات گندم داریم که در حال حاضر نزدیک به 6 میلیون تن کسری در خرید آن وجود دارد.»  
وی با اشاره به اینکه برداشت از حساب ذخیره ارزی به هیچ وجه تورمزا نیست، افزود: «بخشی از این حساب صرف واردات از خارج کشور می‌شود که این نمی‌تواند تورمزا باشد و بخشی هم صرف جبران خسارات خشکسالی و سرمایه‌گذاری خواهد شد.»

نماینده مجلس هشتم گفت: «به اعتقاد من مجلس باید به دو فوریت این طرح رای می‌داد تا بتوانیم ماده یک قانون برنامه چهارم را اصلاح کنیم و متعاقب آن دولت باید یک لایحه متمم بیاورد که این در حدود 15 تا 20 روز طول می‌کشد. بعد از آن هم به صورت طرح یک فوریتی به مجلس و کمیسیون‌های مربوطه برود که حداقل دو ماه طول می‌کشد بعد از این مجوز برداشت از حساب ذخیره ارزی برای خرید از بازارهای جهانی به دولت داده می‌شود»  
عبداللهی درباره ارزیابی وضعیت حساب ذخیره ارزی اظهار داشت: «با توجه به افزایش بهای نفت در بازارهای جهانی جای نگرانی برای برداشت از حساب ذخیره ارزی نیست»  
اظهارات عبداللهی درباره واردات گندم در حالی مطرح می‌شود که وزیر کشاورزی تاکنون بارها از خودکفایی کشور در واردات گندم خبر داده‌است.

### 715- عدم پرداخت دستمزد کارگران کارخانه ریسندگی پریس و احتمال اعتصاب کارگران این کارخانه :

کارگران کارخانه ریسندگی پریس از اول سال هشتاد و هفت تا کنون دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند این کارگران همچنین حق مرخصی پایان سال و سنوات خود را نیز از کارفرما طلبکارند.

کارفرمای کارخانه ریسندگی پریس تا اواسط اردیبهشت ماه عیدی این کارگران را نیز پرداخت نکرده بود که پس از امضاء طوماری از سوی کارگران این کارخانه و ارسال آن به دفتر مدیریت در تهران، کارفرما ناچار شد ، انرا به کارگران پرداخت نماید.

کارخانه ریسندگی پریس 50 نفر کارگر دارد که با قراردادهای موقت یکماهه در این کارخانه مشغول بکارند. کارگران پریس در حال حاضر امیدوارند در پایان خرداد ماه همه دستمزدها و مطالبات معوقه آنان بصورت یکجا پرداخت شود. در غیر اینصورت این کارگران احتمالا دست به اعتصاب خواهند زد.

اتحادیه آزاد کارگران ایران 1387/3/23

سایت: [www.ettehade.net](http://www.ettehade.net)

ایمیل: [k.ekhraji@gmail.com](mailto:k.ekhraji@gmail.com)

فاکس: 02144514795

## 716 - در پاسخ به فراخوان "هیت بازگشایی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه":

### دوستان کارگر هفت تپه: در مبارزه با سرمایه داری ما را هم‌رمز خود بدانید!!!

امروز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه وارد مرحله حساسی گردیده است. همان طور که می دانیم، این اعتصاب که به خاطر مطالباتی چون حق کار، امنیت شغلی، تشکل مستقل کارگری و... صورت گرفته است. در واقع کارگران هفت تپه به خاطر داشتن یک زندگی شایسته ی انسانی است، که رو در روی نظام سرمایه داری قرار گرفته اند. نظامی که کارگران و خانواده های شان را از ابتدایی ترین حقوق انسانی محروم کرده است، نظامی که خواهان خرید نیروی کار، حتی بدون پرداخت نازل ترین دستمزد برای کارگران است، نظامی که برای ارزش های انسانی کوچک ترین اعتباری قائل نیست. این نظام بارها و بارها کارگرانی را که ماه هاست حقوق ماهیانه ی خود را دریافت نکرده اند و دست به اعتصاب و اعتراض زده اند، با توسل به حربه ی سرکوب، مورد ضرب و شتم قرار داده و نمایندگان آنان را دستگیر و به زندان انداخته است. به نظر ما، قرار گرفتن در کنار کارگران نیشکر هفت تپه، ضرورتی انکار ناپذیر است. ما از کلیه ی تشکل ها و فعالین کارگری، زنان و دانشجویان دعوت می کنیم به فراخوان کمک " هیت بازگشایی سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه" پاسخ مثبت داده و به هر طریقی که می توانند به این حمایت جامه ی عمل ببوشانند.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

1387/3/23

## \*717- حمایت و اعلام همبستگی دانشجویان سوسیالیست دانشگاههای سراسر ایران با کارگران نیشکر هفت تپه :



در آستانه روز هم بستگی با کارگران نیشکر هفت تپه قرار داریم که مبارزات آنها، در بین مجموعه اعتراضات و مبارزاتی که تا کنون از سوی کارگران و زحمتکشان با حکومت اسلامی سرمایه صورت گرفته است، یکی از کم نظیر ترین و برجسته ترین آنها بوده است و تجربه ای گرانبها برای جنبش طبقه کارگر محسوب می شود .

چراکه علاوه بر پیگیری مبارزات خود بر سرپرداخت دستمزد های معوق و رسمی نمودن کارگران قراردادی و پیمانی که مستقیماً با اقتصاد و معیشت آنها و خانواده هایشان مرتبط است، هم زمان خواستار لغو پرونده سازی علیه

فعالین و رهبران کارگری و تحت پیگرد قرار دادن آنان هستند ، و از آن مهم تر به طور جدی و پیگیر ، بر خواست استراتژیک تشکل مستقل توده ای\_ طبقاتی خود پای می فشارند، که اگرچه بی واسطه به بهبود وضعیت معیشتی کارگران نمی انجامد، اما در شرایطی که سرمایه به سرکوبگرانه ترین شکل خود بر کارمزدی حاکمیت دارد، تورم و گرانی به طرزی وحشیانه افسار زحمتکش و تحت ستم را زیر فشارهای طاقت فرسا قرار داده ، و اکنون با روند خصوصی سازی صنایع و واحد های تولیدی، بی حقوقی و نا امنی معیشتی کارگران عمیقاً تشدید شده و خواهد شد، تشکل های مستقل کارگری، ابرار نیست در دست کارگران، تا با کمک آن، مبارزات اقتصادی هر روزه خود را بی وقفه پی بگیرند، و بتوانند با بهره گیری از آن، رسالت تاریخی خود را در روند مبارزات طبقاتی جاری، به انجام رسانند.

کارگران ، پیشرو تحركات و مبارزات عمیقی هستند که در بطن جامعه جاریست و با جدیت و اراده خود ، در پیشبرد اعتراضات اجتماعی، این امید را در دل تمام نیروهای معترض و مبارز اجتماعی می پروراند ، که سرانجام مبارزه متحدانه و متشکل کارگران و همه جنبش های اجتماعی، نظیر دانشجویان ، زنان، معلمان و... که بر محوریت مبارزات طبقه کارگر باوردارند، پیروزی است.

ما دانشجویان سوسیالیست دانشگاه های سراسر کشور نیز، ضمن اعلام هم بستگی با کارگران نیشکر هفت تپه، و حمایت بی قید و شرط از تمامی خواست های آنان، بار دیگر بر ضرورت اتحاد استراتژیک جنبش دانشجویی با جنبش کارگری تاکید می کنیم و همگان را به هر گونه حمایت از مبارزه این کارگران و تمامی مبارزات کارگری موجود و زین پس، فرا می خوانیم .



## 718\* - استاد کلهر: غانله چای و برنج یک توطئه است؟! !

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 23 خرداد 87؛ مشاور رسانه ای احمدی نژاد تورم موجود را برنامه ای طراحی شده از سوی برخی سودجویان اعلام کرد.

مهدی کلهر در حاشیه سفر رسانه ای به لرستان در گفتگو با مهر اظهار داشت: آنچه اهمیت دارد این است که مردم مانند اوایل انقلاب بدانند که بخش مهمی از تورم و گرانی موجود مانند غانله برنج و چای به صورت یک توطئه است. وی مشکل تورم و گرانیهای موجود را ناشی از انبار برخی از مواد غذایی از سوی بعضی افراد سودجو عنوان کرد و یادآور شد: مشکل ساز اصلی در فضا تورم و گرانی کسانی هستند که برنج و چای را به صورت 400 کیلو و 500 کیلوگرم خریداری و در انبارها نگهداری می کنند تا این مواد در بازار کمیاب شود.

مشاور رسانه ای احمدی نژاد با تاکید بر اینکه تورم و گرانیهای موجود به مثابه یک جنگ است، تصریح کرد: به خاطر اینکه قد و قواره ایران در سالهای اخیر به گفته دوست و دشمن با سه سال پیش خیلی فرق کرده است دشمنان قصد دارند با ایجاد فضای تشویش در میان مردم آرامش را از خانواده ها سلب کرده و موجب هرج و مرج شوند.

کلهر ضمن احتمال ادامه شایعات پیرامون گرانیها، ابراز امیدواری کرد: با تلاشهای دولت از میزان تورم و گرانیهای موجود در کشور کاسته شود.

## 719\* - افزایش بهای لیموترش و آبلیمو:

قیمت لیموترش و آبلیمو در هفته های اخیر با افزایش روبه رو شده است.

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 24 خرداد 87؛ در حال حاضر هر کیلو لیموترش در بازار از 3500 تا چهار هزار تومان است.

حسین مهاجران، رییس تعاونی اتحادیه میوه و سبزی تهران در این باره می گوید: در حال حاضر لیموهایی که از جنوب کشور به تهران می آیند عمدتاً لیموهایی به اصطلاح "گوشتی" هستند و آب کمی دارند که کارخانه های تولیدکننده از همین ویژگی استفاده می کنند و این لیموها را با آبلیمویی که از سال گذشته مانده مخلوط و با عنوان آبلیموی تازه روانه بازار می کنند.

او تصریح کرد: در هفته های آتی قیمت این محصول تا کیلویی دو هزار تومان کاهش می یابد.

در همین باره محمد نصوری، رییس سازمان جهاد کشاورزی استان هرمزگان می گوید: در حال حاضر اول فصل برداشت این محصول است که همیشه در این زمان با افزایش قیمت لیموترش به دلیل کمیاب بودن آن مواجه هستیم.

وی در پاسخ به این سوال که آیا بیماری جاروک لیموترش (جاروی جادوگر) که هر ساله خسارات بسیاری را متوجه این محصول کشورمان می کند، در این استان به عنوان قطب تولیدکننده لیموترش مهار شده است یا خیر؟ تصریح کرد: طرح های تحقیقاتی این بیماری در بخش تحقیقات در حال انجام بوده و به اتمام نرسیده است.

رییس سازمان جهاد کشاورزی استان هرمزگان خاطرنشان کرد: به طور طبیعی روندی که این بیماری داشته همچنان ادامه دارد و امسال به دلیل بیماری جاروک لیموترش مقداری افت محصول داریم.

وی میزان تولید لیموترش در سال گذشته را 130 تا 140 هزار تن عنوان کرد و افزود: امسال هم پیش بینی می کنیم با همه شرایط موجود 90 تا 100 هزار تن تولید داشته باشیم.

به تبع افزایش قیمت لیمو، قیمت آبلیمو هم که یکی از کالاهای پرمصرف است افزایش یافته و از قیمت های 900 تا 1000 تومانی به 1500 تا 1600 تومان رسیده است.

ضمن اینکه کاهش وزن شیشه های آبلیمو هم یکی از مواردی است که توسط اداره استاندارد نادیده گرفته شده است. بسیاری از تولیدکنندگان در مقاطعی که قیمت ها را افزایش می دهند با تغییر بسته بندی به کاهش وزن اقلام خود دست می زنند که این موضوع معمولاً از چشم مصرف کنندگان دور می ماند.

## 720- پایان اعتصاب کارگران کوره های آجر پزی شبستر:

احضار کارگران کارخانه های آجر پزی ارومیه به اداره اطلاعات و تشدید فشار نیروهای انتظامی و کارفرمایان بر آنان

اعتصاب حدود چهار هزار نفر از کارگران نود کوره و کارخانه آجر پزی ارومیه وارد نوزدهمین روز خود شد. این اعتصاب که حول خواست افزایش دستمزدها شروع شده است در حالی ادامه دارد که نیروی انتظامی با تهیه لیست 26 نفره از رهبران این کارگران در صدد دستگیری آنان است و اداره اطلاعات ارومیه در مورخه 87/3/22 چهار نفر از آنان را احضار و مورد بازجویی قرار داد.

بنا بر خبرهای دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران نیروهای انتظامی ارومیه در حمایت از کارفرمایان کارخانه های آجر پزی این شهر طی یک هفته گذشته بر شدت فشار خود بر این کارگران افزوده و در محیط کار این کارگران بطور مرتب در حال گشت زنی هستند. این نیروها روز گذشته در صدد دستگیری تعدادی از کارگران بر آمدند که با عکس العمل بموقع خانواده های آنان مواجه شدند. این خانواده ها با مشاهده تلاش نیروهای انتظامی برای دستگیری چند نفر از کارگران بلافاصله با داد و فریاد و با استفاده از چوب و خشت آنان را وادار به عقب نشینی کردند.

اداره کار، اداره اطلاعات و بویژه نیروهای انتظامی ارومیه در هماهنگی با کارفرمایان موفق شده اند در برخی نقاط با ایجاد رعب و وحشت در میان کارگران، بخشی از آنان را از ادامه اعتصاب منصرف کنند اما این اعتصاب تا کنون تشکسته است و مقاومت کارگران برای دستیابی به خواسته هایشان ادامه دارد.

تعرض به کارگران کارخانه ها و کوره های آجر پزی ارومیه در حالی تشدید شده است که کارگران کوره پزخانه های قرچک پس از اعتصابی یک ماهه موفق شدند دستمزد خود را از 9500 تومان دستمزد به ازای هر هزار خشت به 14 هزار تومان برسانند.

از سوی دیگر بنا بر گزارشهای رسیده به اتحادیه آزاد کارگران ایران اعتصاب کارگران کوره های آجر پزی شبستر با افزایش دستمزد این کارگران از 8 هزار تومان به 10 هزار تومان به ازای هر هزار خشت، پریروز پایان پذیرفت. لازم به یادآوری است که خشت های کوره های آجر پزی شبستر دارای وزن سبک تری هستند و به همین دلیل دستمزد آنان از دستمزد کارگران کوره های آجر پزی ارومیه به ازای هر هزار خشت همیشه حدود دو هزار تومان کمتر بوده است.

اتحادیه آزاد کارگران ایران 1387/3/24

سایت: [www.ettehade.net](http://www.ettehade.net)

ایمیل: [k.ekhraji@gmail.com](mailto:k.ekhraji@gmail.com)

فاکس: 02144514795

## 721- گلگشت بزرگداشت و حمایت

بویژه از مبارزات کارگران هفت تپه :

گلگشتی روز 1387/3/24 تحت عنوان بزرگداشت اعتصابات کوره پزخانه ها در سال 1338 و حمایت از اعتصاب کارگران هفت تپه توسط شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری برگزار شد.

در این گلگشت طی مراسمی سخنرانی های توسط نمایندگان برخی از گروه ها و افراد شرکت کننده از جمله خانم صفرزاده و آقایان محمودصالحی، آیت نیافر، وفاقادی و نماینده شورای زنان سنندج و تعدادی از شرکت کنندگان در رابطه با مشکلات کارگران بخصوص کارگران اعتصابی هفت تپه و اعتصاب کارگران کوره پزخانه ها به سمع و نظر شرکت کنندگان رسید. در این سخنرانیها به ضرورت همبستگی کارگران و فعالین در جهت بر طرف کردن موانع و حمایت های همه جانبه از کارگران اعتصابی تاکید شد و به ضرورت ایجاد صندوق اعتصاب، و کمپین حمایتی از اعتصاب کارگران هفت تپه اشاره گردید. در پایان سخنرانی ها با توجه به بیان مشکلات و موانع موجود در مقابل جنبش کارگری ضمن تاکید مجدد بر همبستگی هرچه گسترده تر و حمایت های عملی توافقی شد که بیانیه مشترکی در حمایت از کارگران هفت تپه توسط گروه های شرکت کننده امضاء و صادر گردد.

در ادامه مراسم سرود و آواز های زیبای اجرا شد. و پس از صرف ناهار طبق برنامه گلگشت جلسه ای با عنوان بحث آزاد که حدود یک ساعت ادامه داشت به پیشنهاد های صندوق اعتصاب، صندوقهای حمایتی و کمپین حمایتی از اعتصاب کارگران هفت تپه اختصاص یافت و در پایان بحث پیشنهاد های ارایه شده تاکید بر ادامه بحث ها در فرصت های بعدی شد، بنابراین با توجه به اینکه اصل پیشنهاد ها مورد قبول گردید اما جمع بندی مشخصی ارایه نشد بلکه بحث ها بازماند.

ساعت 4 بعد از ظهر پایان گلگشت اعلام گردید و شرکت کنندگان محل برگزاری را به قصد برگشت ترک کردند. با توجه به نظر خواهی از شرکت کنندگان تمامی آنها رضایت خود را از برگزاری و روند آن اعلام کردند.

شورای همکاری تشکلهای و فعالین کارگری

1387/3/24

(\* 722- برگزاری نشست "تورم بر سر سفره مردم" در دانشگاه تهران :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 24 خرداد 87؛ شخص محوری در اتخاذ تصمیمات و کم‌اعتقادی به اصول علم اقتصاد از ویژگی‌های دولتمردان در حوزه‌های تصمیم‌سازی و اجرای امور کشور است.

سعید شیرکوند، معاون سابق وزیر اقتصاد در نشست با عنوان «تورم بر سر سفره مردم» که در محل انجمن اسلامی دانشکده علوم پزشکی دانشگاه تهران برگزار شد، اضافه کرد: بررسی رفتار شناسانه دولت در حوزه اقتصاد طی 2.5 سال گذشته نشان می‌دهد که محور و خاستگاه سیاست‌ها و تصمیمات اخذ شده همین دو ویژگی است به این معنا که انتظار می‌رود مدیران و وزرا نقد و اصلاحی نسبت به تصمیمات و روش‌هایی که اتخاذ می‌شود، نداشته باشند و صرفاً مجری باشند.

شیرکوند در تشریح ویژگی دیگر دولت گفت: این اعتقاد که اساساً واقعیتهای به نام علم اقتصاد و مدیریت وجود دارد، در کالبد دولت نهادینه شده است. مدیران منتخب اصولاً اعتقاد و باوری به علم اقتصاد ندارند و طبیعتاً الزامی هم به اصول پذیرفته شده اقتصادی در رفتار و سیاست‌های آنان به چشم نمی‌خورد.

وی افزود: معتقدند که ایده‌های خود را می‌توانند به پروژه تبدیل کنند و همین رویه باعث شده تا هیچ پایبندی و الزامی به اسناد بالادستی موجود در کشور در عملکرد دولت وجود نداشته باشد. این بی‌اعتنایی تا جایی پیش رفته که برخی اصول هم نفی شده‌اند.

معاون سابق وزیر اقتصاد گفت: پس از آنکه دولت و مجلس بر سر افزایش تعداد ردیف‌های لایحه بودجه پیشنهادی دولت که 39 ردیف بود توافق کردند و این ردیف‌ها به 262 افزایش یافت، در کمال ناپاوری شاهد بودیم که دولت در زمان تدوین و ابلاغ آیین‌نامه‌های اجرایی بر مبنای همان 39 ردیف عمل کرد در حالی که بنابر قانون اساسی دولت به هیچ وجه حق تغییر مصوبه مجلس ندارد.

شیرکوند در بخش دیگری از سخنانش گفت: بر مبنای اصول اقتصادی مولفه‌های مختلف از یکدیگر تاثیر می‌پذیرند. بنابراین افزایش نقدینگی بدون افزایش نرخ تولید، باعث ایجاد تورم می‌شود ولی دولت بدون پذیرفتن این اصل با در پیش گرفتن سیاست‌های مالی و پولی انبساطی باعث شده تا حجم نقدینگی از حدود 68 هزار میلیارد تومان در سال 84 به 152 هزار میلیارد تومان در سال 86 افزایش پیدا کند.

این استاد دانشگاه اضافه کرد: رشد 2.5 برابری نقدینگی در شرایطی که به دلایل مختلف تولید داخلی از چنین رشدی برخوردار نبود، باعث رشد سریع نرخ تورم در کشور شد که همچنان ادامه دارد.

## (\*723- وقتی که گرسنگی جرم می‌شود :

صبح روز سه شنبه 21 خرداد ماه، بیش از صد نفر از کارگران نیشکر هفت تپه در حالی که پلاکاردهایی با مضمون دفاع از حقوق و مطالبات کارگری خویش در دست داشتند اقدام به راهپیمایی از بازار شوش به سمت فرمانداری این شهر نمودند. کارگران که بیش از 4 ماه است دستمزد دریافت ننموده‌اند و شدیداً تحت فشار اقتصادی قرار دارند با شعار " کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه ایم"، دردشان را فریاد زدند. کارگران هفت تپه در شهر کوچک شوش امکان دیگری برای امرار معاش ندارند و برآستی شعاری که می‌دهند بیان وضعیت وخیم و گرسنگی به معنای واقعی کلمه است. در طول یک ماه گذشته که آنها به روشهای مختلف صدای اعتراضشان را بلند نموده‌اند، از سوی مسولین گوش شنوایی نیافتند. چرا که سیاست کلی دولت مبنی بر نادیده گرفتن حقوق و مطالبات آنها بود. اما به مرور که صدای کارگران گرسنه هفت تپه بگوش دیگران رسیده است، دولتمردان گرسنگی را جرم تشخیص دادند و به آنها حمله نمودند. نیروهای ضد شورش رژیم بر سر کارگران ریختند و با با طوم آنها را مورد ضرب و شتم شدید قرار دادند. ظاهراً در دنیای امروز لازم نیست گرسنگان صورتشان را با سیلی سرخ کنند، صورت و بدن‌ها را ماموران با باطوم سرخ می‌کنند

پس از ضرب و شتم کارگران 4 نفر به نامهای : ایرج عابدینی، نجات دهلی، عباس خمیس نیا و حبیب ناصر، دستگیر و روانه اداره آگاهی شدند. ظاهراً در اینگونه مواقع نه بروکراسی وجود دارد و نه قانونی. مسئله اعتصاب و تظاهرات کارگران بهیچ وجه به اداره آگاهی مربوط نمی‌شود، اما آنها کارگران بازداشتی را به اداره آگاهی منتقل و به شدت مورد ضرب و شتم قرار دادند. اما کارگران هفت تپه با عزمی راسخ اعلام نموده‌اند که از این پس این قبیل برخوردها آنان را مرعوب نخواهد کرد و کارگران با تمام توان به اعتراضات و مبارزات خویش ادامه خواهند داد.

آری، امروزه در کشور ما گرسنگان مجرمند و اعتراض برای گرسنگی جرم شناخته می‌شود، چون همین کارگران گرسنه اگر با هم متحد شوند و از یکدیگر حمایت نمایند ارتشی از گرسنگان خواهند ساخت که بساط گرسنگی و عاملان آن، یعنی سرمایه داران و نظام سرمایه داری را بر خواهند چید.

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری

1387/3/25

724 - نظامی کردن فضای کوره پزخانه های ارومیه و دستگیری 24 نفر از کارگران:

حضور خود در کوره پزخانه از دیروز مورخه 87/3/24 نیرهای انتظامی و ماموران لباس شخصی نسبت به روزهای قبل بر پردازشهای ارومیه افزودند و بطور مرتب به گشت زنی در این کوره ها را در محیطهای کار و زیست کارگران این نیروها دیشب با هدف شکستن اعتصاب در برخی کوره ها نگهبانان مسلحی با همدیگر در ارتباط و تماس باشند مستقر کردند تا کارگران کوره های مختلف نتوانند

ارومیه، امروز نیروهای یگان در ادامه این اقدامات سرکوبگرانه برای در هم شکستن اعتصاب کارگران کوره پزخانه های کارگران را بازداشت کردند و کارگران برخی کوره پزخانه ها را ویژه و باتوم بدست وارد کوره پزخانه ها شده و 24 نفر از کردند با زور وادار به کار

نیز جلسه ای با هدف تحمیق کارگران و خاتمه از سوی دیگر و همزمان با بازداشت 24 نفر از کارگران، در اداره کار ارومیه با حضور شرفی مسئول روابط عمومی شورای شهر ارومیه، قربانزاده مسئول دادن به اعتصاب برگزار شد در این جلسه که نمایندگی از سوی صادقی رئیس خانه کارگر و با شرکت 6 نفر از کارگران کوره پزخانه ها و عسگردشت به روابط کار، دستمزدهای آنان اضافه خواهد شد. در این جلسه نمایندگان کارفرمایان برگزار گردید، به کارگران اعلام شد که یک ریال به از کارگران همچنان بر افزایش دستمزدها تاکید داشتند و در بیرون از اداره کار نیز حدود سی نفر کارگران کوره پزخانه ها کارفرمایان کوره پزخانه ها، کارگران را دعوت به شکستن تجمع کرده بودند. در این میان خانه کارگر ارومیه در همدستی با نمود اعتصاب و رفتن بر سرکارهایشان

نفر از کارگران و ایجاد رعب و وحشت در 24 بنا بر آخرین اخبار دریافتی توسط اتحادیه آزاد کارگران ایران با دستگیری برای وادار کردن کارگران به کار، در حال حاضر اعتصاب 20 روزه کارگران کوره پزخانه های ارومیه و استفاده از زور های ارومیه در هم شکسته است کوره پزخانه

بازداشت شده در دست نیست و فضای عمومی در این کوره تا کنون هیچ گونه اطلاعی از اسامی و سرنوشت کارگران پزخانه ها ملتهب است

آزاد کارگران ایران 1387/3/25 اتحادیه

سایت: [www.ettehade.net](http://www.ettehade.net)

ایمیل: [k.ekhrabi@gmail.com](mailto:k.ekhrabi@gmail.com)

فکس: 02144514795

## 725- گزارش کوتاه در مورد وضعیت شغلی کارگران کارخانه آلومینیوم اراک :

به گزارش انجمن دفاع از کارگران و بیکاران در تاریخ 25 خرداد 87 ؛ کارگران زحمت کش کارخانه آلومینیوم اراک که 30 سال است در این کارخانه به تولید مشغولند از وضعیت آلودگی صنعتی در این واحد تولیدی ناراضی هستند. یکی از کارگران شریف در این رابطه به فریاد کارگر چنین گفت: «کار در اینجا به این صورت است که ابتدا خاک به این کارخانه منتقل میشود اول به صورت آرد وارد میشود توسط ابزارهای خاص این خاک ذوب میشود و نهایتاً از طریق دستگاهها گوناگون به آلومینیوم تبدیل میشود. بعد به صورت شمش های آلومینیوم ارائه میگردد. آلیاژهایش با هم فرق دارد. با آلیاژهای گوناگون صنعتی، خانگی یا... تولید میکنیم که هر کس هر نوع که خواست استفاده کند. بیشتر این شمشهایی که ما تولید میکنیم توسط شرکتهای خارجی خریداری و استفاده میشود. آلومینیوم این کارخانه بهترین آلومینیوم دنیا شناخته شده است علتش هم زحمت و مایه گذاری بیش از حد ما کارگران است ولی در مقابل این زحمات، ما را از مینیمم حق خودمان که رسیدگی های پایه ای است محروم میکنند. پول این شمشهایی که ما داریم تولید میکنیم کجا میرود که خرج کارخانه نمیشود؟ چرا ما حتی نباید لباس مناسب داشته باشیم که در مقابل این اشعه ها ما را حفاظت کند؟ چرا نباید حقوق ما به نسبت بقیه فرق داشته باشد که بتوانیم سرمایه ای برای بعد از باز نشستگی در این کار سنگین داشته باشیم؟» وی افزود: «این کارخانه هم مثل کلیه کارخانه های سطح کشور دارای مشکلات پایه ای و معضلات بسیار زیادی است. اما یکی از اصلی ترین مشکلاتی که ما کارگران در این کارخانه با آن دست و پنجه نرم میکنیم مشکل آلودگی صنعتی است که واقعا کارگران را زجر میدهد. شهرداری ها و مسئولین ذیربط در شهرها به ما ایراد میگیرند و باد به قبب می اندازند و برای مردم دلسوزی میکنند و میگویند: این کارخانه فضای شهر را آلوده کرده است!! اما یکی نیست به این فکر کند که قبل از اینکه فضای شهر را آلوده کند هزاران کارگری که اینجا روزانه در معرض این آلودگیها هستند چه به سرشان می آید!! چطور است که برای شهر آلوده است اما برای کارگری که اینجا کار میکند آلوده نیست؟ چرا یک فکری برای ایمنی جسمی کارگر انجام نمیشود که روزانه در این فضای جهنمی باید کار کند؟ و شرکتهای که میگویند آلودگی زیاد است و با این بهانه دارند تلاش میکنند که کارخانه را با 30 سال قدمت بخوابانند نمیتواند به وضعیت اینجا رسیدگی کند؟ کارگری که دارد مستقیم اینجا دارد کار میکند نمیگویند چقدر برایش سخت و طاقت فرسا است. آلودگیهایی که اینجا ما با آن سرو کار داریم اشعه هایی است که سرطان زا هستند. روزانه صدها هزار بار این اشعه ها به چشم و قلب و بدنمان تابیده میشود و به مرور زمان تهدید سرطان را دارد، تولیدگازهای مختلف مثل گاز کربنیک که برای شهر آسیب زا هستند چه برسد به اینکه ما کارگران مستقیماً با آنها در ارتباط هستیم بدون اینکه لباس و الزامات مناسب در مقابل آنها بپوشیم. کارگران ما در دمای 1800 درجه دارند اینجا کار میکنند. با آلیاژهای گوناگون در تماس هستند. کار اینجا از کار معدن هیچ دست کمی ندارد کارگری که تر و تمیز صبح به سر کار می آید نیم ساعت دیگر

خانواده اش هم نمیتواند او را بشناسند پس که در همان دقایق اولیه با دود و کثیفی سرو کار دارد. یکی دیگر از کارگران زحمت کش این کارخانه که در قسمتی به نام احیا فعالیت میکرد ادامه داد: "30 سال است که ما با همین وضعیت کار میکنیم حرارت اینجا 1800 درجه است واقعا کدام مسؤل میتواند در این جهنم زمینی تانیه ای تاب بیاورد؟ کار اینجا به شدت سنگین و طاقت فرسا و فرسایشی است. آلودگی به شدت بالا است و هر لحظه ما باید منتظر بروز بیماریهای پوستی، قلبی، ریوی و ... باشیم."

### 726- آتش سوزی در کارخانه مینو در تهران:

به گزارش انجمن دفاع از کارگران و بیکاران در تاریخ 25 خرداد 87؛ بنا به گزارشات دریافتی کارخانه مینو واقع در جاده مخصوص کرج دچار آتش سوزی شده و 7 سوله بزرگ متعلق به این کارخانه در حریق سوختند. از خسارات جانی این حادثه اطلاعی در دست نیست اما خسارات مالی زیادی به کارخانه وارد شده است. علت آتش سوزی گزارش نشده است. کارخانه از ساعت 9 تا 11 صبح در آتش سوخت.

### 727- تظاهرات مردمی در پونک تهران :

به گزارش انجمن دفاع از کارگران و بیکاران در تاریخ 25 خرداد 87؛ دیروز جمعه 87.3.24 مردم به جان آمده شهرک پونک تهران با سردادن شعارهای ضد حکومتی اعتراض خود را نسبت به سیاستهای چپاولگرانه دولت بر علیه مردم محروم اعلام داشتند. یکی از شاهدان صحنه تظاهرات به فریاد کارگر گفت: "حدود 2000 نفر از مردم شهرک پونک که شامل تمامی اقشار فرهنگیان، کارگران، جوانان، زنان و دانشجویان میشدند تظاهرات سراسری برگزار کردند. مردم در این حرکت با هم متحد بودند و یک صدا فریاد میزدند و شعار میدادند. نیروهای انتظامی به مردم یورش بردند و آنها را مجروح ساختند. 10 نفر دستگیر شده و به مکان نامعلومی منتقل گردیدند. علت این تظاهرات تورم بیش از حد و فشارهای معیشتی گزارش شده است."

### 728- گزارشی از وضعیت کارخانه کارتن ایران :

به گزارش انجمن دفاع از کارگران و بیکاران در تاریخ 25 خرداد 87؛ کارخانه کارتن ایران که در تهران واقع شده است مانند سایر واحدهای تولیدی در سراسر کشور دچار مشکلات عدیده ای میباشد. یکی از فعالین کارگری در این واحد تولیدی در خصوص این مشکلات به فریاد کارگر گفت: "تبعیض میان کارگران، تعدیل، اضافه کاری اجباری، پائین بودن میزان حقوق کارگران به نسبت درصد بالای تورم، نبودن طبقه بندی مشاغل و ترس از اخراج ناگهانی مجموعه مشکلاتی است که کارگران ما با آن مواجه هستند." "وی افزود: "با ماهی 200 هزار تومان آن هم اگر به موقع پرداخت شود نمیشود زندگی کرد، درصد تورم بالا است اما این حقوق حتی یک روز یک کارگر متاهل را هم تامین نمیکند. کارگر زحمت میکشد اما پول ندارد. طرح تعدیل کارگران هم بلائی مضاعفی است که ما با آن دست به گریبان هستیم. فشار کار روی کارگر بسیار بالا است. بعد از طرح تعدیل کار دو نفر را روی دوش یک کارگر انداخته اند اما حقوق یک نفر را به او میدهند. کارگران هم علی رغم فشاری که روی آنها است اما جرات حرف زدن ندارند. چون اخراج خواهند شد. اگر تهران که مثلاً پایتخت است این طور است وای به حال کارگران بیچاره شهرستانهای دور افتاده! تولید کارخانه بالا میروند، قیمتهایش گران میشود اما حقوق کارگر دست نمیکشود. معلوم نیست این پولها به جیب چه کسانی میرود. پول را آنها دارند، زور هم میگویند و کارگر باید با این شرایط بسوزد و بسازد."

### 729 - "اطلاعیه" در رابطه با اعلام موجودیت کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (منطقه ی تهران) :

اخیراً اطلاعیه ای با عنوان اعلام موجودیت "کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (منطقه ی تهران)"، توسط اعضای این کمیته، منتشر شده است. بدین وسیله به اطلاع کلیه ی تشکل ها و فعالین کارگری می رساند، که فعالیت کنونی کمیته ی هماهنگی منطقه ی تهران، به تبعیت از مجمع عمومی سراسری آن و در راستای تداوم فعالیت های آن کمیته بوده است، که با رویکردی جدید، با نام "کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری (منطقه ی تهران)" صورت می گیرد. لذا ما ضمن قدردانی از عملکرد اعضای این کمیته (منطقه ی تهران) و ارج نهادن به استمرار کار آن، اعلام میکنیم که با توجه به مستندات فوق، عملاً نیازی به اعلام موجودیت مجدد کمیته ی منطقه ی تهران، نبوده است.

کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

۲۵/۳/۱۳۸۷

Komite.hamahangi@yahoo.com



### 730- کشته شدن مستاجر متجاوز بر اثر سقوط از طبقه پنجم :

مرد جوانی که با قصد تجاوز به همسر صاحبخانه به خانه‌ای وارد شده بود از ترس صاحبخانه به پائین پرت شد و فوت کرد. به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ 25 خرداد 87 ؛ نیمه شب 22 خرداد سال جاری مأموران مرکز فوریت‌های پلیسی 110 تهران بزرگ از وقوع یک فقره سقوط یک مرد جوان با خیر شدند. مأموران با حضور در صحنه واقع در جنوب شرق تهران دریافتند مرد جوانی 31 ساله بر اثر نامعلومی از طبقه پنجم یک ساختمان به پائین پرت شده و جان سپرده است. روشن بازپرس شعبه سوم دادرسی امور جنایی تهران درخصوص این پرونده گفت: بررسی اولیه از ساکنان طبقه‌ای که این جوان از آن به پائین پرت شده بود نشان داد این فرد به قصد تجاوز و برقراری ارتباط نامشروع با زن جوانی که همسر صاحبخانه بوده است به این خانه وارد شده است. وی ادامه داد: شوهر این زن زمانی که برای برداشتن لباس ورزشی به خانه بازگشته با این صحنه روبرو شده و برای آنکه با این فرد درگیر نشود ابتدا در خانه را قفل کرده سپس به همسایه‌ها خبر داده است اما در این لحظه مرد متجاوز در یک تصمیم خود را از پنجره به داخل حیاط پرت کرده است و به زندگی خود پایان داده است. روشن افزود: ابتدا این زوج جوان دستگیر شدند اما زمانی که صحت ادعای آنها توسط همسایه‌ها مشخص شد، مرد جوان آزاد شد اما زن جوان به اتهام ارتباط نامشروع در بازداشت به سر می‌برد.

### (\* 731- زنان روزی ده‌ها بار به خرید کردن فکر می‌کنند !

نتایج تازه‌ترین مطالعه نشان می‌دهد زنان بیشتر اوقات، به خرید کردن فکر می‌کنند. به گزارش ایسنا، 78 درصد از 778 زنی که مورد مطالعه یک تحقیق در آمریکا قرار گرفتند، اذعان کردند که تقریباً روزی ده‌ها بار به خرید کردن فکر می‌کنند. بر اساس این مطالعه که زنانی با میانگین سنی 19 تا 45 سال را مورد پرسش قرار داده است، بیش از 50 درصد پاسخگویان گفته‌اند که خرید کردن را بر معاشرت با دوستان خود ترجیح می‌دهند. 40 درصد نیز اظهار کرده‌اند که به پوشیدن کفش و گرفتن کیف در دست هنگام خرید عادت کرده‌اند. دکتر جین پرینس، استاد دانشگاه گلامورگان آمریکا، درباره معتقد است: «این مشغولیت ذهنی در غالب زنان به شکل عادت رفتاری وجود دارد.»

### (\* 732- گزارش ویژه و فوری صبح روز شنبه 25 خرداد 1387 :

1- دکتر موحدی مسنول بهداری زندان اوین به همراه آقای انهاری مسنول پاسیاران اوین ، بنا به دستور مقامات دادگاه انقلاب تهران، بخصوص معاونت امنیت آقای حداد و پلیس امنیت ، سرهنگ حسین زمانی ، به بیمارستان لبافی نژاد مراجعه و برای انتقال منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد ، به بیمارستان مدرس درخواست اقدام نمودند که با توجه به حضور منصور اسالو در بخش ویژه مراقبت‌های قلبی (CCU) و مخالفت پزشکان متخصص قلب بیمارستان لبافی نژاد ، تا ساعت 12 ظهر امروز موفق به این انتقال نشدند و تلاش برای انتقال اجباری منصور اسالو ادامه دارد.

همچنین اسالو اظهار داشت در صورت اجبار به انتقال به بیمارستان دیگر ، چون به پزشکان آنجا و تخصص آنها آشنایی و اعتماد ندارد و انتخاب پزشک معالج یکی از حقوق هر بیماری است ، در صورت اجبار به انتقال به بیمارستان دیگری بجز لبافی نژاد که در آنجا پرونده پزشکی و سابقه بیماری و معاینه و بستری شدن طی 14 سال گذشته که بیماری قلبی داشته است، را دارد ، به هیچ بیمارستان دیگری نخواهد رفت و برای دفاع از حقوق انسانی و بیماری خود و برای حق انتخاب پزشک دست به اعتصاب غذا خواهد زد تا با مرگ خود چهره واقعی معاونت امنیت دادگاه انقلاب اسلامی تهران را به همه دنیا نشان دهد.

2- دیگر اینکه در تمام روزهایی که منصور اسالو در بیمارستان بستری بوده است ، یکی از مامورین مراقبت با اسلحه بالای سر او حتی در CCU در بخش مراقبت‌های ویژه قلب بوده است و در داخل بخش CCU هم با اسلحه رفت و آمد می‌کرده اند که همین حضور مسلحانه مامور ایجاد استرس و اضطراب می‌کند. همین امر عدم رعایت حقوق اخلاقی و انسانی بیمار قلبی بستری در بخش مراقبت های ویژه قلب می‌باشد.



عدم توجه مسئولین دادگاه انقلاب اسلامی به این موارد اولیه حقوق شهروندی و بیمار، نشان از رفتاری غیرقانونی و خارج از ضوابط می باشد و بیانگر اراده ای فراقانونی نسبت به برخورد با رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد می باشد.

3- ندادن حکم دادگاه (رونوشت دادنامه) بدوی شعبه 14 دادگاه انقلاب اسلامی به اسالو و وکلایش، دکتر یوسف مولایی و پرویز خورشید

4- اجازه ندادن ملاقات با وکلایش در زندان به مدت 7 ماه گذشته و جلوگیری از امضای وکالتنامه جهت ماده 18 و اعاده دادرسی نیز به نوعی حق دفاع متهم را برخلاف اصول 34 و 35 قانون اساسی از بین می برد. این رفتار برای آن است که پرونده اسالو در دیوان عالی کشور مطرح نشود!

چه چیزی بجز بی پایه بودن. نداشتن استدلال حقوقی و قانونی در دادنامه صادره می تواند یک متهم را از حق داشتن رونوشت رای صادره محروم نماید!

سازمان دفاع از حقوق بشر ایران - تهران 138/03/25

### 733 - گزارش

#### گلگشتی در "حمایت از کارگران هفت تپه"

در پی اعلام کمپین حمایت از کارگران اعتصابی هفت تپه از سوی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری، شورای همکاری تشکلهای و فعالین کارگری، روز 1387/3/24 گلگشتی در حمایت از کارگران هفت تپه و بزرگداشت اعتصابات کوره پزخانه ها در سال 1338 برگزار کرد.

در این گلگشت اعضا و نمایندگان برخی از تشکلهای کارگری، زنان و دانشجویان حضور داشتند که طی مراسمی، نمایندگان برخی از گروهها و افراد شرکت کننده، در مورد مشکلات و مطالبات کارگران و بخصوص کارگران هفت تپه، سخنرانی نمودند. تمام این دوستان در مورد مشکلات عدیده ای که کارگران با آن روبرویند، خصوصاً در ایام اعتصاب گفتگو کرده و بر ضرورت ایجاد یک صندوق اعتصاب، در پشتیبانی از کارگران اعتصابی بخصوص کارگران هفت تپه تأکید نمودند. در شرایط حاضر حمایت تمام بخشهای کارگری از مبارزات یکدیگر ضروری بوده و حفظ اتحاد و همبستگی کارگران و فعالین در جهت برطرف کردن موانع، در راستای حمایت همه جانبه از کارگران اعتصابی جزء لویت های جنبش کارگری می باشد.

از این رو ما از شورای همکاری و همچنین دوستانی که در این گلگشت حضور داشتند تشکر و قدر دانی می کنیم و امید داریم دیگر دوستان نیز در حمایت همه جانبه از کارگران، خصوصاً کارگران اعتصابی هفت تپه هر چه در توان دارند انجام دهند.

پیروز باد اتحاد و همبستگی کارگران  
کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری

1387/3/26

### \* 734 - چهارصد هکتار باغات دشتروم بویواحمد در معرض نابودی است:

به گزارش عینی خبرنگار سایت استان کهگیلویه و بویراحمد در تاریخ 26 خرداد 87؛ از مناطق "دم کره" و "امیرآباد دشتروم بویراحمد"، 400 هکتار از باغات این منطقه که متعلق به 300 باغدار و کشاورز است اکنون بدلیل نبود آب در معرض کامل نابودی می باشد.

برخی از کشاورزان و باغداران این مناطق معتقدند بی تدبیری مسوولان سازمان جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد مهمترین دلیل نابودی باغات و مزارع آنان است.

یک باغدار این منطقه گفت: آبرسانی به مزارع و باغات "امیرآباد دشتروم" و "دم کره" توسط چهار کانال برجای مانده از عهد قاجاریه صورت می گرفت و کشاورزان و باغداران هیچگونه مشکلی در این ارتباط نداشتند.

رستگار افزود: در سال 83 امور آب استان در منطقه تنگاری دشتروم که مرکز اصلی آبرسانی بوده اقدام به ساختن سد نمود که تمامی اراضی منطقه به زیرکشت محصولات مختلف رفت.

وی با بیان اینکه کشاورزان و باغداران امیرآباد دشتروم و حومه دارای نسق آبی بوده اند نه نسق دیم، اظهار داشت: در همان سال 83 امور آب استان پنج حلقه چاه احداث که از این تعداد دو حلقه چاه به منطقه امیرآباد و سه حلقه دیگر به منطقه حسین آباد واگذار شد و این درحالی بود که حفر چاهها در منطقه امیرآباد صورت گرفت.

این باغدار گفت: اکنون کشاورزان و باغداران منطقه امیرآباد بدلیل خشکسالی با مشکل شدید بی آبی مواجهند و با وجود مراجعه های مکرر به سازمان جهاد کشاورزی استان متأسفانه اقدام مناسبی از سوی مسوولان مرتبط در زمینه رفع نگرانی

باغداران و کشاورزان تاکنون اندیشیده نشده است. یک باغدار دیگر نیز که دارای شش هکتار باغ و زمین زراعی در منطقه امیرآباد دشتروم است نیز با انتقاد از عملکرد مسوولان سازمان جهاد کشاورزی استان، خاطرنشان کرد: برخورد مسوولان مذکور در ارتباط با این مشکل برخوردی نامناسب بوده و آموغ ادعا می کنند که ما برای اجرای عدالت آمده ایم. نیکبخت که خود فرهنگی بازنشسته نیز هست، گفت: من نمیدانم تفسیر آقایان از عدالت چیست اما می گویم چرا مسوولان به فکر جوانان و مردم منطقه امیرآباد دشتروم نیستند. وی گفت: باغات و زمین های زراعی تنها راه امرار معاش و اشتغال جوانان این منطقه است که در صورت ادامه روند هم باید شاهد ناامیدی و یاس زنان و مردان بود و هم شاهد بیکاری جمع فراوانی از جوانان و افتادن به دام های بسیاری مانند اعتیاد که امروز دشمنان نظام برای جوانان ما پهن کرده اند. وی با انتقاد از عملکرد سازمان جهاد کشاورزی کهگیلویه و بویراحمد در زمینه بی توجهی به خواسته های ۳۰۰ باغدار امیرآباد دشتروم، یادآور شد: برای رفع مشکل کنونی بی آبی به این سازمان بارها مراجعه کردیم و تنها یکبار کارشناسی را فرستادند و صورتجلسه ای تنظیم که متأسفانه فایده ای بهمراه نداشت. نیکبخت افزود: اکنون رودخانه کنار باغات منطقه بطور کامل خشک شده و آب مورد نیاز برای تامین آبرسانی به باغات وجود ندارد و در این راستا تلاشی هم از سوی مسوولان برای باغداران و مردم قابل مشاهده نیست. یک باغدار دیگر نیز از نشست ۶۰ نفر از باغداران منطقه امیرآباد دشتروم با مدیرکل امور آب استان در هفته گذشته خبر داد و یادآور شد: مدیرکل امور آب قول مساعدت داد اما متأسفانه آبدار تحت پوشش آن اداره در این منطقه همکاری لازم با باغداران و کشاورزان را از خود نشان نمی دهد. "رهیده" گفت: مسوولان امور آب به باغداران وعده دادند که آب منطقه تنگاری به مدت ۱۰ شب و دو پمپ آب را در اختیار باغداران و کشاورزان امیرآباد قرار دهند که این وعده ها تاکنون عملی نشده و از سویی نمی تواند برای رفع مشکل بی آبی موثر واقع شود. وی افزود: در صورت بی توجهی مسوولان و ادامه روند موجود مطمئن باشید که ۴۰۰ هکتار از باغات و زمین های زراعی ۳۰۰ باغدار و کشاورز در مناطق "دم کره و امیرآباد دشتروم" در حال نابودی است. یک باغدار دیگر نیز از تلاش مسوولان سازمان جهاد کشاورزی استان برای تشویق مردم به کشت لوبیا در این منطقه خبر داد و ادامه داد: سوال مان از این مسوولان این است شما که توان آبرسانی به باغات و زمین های زراعی را ندارید چگونه می توانید به محصول لوبیا که نیاز فراوان به آب دارد آبرسانی کنید؟ خبرنگار سایت استان با وجود تماس های مکرر تا زمان ارسال خبر موفق به دریافت پاسخ از سوی مسوولان سازمان جهاد کشاورزی و امور آب استان نشد. باغات و زمین های زراعی ذکر شده اغلب در منطقه "دم کره و امیرآباد دشتروم" حدود ۲۰ کیلومتری یاسوج واقع شده اند که در معرض نابودی قرار دارند. وضعیت موجود این باغات نگران کننده و درختان سیب، گلابی، زردآلو، گیلاس، گردو و غیره که اکنون در حال ثمردهی هستند در معرض خشک شدن و نابودی می باشند. منطقه دشتروم بویراحمد از مناطق برف گیر کهگیلویه و بویراحمد است که ۴۰۰ هکتار از باغات و زمین های زراعی آن بدلیل بی آبی در حال خشک شدن هستند.

## (\* 735 - بررسی پدیده کودکان کار در ایران

### برای یک لقمه نان!؟

- به گزارش پایگاه خبری - تحلیلی فرارو در تاریخ 26 خرداد 87؛ کسب افتخارات بین المللی علمی توسط دانش آموزان و دانشجویان ایرانی در سطوح مختلف، هرچند عادی و طبیعی شده، اما به درستی، هنوز به آن افتخار می کنیم. گویا آمار دو میلیونی کودکانی که در سن دبستان از حق تحصیل محرومند نیز برایمان عادی شده است. دو میلیون کودکی که اگر در شرایطی برابر، اجازه درس خواندن داشتند، شاید روی یکی از سکوه های برتر علمی جهان می ایستادند.

این کودکان بازمانده از تحصیل، خیلی سریع به صف کودکان کار و کودکان خیابانی می پیوندند و امروزه حضورشان به یک پدیده ی عادی و روزمره تبدیل شده که متأسفانه کمتر کسی را به تأمل وا می دارد. بنابر واقعیت تلخ موجود، برخی از کودکان و نوجوانان کشور ما، به رغم میل باطنی، محکوم به اشتغال به نواح گوناگون کارها هستند؛ اشتغال کودکان سخت ترین و طاقت فرساترین انواع اشتغال است. کار در کارگاه های قالببافی و مکانیکی، کارگاه هایی که با مواد شیمیایی سر و کار دارند و کار در مزارع که سخت ترین نوع آن است و کار در خیابان که علاوه بر تمام اثرات مخرب جسمی که دارد، به روح و روان کودکان صدماتی وارد می آورد که جبران آن دشوار تر از آن است که تصور شود. التماس به مردم برای فروش، در واقع چوب حراجی است به شخصیت و حیثیت این کودکان معصوم، خصوصاً

اگر دختر باشند.

از طرفی عملکرد نهادهای اجتماعی که می‌بایست نقش حمایتی در بهبود شرایط این کودکان را داشته باشند، عملاً نامطلوب بوده است. در حوزه وزارت کار و امور اجتماعی، فقط به امضای مقاله نامه های سازمان جهانی کار، که بر ممنوعیت اشتغال کودکان تأکید دارد، اکتفا شده است. از زمانی که کشور ما اولین مقاله نامه سازمان جهانی کار در خصوص ممنوعیت اشتغال به کار کودکان زیر ۱۵ سال را پذیرفته است بیش از ۳۰ سال می‌گذرد. تنها تأثیر پذیرش این مقاله نامه بین المللی شاید در قانون کار بوده است. بر اساس ماده ۷۹ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع شده است.

مفاد ۸۰ الی ۸۴ قانون کار نیز به نحوه اشتغال به کار کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال می‌پردازد. همچنین، پیمان نامه جهانی حقوق کودک که کشور ما در سال ۱۳۷۳ آن را پذیرفته و متعهد به اجرای مفاد آن شده است، بر ممنوعیت اشتغال به کار کودکان تصریح دارد. مقاله نامه ۱۸۲ سازمان جهانی کار ضمن اینکه بر ممنوعیت اشتغال به کار کودکان تصریح دارد کشورهای عضو را مکلف می‌دارد در شناسایی و محو بدترین اشکال کار کودکان تلاش کنند و جدیت به خرج دهند. این تعهد بین المللی در سال ۱۳۸۰ به تصویب جمهوری اسلامی ایران رسیده است. از نظر سازمان جهانی کار، این مقاله نامه حداکثر بعد از یک سال از پذیرش آن، برای کشورهای عضو لازم الاجرا می‌شود. این در حالی است که هنوز در ایران، بر سر تعریف سن کودکی و نیز مفهوم کودکی اخلاف نظر اساسی وجود دارد، یعنی به رغم اینکه نهادهای حامی کودکان با تکیه بر تمامی تعهدات ذکر شده، ممنوعیت کار کودکان را فریاد می‌زنند، اما هنوز الفبای اجرای تعهدات داخلی و بین المللی در خصوص ممنوعیت اشتغال کودکان مهیا نشده است.

علاوه بر تمام این ها مصاحبه های گوناگون مسوولان درباره ساماندهی کودکان خیابانی با ارائه آمار و ارقام متناقض که تا به حال میلیارد ها ریال اعتبار را نیز بلعیده از زمره کارهای بی نتیجه ای بوده است که باعث به حاشیه رفتن مسائل و مشکلات بسیاری از کارگران کوچک، در بخش های مختلف و جان فرسای اشتغال شده است.

اقسام اشتغال به کار کودکان

۱- اشکال آشکار، شامل کار در خیابان ها، مزارع، کارگاه های در معرض دید مانند انواع و اقسام کارگاه های مکانیکی، تراشکاری، نجاری، کوره های آجرپزی و غیر آن است.

۲- اقسام پنهان، شامل کار در کارگاه های زیرزمینی (کارگاه های خیاطی، بسته بندی، کفش دوزی، کارگاه های جبر و چرم و...)، کارگاه های خانگی و کارگاه های قالبیابی است.

۳- کار در خیابان

کار خیابانی تنها یکی از شاخه های کوچک اشتغال به کار کودکان است که به دو علت پر اهمیت تر جلوه کرده است : الف) این کودکان در معرض دید عموم هستند و نظر مسوولان مرتبط با حوزه آسیب های اجتماعی این است که حضور زنده پوش و ناخوشایند این کودکان چهره ی پایتخت و بسیاری از شهر های بزرگ را زشت و گریه است . ب) پیامدهای ناهنجار بعدی که در آینده برای جامعه تهدید محسوب می شود. طبیعی است که اکثر قریب به اتفاق این کودکان در بزرگسالی به جرم و بزه کشیده می شوند و در بهترین حالت به تکی گری ادامه خواهند داد .

درگیر شدن نهادهای متعدد دولتی از سال ها پیش تاکنون و صرف میلیارد ها ریال هزینه نتوانسته است گرهی از مشکلات بی شمار این دسته از کودکان بگشاید و روند رو به رشد این پدیده را هر روزه در کوچه و خیابان های شهرمان شاهدیم . در پژوهش ها و پایان نامه های تحصیلی نیز کمتر به اشتغال کودکان در کارگاه های زیرزمینی یا کارگاه های خانگی یا ... پرداخته شده است و عمدتاً مطالب موجود در خصوص کودکان خیابانی است و شاید علت اصلی این امر هم سهولت و دسترسی آسان تر به کودکان خیابانی نسبت به سایرین باشد .

علل اشتغال به کار کودکان

مسأله کار کودکان عمدتاً با فقر خانواده ها در ارتباط است؛ کودکان خانواده های کم درآمد و بی بضاعت ناگزیرند که یا با شرکت در کارهای دسته جمعی و یا یافتن کاری در خارج از منزل به نحوی در افزایش درآمد خانواده تأثیر گذار باشند . فقر خانواده ها یکی از جنبه های عقب ماندگی اقتصادی اجتماعی و فرهنگی است که امروزه گریبانگیر بسیاری از جوامع و کشورهای شده است. عامل عمده ی دیگری که موجب روی آوردن کودکان به بازار کار می باشد، فقدان یا نامطلوب بودن مراکز آموزشی و یا دور بودن این مراکز از محل زندگی کودکان است . این امر خود ناشی از نارسایی هایی است که در تعمیم قوانین مربوط به حمایت و آموزش کودکان و همچنین، در امر نظارت

برابری قوانین، وجود دارد و دیگر اینکه اشتغال به کار کودکان با افزایش معضلات اجتماعی، اعتیاد، طلاق، مهاجرت روستاییان به شهرها، بیکاری و... که حاصل توزیع نابرابر ثروت و شکاف روزافزون طبقاتی هستند، نسبت مستقیم دارد؛ چرا که با وخیم شدن وضعیت خانواده ها از لحاظ اجتماعی و اقتصادی، بخشی از بار سنگین تأمین درآمد خانواده ها روی شانه های نحیف کودکان سنگینی می کند و هزاران کودک به رغم میل باطنی و به علت فقر خانواده هایشان در چرخه زودرس کار و تلاش جانفرسا قرار گرفته و نان آوران کوچک خانواده ها می شوند. و البته علل این نابسامانی را باید در سیاست های اقتصادی و اجتماعی اتخاذ شده جست و جو کرد.

#### نتایج و عواقب اشتغال کودکان

۱ (فقدان زندگی خانوادگی هماهنگ به ویژه اگر کودکان در خارج از منزل به کار مشغول باشند که در این صورت از توجه والدینشان محرومند .

۲ (کمبود وقت آزاد برای بازی، ورزش و یا فعالیت فرهنگی متناسب با سن کودکی .

۳ (قرار گرفتن در معرض خطرات اجتماعی و یا حتی بزهکاری ها به ویژه اگر محل کسب و کار کودک، خارج از منزل و یا در خیابان باشد .

۴ (خطر از دست دادن سلامتی. قدرت تحمل و نیروی بدنی کودک در حال رشد کمتر از بزرگسالان است و در ضمن کودکان سریع تر از بزرگسالان دچار خستگی می شوند. در نتیجه کارگران خردسال کاملاً مستعد ابتلا به بیماریهایی چون مرض سل (ناشی از قرار گرفتن در معرض گرد و غبار) بوده و بیشتر به سوانح ناشی از کار دچار می شوند. به علاوه احتمال دارد که در اثر خستگی ممتد و فشار جسمی بیش از حد در دوران کودکی، دیر یا زود به بیماری هایی همچون اختلالات رشدی، انحراف ستون فقرات، سکت قلبی و... گرفتار شوند .

در اکثر موارد، محروم ماندن کارگران خردسال از امکانات و تسهیلات آموزشی باعث می شود که کودکان قادر به کسب معلومات عمومی و حرفه ای که لازمه ی رشد ذهنی و هوشی آنهاست، نشوند و از زندگی شغلی و اجتماعی مرفه و موفق در آینده برخوردار نگردند. به این ترتیب آینده ی کودکان کار در معرض خطر است چرا که آنها به علت اشتغال به کار نمی توانند از آموزش بهره مند گردند .

#### مسوولان چه کرده اند؟

۱۶ اردیبهشت سال ۸۶ مدیرکل بهزیستی استان تهران در همایشی در استان گلستان اعلام کرد: «متأسفانه مشکل عمده ساماندهی کودکان خیابانی این است که اغلب آنها دارای خانواده هستند و بعضاً تحت نظارت آنها مورد سوء استفاده قرار می گیرند و سازمان بهزیستی به رغم جمع آوری، از نظر قانونی نمی تواند آنها را به مدت طولانی نگه دارد چرا که خانواده هایشان برای آزدسازی آنها اقدام می کنند.» وی همچنین در این سخنرانی اعلام کرد: « اکثر خانواده های این کودکان نیاز مالی ندارند و تنها به منظور سوء استفاده از کودکان آنها را راهی خیابان می کنند و همچنین حدود ۴۰ درصد از کودکان جمع آوری شده سال قبل، تبعه افغان بودند که به همراه خانواده هایشان از مرز عبور داده شدند .»

-در خصوص سخنان این مسوول محترم باید تاکید کرد که کلمات «اکثر»، «اغلب»، «درصد بالایی» و... دارای ارزش آماری نبوده و تنها نبود مطالعه دقیق بر روی یک مسأله مهم اجتماعی را نشان می دهد. نداشتن مطالعه کافی و موشکافانه، پیش از شروع یک پروژه بزرگ نظیر ساماندهی کودکان خیابانی و اطلاع از مسائلی اینچنینی که چند درصد افراد، خانواده دارند یا از چه ملیتی هستند، بسیار بعید و دور از انتظار به نظر می رسد. دیگر اینکه سازمان باید هدف خود را از پیش مشخص سازد و برای مثال کودکانی که دارای خانواده هستند را به مراکز نگهداری شبانه روزی نفرستند تا در میانه راه و پس از صرف هزینه های بالا ناچار به توقف شده و سر جای اول باز گردند. آنچه جای تعجب دارد این مطلب است که در پروژه های تا این حد بدون برنامه ریزی و مطالعه چگونه پی برده اند که «اکثر» خانواده های این کودکان نیاز مالی ندارند؟! آیا یکی از تفریحات خانواده های پایین دست جامعه فرستادن فرزندان خود در اوقات فراغت برای کار به خیابان است؟!!

سوم تیر ۸۶ مدیر کل آسیب دیدگان اجتماعی سازمان بهزیستی از تدوین طرح ساماندهی کودکان خیابانی خبر داد و اعلام کرد این طرح مربوط به کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال است که بر اساس قانون می توانند به اشتغال سبک مبادرت ورزند. وی افزود بر اساس این طرح، کودکان ۱۵ تا ۱۸ سال به مدت دو ساعت در روز به کار مشغول خواهند بود و بقیه روز را به فراگیری آموزش های دیگر خواهند پرداخت که بهزیستی مسوول این آموزش ها خواهد بود .

وی مسوولیت اشتغال کودکان زیر ۱۵ سال را با وزارت کار و امور اجتماعی دانست که بر اساس قانون، کار کودکان زیر ۱۵ سال ممنوع است و وزارت کار مسوول برخورد با کارفرمایان سوچو است. وی در ادامه خبر داد که در سال ۸۶ همه کودکان خیابانی را تحت پوشش آموزش و پرورش قرار خواهند گرفت. مدیرکل آسیب های اجتماعی اظهار داشت که فقر خانواده ها دلیل اصلی روی آوردن کودکان به اشتغال است. پیشتر رئیس سازمان بهزیستی استان تهران اعلام کرده بود

اکثر خانواده های این کودکان نیاز مالی ندارند). وی در ادامه در خصوص آمار این کودکان در کشور گفت مبنای علمی و منطقی برای آمار این کودکان وجود ندارد و آمار ارائه شده از سوی هر سازمانی کذب است.

-وزارت کار که در شناسایی کارگاه های زیرزمینی و بهبود وضعیت کودکان شاغل در این کارگاه ها ناتوان بوده است چگونه می تواند به کارفرمایان سیاه اشتغال در خیابان دسترسی داشته باشد؟ به علاوه در صورت صحت این مدعا، ۸۰ درصد کودکان خیابانی از طرف خانواده هایشان هدایت می شوند و احتمالاً وزارت کار باید با پدران این کودکان که کارفرما محسوب می شوند، برخورد داشته باشد.

طرح مربوط به دو ساعت اشتغال در روز هم با ابهامات فراوانی همراه است چرا که وقتی والدین نیازمند این کودکان انتظار درآمدزایی از این کودکان دارند و کودک بعد از ساعات طولانی کار در خیابان تا مبلغ مشخصی وجه نقد به همراه نبرد حق ورود به منزل را نخواهد داشت، چگونه می خواهند راضی شوند این کودک دو ساعت کار کند و بعد آموزش های متنوع بهزیستی را فرا گیرد؟ در خصوص تحصیل این کودکان نیز هیچ گاه مکانیسم آن مشخص نشده است که چگونه می خواهند کودکان خیابانی را تحت پوشش آموزش و پرورش قرار دهند.

در تاریخ ۵ تیرماه ۸۶ معاون فرهنگی اجتماعی شهرداری تهران نیز گزارشی به شورای شهر ارائه داده است که از میان کودکان ساماندهی شده ۸۰ درصد شهرستانی، ۱۶ درصد از شهرستان های استان تهران و ۵ درصد متولد کشورهای همسایه اند.

-اگر بپذیریم که شهرداری نیز متولی ساماندهی کودکان خیابانی شهر تهران است، یافته های شهرداری از لحاظ آماری باید اندک شباهتی به یافته های سازمان بهزیستی داشته باشد چرا که پیشتر رئیس سازمان بهزیستی استان تهران اعلام کرده بود ۴۰ درصد کودکان جمع آوری شده تبعه کشور افغانستان هستند و این مسوول شهرداری می گوید تنها پنج درصد کودکان از کشورهای همسایه هستند.

پیش از پایان اتفاقات سال ۸۶ در خصوص کودکان خیابانی به طنزی تلخ، ولی واقعی برخوردیم که لازم است دیگران نیز در مورد آن تأمل کنند. یکی از نمایندگان مجلس هفتم و عضو کمیسیون اجتماعی مجلس گفت: "تغییر قانون فرزندخواندگی در حل معضل کودکان خیابانی اثرگذار است". این نماینده مجلس پیشنهادی را مطرح کرد با این مضمون که اگر لایحه فرزندخواندگی اصلاح و تصویب نهایی شود در حل معضل کودکان خیابانی نیز تأثیر زیادی دارد. خانواده های مرفه که به فرزند نیاز دارند کودکان خیابانی را به فرزندخواندگی قبول کنند تا از تعداد این کودکان کاسته شود!.

در شروع نیمه دوم اردیبهشت ۸۷، خبری در رسانه ها درج شد مبنی بر این که شهرداری تهران طرح ضربتی ساماندهی کودکان خیابانی را آغاز کرده است. ظاهراً مدیریت آسیب های اجتماعی شهرداری تهران به هدف سال ۸۶ خود دست یافته و این بار این سازمان، داوطلب اجرای طرح های آزمایشی دیگر روی این کودکان شده است و همان طور که اعلام شده، قرار است کودکان خیابانی را در کوتاه ترین زمان ممکن ساماندهی کند. گویا این سازمان می خواهد به نوعی شکست سنگین خود در خانه های سبز و ریحانه را جبران کند.

-از زمانی که شهرداری تهران خانه های سبز و ریحانه را به ترتیب برای ساماندهی کودکان خیابانی پسر و دختر در سال ۱۳۷۸ تأسیس کرده است، شهرداری و سازمان بهزیستی برای کار در این حوزه با یکدیگر، رقابت شدیدی داشته اند تا جایی که در سال ۱۳۸۱ پس از صرف میلیاردها ریال هزینه، دو مرکز فوق تعطیل شدند. در همان زمان رسانه ها اعلام کردند که کودکان باقیمانده در این مراکز مبالغی وجه نقد داده اند که به شهرهایشان برگردند. به این ترتیب بود که سازمان بهزیستی از سال ۱۳۸۱ افتخار متولی تام الاختیار ساماندهی کودکان خیابانی را یدک کشیده است تا جایی که معاون اجتماعی سازمان بهزیستی اعلام کرد این سازمان دیگر توان اجرایی ساماندهی کودکان خیابانی را ندارد و این در حالی است که تحت پوشش تأمین اجتماعی قرار دادن، ایجاد اشتغال برای کودکان و خانواده ها و تحت پوشش آموزش و پرورش بردن کودکان خیابانی از شعارهای بی حاصل این سازمان در سال گذشته بود و چنین مجموعه بی می خواهد از اجرا کنار کشیده و تنها نظارت و سیاستگذاری ساماندهی کودکان خیابانی را بر عهده گیرد.

کار در خیابان علاوه بر اینکه گریبانگیر هزاران کودک این سرزمین است نشان دهنده ناکارآمدی سیاست های اتخاذ شده در خصوص مسائل و معضلات اجتماعی است و شاید به همین سبب است که انواع و اقسام طرح های ضربتی و غیرضربتی برای جمع آوری این کودکان اجرا شده است، و به کار بردن مکرر الفاظ جمع آوری، تفکیک، غربالگری، ساماندهی و... دلیلی محکم برای کشف ذهنیت متولیان این طرح ها است که همانا ذهنیت پاکسازی و زیباسازی شهری است. اگر غیر از این بود برای هزاران کودک کارگر دیگر که در کارگاه های پنهان به کار اشتغال دارند نیز باید حساسیت بیشتری نشان داده می شد چرا که آسیب هایی بسیار بیش از آنچه متوجه کودکان خیابانی است، دیگر کودکان شاغل را تهدید می کند.

## (\* 736- بازداشت بیش از 200 نفر از مردم عادی و 6 دانشجو در مشهد :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 26 خرداد 87؛ در پی برگزاری تجمع اعتراضی بیش از 8 هزار نفر از مردم شهر مشهد در اطراف میدان آزادی و بلوار وکیلآباد شهر مشهد، بیش از 200 تن از مردم عادی و 5 یا 6 تن از دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد بازداشت شدند.

به گزارش دسترنج، با اعلام قبلی و از ساعت 11 روز جمعه جمع گسترده و چند هزار نفری شهروندان مشهدی مقابل پارک ملت واقع در میدان آزادی شهر مشهد در اعتراض به گرانی‌ها و مفساد اقتصادی تجمع کردند. حاضران در این جمع با سر دادن شعارهایی مانند «مافیای اقتصادی افشا باید گردد»، «موجم اگر می‌روم گر نروم نیستم» و «دولت بی‌کفایت استعفا، استعفا» خواستار استعفا یا برکناری دولت احمدی نژاد شدند.

در پی برگزاری این تجمع مدنی نیروهای یگان ویژه و انتظامی حاضر در محل که گفته می‌شد با حضور فرمانده نیروی انتظامی استان، استاندار و دیگر مسوولان استانی از ساعت‌ها قبل در محل تجمع حاضر بودند، با مسدود نمودن هر چهار خیابان اصلی منتهی به میدان آزادی از عبور وسایل نقلیه برای ساعت‌ها جلوگیری کردند. علی‌رغم حضور رئیس شورای شهر مشهد میان تجمع‌کنندگان و تقاضای پایان تجمع، معترضان بر شدت اعتراضات خویش افزودند. با اضافه شدن به تعداد تجمع‌کنندگان که حدود 8 تا 10 هزار نفر گزارش شده است، حدود ساعت 13 ماموران یگان ویژه و لباس شخصی حاضر در محل که توسط ده‌ها بسیجی موتورسوار همراهی می‌شدند، با شلیک چند تیر هوایی و با استفاده از باتوم، باتوم برقی و گاز اشک‌آور به تجمع‌کنندگان حمله کرده و اقدام به بازداشت جمع گسترده‌ای از حاضران در تجمع کردند.

به گزارش شاهدان عینی حاضر در محل، نیروهای بسیجی با استفاده از زنجیر، قمه، باتوم برقی و انواع گازهای اشک‌آور به شدت به تجمع‌کنندگان حمله کردند. نیروهای گسترده حاضر در محل با جمع کردن بازداشت‌شدگان در مسجد واقع در پارک ملت و پس از ضرب و شتم شدید آنان در مسجد با ده‌ها اتوبوس حاضر در محل آنان را به مکان نامعلومی منتقل کردند. همچنین گفته می‌شود به پای یکی از حاضران در محل تیر اصابت کرده است.

به گزارش کمیته دانشجویی گزارشگران حقوق بشر، محمدش یکی از حاضران در پارک ملت می‌گوید تاکنون چنین خشونت‌هایی را از نیروهای امنیتی در هیچ تجمعی مشاهده نکرده است. او می‌گوید، "دست‌کم چهار زن را دیده است که با سر و صورت خونین، بازداشت شده‌اند."

گفتنی است از سرنوشت بازداشت‌شدگان اطلاعی در دست نیست و تنها مسوولان دانشگاه از منتقل شدن دانشجویان بازداشت‌شده با صدور قرار بازداشت توسط دادگاه انقلاب، به زندان مرکزی مشهد خبر داده‌اند.

تجمع دانشجویان در ساعت پایانی شب

همچنین در پی اطلاع دانشجویان دانشجویان دانشگاه فردوسی از بازداشت شدن جمع زیادی از دانشجویان این دانشگاه، تجمع اعتراضی مقابل خوابگاه پسران این دانشگاه برگزار شد.

حاضران در این تجمع که بیش از 500 تن از دانشجویان گزارش شده است، با سر دادن شعار «دانشجوی زندانی آزاد باید گردد» و «احکام انضباطی ملغی باید گردد» به سمت امور دانشجویی و از آنجا به سمت خوابگاه دختران حرکت کردند. با اضافه شدن دانشجویان دختر به معترضان، حاضران در تجمع به بیش از هزار نفر افزایش یافت. در این تجمع مسوولان دانشگاه فردوسی حاضر شده و قول‌هایی مبنی بر آزادی دانشجویان حداکثر تا روز بعد را دادند. این تجمع که از ساعات 8 شب آغاز شده بود، حدود ساعت 11 شب با قرانت بیانیه به طور موقت پایان یافت. دانشجویان اعلام کردند که در صورت آزاد نشدن دانشجویان زندانی، مجدداً تجمع خواهند کرد.

## (\* 737- سلطان شکر در مرخصی به سر می‌برد :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 26 خرداد 87؛ الیاس نادران در تذکری با استناد به ماده 192 آیین‌نامه مربوط به تذکرات کتبی به وزراء، گفت: تذکری را در رابطه با وزیر دادگستری تقدیم کردم که هیات رییس آن را به عنوان تذکر قبول نکرد و به خودم ارجاع داد.

به گزارش ایسنا، این نماینده مردم تهران، افزود: اصل ماجرا هم به مرخصی رفتن متهمی که معروف به سلطان شکر است، برمی‌گردد. این فرد از 25 اسفند مرخصی گرفته، اما هنوز به زندان باز نگشته است.

وی ادامه داد: قیل هم این مشکل را داشتیم که در تحقیق و تفحص از قوه قضاییه مشخص شد که تعداد 1276 نفر از متهمان مجرمی که حکم داشتند و زندانی‌های طویل‌مدت مانند حبس ابد یا به 150 سال محکوم بودند به آنها مرخصی داده‌اند، اما دیگر آنها بازنگشته‌اند و بعضاً در عین ارتکاب همان جرم دوباره دستگیر شده‌اند.

وی تصریح کرد: سوال ما این است در خصوص تخطی از ضعف اجرای قانون در قوه قضاییه اگر ما به وزیر دادگستری تذکر ندهیم به چه کسی باید تذکر دهیم. این ایراداتی است که در اجرای قانون و مسائل مختلف مربوط به قوه قضاییه به وجود می‌آید و هیات رییس نمی‌پذیرد که به وزیر دادگستری این تذکر را بدهیم.

نادران افزود: ما هم نمی‌توانیم مورد به مورد تحقیق و تفحص بگذاریم. همچنین مسائل دیگری هم در رابطه با اعضای هیات تحقیق و تفحص از قوه قضاییه در مجلس هفتم اتفاق افتاد که بعداً آنها را حضوراً خدمت شما عرض می‌کنم، ولی این دست مسائل که مربوط به تذکر کتبی نمایندگان نسبت به قوه قضاییه است و هیات رییس به عنوان تذکر به وزیر دادگستری نمی‌پذیرد در عین حال که مسوول مسوول است چه می‌شود.

وی ادامه داد: اگر وزیر مسوول نیست، پس پست وزارت او را حذف کنند. اگر وزیر مسوول است بپذیرند که این تذکرات ارجاع داده شود و لااقل اعتراض مجلس رفتار قوه قضاییه یا سوالاتی یا تذکراتی که دارند استماع شود.

لاریجانی نیز که ریاست جلسه علنی مجلس را بر عهده داشت در پاسخ به نادران گفت: بر اساس ماده 192 قاعدتا به وزیر



می‌توان تذکر داد. ظاهر سنتی در مجلس هفتم بوده، بر اساس استفساری که در مورد قوه‌ی قضاییه شده بود آن را بررسی می‌کنیم تا راه‌حلی برای آن پیدا کنیم چون وزیر دادگستری شرایط ویژه‌ای دارد و مانند سایر وزراء هم نیست، بر این اساس باید برای این مسأله راه‌حلی پیدا کرد.

گفتنی است؛ لاریجانی در پایان تذکرات کتبی از نمایندگان خواست تعداد تذکرات کتبی و شفاهی را کم کنند که به کاری بیشتری برسند.

### 738- تجمع در مقابل شهرداری تهران :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 26 خرداد 87؛ این تجمع‌کنندگان که پلاکاردهایی را با خود به همراه داشتند، نسبت به تخریب بنگاه‌های مسکن در اراضی سرخه‌حصار و حکم دادستان تهران، اعتراض داشتند.

این افراد پلاکاردهایی را با مضامین «دیوان، خواسته به حق ما را حمایت کند» و «بسیجی به داد مظلوم برس» و «یا مرگ، یا مجوز» و «بعد از 23 سال، با سند رسمی شش دانگ و مجوز از 18 مرجع باز هم بلا تکلیفی» به همراه داشتند.

این تجمع به شکل آرام همراه با حضور نیروی انتظامی در مقابل شهرداری تهران در خیابان بهشت ادامه دارد.

بنگاه‌های مسکن در اراضی ملی سرخه‌حصار، سه‌شنبه شب گذشته به دستور دادستان تهران و با همکاری شهرداری تهران و نیروی انتظامی، تخریب و برچیده شدند.

گفتنی است، هم‌اکنون شهرداری با حضور پنج نفر از نمایندگان تجمع‌کنندگان، در این سازمان، جهت طرح خواسته‌ها موافقت کرده است.

### 739(\*)- تجمع دانشجویان دانشگاه زنجان در اعتراض به تعرض به شان دانشجو :

به گزارش خبرگزاری ایسنا در تاریخ 26 خرداد 87؛ دانشجویان معترض در این تجمع خواستار برکناری مسوول متخلف، استعفای برخی از مسوولان دانشگاه و پاسخگویی صریح هیات ریسه دانشگاه درباره حادثه اخیر شدند.

علیرضا نداف، رییس دانشگاه زنجان با حضور در جمع دانشجویان معترض، ضمن تشکر از هوشیاری دانشجویان، اظهار کرد: دانشجو تا زمانی که در صحنه باشد، دانشگاه زنده است و اگر فساد پیچیده بیاید در نطفه خفه می‌کند. ما همیشه پشتیبانی دانشجویان را برای از بین بردن هر گونه فساد خواستار بوده‌ایم و بر نقش محوری آنها تاکید کرده‌ایم.

وی ادامه داد: شما باید قانون محور باشید و آرامش خود را حفظ کنید، ما به موضوع دقیقاً رسیدگی می‌کنیم و هیچ حقی ضایع نخواهد شد. ما در این دانشگاه با هیچ کس تعارف نداریم با او مقابله کرده و هیچ ارفاقی قائل نخواهیم شد.

همچنین یکی از اعضای شورای صنفی دانشگاه زنجان در گفت‌وگو با ایسنا در بیان مواضع شورای متحصنین درباره این حادثه، با ابراز تاسف از حادثه اخیر و قصد تعرض یکی از مسوولان دانشگاه به یک دانشجو، خواستار مخفی ماندن هویت این دانشجوی دختر، برکناری بی‌قید و شرط فرد متخلف و استعفای هیات ریسه دانشگاه زنجان و تعلیق دو روزه امتحانات دانشگاه شد.

عدم برخورد با دانشجویان متحصن در طول تحصن و پس از آن، بررسی مجدد پرونده‌های کمیته انضباطی دانشگاه و عدم برخورد با تشکلهای قانونی و نشریات دانشجویی برخی دیگر از مطالبات دانشجویان معترض است.

وی همچنین ضمن محکوم کردن برخورد فیزیکی برخی دانشجویان با رییس دانشگاه، خاطر نشان ساخت: شورای صنفی برخورد فیزیکی با رییس دانشگاه را اشتباه دانسته و خواستار پیگیری درخواستهای دانشجویان در فضایی آرام است.

گفتنی است، امتحانات امروز دانشگاه به دلیل تجمع و اعتراضات دانشجویان برگزار نشده است.

### 740(\*)- استنثار کودک در کنار ادعای انسانیت :

به گزارش سایت دسترنجد تاریخ 26 خرداد 87؛ مرتضی 7 صبح روز چهارشنبه 22 اسفند ماه 1386 حوالی پاسگاه نعمت‌آباد واقع در بزرگراه آیت الله سعیدی جنازه کودک 9 ساله‌ای توسط اهالی محل کشف شد. مرتضی از روز قبل برای کار از خانه بیرون رفته بود. او فال می‌فروخت اما آن شب به خانه بازنگشت و صبح روز بعد جنازه‌اش در حالی مشاهده شد که شلوارش دور گردن و دستهایش با پیراهنش بسته شده بود. به دلیل سن کم مرتضی، مادرش شماره تلفن خانه را روی دستش نوشته بود. صبح حادثه از این طریق خانواده‌اش را در جریان گذاشتند و مادرش زمانی بر بالین پسرش رسید که او جان سپرده بود. محل زندگی مرتضی در اسماعیل‌آباد یکی از کوره‌پز خانه‌های جنوب غرب تهران است. در خانه‌ای کوچک دو خانواده دیگر به همراه خانواده هشت نفری مرتضی زندگی می‌کردند مرتضی از مدتی پیش به دلیل فقر خانواده به فال فروشی مشغول بود. ساعت کار او به طور معمول از 2 بعد از ظهر (پایان ساعت مدرسه) آغاز و 10 شب به پایان

می‌رسید. مادر مرتضی می‌گوید: «از بدبختی، بچه‌مون رو می‌فرستادیم سرکار» اما حالا او باید علاوه بر درد فقر، رنج فقدان کودک 9 ساله‌اش را نیز تحمل کند.

زندگی کودکان کار با ترس و رنج عجیب است. ترس و رنجی که همه روزه در اثر فقر اقتصادی به این قشر از جامعه تحمیل می‌شود و کودکی، بازی، شادی، تحصیل و آرامش آنان را به تباهی می‌کشد. مرتضی نه تنها این‌ها، بلکه جانش را نیز از دست داد.

نیمی از کودکان کار هرگز از چنگال فقر رهایی نمی‌یابند

آمارهای موجود می‌گویند که از هر 100 کودک در جهان امروز 16 نفر کودک کار هستند. نیمی از کودکان کار هرگز از چنگال فقر رهایی نمی‌یابند. آنان به کارهای سخت و زیان‌آور اشتغال دارند و با مواد خطرناک شیمیایی سرو کار داشته یا در هوای آلوده تنفس می‌کنند. این در حالی است که درآمد حدود 1/5 درصد خانواده‌ها به کار کودکان وابسته است. تروریسم یکی از بزرگ‌ترین مشکلات و موانع بر سر راه موفقیت کودکان است زیرا بسیاری از کودکان در ماشین جنگی به کار گرفته می‌شوند و مورد آزار مستقیم قرار می‌گیرند. بسیاری از دختران ترک تحصیل می‌کنند، تا در خانه از خواهر و برادر کوچک خود مراقبت نمایند و...

وقتی که بحث بر سر کار کودک را شروع می‌کنیم، پی می‌بریم که نقاط مشترک زیادی درباره این پدیده در سراسر جهان وجود دارد. ما داستان‌های زندگی کودکان مختلف را گوش می‌کنیم. درباره تجارت کودکان، استثمار جنسی، کار در قایق‌های ماهیگیری، ماشین شویی، فروشندگی در خیابان یا بازار، جمع‌آوری آشغال، حمل و نقل و باربری، خشت زنی و آجرپزی، ساختن ابزارهای پزشکی برای اتاق‌های عمل، ساختن سایر مواد و ابزارهای خطرناک، تجارت مواد مخدر، کار خانگی و سرواژ (صرفی)، بردگی قرض، کار در مزارع، مین‌یابی، قالی‌بافی، سرباز گرفته شدن اجباری، کار در کارخانه‌ها و کارگاه‌های کوچک، شیرینی‌پزی و بسیاری موارد دیگر. اما این کودکان، زندگی خود را همه روزه از دست می‌دهند. آن‌ها زجر می‌کشند و کسی نیست که سخن‌گوششان باشد، آن‌ها هم درست زمانی که دولت‌ها و بسیاری از مردم وجود چنین مشکلی را انکار می‌کنند. آن‌ها یا اهمیت نمی‌دهند و یا به سادگی وجود این پدیده را انکار می‌کنند. اما این انکارها و شانه‌بالا اندازی‌ها، ذره‌ای از این واقعیت که کودکان در وضعیت بسیار غم‌انگیزی به لحاظ فیزیکی و روانی به سر می‌برند، نمی‌کاهد. این فرم‌ها از کار کودک بی‌درنگ باید متوقف شود. این در حالی است که بسیاری از کودکان تاکید دارند که می‌خواهند به دولت‌ها اعتراض کنند زیرا از وعده و عیدهای توخالی آن‌ها خسته شده‌اند. آن‌ها قول‌های زیادی برای لغو کار کودک، تحصیل، امکانات رفاهی و خدمات اجتماعی بهتر داده‌اند اما این قول‌ها را عملی نمی‌کنند. قول‌های دولت‌ها پشتوانه مادی و عملی ندارد. در حالی که دولت‌ها مبالغ نجومی صرف جنگ می‌کنند، میلیون‌ها کودک بی‌سوادند، نه سقفی بالای سرشان دارند و نه غذایی برای خوردن! دولت‌ها باید نیازهای کودکان را در اولویت برنامه‌های خود قرار دهند. و اما مراحل اولیه تحقیقات میدانی در منطقه بازار تهران نشان می‌دهد که این دسته از کودکان کارگر برای کسب درآمد، مجبور به جا به جا کردن بار کارگاه‌های تولید پوشاک، زیگراگ دوزی، بسته بندی پوشاک و... هستند. این در حالی است که به گفته کارشناسان مددکاری، این روند علاوه بر آسیب‌های اجتماعی که برای کودکان به همراه دارد، فرصت تحصیل و آموزش‌های جانبی آن‌ها را از کودکان گرفته و برای ستون فقرات، گردن و چشم این کودکان آسیب‌های جدی را به همراه دارد. معلوم نیست معضل کودک کار به دلیل ناتوانی در تامین هزینه‌های زندگی این قبیل کودکان ناشی از بارداری‌های ناخواسته است، یا خانواده‌های فقیر برای جبران مشکلات مالی‌شان بچه به دنیا می‌آورند تا استثمارش کنند.

بایدها و نبایدهای سقط جنین برای جلوگیری از کودک کار

در این راستا سالهاست که یکی از خواسته‌های زنان در روز جهانی زن، آزادی سقط جنین است. سقط جنین که در بسیاری از کشورهای پیرامونی عملی غیرقانونی محسوب می‌شود اغلب در مراکز غیر بهداشتی و توسط افراد غیر متخصص انجام شده و سالانه منجر به مرگ صدها هزار زن باردار می‌شود. ایران نیز از این قاعده مستثنا نیست. در حالی که آمار دقیقی از تعداد سقط جنین‌های غیرقانونی در ایران در دست نیست، آمار غیررسمی و اطلاعاتی که توسط مراکز بهداشتی منتشر شده، از ابعاد هولناک این فاجعه خبر می‌دهد. این آمار ظاهراً چنان تکان‌دهنده است که تدوین قانونی برای تسهیل سقط جنین قانونی را به ضرورتی اجتناب‌ناپذیر تبدیل کرده‌است.

ناگفته پیداست که مشکل دیگر کودکان کارگر یا مقوله کار کودک، ازدواج کودکان است. وقتی کودکان ازدواج زودرس می‌کنند و نمی‌توانند به تحصیل ادامه دهند. آن‌ها بچه‌دار می‌شوند و ازدیاد جمعیت به نوبه خود بر گسترش فقر می‌افزاید. ازدیاد جمعیت و فقر هم به سهم خود، دو فاکتور در وجود پدیده کودکان کارگر یا اجبار کودکان به کار است. البته قصد توجه هیچ عملی را نداریم. همانگونه که سقط جنین در اکثر ادیان بزرگ عملی نامشروع قلمداد می‌شود و کلیسای کاتولیک، همچون اغلب علمای مسلمان و یهودی از مخالفان سرسخت آن هستند اما هر روز بر تعداد کشورهایایی که قوانین سهل‌تری برای انجام این عمل وضع می‌کنند افزوده می‌شود. در بیشتر کشورهای اروپایی که مسیر قانونگذاری از مجرای عرفی و مدنی می‌گذرد، سقط جنین با اندکی تفاوت مجاز اعلام شده است. در کشورهایی نیز که سقط جنین هنوز به طور کامل قانونی اعلام نشده چنان شرایطی فراهم شده که پایان دادن به بارداری ناخواسته به ندرت سلامت مادران را به خطر می‌اندازد. آمار سازمان بهداشت جهانی خبر از ۲۱۰ میلیون بارداری در سال می‌دهد که نزدیک به ۵۰ میلیون آن به

سقط جنین منجر می‌شود. ظاهراً ۲۰ میلیون از این سقطها غیرقانونی و اغلب در شرایطی غیر بهداشتی انجام می‌شود. سهم کشورهای توسعه نیافته از این سقط‌های غیر بهداشتی ۹۵ درصد است. برخی معتقدند ۳۰ درصد از سقط‌هایی که در ایران انجام می‌شود غیرقانونی است که در موارد بسیاری به مرگ مادران می‌انجامد. جهانبخش امینی، عضو کمیسیون بهداشتی مجلس معتقد است «انجام سقط جنین غیر قانونی در مراکز غیر تخصصی و غیر بهداشتی موجب بروز عوارضی نظیر عفونت شدید، بی‌حالی، افت فشار خون، انتقال هیپاتیت و ایدز به مادران می‌شود که در برخی موارد منجر به مرگ آنان خواهد شد. در ایران نیز چون بسیاری از کشورهای پیرامونی، غیرقانونی بودن سقط جنین، بارداریهای ناخواسته را به معضل و خطری برای مادران تبدیل کرده است. در ایران سقط جنینی قانونی است که وجود آن جنین، سلامت مادر را به خطر بیندازد یا به تولد نوزادی معلول بینجامد. در حالی که تقریباً همه صاحب‌نظران بر این اعتقادند که مهمترین دلیل سقط جنین، بارداری ناخواسته است. در این میان سهم بارداری‌های قبل از ازدواج و در میان زنان زیر ۲۳ سال رقمی چشمگیر است و هر روز بر بارداریهای ناخواسته دختران زیر شانزده سال افزوده می‌شود.

برای آنکه از موضوع کودک کار زیاد هم پرت نشده باشیم، به آمار رسمی سازمان جهانی کار اشاره می‌کنیم که اعلام کرده 246 ملیون کودک در جهان مشغول به کار هستند که یک سوم آن‌ها به خود فروشی و تجارت مواد مخدر و 106 میلیون نفر از آن‌ها به کارهای دیگر اشتغال دارند. آمار رسمی این سازمان نشان می‌دهد که تنها در آسیا 127 میلیون کودک مشغول به کار هستند. در ایران نیز اگر گوشه چشمی به آمار اعلام شده از سوی سازمان مدیریت و برنامه ریزی مبنی بر جمعیت 15 درصدی زیر خط فقر داشته باشیم، شاید بتوان تا حدودی به آمار این کودکان پی برد. بنابراین و از آنجا که کودکان و به ویژه کودکان دختر به هنگام رفت و برگشت از خانه به مدرسه در معرض خطر ربوده شدن توسط گروه‌های تجارت کودک قرار دارند، بهتر است برای کودکان سرویس‌های حمل و نقل مطمئن وجود داشته باشد، افزون بر آنکه نیروهای امنیتی کشورهای مختلف در مورد مساله تجارت کودک باید همکاری داشته باشند.

بر اساس آمارها، 380 هزار کودک 10 تا 14 ساله در سراسر کشور کار ثابتی دارند و حدود 370 هزار کودک به عنوان کارگر فصلی مشغول به کار هستند.

هر ساله تعداد قابل توجهی از کودکان به دلایل مختلف مجبور به ترک تحصیل می‌شوند و کارهایی چون واکسن‌زنی، دست‌فروشی و زیاده‌گردی انجام می‌دهند یا کار در کارگاه‌هایی که برای آن‌ها جز بیماری و دور ماندن از تحصیل که حق اولیه آن‌هاست، چیزی به همراه نخواهد داشت. البته این اختلاف باید از بین رفته و ادامه تحصیل برای هر کودکی ممکن شود. در کشورهای فقیرتر اگر به ایجاد امکان برای ادامه تحصیل کودکان مبادرت نشود، فقر فزاینده می‌گردد. به همین دلیل تعطیلات مدارس باید با وضعیت خانواده‌هایی که کار کشاورزی می‌کنند، تطبیق داده شود، تا کودکان این خانواده‌ها به دلیل کارکردن برای خانواده خود مجبور به ترک تحصیل نشوند.

بد نیست بدانیم که بیش از ۷۰ درصد کودکان کارگر در صنعت کشاورزی به کار مشغولند. این کودکان جزو بی‌حقوق‌ترین کارگران هستند و به کارهای بسیار خطرناکی مجبور می‌شوند که باید با ماشین‌آلات صورت گیرد اما با کمال تاسف در این کشورها به خاطر نبود ماشین‌آلات کشاورزی، از نیروی کودکان برای انجام کارها استفاده می‌شود.

بر اساس قانون کار ایران به کار گماردن افراد کمتر از 15 سال تمام، ممنوع است این در حالی است که طبق ماده‌ی 79 قانون کار جمهوری اسلامی ایران به کار گماردن افراد کمتر از 15 سال تمام، ممنوع است؛ علاوه بر آنکه ایران به عنوان یکی از اعضای پیمان‌نامه جهانی حقوق کودک، طبق بند یک ماده‌ی 32 این پیمان‌نامه باید حق کودک را برای برخورداری از حمایت در برابر بهره‌کشی اقتصادی و انجام هر گونه کاری که ممکن است زیانبار باشد، خلی در تحصیلش وارد آورد، به سلامتی یا رشد جسمانی، ذهنی، اخلاقی و اجتماعی او آسیب رساند، به رسمیت بشناسند. البته از نظر یونیسف، انسان‌های زیر 18 سالی که بنا به مقتضیات جامعه مجبور به کار باشند کودکان کار محسوب می‌شوند، اما در جامعه ایران کودکان زیر 15 سال نیز کار می‌کنند.

کودکان کار مزد نمی‌گیرند و تنها برای سرپناه یا غذایی بخور و نمیر کار می‌کنند در این راستا یک اقتصاددان منتقد نیز در خصوص کار کودکان می‌گوید: به موازات افزایش و گسترش پدیده کودکان کار در سطح جهان، به ویژه در جوامع در حال توسعه و پیگیری سازمانهای بین‌المللی و ملی مختلف، درباره این مساله تحقیقات و مطالعات مختلفی صورت گرفته است. دکتر فریبرز ربیسی دانا می‌افزاید: امروزه کار کودکان بیشتر در کشورهای در حال توسعه جهان رواج دارد، جایی که میلیونها کودک در سنین پایین 5 تا 14 سال با هدف امرار معاش خود و خانواده خود به کار مشغول هستند. او می‌گوید: کار کودکان ممکن است شکل عادی کارمزد و در کارخانه‌ها، معادن، مزارع و بخشهای خدماتی را داشته باشد و یا ممکن است به صورت آزاد و کسب و کار خیابانی باشد. کار آنها ممکن است نیمه وقت یا تمام وقت و فصلی یا کارگر دائم باشد. ربیسی دانا می‌افزاید: ممکن است این کودکان دستمزد خود را به صورت جنسی یا پولی بگیرند، یا اساساً کارکن خانوادگی بی‌مزد باشند. عده‌ای اصلاً مزد نگیرند و تنها برای سرپناه و محلی جهت حمایت یا برای غذایی بخور و نمیر کار کنند.

دردنیای امروز کشورهای زیادی هستند که در آنها کودکان به کار تمام وقت یا نیمه وقت و اغلب در شرایط توانفرسا، اشتغال دارند در حالی که کودکان حقوق مشخصی دارند و استفاده از کار کودک از نظر اخلاقی زننده و تجاوز آشکار به حقوق آنها

محسوب می شود. چه بسا نتیجه کار کودک، محرومیت از تحصیل، لطمه های اجتماعی و بیماریها و اختلال رشد جسمی و روانی باشد.

خیابان را برای کودکان کار ناامن نکنید

مدیر عامل انجمن حمایت از کودکان کار می گوید: اگر کودکان کار را از صحنه اجتماع حذف کنیم آنها به سمت کارهای پنهان و زیرزمینی کشیده می شوند. معصومه وطنی گفت: کودکان به دلیل تامین اقتصادی خانواده وارد بازار کار می شوند و خانواده و خود کودکان خواهان انجام کار سالم هستند اما اگر سازمان های مختلف بخواهند با شیوه جمع آوری و حذف بدون رفع نیاز خانواده، کودکان کار را از ظاهر جامعه حذف کنند، این مساله محیط کار را برای کودکان ناامن کرده و آنها را به سمت کارهای پنهان، خلاف و کارهایی می کشاند که آینده شان را به تباهی می برد. به گفته وی تعداد کودکان کار طی سال های اخیر گسترش چشمگیری داشته به طوری که بسیاری از کودکان چهار ساله به آدامس فروشی، فال فروشی و حمل مواد مخدر مشغول هستند. وطنی گفت: در شرایط ایده آل آموزش باید در کنار تامین اقتصادی خانواده، کودکان کار مورد توجه قرار گیرند. کودکان کار به دلیل نیازهای اقتصادی خانواده به کار کشیده می شوند و باید وضعیتی فراهم شود تا با ایجاد کار و تامین اجتماعی خانواده ها، شرایط بهتری فراهم شود. وی افزود: آموزش و بازی حق اولیه کودکان کار است که از آن محروم هستند اما با برخوردهایی چون جمع آوری، تنها کودکان را از ظاهر جامعه حذف و خیابان را برای آنها ناامن کرده و کودکان را به سمت کارهای پنهان می کشانیم. وی تاکید کرد: کودکان کار، کارهای سالمی انجام می دهند آنها خانواده هایشان را تامین می کنند و جمع آوری آنها از خیابان ها امنیت کاری آنها را تحت الشعاع قرار می دهد.

افزایش سود و انباشت سرمایه مهمترین دلیل استثمار کودکان است

خاتم دکتر فاطمه قاسم زاده در بحث تاثیرات اقتصادی - اجتماعی کار کودک می گوید: کار کودکان سبب افزایش سود و انباشت سرمایه برای کسانی می شود که کودکان را مورد استثمار قرار می دهند، در نتیجه فاصله طبقاتی را در جامعه بیشتر می کند و فقر و تهیدستی را افزایش می دهد. او می افزاید: این سو استفاده ها کودکان را از دستیابی به دانش و مهارت کافی باز می دارد و بهره وری نیروی کار را در جامعه کاهش می دهد، در نتیجه آسیبهای اجتماعی مانند اعتیاد، بزهکاری، استثمار، تبعیض، فقر و... افزایش می یابد و سلامت اجتماعی را به مخاطره می اندازد و مانع پیشرفت و توسعه جامعه می شود. کودکی فقط آموزش و تحصیل نیست و امکاناتی برای سایر فعالیت های ضروری جهت رشد فکری و جسمی مثل ورزش، هنر، ادبیات و بازی نیاز است. در بسیاری از مناطق مدارس تنها در سطح ابتدایی و فقط برای تحصیلات ابتدایی اجباری است. مدرسه به اندازه کافی وجود ندارد و اگر هم وجود داشته باشد، خیلی ها نمی توانند به تحصیلات بالاتر بپردازند. فاصله بین مدارس فقیرنشین و مدارس پول دارها از زمین تا آسمان است و مدارس عمومی و دولتی به هیچ وجه از استانداردهای مدارس خصوصی برخوردار نیستند.

نقش دولتها در کار کودک

برای جلوگیری از کار کودک و استثمار این موجودات مظلوم و محروم، باید برای هر فرد حقیقی یا حقوقی وظایفی تعریف شود که مهمترین آنها دولتها هستند. وقتی درباره وظایف دولت ها حرف می زنیم، منظورمان وظایفی در سطح محلی نیست، بلکه منظورمان صحبت از وظایف آنها در دفاع از حقوق کودکان چه در سطح ملی و چه در سطح فراملی است. دولت ها باید مقوله کودکان را در اولویت کارهای خود قرار داده و کودکان را در بحث های تصمیم گیرنده در سرنوشت زندگی شان دخالت دهند زیرا حضور در این بحث ها به تاثیرگذاری و مفید بودن اقدامات کمک می کند. از سوی دیگر دولتها و سیاستمداران باید کار کودک را جرم اعلام کنند، اما هرگز نباید کودکان را مجرم به حساب آورند زیرا کودکان قربانی این پدیده اند. به همین دلیل باید قوانینی وضع و تعقیب شوند که بزرگترها را برای به کارگیری کودکان به خاطر منافع شخصی مورد پیگرد قانونی قرار دهد. دولتها و مراجع قانونی باید از کودکانی که مورد آزار قرار گرفته اند، حمایت کرده و اگر می خواهند از سرنوشت آنان به عنوان نمونه ای برای طرح یک موضوع استفاده کنند، امکان ایمنی برگشتن این گونه کودکان به میان جامعه - همان جایی که آزار دهندگان کودکان وجود دارند - را فراهم نمایند. چنین کودکانی باید تحت درمان های جسمی و روحی قرار گرفته و توان یابی شوند. کودکان باید حمایت و امنیت داشته باشند، تا بتوانند نام کسانی که آنها را مورد آزار قرار داده اند، اعلام کنند. دولتها باید علیه تجارت کودک مبارزه کنند. باید قوانینی را که هم اکنون وجود دارد، پیگیری و اجرا نمایند. اما قوانین امروزی برای این کار کافی نیست و قوانین جدیدی باید وضع شوند. دولتها و مسوولان امر در کشورهایی که تجارت کودکان در آن صورت می گیرد باید با یکدیگر همکاری کنند و قوانینی داشته باشند، که تجارت و ربودن کودکان را جرم جانی به شمار آورده، مجرمان را دستگیر کرده و با آزادی کودکان از این وضعیت، کار این سودجویان را تعطیل کنند.

بیکاری بزرگترها دلیل رونق استثمار کار کودک است

اگر بپذیریم که بیکاری ام الفساد است دولت ها باید برای بزرگترها شغل ایجاد کنند و بیکاری را کاهش دهند. کار بزرگترها باید از حقوق کافی برخوردار باشد تا به کار کودکان شان نیاز نداشته باشند. حقوق بزرگ ترها به مثابه کارگران باید رعایت شده و به آن احترام گذاشته شود. کارگران بزرگتر باید حق تجمع در محل کارشان را داشته باشند؛ چرا که تجمع به آنها

توان و امنیت جلوگیری از پایین رفتن سطح دستمزدها را می‌دهد. این مساله بسیار مهم است، که کارگران از بیمه و حقوق کافی برخوردار باشند، تا کودکان آن‌ها و ادار به کار نشوند.

دولت‌ها برنامه‌های ملی برای از بین بردن کار کودک داشته باشند دولت‌ها باید برنامه‌های ملی برای از بین بردن و لغو کار کودک به کمک خود کودکان تهیه کرده و اجرا کنند. همچنین تضمین کنند کمک‌های مالی منظور شده برای رشد اقتصادی و تقویت مالی کودکان به طور مستقیم در اختیار آن‌ها و نهادهای مدافع و مطمئن آن‌ها قرار گیرد و به دست افراد بی‌صلاحیت و ناپاب نیفتد. سیستمی را پیاده کنند که محصولات ساخته شده توسط کار کودک با مارک‌هایی مشخص شوند. دولت‌ها نه تنها باید با هم، بلکه با افراد جامعه و اتحادیه‌های کارگری و نهادهای مدافع حقوق کودک همکاری کنند. و جامعه هم باید به کمک کودکان بر کار دولت‌ها نظارت کنند NGO. ها نیز باید تمام امکانات شان را صمیمانه برای کمک به کودکان کار و دفاع از حقوق شان به کار گیرند.

#### نقش والدین در کار کودک

این وظیفه بر عهده والدین است که به کودکان خود گوش فرا دهند. کودکان به عشق، احترام و مراقبت نیازمندند و این به والدین بستگی دارد که به کودکان یک زندگی توأم با عشق و امنیت بدهند. والدین باید مسوولیت شان را بپذیرند و از حق شان برای دفاع از حقوق کودکان استفاده کنند. آنان باید صدایشان را در دفاع از کودکان بلند کنند، سخن گوی آنان باشند و درباره حقوقشان با سایر افراد جامعه حرف بزنند. اگر والدین به کودکان و حقوق آن‌ها توجه نداشته باشند، این وظیفه مسوولان دولتی است که از حقوق کودکان و عدم اجازه استفاده جنسی و جسمی از آن‌ها سخن بگویند و والدینی را که به کودکان خود اجحاف می‌کنند، تنبیه نمایند. این تنها راهی است، که کودکان می‌توانند مطمئن باشند حقوق شان رعایت می‌شود و سلامتی و امنیتشان تامین می‌گردد. والدین باید اهمیت تحصیل و رشد کودک را درک کنند، نه این که به مساله جنسیت کودک اهمیت داده و تبعیض جنسی بین کودکان خود قائل شوند.

#### 741 - شعار نویسی در رشت: دعوت عموم به اعتراض علیه تورم و گرانی :

به گزارش سایت سلام دمکرات ر تاریخ 26 خرداد 87 ؛ در روز های گذشته بر روی دیوار های برخی از خیابان های شهر رشت شعار های علیه احمدی نژاد و بر ضد حکومت اسلامی نوشته شده است.

بنا به گزارشات رسیده به سلام دموکرات این شعارنویسی ها با استفاده از رنگهای تحت فشار(اسپری) با دو رنگ قرمز و مشکی نوشته شده است که در برخی از آن ها از مردم برای تجمع بر علیه گرانی و تورم دعوت کردند.

این گزارش حاکیست شعار نویسان از مردم خواسته اند تا روز اول تیر بخاطر گرانی و تورم بر علیه دولت تظاهرات شرکت کنند.

در این اقدام علاوه بر شعار نویسی علیه محمود احمدی نژاد و دعوت به تظاهرات عمومی شعارهایی بر علیه نظام جمهوری اسلامی نیز نوشته شده بود.

این شعارها که در خیابان شهدای و برخی دیگر از میادین و خیابان های پر رفت و آمد این شهر نوشته شده بود، صبح امروز با اطلاع نیرو یهای بسیجی و با حضور پر رنگ برخی از نیروی های سپاه پاسداران سریعا پاک شدند.

#### 742 - مشکلات کارخانه ایران تایر کارگران را رنج میدهد :

کارخانه های بزرگی مانند کارخانه ایران تایر نیست در مشکلات زیادی غوطه ور هستند. یکی از فعالین کارگری در این کارخانه به فریاد کارگر گفت: "مشکل کارخانه ما مثل سایر کارخانه ها است. ما به شدت از عدم نقدینگی، تولید پائین، وضعیت قراردادی ها و روزمزدیها و نداشتن امنیت شغلی رنج میبریم. کارگران قراردادی ما امنیت شغلی و امنیت خاطر ندارند و تمام وقت در استرس به سر میبرد که هر لحظه ممکن است از کار بیکار شوند و کسی پاسخگو نیست. حقوق و مزایای کارگران پیمانی و روزمزد با بقیه فرق دارد و با این حجم از میزان تورم معلوم نیست که آنها چطور باید امرار معاش داشته باشند. 30 سال است که این دولت هیچ اقدامی برای کارخانه ها و بهبود وضعیت اقتصادی نکرده است و روز به روز بدتر از قبل میشود. تازه این وضعیت ایران تایر است که مثلا کارخانه قدیمی و شناخته شده ای در پایتخت است و ای به حال کارخانه های کوچک در شهرستانها که چه استثماری در انجا حاکم است."

انجمن دفاع از کارگران و بیکاران

87.3.26

#### 743- آزادی کارگران اعتصاب کننده کوره پزخانه های ارومیه:

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 27 خرداد 87؛ یکی از فعالان کارگری در ارومیه اعلام کرد: تمامی بازداشت شدگان در ازای سپردن تعهد آزاد شدند و در حال حاضر هیچ کارگری به دلیل شرکت در اعتصاب کوره پزخانه های ارومیه بازداشت نیست.

پیشتر فعالان کارگری اعلام کرده بود که عوامل انتظامی به منظور شکستن اعتصاب کارگران کوره پزخانه های ارومیه حداقل ۲۴ نفر را بازداشت کرده اند. برخی دیگر از فعالان کارگری نیز با وجود آنکه از آزادی کارگران بازداشت شده کوره پزخانه های ارومیه خبر می دهند، مداخله عوامل انتظامی برای شکستن اعتصاب را تایید می کنند. به گفته این فعالان کارگری در حال حاضر اکثر کارگران به اعتصاب خود پایان داده اند و تلاش ها برای پایان دادن به این اعتصاب ادامه دارد. این منابع با اشاره به جمع آوری امضاهای کارگران برای انتخاب نماینده ای که با کارفرما مذاکره کند، گفتند: ترک اعتصاب به معنی عقب نشینی کارگران نیست. این عده افزودند: شرایط خاص، توجه و حساسیت عوامل انتظامی را متوجه این حرکت صنفی کارگری کرده است که با توجه به آمادگی کارفرما برای مذاکره با اعتصاب کنندگان ادامه شرایط فعلی چندان صحیح نبود. بیش از ۳ هزار کارگر کوره پزخانه های ارومیه در ۲۰ روز گذشته نسبت به پایین بودن دستمزدهای خود و شرایط نامطلوب محل کار دست به اعتصاب زده بودند.

#### 744- اخراج احتمالی 300 نیروی سازمان فنی و حرفه ای :

جمعی از کارکنان سازمان کار و آموزش فنی و حرفه ای کشور طی نامه ای از روند کنونی مدیریتی این سازمان ابراز نگرانی کردند. در بخشی از این نامه آمده است: سازمان آموزش فنی و حرفه ای کشور برخلاف سیاست های کلان نظام جمهوری اسلامی عمل کرده و در سیاست های جدید خود اکثر مراکز آموزشی را تعطیل کرده است. اقدام اخیر این سازمان در عدم تجهیز و راه اندازی ۲۰۲ مرکز آماده فعالیت، انبار کردن حجم عظیمی از کتب تدوین شده سال های ۸۵ و ۸۶، تعطیلی طرح تهیه استاندارد آموزشی و تعطیلی طرح آموزش روستایی (هجرت) از مهمترین اقدامات است. همچنین طرح اخراج ۳۰۰ نیروی پیمانی و قراردادی در استان تهران و ستاد سازمان باعث بی میلی شدید و ایجاد حس یاس و بدگمانی در کارکنان شده است به نحوی که در حال حاضر سازمان (تب) کرده است و هیچ فعالیتی انجام نمی شود. متأسفانه در طول ۲ سال گذشته در سازمان حجم عظیم تغییر مدیریت ها به گونه ای بوده که در عمل هیچ گونه آموزشی ارائه نمی شود و ده ها مرکز آموزشی به بهانه واگذاری تعطیل شده اند. معلوم نیست سازمان با این سرعت به کجا می رود و چه کسی پاسخگوی مدیریت های این چنینی است؟ جمعی از کارکنان سازمان

#### 745- اعتراض به بازداشت اساتذ در اجلاس ILO:

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 27 خرداد 87؛ یکی از نماینده های کارگران ایران در سازمان بین المللی صادر نشده است، عنوان کرد: امسال نیز مانند ILO با بیان اینکه مقاله نامه خاصی در اجلاس امسال ILO کار ( سال های گذشته اعتراضاتی نسبت به ایران انجام شد اما این اعتراضات نسبت به سال های گذشته کم رنگ تر بود و جمعی از کشورها نیز اعتقاد داشتند که این مباحث و اعتراضات سیاسی هستند نه صنفی. در ILO اولیاء علی بیگی، یکی از نماینده های کارگری کشورمان در اجلاس امسال سازمان بین المللی کار ( گفت: نماینده های کارگری ایران امسال در چهار کمیته توسعه ILO گفت و گو با ایسنا در مورد اجلاس امسال اشتغال روستایی، مهارت های فنی و تخصصی و بهداشت ایمنی، استانداردها و مالی حضور و فعالیت داشتند. افزود: نمایندگان کارگری ایران ILO ای با موثر دانستن حضور نمایندگان کارگری ایران در اجلاس امسال گفت و گوهای نتیجه بخشی با نماینده های کشورهای مئث بحرین و سودان و ... در این اجلاس داشتند. مقاله نامه خاصی صادر نشده است، اضافه کرد: نماینده های ILO علی بیگی با بیان اینکه در اجلاس امسال کارگری در زمینه اعتبارنامه ها هیچ مشکلی نداشتند و اعتبارنامه های آن ها تصویب و صادر شده بود. وی با تاکید بر حفظ منافع ملی توسط تشکلات کارگری و وجود اتحاد بیشتر بین آنها اظهار کرد: در اجلاس امسال ایرادی به ایران گرفتند که مربوط به بحث اساتذ و تشکل مربوط به او بود که به اعتقاد من از این بحث ILO بهره برداری سیاسی کرده اند. باید از نماینده واقعی کارگران حمایت و دفاع کرد اما اگر این نماینده در ILO به گفته این نماینده کارگران ایران در مسائل دیگری تخلف کرده باشد باید با او برخورد شود. وی متذکر شد: کسی که نماینده واقعی مجموعه ای است، اگر حرکتی کند هیچ قدرتی با آن نمی تواند برخورد کند ولی با وجود این، نماینده واقعی باید بداند که در چارچوب قوانین می تواند حرکت کند.



علی‌بیگی اذعان کرد: در این اجلاس بیانیه‌ای علیه ایران در مورد اساتلو امضا شد، ولی با وجود این، نمایندگان بعضی از کشورها مانند عراق و اردن و لبنان طرفدار ایران بودند و این مسئله را سیاسی دانستند، زیرا به اعتقاد آن‌ها در حال حاضر خیلی از کارگران فلسطینی امنیت جانی ندارند و یا اینکه در آمریکا بسیاری از کارگران در زندان هستند اما چرا در این مورد حرف‌هایی زده نمی‌شود.

وی تصریح کرد: امسال نیز مانند سال‌های گذشته نسبت به ایران اعتراضاتی وجود داشت، اما این اعتراضات نسبت به سال‌های گذشته کم‌رنگ‌تر بود و بسیاری نیز اعتقاد داشتند که این مباحث سیاسی بودند نه صنفی.

را موضوع توسعه اشتغال ILO یکی از موضوعات مطرح شده در اجلاس امسال ILO نماینده کارگران ایران در روستایی عنوان و بیان کرد: کارگرانی که در روستاها و بخش‌های کشاورزی کار می‌کنند حداقل‌ها را نمی‌گیرند و دیدگاه‌ها این‌گونه بود که دولت در بخش روستایی ILO بعد از مطرح‌شدن این موضوع به صورت کلی در اجلاس کمک، نظارت و مشاغل روستایی را تقویت کند.

وی در مورد مذاکرات نمایندگان کارگران ایران با کشورهای دیگر یادآور شد: در یکی از مذاکرات به‌عنوان مثال نماینده‌های بحرینی عنوان کردند که در کشور آن‌ها حداقل مزدی وجود ندارد و مزد بین کارگر و کارفرما توافقی است.

مطرح شده بود و امسال کشورها باید در مورد آن ILO علی‌بیگی در مورد موضوع کار کودک که سال گذشته در گزارش می‌دادند، عنوان کرد: قانون کار کشورمان فصل‌الختم این موضوع است و این موضوع در قانون کار کشورمان پیش‌بینی شده است.

بحث‌هایی مطرح بود و ILO گفت: در این مورد نیز در ILO وی در مورد دو مقاله بنیادین 87 و 98 سازمان اعتقاد وزیر کار کشورمان نیز این است که تشکل‌ها باید آزاد باشند و کارگران نیز معتقدند که تشکل‌ها باید از حقوق خود برخوردار باشند و این را می‌طلبند که کارگران خود فعالیت خود را بیشتر کنند و افرادی را در تشکل‌های خود برگزینند که قصدشان خدمتگذاری باشد.

نایب رییس کانون عالی شوراهای اسلامی کار در پایان با بیان اینکه هنوز به پویایی آزادی تشکل‌ها نرسیده‌ایم، خاطر نشان کرد: کارگران کشور خود باید برای خود تصمیم بگیرند.

#### 746- اطلاعیه محمود صالحی در رابطه با قطع کمک‌های مالی :

به گزارش سایت سلام دمکرات رد تاریخ 27 خرداد 1387

کارگران، فعالین کارگری، مردم شریف و آزادیخواه، تشکل‌ها و نهادهای کارگری؛

اکنون دو ماه و اندی از آزادی من می‌گذرد و قریب به یکسال به جرم دفاع از طبقه کارگر و کرامت انسانی، در زندان بودم. در همان ابتدای دستگیری من، به همت جمعی از فعالان کارگری در سراسر ایران، کمیته‌ای در دفاع از من تشکیل شد. که از همان آغاز، طی فراخوان عمومی و اعلام یک شماره حساب بانکی از سوی این کمیته، فراخوان به کمک مالی (جهت حمایت و پشتیبانی) از خانواده‌ام داده شد. این حرکت سنتی رادیکال در جنبش کارگری و آزمون برای سنجیدن دفاع و پشتیبانی طبقاتی کارگران و توده‌های مردم بود. آزمونی که طبقه کارگر با سرفرازی از آن بیرون آمد. آزمونی که یکسال در زندان من را به دفاع از طبقه کارگر امیدوارتر کرد. امروز من دوباره به روال سابق مشغول به کار شده‌ام و از بابت معیشت خانواده‌ام تلاش می‌کنم. بدینوسیله ضمن تشکر و قدردانی از تمام کسانی که در این مبارزه همدوش من و خانواده‌ام بوده‌اند، اعلام می‌دارم از این تاریخ شماره حساب اعلام شده مسدود می‌باشد و از شما عزیزان می‌خواهم که از ارسال کمک‌های مالی به شماره حساب مذکور، خودداری فرمائید.

با تشکر

محمود صالحی

1387/3/27

#### 747- گزارش خبری صدای کاوه ها از کارگران گونی بافی برازجان :

به گزارش سایت انجمن صدای کاوه در تاریخ 27 خرداد 87؛ کارگران کارخانه گونی بافی شفق تهران دربرازجان در بلاتکلیفی و سرگردانی به سر می‌برند يك کارگر شریف در این باره گفت ما بیست سال در این کارخانه کار کردیم و رسمی بودم اما من را از کارخانه اخراج کردند کارخانه ما را تعطیل کردند مشکلات ما قابل حله اما هرچه در این باره پیشنهاد می‌دهیم کسی توجه ایی ندارد و نمی‌پذیرد کارخانه ما را تعطیل کردند و چند نفر را که مورد قبول خودشان بود سرکار آوردند. این کارگر شریف گفت: ما منتظر رای اداره کار هستیم اگر مشکل ما حل نشود ما

خودمان تصمیم می‌گیریم و هزاربار قسم خوردیم و نمی‌گذاریم شرکت کار کند چون حق مسلم ماست 20 سال در این کارخانه کار کردیم 60 نفریم که اخراج شدیم همه این کارها از بالاتر آب می‌خورد. ما کارگر رسمی بودیم نه قراردادی، که این کار را با ما کردند همه مشکلاتی که داشتیم به چون خریدیم اما نمی‌توانن هر کاری دلشان بخواهد انجام بدهند.

#### **748 - کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اعضای هیات موسس اولین سندیکای کارگری خود را تأیید کردند :**

در حالی که 42 روز از این دور اعتصابات کارگری در هفت تپه می‌گذرد و در شرایطی که کارگران بارها برای تشکیل سندیکا کارگری به مراجع دولتی مراجعه، رایزنی و تلاش کردند ولی از سوی مدیران برای برگزاری کنگره جهت مشخص شدن اعضای هیات مدیره همواره با پاسخ‌های منفی روبرو می‌شدند و در این میان کارگران نیز همیشه در تجمعات دو سال اخیر خود یکی از خواسته‌های اصلی اعتصابات کارگری هفت تپه را تشکیل سندیکا بیان کرده که بارها از سوی نهادهای امنیتی به جهت عنوان این خواسته احضار و یا تهدید شدند و در آخرین مراجعه نمایندگان کارگری به اداره کل کار استان خوزستان مسئولین به آنها یاد آور شدند ((تاسیس سندیکای هفت تپه یک خواسته قانونی است ولی چون این موضوع در جلسات شورای تامین شوش مطرح شد هم اکنون یک مبحث امنیتی محسوب می‌گردد و اداره کار نمی‌تواند اعمال نظر کند))، صبح امروز کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اعضای هیات موسس اولین سندیکای کارگری خود را تأیید کردند.

کارگران در برگه‌هایی ضمن معرفی اعضای هیات موسس با امضا و اثر انگشت خود شایستگی آنان را تأیید کردند. آقایان فریدون نیکوفرد، جلیل احمدی، علی نجاتی، رحیم بسحاق، محمد حیدری مهر، قربان (رمضان) علیپور، نجات دهلی و علی شریفی افرادی هستند که از سوی کارگران این شرکت به عنوان هیات موسس سندیکا و کارگری بار دیگر معرفی شدند.

امروز همچنین بیش از 1500 کارگر به همراه خانواده هایشان ساعت 9 صبح از درب ورودی شرکت به سمت خیابانها و بازارچه هفت تپه شروع به راهپیمای کردند. این راهپیمایی ساعت 10.30 دقیقه با رسیدن کارگران و خانواده‌ها به روبروی پاسگاه انتظامی هفت تپه به پایان رسید. آنان با توقف و تجمع چند دقیقه‌ای در آنجا شعارهایی چون ((برادر نظامی حمایت حمایت))، ((کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه))، ((این بچه گرسنه وعده سرش نمی‌شه))، ((معیشت زندگی حق مسلم ماست)) سر می‌دادند

شایان ذکر است آبان ماه سال 86 نیز کارگران نامه‌ای به مدیر کل کارخوزستان نوشته و خواستار تشکیل این سندیکا شدند و سپس بیش از 2500 کارگر نامه درخواست اعضای هیات موسس را امضا کردند ولی بلافاصله چند روز پس از این درخواست افرادی که نامشان در درخواست به اداره کار به عنوان هیات موسس ذکر شده بود به همراه ابوالفضل عبدینی نصر (خبرنگار) توسط وزارت اطلاعات بازداشت شدند.

واحد کارگری فعالان حقوق بشر در ایران

#### **749 - اعتراضات گسترده خانواده‌های کارگران نیشکر هفت تپه :**

بنابه گزارشات رسیده از شوش، خانواده‌های کارگران نیشکر هفت تپه صبح امروز در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه بیش از 3 ماه و سایر خواسته‌ها، جاده کارخانه به شهر شوش را مسدود کردن و از عبور و مرور خودروها ممانعت کردن.

کارگران نیشکر هفت تپه چندین هفته است که در اعتصاب، اعتراض و تحصن بسر می‌برند. و در طی اعتراضات خود در شهر شوش تا به حال چندین بار مورد یورش نیروهای امنیتی و انتظامی قرار گرفته و به شدت مورد ضرب و شتم و در موارد متعددی اقدام به دستگیری آنها کرده‌اند.

کارگران امروز صبح گام اول را برای تشکیل سندیکای کارگری خود برداشتند. کارگران صبح امروز با برگزاری انتخابات آزاد در محوطه صنعتی شرکت شروع به رای‌گیری نمودند، که رای‌گیری به صورت کتبی و با اثر انگشت کارگران برگزار شد و انتظار می‌رود که در روزهای آینده رسماً اعلام تاسیس سندیکای کارگری کارگران نیشکر هفت تپه را اعلام نمایند. در رای‌گیری امروز بیش از 3000 کارگر شرکت داشتند.

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران ، به تعویق افتادن بیش از 3 ماه حقوق کارگران و سایر خواسته های آنها را محکوم می کند. وتشکیل سندیکای کارگری آنها را تبریک می گوید. و از سازمان جهانی کار خواستار به رسمیت شناختن سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه می باشد.

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران

27 خرداد 1387 برابر با 16 ژون 2008

### 750 - پیام همبستگی به کارگران نیشکر هفت تپه سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس رانی تهران و حومه

سندیکای مستقل کارگری حق مسلم کارگران است  
کارگران با ایجاد تشکل های مستقل کارگری می توانند به کلیه حقوق صنفی خود دست یابند  
کارگران زحمتکش طرح نیشکر هفت تپه بعد از تحمل سختی های بی شمار از جمله عدم دریافت حقوق، دستگیری، بازداشت، اخراج از کار و بیش از ۴۴ روز اعتصاب، امروز به واسطه آگاهی و اتحاد و همبستگی توانسته اند با حضور بیش از ۲۰۰۰ نفر از کارگران با امضا و اثر انگشت، اولین هیئت موسس سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را تشکیل و اعضای خودشان را معرفی کنند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همواره خود را در کنار شما می داند و اتحاد و همبستگی کارگران را که با شعار سندیکا و زندگی شایسته حق مسلم ماست پا به میدان گذاشته و با گذر از فراز و نشیب های فراوان توانسته اند با انتخاب اعضای هیئت موسس سندیکای کارگری خودشان پیروز از این میدان بیرون بیایند به کارگران نیشکر هفت تپه، منتخبین مورد اعتماد این کارگران و تمامی کارگران حق طلب ایران و جهان شادباش می گوید.  
با امید به روزی که همه کارگران در واحدهای کارگری دارای تشکل مستقل کارگری برای دفاع از حقوق صنفی خود باشند.  
سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه 1387/3/28

### 751- منصور اسالو به بهداری زندان اوین منتقل شد :

منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که در تاریخ 1387/3/6 جهت جراحی چشم از زندان اوین به بیمارستان لبافی نژاد منتقل شده بود در تاریخ 1387/3/28 ساعت 14/15 دقیقه از بخش مراقبت های ویژه بیمارستان لبافی نژاد به بهداری زندان اوین منتقل شد .

ضروری می دانیم يك بار دیگر توضیحاتی را در رابطه با زندانی بودن آقای منصور اسالو و حمایت های داخلی و جهانی در رابطه با گزارشات دولتی منتشره در سایت های خبری ایسنا و دسترنج ، ارائه نماییم ؛

طبق سنت هر ساله ، در گزارشات نادرست نمایندگان اعزامی ایران به اجلاس سالانه سازمان جهانی کار که در سایت های خبری ایسنا و دسترنج منتشر شده است ، نمایندگان کشور های اردن ، عراق و لبنان از امضای نامه اعتراضی در رابطه با آزادی منصور اسالو که در این اجلاس تنظیم و به امضای اکثریت نمایندگان حاضر رسیده است ، حمایت نکرده اند ، این در حالی است که به گفته نمایندگان این کشورها در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار ، این نمایندگان در رابطه با آزادی آقای منصور اسالو به همراه نمایندگان کشورهای فلسطین ، بحرین و تونس حتی با دگمه های نصب شده روی سینه اشان که تصویر آقای منصور اسالو روی آن بوده است در این اجلاس شرکت داشته و حمایت خود را از ایشان اعلام کرده اند .

در گزارش 59 صفحه ای که امسال در سازمان جهانی کار تنظیم شده است بار دیگر دولت جمهوری اسلامی ایران را برای رسیدگی به شکایات چند سال گذشته و همچنین به رسمیت شناختن حق تشکل و بازگشت به کار کارگران اخراجی و لغو کلیه اتهامات کارگران ایران ، موظف کرده اند .

ما امیدواریم مسئولین کشورمان به خاطر عضویت در سازمان جهانی کار به مصوبات تایید شده سازمان جهانی کار احترام گذاشته و هر چه زودتر شاهد آزادی منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکا و بازگشت به کار اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکایی و تمامی کارگرانی که به خاطر دفاع از حقوق صنفی کارگران با مشکل مواجه شده اند باشیم .

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

1387/3/28

## 752 - تجمع مجدد کارگران شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران در مقابل استانداری فارس :

به گزارش سایت انجمن همبستگی با کارگران ؛ در تاریخ 28 خرداد 87 ؛ تعداد 1200 تن از کارگران شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران ، امروز سه سه شنبه 28 خردا 87 برای دومین روز موالی در مقابل استانداری فارس دست به تجمع زده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند.

کارگران شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران که 4 ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند ، خواستار پرداخت مطالبات و همچنین برکناری برخی از مدیران این شرکت هستند.

## 753- ادامه بازداشت بیش از 230 تن از دستگیرشدگان مشهد :

علیرغم گذشت پنج روز از بازداشت بیش از 230 تن از شهروندان مشهدی در تحسن آرام روز جمعه 24 خرداد ماه در اعتراض به گرانی‌ها در بلوار وکیل‌آباد شهر مشهد، هیچ‌یک از بازداشت‌شدگان آزاد نشده‌اند و هنوز هیچ خبری از آنان در دست نیست .

به گزارش فعالان حقوق بشری شهر مشهد، تنها پنج دانشجوی بازداشت‌شده در تجمع فوق در پی برگزاری تحسن شبانه دانشجویان دختر و پسر در دانشگاه فردوسی شهر مشهد، آزاد شده‌اند و هیچ خبری از محل بازداشت و وضعیت جسمی دیگر بازداشت‌شدگان در دست نیست .

یک فعال حقوق بشری شهر مشهد که نخواست نامش فاش شود در این زمینه گفت: « با توجه به این امر که تجمع روز جمعه به صورت کاملاً مردمی برگزار شده و هیچ تشکل، گروه یا حزبی در این تجمع شرکت نکردند، هیچ پیگیری سازماندهی شده‌ای در مورد وضعیت بازداشت‌شدگان در شهر مشهد انجام نشده است .»

وی همچنین اضافه کرد: « یکی دیگر از دلایل آزاد نشدن شهروندان، عدم پوشش مناسب خبری اتفاقات فوق در شهر مشهد است که دست نیروهای امنیتی را برای هرگونه رفتار غیرقانونی و ادامه بازداشت شهروندان باز گذاشته است .»

گفتنی است بر اساس قانون اساسی جمهوری اسلامی شرکت و برگزاری تجمع فوق کاملاً قانونی و در مقابل برخوردهای صورت گرفته با تجمع‌کنندگان غیرقانونی بوده است.

همچنین با توجه به ضرب و شتم شدید تجمع‌کنندگان توسط نیروهای یگان ویژه، امنیتی و لباس شخصی حاضر در محل و گزارش شاهدان عینی از مضروب شدن دست‌کم یک نفر و عدم پاسخگویی مسوولان امنیتی، انتظامی و قضایی شهرستان مشهد به خانواده افراد بازداشت‌شده، نگرانی‌های زیادی نسبت به وضعیت جانی بازداشت‌شدگان در بین شهروندان مشهدی و خانواده بازداشت‌شدگان وجود دارد.

آخرین اخبار غیررسمی از بستری شدن تعدادی از بازداشت‌شدگان در بیمارستان‌های قائم و امام رضا شهر مشهد حکایت دارد . حال دو تن از مجروحان و خیم گزارش شده است.

## 754- آزادی دو عضو هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران :

به گزارش فعالان حقوق بشر در تاریخ 28 خرداد 87 ؛ جوانمیر مرادی و طه آزادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران و کارگران شرکت های عسلویه که در روز 11 اردیبهشت به اتهام برگزاری روز جهانی کارگر بازداشت شده بودند ظهر امروز با سپردن وثیقه از زندان آزاد شدند.

این دو فعال کارگری مدت زمانی که در بازداشتگاه اداره اطلاعات شهرستان بوشهر و عسلویه بودند بنا به گفته خانواده هایشان بر اثر شکنجه از ناحیه سینه به شدت آسیب دیده بودند . واحد کارگری فعالان حقوق بشر با ابراز خوشحالی از آزادی هر چند موقت جوانمیر مرادی و طه آزادی خواستار آزادی سایر فعالین کارگری از زندانها و پایان دادن به سرکوب ها و بازداشت‌های کارگران در ایران می باشد .

## 755 - چاه قدیمی، کارگر شوفاز کار را بلعید :

کارگر شوفاز کار 20 ساله‌ای، در خیابان شهید مطهری به چاه قدیمی سقوط کرد. به گزارش خبرگزاری فارس در تاریخ 27 خرداد 87؛ در این حادثه که روز گذشته رخ داد، ماموران ایستگاه 113 و امداد و نجات 172 سازمان آتش‌نشانی شهرداری تهران به محل حادثه اعزام و این کارگر را از ته چاه زنده خارج کردند. براساس این گزارش، دو کارگر جوان در طبقه زیرزمین و در قسمت موتورخانه ساختمانی در حال تعمیر شوفاز بودند که ناگهان کف زیرزمین دهان باز کرده و کارگر شوفازکار به ته چاه سقوط می‌کند.

بر اساس اعلام آتش‌نشانی علت حادثه فرسودگی و سست شدن تدریجی دهانه چاه و نیز جابجایی اجسام سنگین مربوط به شوفارخانه بر روی آن، اعلام شده است.

## (\*756- بازداشت 11 نفر در ارتباط با پرونده پالیزدار:

به گزارش خبرگزاری مهر در تاریخ 28 خرداد 87؛ دکتر علیرضا جمشیدی صبح امروز در نشست خبری در جمع خبرنگاران گفت: پالیزدار به اتهام توهین و اهانت علیه مسئولان و پخش شایعه و نشر اکاذیب و سوء استفاده توسط مدعی العموم تحت تعقیب قرار گرفته و در تحقیقات اولیه مشخص شد که وی با تعدادی دیگر از همدستان خود با نفوذ در برخی از ارگانها با پوشش تحقیق و تفحص از قوه قضائیه، اسناد طبقه بندی شده و ارزیابی نشده و گزارش های مردمی بی نام و نشان را از سیستم های دولتی خارج کرده و چند هزار اوراق این چنینی را در استانهای مختلف مخفی کرده است. وی تصریح کرد: پالیز دار از سوی یکی از نمایندگان خام مجلس به بازرسی کل کشور به عنوان دبیر هیئت تحقیق و تفحص و به عنوان دکتر معرفی شده است اما در سوابق تحصیلی وی مشخص شد که مدرک فوق لیسانس و دکترای وی کمتر از 5 روز قبل از سوی دانشگاه خارجی خریداری شده و با این مدرک توسط دو نماینده به مجلس معرفی شده و به صورت قرار دادی در خدمت هیئت تحقیق و تفحص بوده و پولی که دریافت می کرده با عنوان مدرک دکترا بوده است. سخنگوی قوه قضائیه خاطر نشان کرد: تاکنون حکم بازداشت 11 نفر در ارتباط با پرونده پالیزدار صادر شده که 6 نفر از آنان بازداشت شده اند و این تعداد از کسانی هستند که برخی از آنان مقام دولتی داشتند. جمشیدی گفت: پالیزدار رشد خود را در شکست شخصیت های نظام می دیده که امیدواریم قوه قضائیه با قوت به این گونه بحث ها خاتمه دهد.

وی همچنین در ارتباط با پرونده سلطان شکر گفت: وی 4 اتهام داشته که در اتهام اول به دلیل فروش مال غیر و کلاهبرداری به 22 سال حبس و 14 میلیارد تومان رد مال و 3 میلیون و 250 هزار دلار رد مال، معادل همین مقدار جزای نقدی محکوم شده و در اتهام دوم که معاونت در پرداخت رشوه است به تحمل 18 سال حبس و ضبط وجوه ناشی از ارتشاء و در جرم سوم که معاونت در جعل بوده به 6 ماه حبس و در استفاده از سند مجهول به 2 سال حبس و در مجموع به 26 سال حبس محکوم شده است. سخنگوی قوه قضائیه گفت: متهم این پرونده تا پایان خرداد ماه با قرار وثیقه آزاد شده و در پایان خرداد ماه به زندان باز می گردد. جمشیدی خاطر نشان کرد: با توجه به اینکه حکم متهم پرونده سلطان شکر قطعیت پیدا نکرده نمی توان اسم آن را عنوان کرد و این امر منوط به قطعیت حکم در دادگاه تجدید نظر خواهد بود.

## (\*757- درآمدهای نفتی ایران عامل اصلی تورم و رشد نقدینگی :

خبرگزاری موج در تاریخ 28 خرداد 87 گزارش داد؛ اقتصاد ایران از گذشته تا کنون در زمره اقتصادهای متکی به نفت بوده و این اتکا به درآمدهای نفتی تا جایی پیش رفته است که بسیاری از اقتصاد دانان ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد کشور را عامل اصلی تورم و رشد نقدینگی می دانند.

توسعه صادرات غیر نفتی در مقابل افزایش درآمدهای نفتی، به عنوان راهکار کاهش وابستگی و خروج از اقتصاد تک محصولی مطرح است و صادرات فرش به دلیل غنای این هنر صنعت در کشور می تواند یکی از بهترین راهکارها برای خروج از این روند باشد که متأسفانه تا کنون نتوانسته ایم از مزیت خود در تولید فرش استفاده و بهره وری کافی را داشته باشیم تا جایی که هر روز سهم ایران از بازار صادراتی فرش کمتر می شود.

تولید فرش با طرح و رنگ ایرانی از سوی برخی کشورها مانند چین، پاکستان، افغانستان و هند، ورود فرش قاچاق به کشور، عدم تولید فرش متناسب با نیاز بازارهای داخلی و خارجی از سوی تولید کنندگان، کاهش تعداد بافندگان، تبلیغات نامناسب، تولید دکوراسیون های جایگزین فرش از سوی مسولان به عنوان دلایل اصلی کاهش صادرات فرش ذکر می شود اما در این میان برخی کارشناسان به عدم ثبت طرح و نقشه فرش های ایرانی در سازمان جهانی فرش و کپی برداری از نقشه های ایرانی و تولید فرش از سوی کشورهای رقیب با طرح های ایرانی اشاره دارند.

از آنجایی که طرح و نقشه فرش های ایرانی در بازار جهانی متقاضی بسیاری دارد کشورهایی مانند چین و پاکستان و هند اقدام به تولید فرش با نقشه ایرانی می نمایند و این در حالیست که در ایران هنوز طرح ها و نقشه های خاص ایرانی مهجور مانده تا جایی که ما نقش و طرح فرش های هر شهر را نمی شناسیم که در این میان می توان به تاریخچه فرش تهران اشاره کرد.

سابقه قالیبافی در تهران به 200 سال پیش بازمی گردد و تجارت فرش در این شهر همزمان با قدرت گرفتن قاجار و انتخاب تهران به عنوان پایتخت رونق فراوان گرفت تا جایی که این شهر محل تجارت فرش ایران با اروپا شد و پس از مدتی با رونق تجارت فرش میان ایران و اروپا در آنجا دفاتر صادراتی فرش راه اندازی شد.

از آنجایی که مردم ساکن در تهران از قومیت‌های مختلف بودند بافندگان قالی در این شهر نوع بافت، قیچی زنی، گره، روش پوددهی را بر اساس نوع بافت در قومشان انجام می‌دادند.

قالیبافی را می‌توان در تهران، ورامین، طالقان جستجو کرد اما هر چند که رشد قالی بافی در تهران با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی پس از مدتی متوقف شد اما در این شهر در زمانیکه قالی بافی رونق داشت هنرمندان فرش‌هایشان را به طرح‌های شاه عباسی، درختی، دورنما، تصویری، ترمه، کتیبه ای و لچک ترنج منقش می‌کردند که اندازه فرش‌ها نیز ذرع، نیم و پرده ای بود اما اکنون این طرح‌ها بیشتر بر روی تابلو فرش‌ها نقش می‌بندد.

همچنین در ورامین در سطح بیجار فرش با نقش‌های گردان و در رجشمار 30 تا 50 و با تکنیک لول و نیم لول بافته می‌شود و بافت کناره نیز از دیگر هنر بافندگان ایت منطقه است.

در طالقان نیز سابقه قالی بافی به 150 سال پیش بازمی‌گردد و بافندگان این منطقه با رج‌شمار 25 تا 35 روی دارهای فارسی و به شیوه تخت بافت به تولید فرش می‌پردازند.

علی‌رغم وجود چنین هنر صنعتی در شهر بزرگی مانند تهران که از قدمت 200 ساله برخوردار است متأسفانه امروز شاهد این هستیم که هیچ‌کس هنر فرش و نقشه‌های خاص این شهر بزرگ را در هنر صنعت فرش نمی‌شناسد و پس از 200 سال سابقه فعالیت مسولان اقدام به مطالعه طرح‌های فرش در تهران نموده‌اند و ابراز امیدواری می‌کنند که بتوانند پس از ثبت این طرح‌ها به نام تهران دوباره هنر صنعت فرش تهران را احیا نموده و این صنعت را مجدداً فعال نمایند.

مهجور ماندن هنر صنعت فرش ایران نه تنها موجب شده تا تولیدات فرش در کشور کاهش بیابد بلکه زمینه رشد منفی صادرات فرش را فراهم آورده که این کاهش روند صادرات محصولات غیر نفتی منجر می‌شود تا اقتصاد کشور همچنان اقتصادی تک محصولی داشته باشد.

#### 758- تحریم اقتصادی اشتغال 2 هزار کارگر را تهدید می‌کند :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87؛ نعمت‌الله محمدی " رئیس انجمن صنفی کارگران تخلیه و بارگیری بندر امام با بیان این مطلب به دسترنج گفت: در سه ماهه اول سال 86، 244 کشتی وارد بندر امام خمینی شدند که این میزان با کاهش 50 درصدی در سه ماهه نخست سال جاری به کمتر از 150 کشتی رسیده است.

او گفت: کاهش ورود کشتی به این بندر طی ماه گذشته باعث بیکاری 2 هزار کارگر در ساعاتی از شبانه روز شده که این مهم کاهش حقوق دریافتی کارگران را به همراه داشته است.

بنابراین گزارش "قربان درویشی" نماینده کارگران بندر امام با ابراز نگرانی از بحران کاری در اسکله امام اظهار داشت: با همکاری و دلسوزی مسولان استانداری و دیگر مقامات تا حد قابل توجهی نگرانی کارگران تخلیه و بارگیری بندر امام از میان رفته است.

#### 759- نجات کارگر ساختمان از زیر آوار با کمک همسایگان:

اهالی خیابان کرمان شمالی صبح امروز کارگر جوانی را از زیر آوار نجات دادند.

به گزارش روابط عمومی آتش‌نشانی تهران در تاریخ 28 خرداد 87، صبح امروز در پی دریافت خبر ریزش آجرهای انباشته شده یک ساختمان در حال تخریب روی کارگر جوان، ماموران ایستگاه 315 آتش‌نشانی به محل حادثه واقع در خیابان کرمان شمالی اعزام شدند.

یدالله مودی فرمانده نیروهای اعزامی گفت: کارگران ساختمانی در حال تخریب، آجرهای باقیمانده از ساختمان قدیمی را به طور نامطمئن روی هم جمع کرده بودند که ناگهان آجرها ریزش کرد و روی کارگر 22 ساله ریخت و او را دچار مصدومیت شدید کرد.

وی افزود: خوشبختانه با احساس مسئولیت به موقع همسایگان، کارگر مصدوم از زیر آوار خارج شد و نیروهای آتش‌نشانی مصدوم را که به شدت از ناحیه دست دچار مصدومیت شده بود برای درمان به عوامل اورژانس تحویل دادند.

#### 760- بحران های کارگری نتیجه بی توجهی به تشکل ها :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87؛ علیرضا محجوب در گفت و گو با ایسکانیوز، اظهار داشت: تا موقعی که کارفرمایان با کارگران صحبت نمی‌کنند و از آنها نظر و مشورت نمی‌گیرند و تقریباً آنها نادیده می‌گیرند تشنجات کارگری در کشور ادامه خواهد یافت.

محجوب گفت: مسولین باید در امر بعضی از حوادث مثل حادثه پتروشیمی شازند پاسخگوی مردم باشند.

نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی افزود: نمی‌توان با بهانه خصوصی سازی قانون کار را نادیده گرفت حتی در بعضی از مناطق از جمله پتروشیمی شازند شنیده شده که البته امیدوارم این شنیده‌ها درست نباشد.

دبیر کل خانه کارگر همچنین گفت: در این مورد کارگران بیمه هم نشده بودند باید توجه داشته باشیم تا وقتی قانون را به هر



بهبانیه ای رعایت نکنیم نتایجی بهتر از این حادثه ها که مردم در انتظار تصمیم گیری در مورد آن و تعیین مقصر هستند نمی گیریم.

## 761- تصمیم شتابزده وزارت کار برای تاسیس نمایندگی های کارگری:

حمید حاج اسماعیلی گفت: «تصویب مقوله نامه بنیادین 87 و 98 سازمان بین المللی کار برای کارگران از اهمیت ویژه ای برخوردار است»

این فعال کارگری در گفت و گو با آفتاب به تاریخ 28 خرداد 87؛ در مورد دو مقوله نامه بنیادین 87 و 98 سازمان بین المللی کار (ILO) که تاکنون ایران به آن ملحق نشده است و مربوط به آزادی انجمن ها و حق سازماندهی و پیمان های دسته جمعی است، گفت: «این دو مقوله نامه جزء هشت مقوله نامه بنیادین کار است که تصویب آن بستر تاسیس و تشکیل سندیکاها و اتحادیه های کارگری مستقل را در ایران فراهم می کند.»

وی افزود: «متأسفانه تلاش های دولت خاتمی برای پیوستن به این دو مقوله نامه حاصلی در بر نداشته است.»

حاج اسماعیلی در پاسخ به سخنان جهرمی مبنی بر اینکه این دو مقوله نامه نیاز به بازنگری دارد، بیان داشت: «این مقوله نامه در سال 1948 تصویب شد و عدم الحاق آن ناشی از یک دیدگاه غالب امنیتی از طرف حاکمان سیاسی در کشور است که باید نگاهشان را تعدیل کنند.»

این فعال کارگری با اشاره به وجود نگاه تنگ نظرانه به تاسیس نهادهای صنفی و کارگری در ایران ادامه داد: «این نوع نگاه منجر به عدم رعایت حقوق کارگران در ایران و همچنین باعث ناکارآمدی ساز و کارهای اجتماعی می شود.»

وی تاسیس نهادهای صنفی کارگری در راستای نهادهای مدنی را شرط لازم برای داشتن کشوری دموکراتیک دانست و گفت: «باید اجازه دهیم طبقات و اقشار مختلف، نهادهای خاص خودشان را تشکیل دهند.»

حاج اسماعیلی افزود: «تشکیل نهادهای صنفی و مدنی باعث پذیرش مسئولیت از طرف مردم شده و این به نفع حاکمان است و باعث می شود دولت نظارت به سیاست های کلان را به طور دقیق انجام دهد.»

وی با نادرست خواندن نظر جهرمی مبنی بر اینکه ضعف و روابط کار در کشور ناشی از عوامل خارجی است، اظهار داشت: «این ضعف ناشی از برآیند قوانین و سلاخی مدیران در حوزه کار است و این نظریه باعث ضعف در روابط حوزه کار شده است.»

این فعال کارگری افزود: «وزارت کار به جای اینکه از نهادهای کارگری دفاع کند و بستر تاسیس و فعالیت نهادهای صنفی کارگری ایجاد نماید، نمایندگی های کارگری را از یک گروه به یک نفر سپرده که این کار باعث می شود روحیه جمع گرایی در کشور تضعیف شود.»

وی تاکید کرد: «نماینده گی کارگری ظرفیت لازم برای تحقق مطالبات کارگران را در یک صنف ندارد.»

حاج اسماعیلی علت اینکه وزارت کار به جای حمایت از انجمن های صنفی تصمیم به ایجاد نمایندگی های کارگری گرفته است گفت: «وزارت کار از در اختیار گرفتن شورای های اسلامی کار مایوس شده است. زیرا برخی از این شوراها به صورت سنتی در اختیار خانه کارگر است و همین عوامل باعث شد تا وزارت کار شتابزده دنبال تاسیس نمایندگی کارگری برود که به هیچ وجه مورد تایید کارگرا نیست.»

وی ادامه داد: «تشکیل نمایندگی های کارگری باعث فروپاشی روابط کار می شود. ما باید تلاش کنیم نهادهای کارگری مطابق استانداردهای کارگری که سندیکاها شکل مرسوم آن در دنیا هستند در کشور ما ایجاد شود.»

حاج اسماعیلی در مورد اظهارات وزارت کار در مورد افزایش فعالیت تشکلهای و نهادهای کارگری در مدت فعالیت دولت نهم گفت: «اصلاً این طور نیست. در کشور سه میلیون کارگاه های کوچک و بزرگ وجود دارد. کل نهادهای کارگری، انجمن های صنفی، نمایندگی کارگری و تشکلهای شوراها بنابر اعلام خود وزارت کار بیش از 4000 است در صورتی که طی سال های 72 تا 75 که دوران فعالیت پرشور شوراها بود ما حدود 4000 شورا اسلامی کار داشتیم ولی در حال حاضر این عدد به 1000 می رسد.»

وی در پایان با اشاره به اینکه آمار موجود به هیچ وجه مطلوب نیست، اظهار داشت: «این امر نشان از بی توجهی به نیروی انسانی در کشور است»

## 762 - "تحریم اقتصادی اشتغال 2 هزار کارگر را تهدید می کند:

نعمت الله محمدی " رئیس انجمن صنفی کارگران تخلیه و بارگیری بندر امام با بیان این مطلب به سایت خبری دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87؛ گفت: در سه ماهه اول سال 86، 244 کشتی وارد بندر امام خمینی شدند که این میزان با کاهش 50 درصدی در سه ماهه نخست سال جاری به کمتر از 150 کشتی رسیده است.

او گفت: کاهش ورود کشتی به این بندر طی ماه گذشته باعث بیکاری 2 هزار کارگر در ساعاتی از شبانه روز شده که این مهم کاهش حقوق دریافتی کارگران را به همراه داشته است.

بنابراین گزارش "قربان درویشی" نماینده کارگران بندر امام با ابراز نگرانی از بحران کاری در اسکله امام اظهار داشت: با

همکاری و دلسوزی مسوولان استانداری و دیگر مقامات تا حد قابل توجهی نگرانی کارگران تخلیه و بارگیری بندر امام از میان رفته است.

#### 763- ایجاد 250 فرصت شغلی در طبس:

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87؛ با افتتاح بخش ذغال شویی معدن ذغال سنگ طبس به دست رئیس جمهور، دستکم 250 فرصت شغلی پایدار در این شهرستان محروم ایجاد می شود. "غلامرضا محمدی" فعال کارگری در طبس در این باره به دسترنج گفت: این بخش جدیدالتاسیس معدن امروز بدست رئیس جمهور و هیات همراه افتتاح شده و 250 کارگر نیز کار خود را آغاز خواهند کرد. او گفت: با گسترش خط تولید ذغال شویی تعداد کارگران شاغل آن به بیش از 500 تن خواهد رسید.

#### 764- "اخراج کارگران معترض "آذرقاف" قزوین :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87؛ عید علی کریمی " فعال کارگری در قزوین با بیان این مطلب اخراج کارگران معترض آذر قاف قزوین به دسترنج گفت: 12 ساعت کار روزانه کارگران به 8 ساعت تقلیل یافته و حق غذا و ایاب و ذهاب کارگران حذف شده است. جمعی از کارگران شرکت آذرقاف قزوین روز گذشته به دلیل اعتراض به قطع بخشی از حقوق و مزایای شغلی و انتقاد از عملکرد مدیریت از کار برکنار شدند. او با اشاره به اینکه 2 ماه از حقوق کارگران آذرقاف هنوز پرداخت نشده، گفت: کارگران با تهیه طوماری اعتراض آمیز و ارسال آن به تشکیلات کارگری استان خواستار رفع بی قانونی در این واحد تولیدی خود شدند.

#### 765- کارگران هفت تپه برای خود سندیکا تشکیل دادند :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87؛ این کارگران که اکثریت جمعیت 3 تا 4 هزار نفری کارگران نیشکر هفت تپه هستند همزمان با ادامه اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه نمایندگان خود در سندیکای کارگری را انتخاب کردند. به گفته یکی از کارگران سابق نیشکر هفت تپه، اعضای هیئت مدیره این سندیکای کارگری را کارگرانی تشکیل می دهند که پیشتر به دلیل پیگیری مطالبات صنفی کارگران صلاحیت آنها برای عضویت در شورای اسلامی کار این کارخانه رد شده بود. به گفته این منبع آگاه، از سال گذشته تاکنون و پس از آنکه صلاحیت این کارگران برای حضور در شورای اسلامی کار کارخانه نیشکر هفت تپه مردود اعلام شد؛ در این کارخانه هیچ تشکل صنفی کارگری دیگری وجود نداشته است. سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در حالی موجودیت خود را اعلام کرده است که مطابق شنیده ها کارگران این کارخانه از 43 روز پیش تاکنون در اعتصاب بوده اند. منابع خبری از به رسمیت شناخته نشدن این سندیکا توسط اداره کار و امور اجتماعی و کارفرما خبر می دهند. خودداری کارفرما و مسوولان اداره کار از به رسمیت شناختن تشکل مورد تایید کارگران هفت تپه در حالی است که پیشتر با شدت گرفتن اعتصاب این کارگران مقامات اداری استان از تشکیل نهاد صنفی کارگری در این کارخانه استقبال کرده بودند.

#### 766- کارگران ایران خودرو آزادی جوانیر مرادی و طاها آزادی را به همه کارگران تبریک می گویند :

دوستان و همکاران گرامی

به گزارش سایت سلام دمکرات در تاریخ 28 خرداد 87؛ جوانمیر مرادی و طاها آزادی از اعضای هیئت مدیره اتحادیه آزاد کارگران ایران که در مراسم روز جهانی کارگر در شهر عسلویه دستگیر و به زندان منتقل شده بودند بعد از تحمل 47 روز زندان با قرار وثیقه 10 میلیون تومانی از زندان آزاد شدند

جرم این کارگران شرکت در مراسم روز جهانی کارگر و اقدام به ایجاد تشکل آزاد کارگری و حمایت از کارگران اعتصابی نیشکر هفت تپه بود

کارگران ایران خودرو برگزار می مراسم روز جهانی کارگر را حق مسلم کارگران می دانند و سرکوبی و دستگیری کارگران را به جرم شرکت در مراسم های روز کارگر و زندانی کردن کارگران را به جرم حق خواهی و شرکت در اعتراضات کارگری بشدت محکوم می کنند کارگران ایران خودرو آزادی جوانمیر مرادی و طاها آزادی را به خانواده ، اتحادیه آزاد کارگران ایران و کلیه کارگران حق طلب ایران و جهان تبریک می گوید .

و خواهان آزادی فوری همه زندانیان سیاسی و کارگران دربند بخصوص منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد و کارگران هفت تپه نیشکر می باشند

دوستان کارگر

آزادی بیان و آزادی اجتماعات و شرکت در اعتراضات و ایجاد تشکل های آزاد کارگری حق مسلم ما کارگران است

زنده باد همبستگی کارگری

جمعی از کارگران ایران خودرو

27/3/87

### 767- پیام همبستگی : سندیکای مستقل کارگری حق مسلم کارگران است :

کارگران با ایجاد تشکل های مستقل کارگری می توانند به کلیه حقوق صنفی خود دست یابند. کارگران زحمتکش طرح نیشکر هفت تپه بعد از تحمل سختی های بی شمار از جمله عدم دریافت حقوق ، دستگیری ، بازداشت ، اخراج از کار و بیش از 44 روز اعتصاب ، امروز به واسطه آگاهی و اتحاد و همبستگی توانسته اند با حضور بیش از 2000 نفر از کارگران با امضا و اثر انگشت ، اولین هیئت مؤسس سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه را تشکیل و اعضای خودشان را معرفی کنند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه همواره خود را در کنار شما می داند و اتحاد و همبستگی کارگران را که با شعار سندیکا و زندگی شایسته حق مسلم ماست پا به میدان گذاشته و با گذر از فراز و نشیب های فراوان توانسته اند با انتخاب اعضای هیئت مؤسس سندیکای کارگری خودشان پیروز از این میدان بیرون بیابند به کارگران نیشکر هفت تپه ، منتخبین مورد اعتماد این کارگران و تمامی کارگران حق طلب ایران و جهان شادباش می گوید .

با امید به روزی که همه کارگران در واحد های کارگری دارای تشکل مستقل کارگری برای دفاع از حقوق صنفی خود باشند

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه 1387/3/28

### 768 - منصور اسالو به بهداری زندان اوین منتقل شد :

منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه که در تاریخ 1387/3/6 جهت جراحی چشم از زندان اوین به بیمارستان لبافی نژاد منتقل شده بود در تاریخ 1387/3/28 ساعت 14/15 دقیقه از بخش مراقبت های ویژه بیمارستان لبافی نژاد به بهداری زندان اوین منتقل شد ضروری می دانیم يك بار دیگر توضیحاتی را در رابطه با زندانی بودن آقای منصور اسالو و حمایت های داخلی و جهانی در رابطه با گزارشات دولتی منتشره در سایت های خبری ایسنا و دسترنج ، ارائه نماییم ؛

طبق سنت هر ساله ، در گزارشات نادرست نمایندگان اعزامی ایران به اجلاس سالانه سازمان جهانی کار که در سایت های خبری ایسنا و دسترنج منتشر شده است ، نمایندگان کشور های اردن ، عراق و لبنان از امضای نامه اعتراضی در رابطه با آزادی منصور اسالو که در این اجلاس تنظیم و به امضای اکثریت نمایندگان حاضر رسیده است ، حمایت نکرده اند ، این در حالی است که به گفته نمایندگان این کشورها در اجلاس سالانه سازمان جهانی کار ، این نمایندگان در رابطه با آزادی آقای منصور اسالو به همراه نمایندگان کشورهای فلسطین ، بحرین و تونس حتی با دگمه های نصب شده روی سینه اشان که تصویر آقای منصور اسالو روی آن بوده است در این اجلاس شرکت داشته و حمایت خود را از ایشان اعلام کرده اند .

در گزارش 59 صفحه ای که امسال در سازمان جهانی کار تنظیم شده است بار دیگر دولت جمهوری اسلامی ایران را برای رسیدگی به شکایات چند سال گذشته و همچنین به رسمیت شناختن حق تشکل و بازگشت به کار کارگران اخراجی و لغو کلیه اتهامات کارگران ایران ، موظف کرده اند .

ما امیدواریم مسئولین کشورمان به خاطر عضویت در سازمان جهانی کار به مصوبات تایید شده سازمان جهانی کار احترام گذاشته و هر چه زودتر شاهد آزادی منصور اسالو رئیس هیئت مدیره سندیکا و بازگشت به کار اعضای هیئت مدیره و فعالین سندیکایی و تمامی کارگرانی که به خاطر دفاع از حقوق صنفی کارگران با مشکل مواجه شده اند باشیم .

### 769- "کارگران" کشت و صنعت" خاش 8 ماه بدون حقوق :

میر بلوچ زهی" رئیس شورای اسلامی کار شرکت کشت و صنعت خاش به دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87 گفت: البته 30 کارگر قراردادی این شرکت کشاورزی نیز یک سال است که حقوقی دریافت نکرده‌اند. او گفت: نبود بنیه مالی و مشکلات عدیده حقوقی شرکت دلیل تاخیر چندین ماهه در حقوق پرداختی کارگران از سوی مدیریت عنوان شده است. وی افزود: 100 کارگر رسمی مدت 8 ماه است که دستمزد دریافت نکرده‌اند. وی با اشاره به اینکه این واحد تولیدی زیر نظر بنگاه تعاون صنایع زندانهای کشور اداره می‌شود، گفت: عیدی و پاداش و بن کارگری کارگران نیز جزو بدهی‌های پرداخت نشده است.

### 770- "بیکاری 40 کارگر" شیر و پاستوریزه "سقز" :

سید محمد صالح حسینی" فعال کارگری در سقز در این باره به دسترنج گفت: این واحد تولید شیر و مواد لبنی چندی پیش به دستور اداره بهداشت به دلیل عدم رعایت نکات بهداشتی تعطیل شده بود که تاکنون راه اندازی نشده است. با ادامه تعطیلی کارخانه شیر و پاستوریزه خلیفه زاده سقز، 40 کارگر بیش از یک ماه است که در بیکاری و بلا تکلیفی بسر می‌برند. او افزود: با وجود تعطیلی شرکت حقوق کارگران کماکان پرداخت می‌شود.

### 771- استاندار دستور جلوگیری از ورود مدیرعامل را صادر کرد :

به گزارش دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87 ؛ یکی از این کارگران گفت: این دستور در حاشیه تجمع غافلگیر کننده روز گذشته کارگران صنایع مخابراتی راه دور ایران که به مذاکره استاندار فارس با نمایندگان تجمع کنندگان منجر شد؛ صادر شد. روز گذشته کارگران کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران در اعتراض به پرداخت نشدن مطالبات معوقه خود و نیز تصمیم مدیرعامل مبنی بر انحلال این کارخانه در مقابل استانداری فارس تجمع کردند. کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران که بیش از هزار کارگر دارد، یکی از مجریان اصلی پروژه کارت‌های هوشمند سوخت (بنزین و گازروئیل) است که در چند ماه گذشته مدیران آن علاوه بر پرداخت نکردن مطالبات کارگران، با کارکنان خود از احتمال تعطیلی این کارخانه صحبت کرده‌اند. به گفته این کارگر؛ استاندار فارس علاوه بر صدور این دستور به کارگران قول داده تا با پرداخت مطالبات معوقه آنها و نیز تامین اعتبار برای شرکت در مناقصه‌های مخابراتی، از آنها حمایت کند. وی افزود: با وجود آنکه مسوولان استانی از قبل در جریان مشکلات کارخانه صنایع مخابراتی راه دور ایران و کارگران آن بودند اما به نظر می‌رسد که استاندار تاکنون از عمق مشکلات این کارخانه بی‌خبر بوده است. وی افزود: با وجود عجیب بودن این موضوع، کارگران نسبت به وعده‌های روز گذشته استاندار خوش بین بوده و امیدوار هستند که با کمک استانداری بتوانند علاوه بر دریافت مطالبات معوقه خود، از تعطیلی این کارخانه جلوگیری کنند. در چند ماه اخیر که زمزمه‌های تعطیلی این کارخانه از سوی مدیران خصوصی آن مطرح شده است، کارگران بارها با اعلام اعتراض و مخالفت خود، بحران کنونی را نتیجه سوءمدیریت دانسته‌اند.

### 772- کارگران نیشکر هفت تپه همراه با خانواده های خود جاده ترانزیتی اهواز- اندیشک را بستند:

فعالین حقوق بشر و دمکراسی: بنابه گزارشات رسیده از شوش در تاریخ 28 خرداد 87 ؛ کارگران نیشکر هفت تپه که بیش از 2 ماه در اعتصاب، تحصن و اعتراضات بسر می‌برند. صبح امروز سه شنبه 28 خرداد ماه کارگران همراه با خانواده هایشان در اعتراض به پرداخت نشدن حقوق معوقه بیش از 3 ماه و سایر خواسته ها اقدام به بستن جاده ترانزیتی اهواز - اندیشک در نقطه سه راه خوانساری شوش نمودند. در حال حاضر مسیر رفت و برگشت بسته می‌باشد و رانندگان ماسینها که در ترافیک که کیلومترها طولانی است با بوق زدن حمایت خود را از کارگران اعلام می‌کردند. کارگران همچنین با سر دادن شعارهایی مانند، حقوق ماهیانه حق مسلم ماست، معیشت و زندگی حق مسلم ماست، مرک بر ساعدي، مرک بر شفیعی، کارگر هفت تپه ایم گرسنه ایم گرسنه به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. تعداد کارگران شرکت کننده در این اعتراضات چند هزار نفر تخمین زده می‌شود. نیروی های امنیتی و اطلاعاتی با آوردن ماشینهای آب پاش آتش نشانی کارگران و خانواده های آنها را در محاصره خود قرار داده‌اند.

پرداخت نشدن حقوق کارگران شرایط زندگی آنها را به قایت سخت کرده است و کارگران قادر به تهیه حداقل مواد غذایی خانواده خود نیستند و اکثر آنها در فقر مطلق بسر می‌برند.

کارگران اعلام کرده اند که اگر به خواسته های آنها رسیدگی نشود اعتراضات گسترده تری را در روزها ی آینده ترتیب

خواهند داد.

خواسته های کارگران اعتصاب کننده نیشکر هفت تپه به قرار زیر می باشد:

حق داشتن سندیکای مستقل کارگری

پرداخت حقوق معوقه 3 ماه اخیر

پایان دادن به پرونده سازیها و احضار فعالین کارگری به دادگاه انقلاب

برکناری مدیر عامل شرکت یعقوب شفیعی و همچنین اعضای هیئت مدیره این شرکت

برکناری رئیس حراست شرکت فردی بنام زیوداری که در سرکوب، جاسوسی و پرونده سازی علیه کارگران نقش مستقیم دارد

فعالین حقوق بشر و دموکراسی در ایران، از خواسته های کارگران حمایت می کند و از سندیکاهای کارگری و سازمان جهانی کار خواستار حمایت از کارگران نیشکر هفت تپه است.

### 773- تعداد 15 میلیون ایرانی گرسنه هستند :

به گزارش سایت سلام دمکرات در تاریخ 28 خرداد 87؛ در سر تا سر کشور 15 میلیون نفر از سو تغذیه و گرسنگی رنج می برند.

وزارت بهداشت با انتشار گزارشی در خصوص وضعیت تغذیه افراد جامعه ی ایران اعلام کرد که در حدود 15 میلیون نفر از شهروندان ایرانی دچار سو تغذیه و گرسنگی هستند این وزارتخانه با اعلام این خبر دلیل اصلی این مسئله را عدم دسترسی به مواد غذایی مناسب و فقز نسبی این افراد اعلام کرد.

در انتهای این گزارش هشدار داده شده است که اگر برای حل اینم معضل بزرگ اقدام عاجلی صورت نگیرد باید منتظر تبعات جبران ناپذیر آن بود.

### 774- تحریم های اقتصادی سرمایه جهانی و نقش آن در افزایش بیکاری کارگران :

به گزارش سایت دسترنج در تاریخ 28 خرداد 87 ؛ - نعمت الله محمدی رئیس انجمن صنفی کارگران تخلیه و بارگیری بندر خمینی اعلام کرد: تحریم اقتصادی امنیت شغلی 2000 کارگر تخلیه و بارگیری را در معرض تهدید قرار داده است. نامبرده گفت: در سه ماهه اول سال 86، 244 کشتی وارد بندر خمینی شدند که این میزان با کاهش 50% در سه ماهه نخست سال جاری به کمتر از 150 کشتی رسیده است. وی افزود: کاهش ورود کشتی به این بندر طی ماه گذشته باعث بیکاری 2000 کارگر در ساعاتی از شبانه روز شده که این مهم کاهش حقوق دریافتی کارگران را به همراه داشته است.

### 775- بیکاری صیادان با از بین رفتن تنها اکوسیستم مرجانی دریای عمان :

به گزارش روزنامه سرمایه در تاریخ 29 خرداد 87؛ مهرزاد غنی پور: توسعه اسکله اداره بندر در چابهار باعث از بین رفتن تنها اکوسیستم مرجانی دریای عمان و بیکاری صیادان این منطقه می شود.

محمدرضا فاطمی کارشناس بیولوژی دریا در حالی به این نکته اشاره می کند که بنا بر طرح ملی توسعه اسکله های اداره بنادر و کشتیرانی در چابهار، این اداره اقدام به احداث يك موج شکن فرعی در حدفاصل اسکله صیادی هفت تیر و اسکله شهید بهشتی کرده که در نتیجه آن تنها اکوسیستم مرجانی دریای عمان که در خلیج چابهار واقع شده خشک سازی و نابود می شود.

این منطقه مرجانی که در ضلع جنوب شرقی چابهار واقع شده شامل شش هکتار کلونی مرجان های دریایی است که با ادامه روند فعلی این محدوده مرجانی کاملاً خشک می شود.

اسماعیل کهرم کارشناس محیط زیست و استاد دانشگاه درباره از بین رفتن این منطقه مرجانی می گوید: در حال حاضر 30 درصد جزایر مرجانی قشم و 90 درصد جزایر مرجانی خارک از بین رفته و حالا نوبت به تنها اکوسیستم مرجانی دریای عمان رسیده است.

او در ادامه می گوید: مرجان ها باعث تصفیه آب شده و از طرف دیگر جلوی تلاطم و جزر و مد و آلودگی را می گیرند و مهم تر از همه پایه های حیات هستند به این معنی که به دور آنها ماهی ها، نرم تنان، جلبک ها و خزها و زنجیره و هرم غذایی شکل می گیرند و با از بین رفتن آنها خاصیت حیاتی کف آب از بین می رود.

فاطمی هم با اشاره به این نکته می گوید: در آینده نزدیک در اثر این طرح ها با بیکاری صیادان مواجه خواهیم بود چرا که وقتی مرجان ها از بین بروند مناطق زندگی ماهی ها از بین رفته و صیادان بیکار خواهند شد.

از طرفی خلیج چابهار از مهم ترین خلیج هایی است که محل تخم ریزی و رشد ماهیان است.

کارشناسان محیط زیست در عین حال معتقدند طرح ایجاد اسکله باید به منطقه دیگری انتقال پیدا کند تا این منطقه مرجانی از

بین نرود.

فاطمی همچنین درباره مرگ و میر مرجان ها به خاطر رسوب ذرات گرد و خاک در آب می گوید: وقتی ذرات گردو خاک و دیگر ذرات در آب رسوب می کنند این ذرات به خاطر بزرگ بودن قطر آنها از قطر دهانه های مرجان ها باعث بسته شدن این دهانه می شود و این در حالی است که این دهانه تنها راه تغذیه مرجان هاست که با آن از مواد آلی زنده در آب یعنی پلانکتون ها تغذیه می کنند.

با اینکه پرویز آرمانش رئیس اداره کل حفاظت محیط زیست استان سیستان و بلوچستان از نصب دستگاه کدورت سنج توسط اداره بندر در این منطقه خبر داده اما به گفته کارشناسان عکس ها و مدارک مستندی از مرگ و میر مرجان ها به خاطر وجود ذرات گردو خاک ناشی از ساخت و ساز وجود دارد.

از طرف دیگر آرمانش از طرح انتقال مرجان ها به منطقه دیگر برای حفاظت آنها خبر داده و می گوید: ما تجربه ای در انتقال زنده مرجان ها نداریم و باید از متخصصان کشورهای دیگر کمک بگیریم و قرار است طرح انتقال مرجان را اداره بندر در مذاکره با موسسات خارجی انجام دهد.

اما فاطمی معتقد است جابه جایی اقدام اشتباهی بوده و قبل از آن باید این کار به صورت آزمایشی روی تعدادی مرجان انجام شود: به نظر می رسد اقدام به جابه جایی مرجان ها اقدام درستی نباشد زیرا مرجان در جایی رشد می کند که شرایط مساعد باشد بنابراین انتقال مرجان ها به بخش شمالی خلیج که تا به حال در آنجا مرجانی نرویده اشتباه است چون اگر شرایط آن قسمت مناسب بود در آنجا هم مرجان به وجود می آمد.

کهرم نیز معتقد است جابه جا کردن مرجان ها کار شاقی نیست که نیاز به کارشناسان خارجی داشته باشد، این کار توسط محققان دریایی، غواصان و مرجان شناسان ایرانی طی یک هفته تا 10 روز انجام می شود.

## (\*776- عبدالله شهبازی دستگیر شد :

عبدالله شهبازی روز چهارشنبه ۲۹ خرداد ۱۳۸۷ - ۱۸ ژوئن ۲۰۰۸ بازداشت و روانه زندان شیراز شد. به گزارش خبرنگار سیاسی خبرگزاری فارس، عبدالله شهبازی که اخیرا در رساله ای برخی اتهامات را به اشخاص حقیقی و حقوقی مختلف منتسب کرده بود، امروز با حکم دادستان شیراز، بازداشت و روانه زندان شد.

وی هفته گذشته برای پاسخگویی به این اتهامات به داسرا احضار شده بود که حضور نیافت که امروز با قرار وثیقه ۱۰۰ میلیون تومانی روانه زندان شد.

پرونده عبدالله شهبازی در شعبه ۴ داسرای شیراز در حال بررسی است.

گفته می شود عبدالله شهبازی که از اعضای حزب توده ی ایران بوده است، پس از دستگیری رهبران و کادرهای حزب توده توسط نیروهای امنیتی در سالهای ۶۲-۶۱، به خاطر همکاری های گسترده با دستگاههای امنیتی و وزارت اطلاعات

جمهوری اسلامی و دستخط پدرش خطاب به خمینی در سال ۴۲ مورد عفو قرار گرفت و آزاد شد، شهبازی از دهه ۱۳۶۰ در عرصه تحقیقات تاریخی و سیاسی فعال شد. در سال ۱۳۶۷ در تأسیس موسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی وابسته به وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی ایفای نقش نمود و به مدت یک دهه اداره امور این موسسه را به دست داشت.

در سال ۱۳۷۴ در تجدید سازمان مرکز اسناد بنیاد مستضعفان و جانبازان به عنوان موسسه تخصصی مطالعات تاریخ

معاصر ایران موثر بود. او مسئولیت معاونت پژوهشی این موسسه را به دست گرفت و فصلنامه تخصصی تاریخ معاصر

ایران و ده ها طرح پژوهشی، از جمله «فهرست نمایه مطبوعات ایران در دوره قاجاریه»، «دانشنامه ایلات و طوایف ایران» و «روزشمار تاریخ ایران در دوره قاجاریه»، را طراحی و راه اندازی کرد. وی در انتخابات نهم ریاست جمهوری از حامیان محمود احمدی نژاد بوده است.

## جنجال زمین خواری در فارس

روز ۲۲ آذر سال ۱۳۸۶ خورشیدی شهبازی با ایراد سخنانی در دانشگاه شیراز برخی از مسوولان شهر شیراز را

زمین خوار نامید. روز ۱ دی همین سال شعبه نهم داسرای شیراز، شهبازی را به دادگاه فراخواند و شعبه ۵ اداره آگاهی نیروی انتظامی شیراز (ویژه رسیدگی به پرونده های قتل) به عنوان مرجع رسیدگی به پرونده تعیین شد. در پاسخ به سخنان شهبازی در دانشگاه شیراز، سازمان منابع طبیعی نیز وی را زمین خوار نامید.

شهبازی برای پاسخ به این اتهامات در ۸ فروردین ۱۳۸۷ کتابی اینترنتی ۱۴۶۱ صفحه ای با عنوان «زمین و انباشت

ثروت: تکوین الیگارشی جدید در ایران امروز» بر روی وبگاه شخصی خود قرار داد. متقابلا اداره منابع طبیعی شیراز نیز ضمن پاسخ به سخنان وی پیرامون زمین خواری در فارس، اتهاماتی را متوجه وی ساخته است.

## «افشاگری» علیه حسینیان

عبدالله شهبازی چندی پیش در یادداشتی ضمن طرح انتقاداتی از حسینیان نسبت به موضع او درباره سعید امامی و نیز

عملکردش در مرکز اسناد انقلاب اسلامی، با اشاره به روستای «صغاد» آباده - زادگاه حسینیان - که به ادعای خودش

بهایب نشین است، مدعی شده بود: «این توجه به موطن و زادگاه آقای حسینیان ضرور بود، زیرا ایشان با توجه به سوابق



گذشته‌اش، از سوی برخی کانون‌ها نامزد ریاست کمیسیون امنیت ملی در مجلس هشتم است و این سیر اعتلایی احتمالاً تا تصدی دبیری شورای عالی امنیت ملی و وزارت اطلاعات و شاید، در سال‌های بعد، نامزدی مقام ریاست‌جمهوری، مانند آقای حسن روحانی، تداوم خواهد یافت.»

روح‌الله حسینیان رئیس مرکز اسناد اسلامی در پاسخ به این اظهارات گفته بود: آقای شهبازی یکی از اعضای حزب توده بود که دستگیر شد، در زندان توبه و بعد از آن ادعای مسلمانی کرد و در کارهای نویسندگی و تاریخ شروع به همکاری کرد.

### 777 - تجمع مجدد کارگران شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران در مقابل استانداری فارس :

1200 کارگر شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران، امروز سه شنبه 28 خرداد ماه برای دومین روز متوالی در مقابل استانداری فارس دست به تجمع زده و خواستار پرداخت مطالبات معوقه خود شدند. کارگران شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران، که 4 ماه حقوق معوقه خود را دریافت نکرده اند، خواستار پرداخت مطالبات و همچنین برکناری برخی از مدیران این شرکت هستند.

### 778 - گزارش دیگری از وضعیت مدیریت غارتگر کارخانه رو به انحلال صندوق نسوز کاوه از زبان یک کارگر شریف این کارخانه

پوربخش خائن آخرت خود را به کاوه میفروشد...

نان علی را میخورد، شمشیر برای عمر میزند

به خاطر حفظ امنیت کارگران از بردن نام معذوریم

تنظیم سارا سپهری

این پور بخش واقعا دارد به بچه ها خیانت میکند او دارد همه چیز را خراب میکنند او با مدیریت است ، پوربخش، عباس پور، وحیدی، تلخوابی همه یکی هستند پور بخش به قول معروف نان علی را میخورد شمشیر برای عمر میزند!! آدم بغایت دورویی است . الان دارد کارهای کارگزینی اصفهانش را ردیف میکند هفته ای یکبار میرود اصفهان و می آید که راحت تر بتواند ما کارگران را چپاول کند. هر اتفاقی هم که بیافتد و به او بگوینم میگوید من خبر ندارم ، پوربخش آدم کلاش و دور و دو جانبه ای است. تازه ادعایش هم میشود که به کارگران رسیدگی میکند و جانماز هم آب میکشد. از یک طرف می آید میگوید من از کارگران حمایت میکنم از طرف دیگر پدر همه را در آورده است و همه خیانتها را میکند و میگوید من خبر ندارم!!! جالب اینجاست که همه اتفاقات در اتاق او انجام میشود، جلسات غارت و چپاول در اتاق او صورت میگیرد و برگزار میشود بعد میگوید من خبر ندارم. ما شعارمان این است که عباس پور خیانت میکند، پوربخش حمایت میکند. پوربخش نماینده اش است باید هم همین اعمال کثیف را انجام دهد همه جلسات مدیریتی را همین پوربخش و دارو دسته اش اداره میکنند. بسته شدن این کارخانه قطعی است دیر و زود دارد اما سوخت و سوز ندارد. دنبال یک دکه میگردند که ما را بیاندازند در آن دکه کار کنیم و صدایمان هم به جایی نرسد. عباس پور که به گفته خودش مدرک مهندسی عمران دارد آیا واقعا دارد برای این کارخانه فنی مهندسی میکند؟ یا فکر میکند که ما عمله و بنا هستیم؟ ما کارگران فنی و تخصصی هستیم اما عباس پور خائن و ظالم به دید عمله به ما نگاه میکند و مانند برده با ما تنظیم میکند. یک بنا وقتی به او بگویند خاک بیار یا آجر بیانداز برایش فرقی ندارد ولی یک کارگر فنی و متخصص و تراشکار را نمیتوانند ببرند بگویند حالا جوشکاری کن. اما این عباس پور و دارو دسته اش با ما دارند این کار را میکنند. این بی حرمتی به جامعه کارگری است. همین پوربخش با این هم دزدی و غارت و ظلم که در حق ما میکند که مشکل خانوادگی هم دارد و بچه مریض هم دارد واقعا توقع دارد که خدا دعاهايش را براي بهبود وضعیت خانوادگی و سلامتی بچه اش مستجاب کند؟ ما از پوربخش راضی نیستیم . ما از این فرد نمیگذریم چون حق و حقوق ما را میخورد . دوست دارم این پوربخش خائن بداند که ما کارگران از او متنفر هستیم ما ضد او شعار میدهیم ولی نه در کارخانه ، بلکه در اینترنت آبرویش را میبریم که همه بخوانند. پوربخشی که به اصطلاح خودش خیال میکند سید هم هست!!!! انجمن دفاع از کارگران و بیکاران 87.3.29

### 779- امتناع جهرمی از اعلام آمار بیکاری خوزستان و سیستان:

وزیر کار و امور اجتماعی گفت: در اوضاع خشکسالی امسال اگر بتوانیم نرخ بیکاری را ثابت نگه داریم کار بزرگی انجام داده‌ایم.

به گزارش ایسنا، محمد جهرمی در جمع خبرنگاران در بابلسر پیرامون سیاست‌های بانک مرکزی و تاثیرات آن در بخش

اشتغال گفت: مجموعه سیاست‌های پولی کشور بر اساس سیاست‌های اقتصادی کشور تنظیم می‌شود و با بررسی که کمیسیون اقتصادی دولت جهت نظارت بیشتر بر منابع بانکی انجام داده این سیاست در راستای توسعه اشتغالزایی ابلاغ شده است.

وی افزود: اگر بخواهیم شاهد رونق اقتصادی باشیم باید بخش عمده منابع مالی را در جهت تولید و رفع مشکلات واحدهای تولیدی صرف کنیم تا تورم نیز به تبع آن کاهش یابد.

وزیر کار و امور اجتماعی با اشاره به اینکه بنگاه‌های زودبازده اقتصادی همچنان به کار خود ادامه می‌دهند گفت:

مشکلاتی که در این زمینه مشاهده می‌شود به حوزه مدیریتی این طرح‌ها بر می‌گردد.

جمهوری ادامه داد: بانک مرکزی حدود 9 هزار طرح را به صورت میدانی بررسی کرده و نشان داده نه تنها طرح‌های بسیار کمی از مسیر خود خارج شده‌اند بلکه هدف‌ها و حرکت‌های مثبتی نیز به نتیجه رسیده است.

وی در پاسخ به این پرسش که خشکسالی و کم آبی در کشور چه مقدار نرخ بیکاری را افزایش داده است گفت: در اوضاع خشکسالی امسال اگر بتوانیم نرخ بیکاری را ثابت نگه داریم کار بزرگی انجام داده‌ایم.

جمهوری به نرخ 10/6 درصدی بیکاری در سال گذشته اشاره کرد و گفت: این میزان در سه ماه اول سال 87 بررسی شده ولی فعلاً اعلام نمی‌کنم.

وی با بیان اینکه سطح اشتغال زایی در بخش صنعت و خدمات رونق خوبی در سال‌های اخیر داشته است افزود: فقط در بخش کشاورزی با مشکل بیکاری مواجه‌ایم.

وزیر کار در زمینه کاهش نرخ سود بانکی و تاثیر آن بر بازار کار و اشتغال تصریح کرد: کاهش نرخ سود بانکی در پایداری بنگاه‌های اقتصادی نقش بسزایی داشته و نرخ بیکاری را نیز کاهش می‌دهد.

جمهوری یکی از هدف‌های وزارت کار و امور اجتماعی را صرف منابع مالی به سمت تولیدات مدیریت شده عنوان کرد و

گفت: باید با در نظر گرفتن برنامه چهارم توسعه و چشم انداز بیست ساله نظام مانع از اختصاص منابع به سوداگران شویم.

وی آخرین آمار بیکاری در کشور را دو میلیون و 600 هزار نفر بر شمرد و با بیان اینکه سالانه یک میلیون و 200 هزار نفر وارد بازار کار می‌شوند افزود: هر ساله تا سال 1392، 50 هزار نفر به آمار واردشدگان بازار کار اضافه خواهند شد.

وی با اذعان به اینکه قانون جامع کار در کشور به اصلاح نیاز دارد خاطر نشان کرد: پیشنهادهای را در اختیار دولت و

مجلس قرار داده‌ایم که امیدواریم با پیگیری این دو قوه به نتیجه برسند.

وی ایجاد یک میلیون و 200 هزار شغل را از برنامه‌های سال جاری وزارت کار عنوان کرد و گفت: متأسفانه بحران

خشکسالی و ابلاغ نشدن بسته سیاستی بانک مرکزی به بانک‌های کشور ما را در تردید اجرای این طرح قرار داده است.

جمهوری از کاهش 18 درصدی اعتراضات و تجمعات کارگری سال 86 نسبت سال 85 خبر داد و گفت: این کاهش به واسطه همت خود کارگران ایجاد شده است!

وی همچنین با اشاره به اینکه استان آذربایجان شرقی با پنج درصد کمترین میزان بیکاری در کشور را داراست از اعلام میزان بیکاری در استان‌های خوزستان و سیستان و بلوچستان که بیشترین آمار بیکاری در کشور را دارند امتناع کرد.

## 780- کارگران "کشت و صنعت" خاش 8 ماه بدون حقوق :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 29 خرداد 87؛ تاخیر در حقوق پرداختی 100 کارگر رسمی شرکت کشت و

صنعت گوهر کوه خاش به 8 ماه رسیده است. "میر بلوچ زهی" رئیس شورای اسلامی کار شرکت کشت و صنعت خاش

به دسترنج گفت: البته 30 کارگر قراردادی این شرکت کشاورزی نیز یک سال است که حقوقی دریافت نکرده‌اند.

او گفت: نبود بنیبه مالی و مشکلات عدیده حقوقی شرکت دلیل تاخیر چندین ماهه در حقوق پرداختی کارگران از سوی

مدیریت عنوان شده است.

وی با اشاره به اینکه این واحد تولیدی زیر نظر بنگاه تعاون صنایع زندان‌های کشور اداره می‌شود، گفت: عیدی و پاداش و بن کارگری کارگران نیز جزو بدهی‌های پرداخت نشده است.

## 781- اشتغال رایگان به نام بیمه بیکاری!؟

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 29 خرداد 87؛ جمعی از کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری استان قزوین صبح

امروز در اعتراض به اقدام اداره کل کار در آنچه اشتغال به کار رایگان کارگران در واحدهای تولیدی و صنعتی استان

خوانده می‌شد، در خانه کارگر قزوین تجمع کردند.

یک فعال کارگری قزوین در این باره اظهار داشت: کارگران می‌گویند مقامات این اداره از کارگران می‌خواهند در زمان 48

ماهه تحت تکلف بیمه بیکاری، مجانی در واحدهایی که می‌شود، کار کنند و حقوقی دریافت نکنند.

"کریمی" گفت: بیش از 6 هزار کارگر تحت پوشش بیمه بیکاری در استان قزوین هستند که در صورت بروز چنین

اقداماتی از سوی نهاد ذیربط داد اعتراض و حق خواهی سر خواهند داد.

## 782 - "حمایت از خانواده‌های قربانیان آتش سوزی شازند :

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 29 خرداد 87؛ پوروفاهی" رئیس شورای اسلامی کار استان اراک در این باره به دسترنج گفت: تشکیلات کارگری اراک سعی کرده با توجه به حساس بودن این حادثه و تخصصی بودن مبحث کارگری هفته آینده با برگزاری جلسه‌ای ویژه و دعوت از خانواده کارگران این موضوع را از نزدیک و با اشراف بیشتری دنبال کند.

او گفت: طی این نشست مشترک، احتمال بیمه نبودن برخی کارگران و رفع معضل معیشتی و دیگر مسائل مهم خانواده‌ها بررسی می‌شود تا در کنار فعالیت کمیته کارشناسی استانداری هر چه سریعتر نقایص رفع گردد. "پور وفاهی" گفت: تاکنون نهادی علت این حادثه دلخراش را بطور رسمی اعلام نداشته است.

## 783- بیکاری خیاطها در پی افزایش قیمت پارچه:

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 29 خرداد 87؛ رضا کنگرانی فرآهانی از اعضای سندیکای کارگران خیاط گفت: امسال برخلاف سالهای گذشته اکثر تولیدی‌های پوشاک هنوز شروع به کار نکرده‌اند. وی یادآور شد: هر سال از اواخر اردیبهشت ماه فعالیت تولیدی‌های پوشاک برای دوخت البسه زمستانی شروع می‌شود؛ اما امسال به دلیل افزایش بی‌سابقه بهای مواد خام، اکثر تولیدی‌ها هنوز فعالیت خود را شروع نکرده‌اند. با افزایش بی‌سابقه بهای پارچه و نخ، بیش از 60 درصد کارگران تولیدی‌های پوشاک هنوز بیکار هستند. به گفته فرآهانی این تاخیر به دلیل تعللی است که تجار و کسبه برای خرید پارچه و نخ مورد نیاز از تولیدکنندگان داخلی و یا خارجی دارند، است. به گفته این فعال کارگری بیش از 100 هزار کارگر در خیاط‌خانه‌های استان تهران مشغول به کار هستند. وی گفت: در خوش بینانه‌ترین حالت این کارگاه‌ها از نیمه تیر ماه فعالیت خود را از سر خواهند گرفت.

## 784 - کارگران شرت مخابرات راه دور 4 ماه حقوق نگرفته اند :

به گزارش آفتاب در تاریخ 29 خرداد 87؛ کارگران شرکت صنایع مخابراتی راه دور ایران مدت چهار ماه است که حقوق دریافت نکرده اند، جمعی از کارگران برای اعتراض در مقابل استانداری فارس دست به تجمع زدند.

## 785 - بی حقوقی از اسفند تا حالا؟ !

به گزارش سایت خبری دسترنج در تاریخ 29 خرداد 87؛ اقبال رضایی از فعالان کارگری استان کردستان گفت: 23 کارگر شرکت ساختمانی گسترش سازه ماد در استان کردستان از اسفند ماه تاکنون حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. کارفرمای این شرکت علاوه بر این بدهی؛ عیدی و پاداش برخی از کارگران خود را نیز نپرداخته است. به گفته رضایی، کارگران اعلام کرده‌اند که چنانچه تا چند روز آینده مطالبات آنها پرداخت نشود علاوه بر مراجعه به اداره کار و طرح شکایت، اعتصاب خواهند کرد. رضایی گفت: پرداخت نشدن مطالبات این کارگران در حالی است که بخش قابل توجهی از کارگران در کارگاه‌های ساختمانی مشغول به کار هستند.

## 786 - "پایان اعتصاب کارگران "صنایع اراک"

نوروزی" رئیس شورای اسلامی کار شرکت صنایع اراک به خبرنگار دسترنج در تاریخ 29 خرداد 87 گفت: طی این جلسه کارفرما متعهد شد کلیه تعهدات اولیه را در واگذاری کارخانه رعایت کرده و حق شیفت، طرح طبقه بندی مشاغل و مزایای کاری کارگران را پرداخت نماید. اعتصاب و اعتراض بلندمدت کارگران صنایع اراک که تعطیلی و توقف خط تولید کارخانه را با خود بهمراه داشت، با تشکیل کمیسیون کارگری در استانداری و تعهدات کارفرما پایان یافت. او با اشاره به حسن نیت و پیگیری مسوولان استان در رفع معضلات کارگران گفت: همچنین مقرر شد حقوق کارگران تا دهم هر ماه پرداخت شود و کارخانه همانند بخش دولتی به بهره‌وری و تولید نزدیک شود.

## 787- تعداد 30 کارگر شرکت آب معدنی ارس درمریوان اخراج شدند :

بر پایه اخبار دریافتی در تاریخ 30 خرداد 87؛ کارفرمای شرکت آب معدنی ارس درمریوان 30 نفر دیگراز کارگرنانش را بدلیل اینکه قادر به تامین مواد اولیه و پرداخت حقوق نبوده است اخراج کرد. این ترفند همه صاحبان سرمایه برای اخراج کارگران و

حداکثر سود از دسترنج آنها و دیگر هم طبقه ایهایشان است، چرا که باز هم کارگران بسیار ارزان و بدون هیچ مزایایی و با قرار داد های سفید برای هرچند مدتی که برای کارفرما ثروت بیافرینند استخدام میشوند. امروز دسته ای اخراج و مدتی دیگر تعداد دیگری از بیکاران به کارگرفته میشوند. 6 ماه قبل کارفرمای این شرکت باز هم حدود 30 نفر را اخراج کرد.

به این 30 کارگری که چند روز گذشته اخراج شدند نیز، طبق معمول بیمه بیکاری تعلق نمیگیرد چرا که کارفرما در همکاری با اداره کار، از همان روز اول استخدام این کارگران تا زمان اخراج بیمه کامل آنها را پرداخت نکرده است و به همین دلیل کارگران شامل بیمه بیکاری نمیشوند. علاوه بر این، کارگرانی که دیروز از کار اخراج شدند حقوق 5 و 6 ماه گذشته را هم دریافت نکرده اند. کارگران این واحد به مانند دیگر کارگران باید متحد شوند تا اینکه نه فردا، بلکه همین امروز حقتشان را از کارفرما و خنثی کردن ترفند های سرمایه داران و دولت سرمایه داری جمهوری اسلامی ایران خارج سازند.

## (\* 788- آنها نمی خواهند بروند گزارشی از وضعیت افغان های مقیم ایران

از : مهسا حکمت

به گزارش روزنامه ی اعتماد در تاریخ پنجشنبه ۳۰ خرداد ۱۳۸۷ - ۱۹ ژوئن ۲۰۰۸

سمیه دختری افغان است. ۹ سال دارد و همیشه می خندد. یک سال است که کارتن جمع می کند. در شبانه روز ۱۴ ساعت کار می کند تا پدرش بدهی دو میلیون تومانی اش را پرداخت کند. مدرسه نمی رود، چون کارت پناهندگی اتباع افغان را ندارد. در ایران به دنیا آمده است اما طبق قانون این کشور نمی تواند شناسنامه ایرانی بگیرد.

خانواده سمیه به صورت غیرمجاز در ایران زندگی می کنند. به همین دلیل صاحبخانه پول بیشتری را از آنها طلب می کند. سمیه سه خواهر و یک برادر دارد. خانه شان از یک اتاق تشکیل شده با پنجره یی کوچک. هوای خانه شان گرفته است. زمانی که از خانه خارج می شوی کوچه یی تنگ را می بینی؛ کوچه یی که تمام درهایش با قفلی بزرگ بسته شده اند و تازه متوجه می شوی آن چهاردیواری، انبار مغازه های شیشه فروشان تهران است که خانه سمیه را تشکیل می دهد. سمیه همیشه می خندد. صورتش آرامش بخش است؛ برخلاف دستان کوچکش که زخم زده شده اند. زخم دستش را با نواری چسب بسته است. می گوید امشب مادرم دستانم را حنا می گذارد تا نرم شوند.

سمیه تا سال گذشته به مدارس خودگردان افغان می رفت. مدرسی که مجوزی برای کار خود از آموزش و پرورش و کمیساریای پناهندگان ندارند. دولت ایران از سال ۱۳۸۴ تاکنون سعی در بسته شدن این مدارس دارد چرا که می خواهد محدودیت هایی را برای افغان های غیرمجاز ایجاد کند تا خود محترمانه به کشورشان بازگردند.

تعداد زیادی از این مدارس توسط دولت ایران شناسایی و تعطیل شده اند اما هنوز هم در خیابان های جنوب تهران می توان دختر بچه ها و پسر بچه هایی را پیدا کرد که به خانه هایی می روند. یکی از این خانه ها چهار اتاق دارد که نقش مدرسه را برایشان ایفا می کند. مدیر یکی از مدارس خودگردان افغان که فوق لیسانس دارد دخترانش را به خاطر داشتن کارت پناهندگی با دادن ۶۰ هزار تومان به مدارس دولتی ایران می فرستد. مدرسی که بچه های ایرانی بدون پرداختن پولی در آن درس می خوانند.

این ۱۷ سالی که به ایران آمده شغل های مختلفی را تجربه کرده است. مثل خیاطی، کارگری ساختمان، دستفروشی، دمپایی سازی و در حال حاضر هم مدیر مدرسه شده است تا بچه های کشورش را باسواد کند. او ماهیانه از بچه ها چهار هزار تومان دریافت می کند. شش معلم این مدرسه همگی دانش آموزان افغان هستند که دارای کارت پناهندگی اند و خود نیز مشغول درس خواندن هستند. آنها صبح درس می خوانند و عصر تدریس می کنند.

مدیر این مدرسه که نمی خواست نامش فاش شود عقیده دارد مردم افغانستان از روی اجبار به ایران آمده اند و می گوید؛ آنهایی که امکانات داشتند به امریکا، کانادا یا فرانسه می رفتند و گروهی به ایران پناه آوردند. اتباع غیرمجاز باید کیلومترها پیاده روی کنند. گرسنگی و تشنگی را تحمل کنند. خطر را بپذیرند و بپذیرند در ایران بی خانمانی و بیکاری است اما با این حال به ایران می آیند چرا که اینجا وضعیتش بهتر از افغانستان است.

زمانی که تاریخ ایران را بررسی کنیم می بینیم حضور افغان ها در ایران در چندصدساله اخیر وجود داشته است. کمیساریای عالی پناهندگان ایران اعلام کرده است؛ «بعد از سال ۱۹۷۸ تعداد زیادی پناهنده وارد ایران شدند که پیچیدگی ها و مشکلات چندگانه یی را برای مقامات ایرانی به وجود آورده اند، از جمله ثبت مساله پناهنده ها در ایران. البته دولت ایران همیشه این بحث را داشته که آیا این افراد پناهنده محسوب می شوند یا خیر.

ایران افغان هایی را که به ایران آمده اند «آواره» یا «تبعه شناسایی شده» می نامد چرا که این افراد، گروهی و به صورت انبوه وارد ایران شده اند و هیچ گاه دولت به صورت انفرادی و تک به تک وضعیت شان را بررسی نکرده است. کمیساریای عالی پناهندگان به همراه دولت ایران کارت هایی را برای پناهنده های افغان در نظر گرفتند تا افغان ها با داشتن آن کارت بتوانند در ایران تردد کنند. اکنون حدود ۹۲۰ تا ۹۵۰ هزار افغانی وجود دارند که دارای کارت پناهندگی اند و چیزی در حدود یک و نیم تا ۲ میلیون افغان هم به صورت غیرمجاز در ایران هستند. محمد عثمان نزدیک به ۱۳ سال است که از آمدن

قانونی اش به ایران می گذرد. او در افغانستان افسر ارتش بوده و در ایران شغل های مختلفی داشته است. از جمله بارکشی با چرخ، نگهداری کارخانه، باغ، مغازه های پارچه فروشی، چای فروشی، در و پنجره سازی و فروش لوازم یدکی و اکنون در یک مغازه پنچرگیری مشغول به کار است. پسر ۱۷ ساله اش «صمیم» ۲ سال است تحصیلش را به خاطر کمک به اقتصاد خانواده رها کرده است و پسر ۱۵ ساله اش «سمیر» عصرها بعد از مدرسه به مغازه آمیوه گیری می رود و کار می کند. محمد عثمان می گوید: «افغان هایی که کارت پناهندگی دارند، مشکلات شان کم است چرا که راحت تر کار می کنند.» وی می گوید: «برای افغان ها هر کاری آزاد نیست. کارهایی مثل گاوداری، پنچرگیری، بنایی، جوشکاری و... را دولت ایران ایراد نمی گیرد. کارهای سخت برای ما آزاد است چون می دانند افغان ها خوب کار می کنند.»

قرار است دولت ایران ۴۰ شغل را برای افغان ها تعریف کند تا بتوانند به صورت قانونمند شغلی داشته باشند. کارهایی همانند سنگ بری، معدن، پسته کنی، جوشکاری، گاوداری، کشاورزی، بنایی، باغبانی، خیاطی، بلوکه زنی و...

یک منبع آگاه در این باره می گوید: «اگر افغان ها بخواهند قانونمند کار کنند باید به سراغ این شغل ها بروند. البته بماند که کمتر افغانی سراغ این کارها به صورت قانونی می رود، چرا که وزارت کار می خواهد برای پروانه کار سالی ۵۰ هزار تومان دریافت کند و یک تبعه افغان که تاکنون این پول را نمی پرداخته است بعید است بپذیرد.»

زمانی که می پرسیم فکر نمی کنید با دادن این ۴۰ شغل به افغان ها دولت برای مردم ایران فرهنگ سازی می کند که این شغل ها مربوط به افغان ها است؟ منبع آگاه با اشاره به اینکه این فرهنگ مدت ها است ایجاد شده است می گوید: «زمانی که کارفرمایان ما عملاً تبعه ایرانی را به کار نمی گیرند و می گویند افغان ها بهتر کار می کنند، کمتر پول می گیرند و کمتر مشکل ایجاد می کنند متوجه می شوید که راهی برای ما باقی نمی ماند.»

حبیبه مادر هشت فرزند است. همسرش را در سال ۱۳۸۳ بر اثر تصادف از دست داده است. از آن پس سرپرست خانواده محسوب می شود. تنها نصف دیه شوهرش پرداخت شده است.

در زمستان گذشته بدن پسر ۱۱ ساله اش بر اثر انفجار آبگرمکن آشپزخانه می سوزد. خرج عمل دست و پاهای ایمن بیش از سه میلیون تومان می شود.

حبیبه کارت پناهندگی نداشته است و کمک های سازمان ملل شامل او نمی شود. بیمارستان نزدیک به ۵/۱ میلیون تومان را تخفیف می دهد و مابقی را می گیرد.

ارجاع پزشکی کمیساریای عالی پناهندگان برای اتباع افغانی که کارت پناهندگی دارند قسمتی از هزینه های MRU قسمت بیمارستان را پرداخت می کند. البته در صورتی که هزینه بیش از ۴۰۰ هزار تومان باشد. کمیساریا تا یک میلیون تومان را های داخلی و خارجی پرداخت کنند. NGO می پردازد و بخش دیگر هزینه ها را ممکن است بعضی از میثاق کمیساریا در راه حل های پایدار پناهندگی ۳ بخش دارد؛ اول، بازگشت داوطلبانه است که دولت ایران نیز مستمر روی همین مساله پافشاری می کند. دوم، فرد تبعه کشور پناهنده پذیر شود. یعنی افغان ایرانی شود و شناسنامه بگیرد. سوم، اسکان مجدد در کشور ثالث است یعنی افغان ها به یک کشور پناهنده پذیر دیگر اعزام شوند که بسیار محدود است. در سال جاری کمیساریای عالی پناهندگان پذیرفته است که حمل و نقل اتباع افغان و وسایل شان را تا مرز افغانستان به صورت رایگان به عهده بگیرد و به هر فرد از خانواده ۱۰۰ دلار بدهد، تا سقف ۵ نفر. این عمده ترین حمایتی است که کمیساریای عالی در ایران حضور داشته است این حمایت بی سابقه unher پناهندگان انجام داده است و شاید بتوان گفت در طول تاریخی که بوده است.

یک منبع آگاه علت این اقدام کمیساریای عالی پناهندگان را اوضاع داخلی افغانستان می داند و می گوید: «هر چند الان کمیساریای پناهندگان طفره می رود از پذیرفتن اینکه اوضاع افغانستان به نحوی است که باید پذیرفت افغان های داخل ایران اسم شان پناهنده نیست چرا که پناهنده به فردی گفته می شود که به خاطر ترس و وحشت موجه از آزار و شکنجه بی که در صورت برگشتن به کشورش مواجه می شود، به کشوری پناه ببرد، خیلی از افغان ها ممکن است بگویند: «ما در منطقه بی هستیم که ناامن است و طالبان هنوز در آن منطقه وجود دارد.» اما این موجه نیست چرا که افغانستان اکنون دارای دولت مقتدر مرکزی است که جدا از مقبولیت داخلی، مقبولیت جهانی نیز دارد. حال آنکه اگر دولت نتواند در بعضی از مناطق خاص داخلی خود بنا به عللی امنیت ایجاد کند این دلیل نمی شود که مردم کشور افغانستان به ایران بیایند و به مناطق امن افغانستان نروند.

نماینده کمیساریای عالی پناهنده ها روند بازگشت داوطلبانه افغان ها را به افغانستان نسبت به سال های گذشته کند می داند و می گوید در سال ۲۰۰۷ تنها ۶ هزار نفر به افغانستان به طور داوطلبانه بازگشته اند در صورتی که طبق گفته اداره کل اتباع و مهاجران خارجی وزارت کشور در سال ۱۳۸۳ و ۱۳۸۴ چیزی نزدیک به ۲۰۰ هزار نفر داوطلبانه به کشور افغانستان برگردانده شده اند.

یکی از مشکلات اساسی که دولت ایران هم اکنون با آن مواجه است بازگشت مجدد افغان هایی است که به طور داوطلبانه به کشورشان بازگشته اند. این افراد به صورت قانونی وارد ایران می شوند اما بیشتر از مدت اقامت در نظر گرفته شده، می مانند و تبدیل به مهاجران غیرقانونی در کشور می شوند. باید توجه داشت دولت ایران از لحاظ قوانین بین المللی در اخراج افغان های غیرمجاز به هر شکل و صورتی باز است.

## (\* ) روزی 4 هزار تن برنج با حمایت دولت وارد می شود.

دبیر کل واردات گمرک اعلام کرد (لابد در ادامه نوآوری هائی که رهبر خواهان آن شده!) روزانه ۴ هزار تن برنج وارد کشور می شود. این رقم برخی روزها به 6 هزار تن می رسد. قیمت برنج وارداتی از ۱۲۰۰ تا ۲ هزار تومان است که در ۴ تا ۵ ماهه اخیر ۲ تا ۳ برابر افزایش یافته است. تمام واردات فعلی برنج توسط بخش خصوصی انجام می شود. با توجه به اینکه کشاورز برنج تولیدی خود را بین ۲ تا ۳ هزار تومان می فروشند هیچ نیازی به حمایت از تولیدکننده در حال حاضر نیست، بلکه اکنون زمان حمایت از مصرف کننده است.

### دبیرکل واردات گمرک در ادامه ادعا کرد

مردم به اندازه نیاز روزانه یا هفتگی خود برنج بخرند، زیرا قیمت فعلی برنج کاذب است و با افزایش عرضه از طریق واردات، قیمت ها شکسته خواهد شد. از سوی دیگر با کاهش تدریجی قیمت برنج در بازارهای داخل کشور، کسانی که برنج احتکار کرده اند برای جلوگیری از ضرر، مجبور خواهند شد برنج خود را در بازار توزیع کنند. این تحولات در کنار توزیع ۳۰ هزار تن برنج از طریق دولت در روزهای اخیر به طور قطع باعث آرامش (?) بازار برنج در داخل کشور خواهد شد.  
خبر فوری

### 790 - کارگر تبریزی به دادگاه احضار شد :

محمد جراحی کارگر تبریزی عضو کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای آزاد کارگری به دادگاه انقلاب تبریز شعبه یازده احضار شده است. و طبق احضاریه در یافتی باید روز پنجشنبه 1387/3/30 در دادگاه حاضر شود.  
محمد جراحی در سال 1386 به اتهام تشویش اذهان عمومی و توزیع نشریات غیر مجاز دستگیر و پس از سه روز بازداشت با وثیقه آزاد شده بود که فردا (1287/3/31) به اتهام فوق محاکمه خواهد شد.  
سایت دخالت حداکثری 1387/3/29

ادامه خبر

امروز پنجشنبه 1387/3/30 محمد جراحی در دادگاه حاضر شده در اجرای احکام، حکمی بدون تشکیل دادگاه، بدون بررسی و بدون اعلام زمان اعتراض 4 ماه زندان ابلاغ شد. محمد جراحی در حال به دادگاه می رفت که قرار بود در جلسه دادگاه که تشکیل خواهد شد از خود و مبارزاتش دفاع کند. که او را غافل گیر کرده ساعت 10/30 حکم 4 ماه زندان بدون اعتراض را ابلاغ کرده دستگیر و به زندان منتقل کردند. در حال حاضر او در زندان پسر می برد خانواده و فعالین تبریز در تلاش برای آزادی او هستند که اعلام کرده اند در فکر تشکیل یک کمیته دفاع از محمد جراحی می باشند.

اخبار تکمیلی ارسال خواهد شد.

سایت دخالت حداکثری 1387/3/30

### 791- مانور ضد اغتشاش در کارخانه پارس خودرو :

روز پنجشنبه 1387/3/30 در کارخانه ی پارس خودرو که زیر مجموعه ی سایپا می باشد مانور ضد اغتشاش برگزار شد. این مانور که به سرپرستی حراست و اعضای جدید آن که بعد از به مدیریت رسیدن مهرداد بذر پاش - رئیس سابق ستاد رایحه ی خوش خدمت - به کارخانه آمده بودند رهبری می شد، جو پلیسی و نظامی را بر کارخانه حاکم کرده است. این مانور با مسلح کردن نیروهای حراستی به باتوم و بی سیم و نصب بیش از 50 عدد دوربین مدار بسته ( از سایت شمالی جاده مخصوص تهران-کرج الی سایت جنوبی جاده قدیم کرج ) همراه بود. وجود خیل نیروهای حراستی در همه ی مکان های این کارخانه، فضایی امنیتی و نظامی را در آنجا به وجود آورده. به نظر می آید این اقدام در پی اعتصابات اخیر کارگری در دیگر کارخانه های کشور باشد، و به زعم برگزارکنندگان آن اقدامی پیش گیرانه محسوب شود!

کانون مدافعان حقوق کارگر

### (\* ) 792- خودنمایی فقر در کشور ثروتمند ایران :



کاوشهای باستان‌شناسی آشکارساخته که ایرانیان از ۵ تا ۶ هزار سال پیش از توان ویژه ای برخوردار بوده اند، به عنوان مثال قیر را برای ملات در ساختمان و یا برای نصب و به هم چسباندن جواهرات و ظروف سفالین و یا اندود کردن کشتیها به کار برده اند. در این کشور همه چیز هست، از یک سو میراث فرهنگی همچون موزه ای از آغازین روزهای تاریخ تاکنون، می تواند از نظر اقتصادی بازده بسیاری داشته باشد و از سوی دیگر، طبیعت چهارفصل آنچنان است که همزمان می توان در ۳۵ درجه سرما و هوایی یخبندان اسکی کرد و در ۳۵ درجه گرمای جنوب تن را به آب سپرد. جنگل، کوه، دریا، معدن و دهها مورد دیگر، ثروتهای قابل توجهی در ایران هستند و نفت نیز قدرتی که از همه این موارد تاثیرگذارتر است. در خرداد ۱۳۸۷ هـ.ش نخستین چاه نفت خاورمیانه و دومین چاه نفت دنیا در ایران فوران می کند و امروز پس از گذشت بیش از ۱۰۰ سال، قیمت هر بشکه نفت ۱۱۶ دلار می شود. ایران با تولید روزانه ۲/۴ میلیون بشکه نفت یکی از بزرگترین تولید کنندگان طلای سیاه جهان است و در کنار منابع عظیم نفت، بعد از روسیه بزرگترین منابع گاز جهان را نیز در اختیار دارد. همواره از کشف یک چاه نفت یا گاز خبر می رسد. تنها در یک مورد اخیر مدیرعامل شرکت ملی نفت در مورد میدان گازی پارس جنوبی می گوید: با توجه به ۱۳ میلیارد تریلیون فوت مکعب گاز و ۱۰ میلیارد بشکه ذخیره میعانات گازی این میدان، ارزش اقتصادی هر فاز آن سالانه ۵۲ میلیارد دلار است و برای ۵ فاز اولیه که به بهره برداری رسیده در مجموع ۵ میلیارد دلار سرمایه گذاری شده که تاکنون ۱۶ میلیارد دلار ارزش تولید آنها بوده است. ایران در حال حاضر روزانه ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار بشکه نفت تولید می کند که حدود یک میلیون و ۶۰۰ هزار بشکه آن در داخل کشور پالایش، مصرف و بقیه صادر می شود.

### خط فقر ۶۵۰ هزار تومان ، حقوق کارگر ۲۲۰ هزار تومان

با این همه دارایی، در کشور ایران، حدود ۱۱ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی می کنند که براساس نظر کارشناسان، آمار واقعی بین ۲۰ تا ۲۵ میلیون نفر است، خط فقر در شهر تهران برای یک خانواده چهار نفری ۶۵۰ هزار تومان و در شهرهای دیگر ۴۰۰ هزار تومان تعیین شده است، این در حالی است که حداقل دستمزد ماهیانه یک کارگر غیرمتخصص پس از ساعتها بحث و بررسی نفسگیر در شورای عالی کار حدود ۲۲۰ هزار تومان تعیین می شود. بنابراین مشاهده می کنیم که بسیاری از ایرانیان (حقوق بگیران) قادر به تامین معاش خود نیستند. دستمزد بسیاری از کارگران اندک و پایین تر از نرخ تعیین شده دستمزد از سوی مراجع قانونی است، کارگران زیر خط فقر و در خط گرسنگی زندگی می کنند و به همراه خانواده های خود بیش از سایرین قربانی آسیب های اجتماعی و حوادث و بیماری های شغلی هستند. ساعت کارشان طولانی تر و شرایط کارشان دشوارتر است، به عبارت بهتر، بیکاری و فقر بیداد می کند و آنچه تعجب عمومی را برمی انگیزد آن است که این همه ثروت با فقر عمومی همخوانی ندارد. پس مشکل در کجاست؟ چرا در کشور ثروتمند ایران باید فقر این چنین قیافه کریه خود را بنمایاند.

کارگران در طول تاریخ ابزاری برای دست یابی قدرتمندان به مطامع سیاسی بوده اند  
يك عضو شوراي مركزي جامعه اسلامي كارگران به نرخ بالاي بيكاري، رشد فارچ گونه شرڪت هاي پيمانكاري، افزايش قراردادهاي موقت كار، بيمه نكردن كارگر و دهها معضل ديگر اشاره كرد و گفت: كارگران در طول تاريخ ابزاري براي دست يابي قدرتمندان به مطامع سياسي بوده اند. محمدرضا تفقدي با اشاره به اينكه كارگران امنيت شغلي ندارند، گفت: كارگري كه كار مفيد انجام مي دهد بايد درآمد كافي براي تامين معاش زندگي خود و خانواده اش داشته باشد تا نياز به انجام كار دوم را كه باعث دوري از كانون خانوادگي مي شود نداشته باشد. وي با تاكيد بر اينكه دست كارگر به جايي بند نيست، گفت: در مقوله اشتغالزايي، رشد بالاي بيكاري، واردات بي رويه و قاچاق کالا كه باعث بحران و تعطيلي كارخانجات مي شود همواره مشكل داشته و داريم، بنابراین بايد فضايي درست كنيم كه كارگر در قبال يك شيفت كار، به رفاه نسبي برسد. وي به مباحث افراطي و يك سو نگرانه اوایل انقلاب در خصوص كارگران اشاره كرد و گفت: اوایل انقلاب گفتيم فقط كارگر و كارفرما را فراموش كرديم در نتيجه با ادامه اين روال، كارخانجات تعطيل و سفره اي كه براي كارگر و كارفرما پهن شده بود برچيده شد. وي با تاكيد بر اينكه هرگز در طول تاريخ حقوق يك روز كارگر براي خريد يك كيلو گوشت كافي نبوده است، گفت: بايد شرايط را براساس اوضاع روز بررسي كرد و آنچه را كه با موقعيت فعلي همخواني دارد در قالب قانون به اجرا درآوريم. اين عضو شوراي مركزي جامعه اسلامي كارگران گفت: آيا به راستي واحدها و بنگاه هاي اقتصادي با بحران جدي رو به رو نيستند. اين فعال كارگري ايجاد تسهيلات را تزريق نقدینگی نمیداند و می گوید: تنها یکی از موانع تولید کمبود نقدینگی است که آن هم با نظارت همه جانبه مسوولان اقتصادی انجام می گیرد. او اعتقاد دارد که باید نقدینگی مدیریت شود تا به یک معضل تبدیل نشود. تفقدي می افزاید: گاهی پیش می آید که یک سرمایه گذار همه محاسبات خود را انجام می دهد تا طرح خود را به بهره برداری برساند اما از زمان تصمیم گیری تا پیگیری اخذ مجوزها، هفت خوان هایی بر سر راهش به وجود می آید که زمانی بسیار بیشتر از آنچه پیش بینی کرده را تلف می کند، در این شرایط هنگامی که قرار است طرح به بهره برداری برسد هزینه های تولید اعم از دستمزد، مواد اولیه، هزینه های دولتی از قبیل آب، برق و عوارض و مالیات هیچیک به اندازه روز اول سرمایه گذاری نیست. وی تاکید کرد: افزون بر خواب سرمایه، واردات بی رويه و قاچاق کالا نیز انگیزه سرمایه گذاری را کاهش می دهد و در این حال چگونه می توان کالا را با همان سیاستهای روز اول تولید و

عرضه کرد. تفقدی بر حمایت از کارگر و کارفرما تاکید دارد و می گوید: باید موانع تولید را کاهش داد تا کارگر که خود یک مصرف کننده است بتواند با زندگی شرافتمندانه به ادامه حیات خود پردازد و از سوی دیگر کارفرمایان نیز با رغبت بیشتر به سرمایه گذاری و افزایش تولید پردازند و هزینه های تولید به اندازه ای کاهش یابد که محصول داخل توان رقابت با انواع خارجی را داشته باشد. این فعال کارگری با تاکید بر اینکه کالاهای چینی از کیفیت پایینی برخوردارند، گفت: قیمت پایین باعث شده تا کالای چینی نه تنها بازارهای جهان سوم بلکه بازارهای آمریکا و اروپا را نیز از آن خود کند. تفقدی گفت: تشکلهای کارگری نیز باید به یاری مسوولان و کارفرمایان بشتابند و صد البته مسوولان نیز باید با آغوش باز آنان را بپذیرند تا کارگر، کارفرما، دولت و مردم که همگی مصرف کننده هستند در رفاه نسبی باشند. وی خواهان کاهش نرخ خدمات دولتی برای بخش صنعت شد و گفت: در شرایطی که شعار دولتمردان اشتغالزایی و تولید بیشتر برای مبارزه با بیکاری است، نه تنها باید هزینه های تولید را کاهش داد بلکه می بایست بسته های تشویقی نیز برای تولید کنندگان در نظر گرفت.

به نظر می رسد ابتدا باید بفهمیم فقر چه معنایی دارد؟

فقر یعنی نداشتن درآمد کافی برای به دست آوردن پایین ترین میزان کالری مورد نیاز (به طور معمول هر فرد باید روزانه 2 تا دوهزار و 300 کالری را از طریق تغذیه به دست آورد). کسی که نتواند حداقل کالری روزانه خود و خانواده اش را تامین کند و برای تامین این حداقل با مشکل جدی رو به رو است چگونه می تواند در هنگام بیماری به دکتر مراجعه کند یا کودکش را به مدرسه بفرستد؟ بنابر این فقر؛ زاینده خودفروشی، اعتیاد، آدمکشی، دزدی و ... است. فقر با بیکاری پیوند دارد و باعث می شود کودکان برای کمک به معیشت خانواده به کار گرفته شده و مورد سواستفاده های گوناگون قرار گیرند.

فقر ابعاد جهانی دارد که اگر از آن با خبر شویم و اگر هنوز قدری ابعاد انسانیست باقی مانده باشد، شاید نتوانیم به طور مستقیم تاثیرگذار باشیم اما می توانیم ابراز تاسفی تاثیرگذار داشته باشیم. امروز در این جهان نابرابر یک میلیارد انسان درآمدی کمتر از یک دلار دارند، دو میلیارد نفر به آب آشامیدنی پاک و تمیز دسترسی ندارند، بیش از یک میلیارد کودک از رفتن به مدرسه محرومند و وحشت آور است اگر بدانیم در هر پنج ثانیه یک کودک در اثر گرسنگی و در هر دقیقه یک کودک در اثر ایدز می میرد و چهار کودک نیز پدر و مادر خود را در اثر بیماری از دست می دهند! با این اوضاع افسار گسسته، سرمایه داری آنچنان میدانی پیدا کرده که اگر بتواند، روز روشن را نیز به انحصار خویش در خواهد آورد، سرمایه داری چشم را بسته و به ارزشهای آدمی و تنهایی طبیعت اعتنایی ندارد، زیرا در این نوع مدیریت تنها سود مطرح است. با این شرایط در کشور ما نیز با آغاز سیاست های گسترده خصوصی سازی و تعدیل اقتصادی، در دوره ۸ ساله ریاست جمهوری هاشمی رفسنجانی و ادامه آن در دوران ریاست جمهور خاتمی و اجرای گسترده این سیاست در موقعیت کنونی دولت احمدی نژاد، بخش عظیمی از طبقه کارگر کشور، اندک پوشش های رسمی حمایتی خود را از دست داده و هر روز که می گذرد بر تعداد کارگران قراردادی، روزمزد و فصلی افزوده می شود. به یاد داریم که در گذشته کارگران کارگاه های زیر ۵ و ۱۰ نفر و نیز کارگاههای قالببافی با تصویب لایحه ای در مجلس شورای اسلامی از شمول قانون کار خارج شدند و شرایط کار میلیون ها کارگر سخت تر و دشوارتر شد. در ادامه همین روال، بخش عظیمی از کارگران به دلیل بسته شدن کارخانجات، کار خود را از دست داده و تبدیل به کارگر قراردادی، روزمزد و فصلی شده و یا به خیل کارگران بیکار پیوستند و تاسف آورتر اینکه بسیاری از کارفرمایان از احتیاج کارگران به کار، سوءاستفاده کرده و هنگام استخدام، از خود کارگر یا ضامنش سند معتبر یا کاغذ سفید امضا می گیرند. در سال گذشته دیده شده که تعدادی از کارفرمایان با سوءاستفاده از موقعیت بیکاری بسیاری از کارگران، با گذاشتن یک دوره ۲ تا ۳ ماهه آزمایشی، بدون پرداخت هیچ حقوقی، کارگران را به کار و می دارند که برخلاف قانون است.

اگر نخواهیم يك جانبه قضاوت كنيم بايد يك نفر پيدا شود و به اين پرسش پاسخ دهد كه چرا در اين آشفته بازار تنها كارگران قرباني مي شوند.

## 793- تولید کیف و کفش ایران به نصف رسید :

حداقل 50 درصد کیف و کفش موجود در بازار متعلق به محصولات وارداتی از چین است. محمدرضا داور پناه، مدیرعامل شرکت تولیدکننده کفش در گفتوگو با ایسنا، اضافه کرد: کیف و کفش های چینی اگرچه ظاهر مناسب و جذابی دارند، اما کیفیت لازم را نداشته و به سرعت از بین می روند. حدود 100 کارخانه و 15 هزار کارگاه تولیدکننده کفش در کشور وجود دارد که به دلیل بالا بودن حجم واردات بسیاری از آنها با نصف ظرفیت فعالیت می کنند.

وی با بیان این که مصرف کنندگان نیز به دلیل ظاهر مناسب و خارجی بودن مارک، تمایل بیشتری به خرید محصولات چینی در مقایسه با تولیدات داخلی دارند، تصریح کرد: در این وضعیت برخی تولیدکنندگان کفش نیز محصولات خود را با مارک چینی وارد بازار می کنند که اتفاقاً کیفیت بهتری از محصولات وارداتی از چین دارند.

مدیرعامل تهران دلتا گفت: حدود 100 کارخانه و 15 هزار کارگاه تولیدکننده کفش در کشور وجود دارد که به دلیل بالا بودن حجم واردات بسیاری از آن‌ها با نصف ظرفیت فعالیت می‌کنند.

#### 794- پایان اعتصاب کارگران "صنایع اراک" :

به گزارش سایت دسترنج در تاریخ 31 خرداد 87؛ اعتصاب و اعتراض بلندمدت کارگران صنایع اراک که تعطیلی و توقف خط تولید کارخانه را با خود به همراه داشت، با تشکیل کمیسیون کارگری در استانداری و تعهدات کارفرما پایان یافت.

"نوروزی" رئیس شورای اسلامی کار شرکت صنایع اراک به دسترنج گفت: طی این جلسه کارفرما متعهد شد کلیه تعهدات اولیه را در واگذاری کارخانه رعایت کرده و حق شیفت، طرح طبقه بندی مشاغل و مزایای کاری کارگران را پرداخت نماید.

او با اشاره به حسن نیت و پیگیری مسوولان استان در رفع معضلات کارگران گفت: همچنین مقرر شد حقوق کارگران تا دهم هر ماه پرداخت شود و کارخانه همانند بخش دولتی به بهره‌وری و تولید نزدیک شود.

#### \*795 نامه تعدادی از زندانیان درباره بازدید هیئت های خارجی از زندان :

بازدید ماهیانه هیئت های خارجی از زندان ، اعتماد ملی ص 13-

در این خبر اشاره شده که مانعی برای بازدید هیئت ها از زندان ها نیست . منصور اسالو حدود بیست و یک ماه در طول سه سال گذشته بصورت متناوب از سال 1384 تا امروز (سال 1387) در زندان به سر برده است : در بندهای 209 اطلاعات ، اندرگاه 7 سالن 6 ، بهداری مرکزی زندان اوین ، و ساعاتی هم در بند قرنطینه . ولی با هیچ هیئت بازدید کننده خارجی روبرو نشده است. حتی هیئت سازمان جهانی کار هم که در آبان ماه برای ملاقات با وی آمده بودند ، اجازه دیدار با او را نیافتند. دوم اینکه بندهایی در زندان اوین وجود دارد مثل بند حفاظت- اطلاعات قوه قضائیه یا حفاظت ، اطلاعات نیروی انتظامی ( بند 240 ، بند 241 ، بند 2 الف ، بند 209 ، بند ویژه روحانیت ، بند نسوان ، بند یا خانه سیدضیاءالدین طباطبایی که میگویند مالک اصلی تمام زمین های منطقه اوین ، از جمله زمین های محصور در زندان اوین بوده است.)

همینطور برخی از زندانیان در جاهایی در انفرادی و حبس با چشم بند و ناآشنا بوده اند مثل بندهایی خارج از اوین مثل بند 64م در زیرزمین های پادگان جی، یا 335 ، دربان مرکز ، بازداشتگاه موقت دادسرای نیروهای نظامی و انتظامی و دادسرای مرکز که در زیر زمین است ، یا بند 50 سپاه در عشرت آباد ، بند اطلاعات امنیت پلیس امنیت در زیرزمین ساختمان نوساز پلیس امنیت در خیابان سپاه که انفرادی ها به اشکال مختلف در این بازداشتگاه ها و بندها وجود دارد. مثل انفرادی ایستاده کم‌دی، یا مثل تابوت خوابیده ، یا سوئیت های خوب با امکانات گسترده در همان بند 335 دربان مرکز که حتی ماهواره و کامپیوتر و خطوط اینترنت هم در اختیار زندانی قرار می گیرد. بازداشتگاه مرکز آموزش یگان ویژه نیروی انتظامی در کوه های کهریزک شهرری که سوله و قفس های آن و تونل کابل و باتوم زندان های آن خیلی زیانزد شده است!

بازداشتگاه سپاه و نیروی انتظامی و ارتش در عشرت آباد و حشمتیه ، بازداشتگاه ستاد مرکزی سپاه پاسداران در افسریه و پادگان سپاه پشت سه راه تختی که آقای حبیب اله پیمان ماه ها در انفرادی تاریک و ساکت آن بسر برد. و قسمت مرفه آن که مصطفی کاظمی و اکبر خوش کوش و برخی مسئولین رده بالای سپاه و اطلاعات که مسئله دار می شوند در آنجا بازداشت می شوند که استخر و باغ گل و باغچه و کانکس های اختصاصی دارد. و یک بازداشتگاه معمولی هم برای متخلفین سپاهی کم درجه در همانجا وجود دارد. و گاه زندانیانی که مثلا خروج غیرقانونی به عراق داشته اند یا احتمال همکاری با سازمان مجاهدین (منافقین) داشته اند را هم به آنجا برده اند. آیا زندان هایی مثل خورین ورامین یا بازداشتگاه های اداره های آگاهی شهرستانها هم مورد بازدید قرار می گیرند؟ زندانیان ورامینی می گویند درختی در وسط حیاط زندان خورین ورامین وجود دارد که زندانی معترض یا به قول خودشان پررو را با دستبند به آن درخت می بندند و رویش شربت می ریزند. مورچه های گوشت خوار به هوای شربت شیرین از سوراخ های درخت بیرون می آیند و به جان زندانی بسته شده به درخت می افتند.

درباره درخت سخنگوی اداره آگاهی شاهپور هم که زندانی ها ده ها قصه تعریف می کنند. در بازداشتگاه آگاهی ورامین ، زندان چهارصد تازیانه به کف پای متهم به تناوب برای گرفتن اعتراف جزء روش های روتین و عادی است.

آویزان کردن متهم به پنکه سقفی با یک دست راه دیگر گشایش زبان متهم طبق اصل 38 قانون اساسی است! که منجر به فلج شدن دست برخی از متهمین شده است که دو نفر از آنها به بازرسی نیروی انتظامی نزدیک میدان آزادی شکایت کرده اند . فحاشی ، هل دادن، اردنگی زندان، مسخره کردن، کتک زندان تا حد مرگ در زندان های شهرستانها

بخصوص بازداشتگاه های موقت و قرنظینه ها و بازداشتگاه های کلانتری های نیروی انتظامی روال عادی است. اخذ رشوه و پول و وسایل زندانی توسط مامورین عادی است! فروش یک سیگار به مبلغ پانصد هزار تومان یا یک وعده غذا به مبلغ پنج تا بیست هزار تومان به بازداشتی فلک زده در بازداشتگاه حفاظت پلیس امنیت در میدان عشرت آباد ، خیابان سپاه ، از عادی ترین کاسبی هاست.

زدن دستبند و پابند تا حد خونریزی ، عفونت، تورم پاها و دستهای متهمین در انفرادی های زیرزمینی پلیس امنیت در خیابان سپاه بسیار عادی است. نمونه حامد اکبری و محمد یاکوزا و اشکان که علاوه بر عفونت جای دستبند و پابند ، جای کبودی و فرورفتن نوک کابل در زیر پوست و گوشت بدن آنها کاملاً مشهود بود. تازه این آثار و نشانه ها چند ماه بعد از بازداشت آنها در پادگان یگان تامین امنیت (ویژه) نیروی انتظامی بود که به زندان اوین و بازداشتگاه ستاد مرکزی نیروی انتظامی در میدان ونک- خیابان سنول منتقل شده بودند. گزارش هایی دال بر مرگ پنج نفر از افرادی که در یگان مرکز آموزش ویژه در بازداشت داخل قفس زیر سوله بودند ، از سوی زندانیان شده است که از شدت خوردن کابل و باتوم و عبور از تونل مرگ برای رفتن به دستشویی یا آب خوردن ، جان به جان تسلیم کردند.

گزارش هایی از بازداشتگاه های کلانتری ها مثل کلانتری اسلامشهر و ولیعصر که در بیست متر جا شاید بیست نفر با اتهامات مختلف اعم از خلاف راهنمایی رانندگی ، مشروب خوردن، دعوا و مرافعه، سرقت، قاچاق مواد مخدر در هم می لولند و اگر یک نفر ایدز داشته باشد و با نوک سوزن خودش را خراش بدهد و سوزن را به بقیه بازداشتی ها بزند ، فاجعه جدیدی منتشر می شود. با توجه به روحیه معتادان ایدزی شده که روحیه ضداجتماعی و انتقام جویانه از همه و بی دلیل دارند و قصد دارند تمام دنیا را با خودشان غرق کنند.

آوردن متهمین و بازداشتی ها از بندهای 2 الف و حفاظت امنیت قوه قضائیه و نیروی انتظامی با چشم بند به دادگاه ، بهداری و بیمارستان و عدم ثبت نام بازداشتی در دفاتر زندان و کامپیوتر زندان و حتی در پرونده های پزشکی و ثبت فقط یک شماره مثلا 350-2 یا 12 الف 251 بجای نام بازداشتی یعنی عدم وجود زندانی در آمارهای سازمان زندان ها و مراکز رسمی که هر بلایی سر زندانی بیاید ، به دلیل گمنامی و بی نامی خویش و جانش ، به هدر رفته است.

جلوگیری از تلفن زدن و تماس زندانی با خانواده اش ، خیرندان به خانواده زندانی بعد از بازداشت برخلاف قانون اساسی و قوانین موضوعه ، شکنجه دیگری از لحاظ روانی بر زندانی و خانواده اوست! ده ها مورد از عدم اطلاع رسانی به خانواده زندانی بعد از بازداشت او اشاره شده است. که گاه خانواده در حین جستجوی زندانی خویش که هیچ نهادهی بازداشت او را قبول نمی کند ، روزها در اضطراب و بیم و امید و هزار فکر و خیال دریه در به بیمارستانها ، پزشکی قانونی، کلانتری ها ، آگاهی ها، مرده شور خانه ها ، قبرستانها و اخبار تصادف و هزار جای دیگر کشیده می شوند و چه بسا به دلیل عدم اجرای این اولین حق یک بازداشتی و متهم ، خانواده اش دچار مصیبت های دیگر مثل سکت و مرگ مادران و پدران یا مورد سوءاستفاده واقع شدن توسط معدود مامورین سوءاستفاده چی و بی مروت واقع شده اند. که خانواده متهم از ترس جان خودش و امنیت زندانی اش این موارد تخلف را برای حفظ آبرو و از شدت ترس و رعب و وحشتی که از سوی ماموران خاطی نسبت به آنها به عمل آمده است ، به هیچ کجا انعکاس نداده اند. زندانی در داخل زندان مثل غریقی است که در عمق گردابی به مهلکه افتاده است یا برمغاک افکنده شده استو تنها راه ارتباط او با بیرون ، زندانیان و بازجویان و عوامل بازداشتگاه هستند. بی پناه ترین کسی که در جهان است زندانی امنیتی در ایران است که هیچ یک از موارد قوانین اساسی ، حقوق شهروندی، حقوق زندانیان ، حقوق اسلامی و انسانی و بشری درباره او رعایت نمی شود و تنها در سلول انفرادی یا دونفرادی یا سه نفرادی با افرادی که اتهامشان هیچ شباهتی به اتهام او ندارد، در برابر فشارهای روحی-روانی و گاه جسمانی بازجویان باید تاب بیاورد تا دروغی را به گردن او نیاندازند. در این شرایط یک فرد انسانی در برابر ده ها بازجو و کارشناس و خبره آموزش دیده و دانشگاه رفته اطلاعاتی ، سپاهی قرار دارد که فضای ذهنی او را می کاوند و فضای فیزیکی زندگی او را در کف دارند.

به متهم القا می شود که بدون خواسته ما ، تو مرده ای و وجود نداری . ما بخواهیم ، تو شلاق می خوری و اگر نخواهیم ، نمی خوری . ما بخواهیم ، در انفرادی می مانی تا ببوسی و اگر نخواهیم ، به اند عمومی منتقلت می کنیم. ما بخواهیم ، تو قلم و کاغذ و روزنامه خواهی داشت و اگر نخواهیم ، هیچ چیز نخواهی داشت. نه تلفن، نه ملاقات، نه خبر، نه هواخوری، نه عمومی، نه یخچال و تلویزیون، نه آسایش. همه چیز در دست ماست! تو باید با ما کنار بیایی تا راحت شوی. اگر هزار جرم هم کرده باشی ، مهم نیست. مهم آن است که با ما همکاری کنی . اگر هرچه ما بخواهیم به ما بگویی و انجام دهی ، مصاحبه کنی، خبر برای ما بیاوری ، هفته ای یک بار ما را ببینی و با ما همکاری کنی ، همه کارهایت بخشیده می شود و آزاد می شوی. همکاری با ما یعنی آزادی، یعنی قدرت ، یعنی ثروت، یعنی هرکاری که دلت می خواهد انجام بده فقط مامور ما باش. با ما باش تا کامروا شوی. فرم درخواست عضویت در اطلاعات را پر کن تا خانواده ات تا آخر عمر هرطور دلشان می خواهد زندگی کنند و از هر امکاتی بهره مند شوند. کنکور سهمیه ای ، شغل تضمین شده ، هرچقدر درآمد که بخواهی، محل زندگی در داخل یا خارج کشور، حتی اگر در ماموریت ها اتفاقی برایت بیفتد و بمیری خانواده ات از همه نظر تا آخر عمر به بهترین شکل(اربابی) تامین هستند.

این راه کار همه سازمان های اطلاعاتی جهان است. جذب نیرو و استفاده از او و تجربه اش به نفع امنیت سازمان .

بدین ترتیب سازمان اطلاعاتی در بالاترین جایگاه قدرت بیکران خود را به زندانی تنهای درجه افتاده انفرادی و اطلاعاتی نشان می دهد و تنها راه نجات و برون رفت و تغییر وضع را همکاری می داند و زندانی از ته چاه فقط از یک روزنه اطلاعات می گیرد ، از یک روزنه نور می گیرد، از یک روزنه احتمال نجات خود را می ببند و به تدریج زیر فشار زندان و بازجویان و شرایط فراهم آورده شده در اطرافش مضمحل می شود، شخصیتش را از دست می دهد ، در تنهایی با خودش درگیر می شود، حرفهای بازجویان و نگهبانان و افسرنگهبان و مسئول بازداشتگاه و دادیار زندان و معاونش، همه اینها را بارها در مغزش می چرخاند و سرسام می گیرد، سرگیجه می گیرد، نگران جان خانواده اش می شود ، احساس ناامنی در تمام سلول هایش نفوذ می کند، مغزش پوک و پودر می شود، احساس تنهایی و بازداشت طولانی مدت و کاتال خبری یکسویه بازجوها و کارگرفتن فحش توسط زندانیانی که خودشان یا مامور هستند یا تن به همکاری با اطلاعاتی ، امنیتی ها داده اند تا جرمشان سبک شود.

با حوصله زندانی را در راهی می برند که می خواهند تا اعترافات مثل سران حزب توده ، فرقاتی ها ، مهندس سبحانی ، علی رضا افشاری تحکیم وحدتی را بگیرند.

این تازه جدا از شکنجه های جسمانی است که هم اکنون خیلی کمتر اعمال می شود و موارد خاص آن یا ناشیگری بازجو است یا عصبانیت بازپرس و دادستان مثل مورد زهرا کاظمی یا اشتباه افسر جانشین زندان برای ساکت کردن زندانی مثل مورد اکبر محمدی و ...

شکنجه جسمانی در حد ضربه زدن حرفه ای با نوک انگشت یا برآمدگی داخلی سی کیم زوکی های کف دست یا توسری زدن و تحقیر کردن زندانی یا با لگد به ساق پای او زدن یا فشار دادن زندانی به صندلی یا دیوار است، یا اشتباه زندانی را به تیزی در ورودی سلول می کوبند که سر و پایش آسیب می بیند مانند مورد رضا سیف که اتهامش عریضه نویسی جلوی دادگاه دیوان عدالت اداری بود. یا عباس ... گیلانی اهل آستانه که اتهام او هم عریضه نویسی جلوی دیوان عدالت اداری بود که بر اثر چک و لگدی که خورده بود به خودش ادرار کرد و از دماغش خون می آمد . این موارد در شهریور و مهرماه 1386 در دفتر بهداری 209 ثبت شد.

یا مورد تهدیدهای شفاهی نسبت به خانواده از سوی بازجویان جوان پرونده مربوط به فروش مواد پتروشیمی در شهر ایلام و آقای ا... که بارها از سوی بازجویان تهدید شد. یا کتک خوردن آقای ... که پوست ساق پایش بر اقر لگدهای بازجو گنده شده بود و اتهامش حمل مواد مخدر از ترکیه به ایران بود. که هیچ مدرک مستندی برای این اتهام نداشت و فقط به او فشار می آوردند تا خودش اتهام را قبول کند و او هم از صبح تا شب و از شب تا صبح نماز و مفاتیح الجنان می خواند .

مورد حامد اکبری و صدمات وارده بر جسم و جان او بی رحمانه ترین و زجرآورترین شکنجه جسمی بود که آثارش ماه ها بر اندام و روحش وجود داشت. او فکر می کرد هر روز همان فردا صبح اعدام می شود و همینطور گریه می کرد و هم سلولی هایش باید علاوه بر رنج ها و آلام خود، رنج او را هم تسکین می دادند، تا کم کم بهبود یافت. زندانی که حقوق خود را نشانسد و از آن بدتر زندان بان حق حیات انسانی برای او قائل نباشد ، مرده ای است که پشت میله ها قرار گرفته است. به همین دلیل تلاش های والای انجمن دفاع از حقوق زندانیان و هزینه هایی که عمادالدین باقی در راه این پیکار مدنی- حقوق بشری می پردازند، جایگاه ویژه ای در تلاش های دموکراتیک معاصر این روزها دارد. مردی که به دلیل دفاع از حقوق محروم ترین افراد جامعه خود بارها به زندان آمده و بیمار شده است. باید پرسید آیا هیئت های خارجی به همه این بازداشتگاه ها سر زده اند؟ آیا با موسوی خونینی ها نماینده مجلس ششم در این باره ملاقات داشته اند؟ آیا با عمادالدین باقی و انجمن دفاع از حقوق زندانیان گفتگویی داشته اند؟ همه زندانیان مشتاقند تا جواب این سوال ها را بدانند!

زندانیان زندان های اوین، رجایی شهر، فزل حصار، ندامتگاه مرکزی کرج، خورین ورامین و چرمشهر

فراخوان مقاله

## **\*796- سمینار كودك كار و آینده:**

14 تیر ماه 1387- ساعت 14 الي 20

گروه فرهنگی- اجتماعی کیانا ( ساماندهی و آموزش به کودکان کار در سطح کرج و اطراف (با همکاری معاونت اجتماعی و فرهنگی شهرداری کرج به منظور شناخت و حساس زایی در زمینه کار کودک، سمینار علمی را در تاریخ جمعه 14 تیر ماه 1387 برگزار می نماید. از اساتید، کارشناسان، دانشجویان و دیگر افرادی که در این زمینه قادر به نگارش مقاله هستند درخواست دارد تا مقالات خود را به روش های ذکر شده، به این سمینار ارسال نمایند .

موضوعات مقالات عبارتند از:

کودک کار

آموزش و پرورش کودکان کار، چرا؟

روانشناسی کودک کار

کودک کار از نگاه جامعه شناسی

کودکان کار امروز

قوانین و کودکان کار

شرایط ارسال مقالات:

عزیزان علاقه مند به نگارش مقاله، می بایست مقاله خود را به صورت تایپ شده به ایمیل سمینار و یا با پست پیشتاز به آدرس ذکر شده در انتهای این فراخوان ارسال نمایند.

آخرین مهلت ارسال مقالات به ستاد اجرایی سمینار تا تاریخ 5 تیر ماه 1387 می باشد

مقالات ارسالی در کتابچه ویژه سمینار به چاپ خواهد رسید .

به سه مقاله برتر در این سمینار جوایز نفیسی اهدا خواهد شد .

ثبت نام سمینار از تاریخ 28/3/87 لغایت 8/4/87

برنامه سمینار:

سخنرانی اساتید و کارشناسان مهمان

ارائه مقالات برتر به صورت حضوری

برگزاری نمایشگاه جانبی

نمایش فیلم و تیزر در زمینه کودکان کار

اجرای موسیقی

آدرس :

ستاد اجرایی سمینار: کرج- خیابان بهار- روبروی برج سبز- کوچه داودزاده- پلاک 1

تلفکس :

2232029-0261

www.kiyana.ir



## 797- گزارش نشست دو روزه ی شورای مرکزی تشکلهای معلمان ایران :

کانون صنفی معلمان ایران

به گزارش سایت سلام دمکرات در تاریخ 31 خرداد 87 ف و به نقل از کانون صنفی معلمان ایران – تهران :

به نام خداوند جان و خرد

گزارش گرد همایی دو روزه ی شورای مرکزی کانون های صنفی ایران

پنجشنبه بیست و سوم و جمعه بیست و چهارم خرداد 87 – اصفهان

رسید مژده که ایام غم نخواهد ماند / چنان نماید ، چنین نیز هم نخواهد ماند

فرهنگیان ، سروران گرامی:

علی رغم فضای سست و آکنده از فتور کنونی ، همکاران فعال صنفی شما مجدداً با شور و حال فراوان از اقصی نقاط کشور با عشقی وافر به تمام خوبی ها ، گرد هم آمده تا به دور از هرگونه اندیشه ی غیر صنفی بدنبال یافتن راه کارهایی برای برون رفت و خروج از این شرایط سخت معیشتی – منزلتی بیابند و به آن هایی که به گمان خود تیر خلاص حرکت های صنفی را زده و بر طبل نابودی ما می خواهند بکوبند بگوییم که نفی تحرکات اجتماعی و کنش و واکنش های محتوم تاریخی در پروسه و فرایند جامعه یعنی عدم شناخت صحیح ، یعنی نشناختن دریا ، یعنی نفی خورشید .

(طرف ما شب نیست / صدا با سکوت آشتی نمی کند / کلمات انتظار می کشند)

همکاران گرامی

بزرگترین دستاورد گردهمایی دو روزه فرهنگیان در اصفهان تجدید مودت بود و زدودن غبار کدورت هایی که احیاناً بر دلهایمان نشسته بود و بر خلاف انتظار بدخواهان، تجدید و تحکیم دوباره ی برادری ها و پیمان ها.

عزیزان

دوستان شما در این دو روز ضمن بررسی و تحلیل فضای حاکم بر آموزش و پرورش موارد ذیل را مطرح کرده و بر اجرای آن ها تاکید نمودند:

الف) عدم یاس و دلسردی از وضعیت کنونی

ب) عدم تجلی آشکار فعالیت های ما به معنی انفعال و بی حرکتی نیست بلکه فرصتی است برای باز سازی و تجدید قوا برای حرکت های بعدی.

پ) باید به هر نحو ممکن از همکاری که در راه فعالیت های صنفی به نوعی دچار آسیب شده اند پشتیبانی و دلجویی کرد.

ت) تبعیت از آرای شورای مرکزی و هماهنگی ، که به طرق مختلف به نظر تان خواهد رسید.

ث) با توجه به شرایط موجود حرکت هایی پیشنهاد می شود که کاهنده ی هزینه های فرهنگیان باشد .

ج) دوری از تفرقه و تشتت و بالا بردن آستانه ی تحمل اندیشه ی مخالف

چ) شناسایی عده و عده ی کانون ها و سپس آمادگی جهت اجرای برنامه های بعدی.

ح) تاکید و اصرار بر روش تعامل با مسئولان و نه تقابل.

خ) ضمن احترام به آرا و اندیشه های دیگر همکاران فعال صنفی ، عدم عدول و خروج از محدوده ی فعالیت های مصوب صنفی را سبب جلوگیری از تفرقه می دانیم.

د) ایجاد بستر مناسب برای ارتباط مداوم و مستمر با اتحادیه ی جهانی معلمان (EI).

ذ) ایجاد اتاق فکر و استفاده و بهره مندی از اندیشه و نظرات تمام همکاران فعال که این مطلب را سبب تقویت بنیه تشکل ها می دانیم .

ر) تغییر روش ها را مساوی با تغییر اهداف و استراتژی قلمداد نکنیم .

بنابر موارد و نظرات پیشنهادی دوستان استراتژی کنونی کانون ها و تشکل های صنفی به قرار زیر تدوین گردید .

1) پافشاری بر اصل تعامل و گفتگو با مسئولان بلند پایه ی منطقه ای و کشوری.

2) ورود به عرصه ی فعالیت های کشوری و جهانی.

3) پرهیز از حرکت های تشنج زا و تعیین محدوده ی خط قرمز فعالیت های صنفی.

4) ایجاد صندوق حمایت از آسیب های صنفی و آسیب دیدگان .

در پایان لازم می دانیم یادآوری کنیم که همه همکاران عزیز با مطالعه ، بررسی و ارائه ی پیشنهاد و راه کارهای خود جهت برون رفت ، سازماندهی ، و تجدید فعالیت ، ما را راهنمایی نموده و امیدواریم با عضویت رسمی خود در کانون ها و تشکل های صنفی زمینه ی تقویت فعالیت ها را فراهم آورند .

با سپاس فراوان

شورای مرکزی کانون های صنفی ایران

## 798 - بیکاری خیاط ها در پی افزایش قیمت پارچه :

به گزارش دسترنج در 31 خرداد 87 ، رضا کنگرانی فراهانی از اعضای سندیکای کارگران خیاط گفت : امسال بر خلاف سالهای گذشته اکثر تولیدی های پوشاک هنوز شروع به کار نکرده اند.

وی یاد آور شد : هر سال از اواخر اردیبهشت ماه فعالیت تولیدی های پوشاک برای دوخت البسه زمستانی شروع می شد ؛ امسال به دلیل افزایش بی سابقه بهای مواد خام، اکثر تولیدی ها هنوز فعالیت خود را شروع نکرده اند.

به گفته فراهانی این تاخیر به دلیل تعللی است که تجار و کسبه برای خرید پارچه و نخ مورد نیاز از تولید کنندگان داخلی و یا خارجی دارند ، است .

به گفته این فعال کارگری بیش از 100 هزارکارگر در خیاط خانه های استان ترهان مشغول به هستند. وی گفت ؛ در خوش بینانه ترین حالت این کارگرها ، از نیمه تیر ماه فعالیت خود را از سر خواهند گرفت .

## \*799- بیانیه دانشجویان سوسیالیست

پیرامون وضعیت کنونی جنبش دانشجویی و مباحثات اخیر در چپ دانشجویی

1)

اتفاقات آذرماه سال گذشته و ضربه گسترده نیروهای امنیتی نتایج متناقضی را برای چپ دانشجویی به بار آورده است: از یکسو این ضربات به ضربه خوردن و عقب نشینی ملموس چپ (به طور مشخص در تهران) منجر شده است و از سوی دیگر با آشکار نمودن بخشی از پتانسیلهای گسترده اما نهفته چپ (به ویژه در شهرستانها) نشان داد که بستر و زمینه عینی برای تفکر و جنبش سوسیالیستی در ایران فراهم شده است که جلوه هایی از آن را می توان در اعلام موجودیت محافل و کانونهای چپ در مراکز دانشجویی و بین فعالین اجتماعی در شهرستانها مشاهده نمود. این نتایج متناقض به ایجاد نوعی ناموزونی، پراکندگی و آشفتگی در کلیت حرکت نسل جدید چپ در ایران منجر شده است. دستاوردهای دموکراتیکی که چپ ظرف مدت نسبتاً کوتاهی به حکومت تحمیل نموده بود از دست رفته است و این مهمترین بعد عقب نشینی ناشی از ضربه آذرماه سال گذشته و محتوای اصلی آن است. گجی و سر در گمی موجود بین فعالین چپ در تهران (که خواه ناخواه بمتابیه راس و سر هر جریان شناخته می شوند و سابقه بیشتری دارند) و پراورزی ولی نوپا بودن چپ در شهرستانها (به همراه کم تجربگی ای که همزاد هر حرکت نوپایی است) و فقدان مکانیزم جاافتاده و شناخته شده ای برای تاثیر گذاری این دو بخش بر هم از پروژات چنین ناموزونی است. به هر حال دستیابی به تحلیل جامع، منسجم و روشنی از کارنامه و تجربه چند سال گذشته چپ (به طور مشخص در تهران) و علل عقب نشینی تحمیل شده که خطوط اصلی چشم انداز استراتژیک آینده را نیز روشن خواهد ساخت از ملزومات آغاز دور جدیدی از فعالیت چپ، کسب اعتماد توده دانشجوی و به دست آوردن مجدد درجه ای از آزادیهای دموکراتیک است. در یک ماه اخیر بحثهای مفید و مثبتی در این زمینه آغاز شد که با ایجاد جنجالهای کاذب از سوی جمعی از هوچی گران سکتاریست مواجه شد. جماعتی که نفع خود و فرقه متبوعه خویش را در شفاف نشدن جریانات و مباحثات می دانند و بعضاً با اعمال سکتاریستی خود از زمینه سازان وارد آمدن ضربه سال گذشته بوده اند آگاهانه از پیشبرد چنین بحثهایی در یک فضای سالم و مثبت جلوگیری می کنند. چپ دانشجویی (از گرایشهای گوناگون) باید اهمیت و ضرورت این مساله را بپذیرد که گذار از این مرحله و برداشتن گامهای بعدی جز با تحلیل شفاف و بی تخفیف کارنامه گذشته چپ ممکن نیست. آنهایی که طرح هر انتقادی به یک گرایش خاص در چپ دانشجویی و عملکرد آن در سالهای گذشته را به "در خط وزارت اطلاعات" بودن تعبیر می کنند، آنهایی که در دوره گذشته به فعالیتهای ضد جنبشی به نفع یک فرقه سیاسی خاص اشتغال داشته اند و از زمینه سازان اصلی وارد آمدن ضربه سال گذشته بوده اند نفع شخصی و فرقه ای خویش را در درجا زدن چپ در یک نقطه می بینند. این افراد و گرایشها بنا بر مصالح سیاسی نسل جدید چپ می بایست افشا و منزوی گردند.

2)

جنبش دانشجویی در سال جدید شاهد وقوع یک سلسله تحركات اعتراضی و توده ای موفق بود که نقاط اوج آن با اعتراضات دانشگاههای شیراز، سهند تبریز، تربیت معلم تهران و مورد اخیر در دانشگاه زنجان مشخص می شود. به نظر می رسد که با وقوع این اعتراضات فراگیر جنبش دانشجویی در حال از سر گذاردن تجارب پرارزشی است که نتیجه آن دستیابی به الگوی جدیدی برای فعالیت، اعتراض و مبارزه است که سیکل بسته الگوهای ناموفق و ناکام گذشته را می شکند و شکل جدیدی از مبارزه را پیش روی جنبش دانشجویی می گشاید که بر درکی واقع بینانه از خصایل، تواناییها و جایگاه جنبش دانشجویی و اوضاع جامعه متکی است و به همین خاطر پیروزی و موفقیت را به نسبت الگوهای قبلی به درجات زیادتری قابل حصول و در دسترس می سازد: اعتصاب توده ای در مجتمعهای دانشگاهی.

در یک سوی سیکل بسته فوق الذکر نوعی آکسیونیسیم (تبدیل برگزارى تجمع به مناسبتهای مختلف بمتابیه هدف اصلی فعالیت) قرار دارد که در جهت رادیکالیزه نمودن تجمع در محل و کشاندن آن به بیرون از دانشگاه یا خوابگاه تلاش می نماید که در عمل حرکت را در ریلی از اعتراضات بی هدف (و یا با اهداف عملاً غیر قابل تحقق) قرار می دهد و با ناکام ماندن و سرکوب توسط دستگاههای سرکوبگر در غالب موارد (که معمولاً با موج گسترده ای از بازداشت و احضار فعالین به نهادهای انضباطی، امنیتی و قضایی همراه است) به ایجاد جو یاس و دلزدگی در بدنه دانشجوی و بخش وسیعی از فعالین سیاسی منجر می گردد. در سمت دیگر این سیکل، سیاست داخل شدن و ورود به نهادهای زرد و وابسته به حاکمیت (که در سنت چپ به این سیاست، انتریسیم اطلاق می شود) نظیر انجمنهای اسلامی در جهت تسهیل تماس با بدنه دانشجوی و استفاده از ابزار و امکانات این نهادها قرار دارد که علاوه بر اینکه فعال سیاسی مستقل و غیرحکومتی را (به ویژه فعالی که خود را چپ و انقلابی می داند) در معرض تناقضات هویتی و سیاسی و ایدئولوژیک قرار می دهد، با توجه به تضعیف شدید و از موضوعیت خارج شدن انجمنهای اسلامی، در شرایط کنونی اساساً توجیهی ندارد.

با توجه به تجارب اخیر به نظر می رسد " اعتصاب توده ای در مجتمعهای دانشگاهی " حلقه گمشده تاکتیکی و سبک کاری ای است که می تواند جنبش دانشجویی را از بن بست فوق خارج کند و در مسیر مناسب مبارزاتی قرار دهد .

خصلت برجسته این شیوه از مبارزه در آن است که تحرکات دانشجویی را از حالت الیستی (نخبه گرایانه ) خود که در سالیان اخیر عملاً فعالیت و مبارزه را در بین لایه نازکی از دانشجویان متشکل از دانشجویان فعال در امور سیاسی محدود ساخته است و وجه مشترک هر دو الگوی فوق الذکر است خارج می سازد و با جذب بدنه دانشجو به روند مبارزات و سازمان دادن اعتراض توده ای ، جنبش دانشجویی را بیش از پیش به هیات یک جنبش اجتماعی واقعی در می آورد . برای تامین و تداوم چنین ویژگی ای عطف توجه به مطالبات و نهادهای صنفی بمثابه بستر و ظرف اصلی فعالیت در دوره و شرایط کنونی ضروری است . به راه انداختن اعتصاب توده ای برای تحقق مطالبات گوناگون دانشجویی که خود در طبیعی ترین و خود انگیزه ترین شکل نیز به درجاتی از سازماندهی و برنامه ریزی و هماهنگی متکی است ، بستر و فضا را برای طرح مساله اساسی و بنیادین جنبش دانشجویی یعنی "تشکل " و اقدام عملی برای آن در جنبش دانشجویی مهیا می سازد و ضرورت عینی آن را برای بدنه دانشجو روشن می کند . به علاوه اعتصاب توده ای شکلی از مبارزه است که بر درک درستی از خصایل ، تواناییها و جایگاه جنبش دانشجویی بنا شده است . جنبش دانشجویی در یک سیستم مختنق از یکسو بمثابه حیطه پر تکاپو ( به نسبت بخشهای دیگر جامعه ) و پیشتاز عمل می کند و از سوی دیگر به دلیل جایگاه عینی خود توانایی تبدیل شرایط غیر انقلابی به انقلابی در جامعه و ایجاد تحولات بنیادین را با هر درجه ای از اعتراض و عزم و اراده ندارد . با توجه به بافت اجتماعی تشکیل دهنده این جنبش ، این وضعیت تا حدودی پارادوکسیکال ممکن است جنبش را - همانطور که پیشتر اشاراتی شد - در برخی مقاطع در مسیری از اعتراضات گسترده و رادیکال اما فاقد مطالبه و برنامه ، چرخه ای از تعرضات مداوم و پی درپی اما بی نتیجه قرار دهد ( مواردی مانند اعتراضات 18 تیر 1378 ، خرداد 1382 و خرداد 1385 در تهران ) . اعتصاب توده ای اما شکلی از نبرد است که دو طرف بر سر مساله معینی می جنگند . هر دو طرف نقاط قوت و ضعفی دارند و طرفی پیروز می شود که تمام قدرت خود و شرایط مساعد پیرامونی را با نقشه و برنامه و به شکلی سنجیده حول گرگانههای مشخصی بسیج نماید و از این طریق بر روی نقاط ضعف حریف چنان فشار مستمری بیاورد که او ناگزیر از سازش و تسلیم گردد . تشخیص اینکه یک اعتصاب معین در تمرکز بر روی کدام نقطه حساس حریف و تحت چه مجموعه شرایطی می تواند او را به سازش یا تسلیم بکشاند مساله کلیدی هر اعتصاب است که رهبران و نمایندگان عملی یا منتخب اعتصاب کنندگان در هر مجتمع دانشگاهی باید با درایت لازم و در فضایی دور از هیجان به آنها پاسخ گویند . علاوه بر این صاحبان قدرت به هر اقدامی دست می زنند تا سلاح اعتصاب توده ای را کند سازند و از کار بیاندازند . ایجاد تردید و تفرقه در بین اعتصاب کنندگان ، توسل به پلیس و سرکوب ، بازداشت یا اخراج رهبران ، ارباب ، وقت کشی به منظور ایجاد استیصال و ... از شیوه های رایج در این زمینه هستند که اعتصاب کنندگان و رهبران و نمایندگان آنها باید جهت خنثی کردن آنها نیز تدابیری بیاندیشند و در نبرد تاکتیکیها ابتکار عمل را به دست بگیرند . کارایی یک اعتصاب در استحکام آن است . ما از فعالین چپ و سوسیالیست در هر مجتمع دانشگاهی در سراسر کشور در خواست داریم تا ضمن بر توجه به مسایل و نهادهای صنفی که امکان ارتباط با توده دانشجو را به شکلی مناسب فراهم می سازند ، به سیستماتیزه کردن درسهای تجمعات و اعتصابات توده ای موفق اخیر به منظور استخراج الگویی مناسب جهت سازماندهی و هدایت مبارزات دانشجویی و خروج از بن بست مبارزاتی بپردازند .

3

با انقراض سیاسی و تشکیلاتی انجمنهای اسلامی و قرار گرفتن لیبرالها بر دوراهی تبدیل شدن به دنبالچه روشنفکری مافیای سیاسی - اقتصادی کارگزاران و رفسنجانی و یا یک فرقه ایدئولوژیک ، چپ به تعیین کننده ترین عنصر ذهنی در جنبش دانشجویی بدل گشته است . بدون عروج مجدد و نیرومند چپ در جنبش دانشجویی تحرک توده دانشجویان از توش و توان خواهد افتاد . از سوی دیگر تحصیل مجدد دستاوردهای دموکراتیک در جنبش دانشجویی این بار اساساً در دل تحرک توده ای دانشجویان امکان پذیر است . بدیت ترتیب فعالین دانشجویی چپ و جنبش توده ای دانشجویان در نیاز متقابل و ناگسستگی نسبت به یکدیگر به سر می برند . در این میان طرح مقوله " تشکل " از یکسو و تبدیل دانشجویان چپ به سازمان دهندگان و رهبران اعتصابات عمومی دانشجویان می تواند بمثابه دو حلقه اتصال فعالین چپ و سوسیالیست به بدنه دانشجویی عمل کند . از الزامات هر دوی این مسیرها ، جلب اقشار گوناگون دانشجویی و ایجاد ، حفظ و تحکیم رابطه با آنان می باشد که جز از طریق طرح وسیع و مبارزه برای خواسته های بنیادین اقتصادی ، رفاهی و " صنفی " میسر نیست . بر این مبنا فعالین چپ و سوسیالیست همواره با به یاد داشتن خصایل ، تواناییها و جایگاه جنبش دانشجویی و توجه به روش اعتصاب توده ای برای پیشبرد مبارزه و الزامات موفقیت آن ، به جنبش دانشجویی نه بمثابه یک قوه قهریه برای انقلابی نمودن اوضاع و سرنگون ساختن حکومت که به عرصه ای برای کسب هژمونی می نگرند . کسب هژمونی نیز نه از طریق رقابت بر سر هدایت و کنترل دالهای شناور در عرصه گفتمانی که از طرفی نظیر تعریف و تثبیت مطالبات اصلی توده دانشجویان به روایت سوسیالیستها ، تثبیت اصول کار متشکل و در عین حال غیر بوروکراتیک و متکی به آگاهی و مشارکت توده دانشجویان ( مساله "

مجادلات اخیر در بین فعالین دانشجویی چپ به حملاتی از سوی برخی فعالین دارای گرایش مشخص در داخل و خارج از کشور به دانشجویان سوسیالیست و انگ و برچسب زنی و افترا به این گرایش گردید . برخی از آنها می گویند که " دانشجویان سوسیالیست " مصنوعاً خلق شده اند و تنها در فضای مجازی حضور دارند . ما به آنها می گوئیم که دلیلی برای اثبات وجود خودمان به آنها نمی بینیم . بعد از گذشت چهار ماه از اعلام موجودیت ما مراکز ثقل ما در مناطق مختلف در حال شکل گیری اند . ما تا کنون موجودیت خود را عمدتاً با سلاح نقد مان به دیگران نشان داده ایم . اگر مفتریان عجله نکنند ، نوبت اثبات آن از طریق نقد سلاح نیز فرا خواهد رسید . ما تلاش می کنیم گامهایمان را آرامتر اما سنجیده و محکم برداریم و عجله ای نیز برای دستیابی به یک قدرت پوشالی نداریم . دانشجویان سوسیالیست در بدترین دوران هزیمت " دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب " در اثر سرکوب حکومت ( که کل گرایشهای چپ دانشجویی در تهران را به محاق برد ) از یکسو و حماقت و بی مسئولیتی برخی از رهبران آن ، اعلام موجودیت نمود و اجازه نداد که در تیره ترین روزها راه نسل جدید چپ بی رهرو بماند . اعلام موجودیت ما در ابتدا ( در بیانیه دوم ) با حسن نیت تمام - و در حالی که از چند و چون مسائل چپ در تهران خبر نداشتیم - به عنوان گرایش مشخص و منسجمی در دل جریان " دانشجویان آزادی خواه و برابری طلب " صورت گرفت اما با وقوف به عمق و دامنه سیاستهای نادرست و سکتاریستی بخش محدود اما بسیار موثری از رهبران این گرایش و بی مسئولیتی فاجعه بار آنها و تداوم یافتن آن سیاستها ، تصمیم گرفتیم تا برای همیشه حساب خود را از این جریان جدا ساخته و به شکلی کاملاً مستقل به فعالیت بپردازیم . بر این اساس نقطه عزیمت ما به هیچ وجه خصومت با گرایش دیگری در چپ دانشجویی نبوده است اما در مسیر پیشروی خود با هدف تثبیت استراتژی سوسیالیستی در جنبش دانشجویی و برقرای هژمونی سوسیالیستی در آن ، بدون هراس از جوسازی و انگ زنی هوچی گران قاطعانه به از سر راه برداشتن موانع خواهیم پرداخت . برخی می کوشند با قیاس کردن ما با وضعیت گرایشی دیگر در چپ دانشجویی ما را به احزابی در اپوزیسیون چپ در خارج از کشور منتسب نمایند . ما همانطور که پارها اعلام کرده ایم ضمن اعتقاد به اصل حزب و لزوم آن برای جنبش سوسیالیستی ، فعالیت خود را حول چشم انداز مشترکی از استراتژی سوسیالیستی و نه گرایشها و تعلق خاطرهای حزبی و گروهی و افراد سازمان داده و خواهیم داد . در این راستا نسبت به تفتیش عقاید افراد برای کشف تمایلات حزبی و گروهی آنها نیز دست نخواهیم زد اما به شکلی بدون تخفیف در راه طرد و منزوی ساختن حزب و گروهی که به فعالیت ضد جنبشی و فرقه ای دست بزنند و به بهای ضربه زدن به جنبش ، منافع خاصی برای خود تسهیل نماید خواهیم پرداخت ( چنانکه تا کنون در یک مورد و در مورد یک حزب خاص این مساله به اثبات رسیده است ) . ما به تمام رفقای چپ و سوسیالیستی که خود را در این افق استراتژیک با ما سهیم می دانند درود می فرستیم و از آنان می خواهیم که برای شکل دادن به صفی منسجم و پرشمار در راستای خطوط مبارزه طبقاتی در جنبش دانشجویی به ما بپیوندند .

**زنده باد سوسیالیسم**

**دانشجویان سوسیالیست دانشگاههای سراسر کشور**









